

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرزمین اسلام

نویسنده : غلامرضا گلی زواره

Translation Movement

.IRMS

منبع : کتابخانه فکری تبیان

www.IRPDF.com

بزرگترین منبع کتابهای الکترونیکی رایگان

بسم الله الرحمن الرحيم

...بیریدون لیطفوا نور الله بافواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون - هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون (سوره صف آیات ۸ و ۹)

خواهند خاموش کنند نور خدا را با دهانهای خویش و خداست کامل کننده نور خویش اگر چه ناخوش دارند کافران - اوست آنکه فرستاده پیامبر را به رهبری و کیش حق تا چیره گرداندش بر همه کیش های دیگر اگر چه مشرکان اکراه دارند.

طلوع ارزشها

جهان بر لب پرتگاه سقوط و مردم در آتش جهل و خرافات می سوختند. انحطاط اخلاقی و تیرگیهای شرک و بت پرستی، بینشهای غلط مذهبی، بی عدالتی و نابرابری، سایه شوم خود را بر سراسر گیتی افکنده بود. جزیره العرب بدون مبالغه، منجلاب بدبختی و کانون فساد و ستم بود. پیوندهای امور از هم گسیخته و آتش جنگهای قبیله ای از هر سو زبانه می کشید. نشاط و شادابی از روان مردم رخت بر بسته بود. دلها پر از ترس و روانها پریشان بود و روزنه نجاتی برای محرومین و تشنگان معرفت وجود نداشت.

در این هنگام، جویندگان حکمت و شیفتگان حقیقت در انتظار فجر امید و صبح صادق، به سر می بردند و طالب فجری بودند که تیرگیهای ستم و ظلمات توحش و آلودگیهای ناشی از رذالتها را در هم نوردد. آنان لحظه شماری می کردند که وجودی ملکوتی و شخصیتی آسمانی، جهان را از این ضلالت آشکار و پژمردگی و حرمان برهاند و انسانها را به ساحل نجات و رستگاری برساند و نیز نیازمند وجودی بودند که بر اثر ارتباط با عالم غیب و انقلابی ژرف و همه جانبه، انسانها را بسوی زندگی نوین که توام با سعادت و معنویت است رهنمون سازد.

سرانجام روز موعود فرا رسید و وعده های الهی تحقق پذیرفت. بعثت پیامبر اسلام(ص) همچون آذرخیی کویر منحن و خفقان گرفته انسانیت را پرتوافشانی نمود و طلیعه وحی با فرمان قاطع «اقرا» نمودار گشت و موجی از نور الوهیت در غار حرا برخاست و جام جان حضرت محمد(ص) را لبریز از معنویت و روانش را از انوار معرفت مبهج نمود. آن بزرگوار بر اثر ارتباط با جهان غیب از طریق وحی راز و رمز آفرینش و اسرار وجود را آموخت و دفتر کتاب هستی را فرا گرفت. قرآن کریم بر قلب مبارکش نازل گردید و چشمه همیشه جوشان و جویبار زلال توحید را در عمق روانش جاری ساخت تا از این طریق و با تمسک به قوانین جاودانی، این کتاب مقدس که هرگز گرد کهنگی و غبار زمان بر آن نخواهد نشست تشنگان حقیقت را به فطرت خود بازگردانیده

و جاده کمال را پیموده، لقاء حق را طالب گردند. کتابی که هدایتی است برای گمراهان و حکمتی است برای صاحبان خرد و اندیشه. آری سرزمین حجاز مرکز تابش انوار تابناک وحی گردید و زنجیرهای اسارت که افکار انسانها را منجمد نموده بود یکی پس از دیگری از هم گسست. تبعیض و تجاوز، عداوت و دشمنی و استثمار و بهره کشی از قاموس انسانها حذف گردید. رحمت و برکت به انسانها روی آورد، آرامش و امنیت نیز ارمغان این انقلاب معنوی بود.

گسترش اسلام

مشرکین، ملحدین و غرض ورزان، خفاش صفت تحمل انوار قدسی و خورشید پرفروغ اسلام را نداشتند. لذا در صدد آن بودند تا موانعی بوجود آورند و از این طریق شیفتگان حق را از چنین بارقه ای محروم کنند و در تعقیب نیات پلید و افکار شومشان کارشکنی ها، شکنجه ها و تحریم های اقتصادی آغاز شد. فشارهای سیاسی و مجازات های خشن شروع گشت و یاران با وفای پیامبر مدتها اثرات رقت بار و شکنجه های جانکاه و ستمگریهای مشرکین را لمس نمودند اما تحت تعلیم و تربیت مکتب آسمانی اسلام دلهایشان که مشحون از نورانیت بود با تنفر شدیدی از بیدادگران نیز توأم بود و بر خلاف تحرکات سیاسی و عملیات تهاجمی مذکور با مجاهدت پیامبر اسلام(ص) و اهتمام یاران مؤمن و وفادارش و ایثارگری و رشادتهای سربازان نامی اسلام، آئین جاوندانی و حیات بخش اسلامی مرزهای عربستان را در نوردید و متوجه دیگر نقاط جهان گشت. برای ملت‌های دیگر که در زیر شکنجه و استثمار قدرتهای تحمیلی و حکومت‌های فاسد همچون اسیران و بردگان و مهیج تر از نغمه رهایی بخش اسلام نبود و تعالیم اسلام چون مشعل فروزانی قلوب آنان را روشن ساخت و دل‌های ستمگران را به لزه درآورد و قلب‌های بی جان محرومین و بدین گونه اسلام که در آغاز، در جامعه ای کوچک انتشار یافته بود می رفت تا به صورت آئین جهانی و همه گیر درآید. در سراسر گیتی نغمه توحید انتشار یافت و گلبانگ فرحزای الله اکبر از فراز ماذنه ها، در جای جای کره ارض طنین افکن گردید. و صلاهی توحید در همه جای متداول شد.

Translation Movement
JMS

عوامل پیروزی

قطعا آنچه که علی رغم میل باطنی مخالفین و کارشکنی های مشرکین و تبلیغات مسموم و زهرآگین معاندین، موفقیت و پیروزی این عقیده را موجب گردید در درجه اول الهام گرفتن آن از کانون وحی و ارتباط آن با بنیان گذار هستی و خداوند جهانیان بود. آئینی که فطرت تمامی انسانها بر آن بیناد نهاده شده و به اندیشه و خرد و تفکرات منطقی بها می دهد و انسانها را دعوت به تفکر و تعمیق در مسائل هستی می نماید و عقل و عاطفه را درهم می آمیزد و قلوب را فتح می نماید طبیعی است که به چنین موفقیت شگرف و اعجاب برانگیزی دست می یابد. وحدت مسلمین با یکدیگر و اجتناب از تفرقه (بنابر توصیه های مؤکد پیامبر اسلام «ص») همچنین خوش رفتاری و روش مسالمت آمیز مسلمانان در هنگام تبلیغ اسلام و دعوت مردم به این آئین و برخورد نیکو حتی با افرادی که به آنها تعدی نموده بودند، عامل دیگر از این پیشرفت سریع بود. علاوه بر این عوامل که

مربوط به محتوای اسلام و رفتار مسلمانان بود و صرف نظر از درستی و اصالت محتوای این آئین و خصلت‌های عالی مسلمین که از عوامل درونی نشر اسلام در جهان بود شرایط و اوضاع حاکم بر جهان، مردم را به پذیرش آئین مذکور علاقمند می نمود زیرا بیداد و ستم و جهل و خرافات آنچنان تیره گی پدید آورده بود که تنها نور اسلام می توانست این تیرگی ها را منهزم کند و آلودگی ها را محو سازد.

مبلغین مسلمان به هنگام نشر اسلام، به ستیز با عوامل ظلم و ستم و نبرد با جهل و رفع تبعیض ها و تضادها تاکید می ورزیدند و از مظلومین و محرومین حمایت کرده و به آنان عدالت و دادگری و مساوات را نوید می دادند که این عوامل نیز بر تعداد گروندگان به آئین اسلام می افزود. سرانجام مسلمین با تکیه بر قرآن و تعالیم نورانی و رهائی بخش به نحو قابل توجهی پیشروی نموده و تمدن شکوفا و گسترده ای را که بر معارف اسلامی متکی بود بنیاد نهادند و در طول تاریخ، بخشهای وسیعی از آسیا و آفریقا و حتی اروپا توسط مسلمین اداره می گردید و بدین گونه شعاع جانبخش اسلام در اعماق تاریکیهایی که بشریت گرفتار آن بود نفوذ نمود و قدرتهای مهاجم را به عقب نشینی وادار ساخت و سربلند و پیروز جلوه گر نمود. هر موقع که مسلمانان به قوانین اسلام تمسک جسته اند و با معنویت پیوند برقرار کرده اند احساس عظمت نموده و اقتداری را بدست آورده اند که در پرتو آن هرگونه سلطه سیاسی و اقتصادی را وادار به عقب نشینی نموده و عوامل نیرنگ و فتنه را منهدم نموده است. اما هنگامی که مسلمین از فرهنگ اسلامی فاصله گرفته اند و وحدت و اتحاد خود را از دست داده و دچار تفرقه گردیده اند، شکوه و اهتزاز خود را با شکست مواجه ساخته اند.

هجوم به سرزمین های اسلامی

غرب از همان زمانی که دولت اسلامی در اندلس و نواحی جنوب اروپا تاسیس شد به دشمنی با اسلام و مسلمین برخاست و به طرز وحشیانه ای تشکیلات اسلامی را درهم کوبید. در جنگهای صلیبی نیز تهاجمات وسیعی را بر علیه مسلمانان ترتیب داد و پس از آن غرب که از اقتدار دولت عثمانی بشدت متوحش شده بود با ایجاد دسیسه ها و ترتیب دادن توطئه هایی به تجزیه این دولت قدرتمند پرداخت و موجبات فروپاشی آن را فراهم ساخت و پس از آن به منظور بدست آوردن مواد خام، برای کارخانجات صنعتی و تامین بازار محصولات خود به سرزمینهای غنی و سرشار اسلامی چشم دوخت که در اولین قدم نیروهای معنوی و قدرتهای مذهبی را سد راه خود می دید برای کوبیدن آنها تهاجم فرهنگی وسیعی را بر علیه این سرزمینها ترتیب داد و فرهنگ فساد و فحشاء توسط ایادی استعمار و استکبار در بین ملت‌ها مسلمان ترویج گردید. فرهنگ مصرف زدگی روز به روز ملت‌های مسلمان را در مرداب وابستگی فرو برد. سلطه سیاسی استکبار بوسیله حکومت‌های دست نشانده و خودکامه در نقاط مسلمان نشین تثبیت گردید و بدین گونه استعمارگران سرزمینهای مسلمان را قطعه قطعه کرده و در تمام ابعاد، بر آنها سلطه یافتند و چون مردمان این نواحی با عقیده مذهبی پیوند ناگسستنی داشتند و اسلام در اعماق روانشان ریشه دوانیده بود و نمی توانستند در فرصتی کوتاه آنان را از معنویت جدا سازند لذا از طریق دیگری وارد شدند و آن این بود که جنبه های ظاهری و تشریفاتی مذهبی را حفظ کردند و تعالیم

اساسی را که موجودیت واقعی دین بدان وابسته است از دین گرفتند و بین مسائل سیاسی و اجتماعی مردم از یک سو و مذهب از سوی دیگر انفکاک ایجاد کردند. از این رهگذر حیل‌های استعمار تأثیر خود را بر فرهنگ مسلمین بخشید و پیروان همان آئینی که سلطه کفار را محکوم می‌کند و مسلمانان را به خشونت بر علیه متجاوزین تحریک می‌نماید و همانها که به تعبیر قرآن بهترین امت بودند دروازه‌های خود را به سوی مهاجمین غربی گشودند و تسلیم فرهنگ غرب شدند. و با تبلیغات وسیع و گسترده و فراموش نمودن هویت خویش که مهمترین سلاح استعمارگران بود پیوند خود را با معنویت از دست دادند و فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده و آماده پذیرش فرهنگ غرب شدند. نتیجه چنین حرکتی منجر به آن شد که در طول بیش از دو قرن کشورهای اسلامی به سفره بی‌مانع و رادعی برای غارتگران غربی شد و آنان علاوه بر غارت منابع و ذخائر مسلمانان فرهنگ و موارث اصیل آنان را مخدوش کرده و مسلمین را از توسعه علمی و فرهنگی بازداشتند. خادمین استعمار که امور مسلمین را اداره می‌کردند از دخالت مسائل مذهبی در شئون زندگی مردم جلوگیری بعمل می‌آوردند. و با کارشکنی‌هایی اجازه نمی‌دادند حقایق اسلامی آشکار گردد. با این وصف مردمان ساکن در کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی مبارزات سختی را بر علیه استعمار سامان دادند و در برابر قدرت بی‌رقیب استعمارگران قیام کرده و آنان را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های برحق خود نمودند. دول استعماری به منظور رهایی از موج جنبشهای مردمی گرچه در ظاهر به کشورهای مزبور استقلال دادند ولی با شکل جدیدی از استعمار بطور غیر مستقیم سلطه خود را بر سرزمینهای اسلامی ادامه دادند، بگونه‌ای که اکنون بیش از یک میلیارد مسلمان با وجود بهره‌مندی از ذخائر و منابع سرشار و قرار گرفتن در مناطق استراتژیک و سوق الجیشی، اغلب تأمین‌کننده منافع استکبار بطور غیرمستقیم هستند و حتی بدلیل تفرقه و تشتی که بر آنان حاکم است از مبارزه با غاصبین صهیونیست که آواره‌گی ملت مظلوم فلسطین را موجب شده عاجزند و غده سرطانی مذکور همچنان در قلب کشورهای اسلامی با مساعدت استکبار و رفتارهای حکام مرتجع عرب مشغول تحکیم مواضع خود می‌باشد.

Translation Movement

.IMS

جهان اسلام و موقعیت فعلی

در وضع کنونی، جهان اسلام با دشواریهای عمده‌ای روبرو است که در راس آن مسئله فلسطین می‌باشد و در نیم قرن اخیر همواره مهمترین مسئله جهان اسلام بوده است. وابستگی سران اغلب کشورهای اسلامی به استکبار جهانی، جهان اسلام را آشفته نموده و کشورهای مسلمان را به قدرتهای مزبور وابسته نموده است. کشورهای عربی و افریقای شمالی که از اکثریتی مسلمان برخوردارند و فرهنگ اسلام با تاریخ و سنتهای مردمان این نواحی عجین گشته است بطور اسف‌انگیزی شاهد سرکوبی شدید مبارزین مسلمان از سوی حکام دست‌نشانده و مرتجع واحدهای سیاسی مذکور هستند. در الجزایر به هنگامی که مسلمانان از طریق انتخاباتی کاملاً آزاد پیروزی بزرگی را بدست می‌آوردند حکام این کشور به سرکوبی آنان پرداخته و شخصیت‌های مذهبی را مجازات و شکنجه می‌نماید. در تونس و مصر هرگونه حرکت اسلامی و تلاش مذهبی بشدت سرکوب می‌گردد و قوای امنیتی خانه به خانه، مبارزین مسلمان را تعقیب می‌کنند و حتی تشکیلات مذهبی

باید با مجوز وزارت اطلاعات برپا شود و آنقدر مسلمانان در تنگنا هستند که مجال هرگونه تحرک مذهبی از آنان گرفته شده است. در کشمیر مسلمانان توسط قوای امنیتی هند به شهادت می‌رسند و جوانان آنها در زندانها، شکنجه‌های سختی را متحمل می‌شوند. صربها در بوسنی، هرزگوین در اقدامات خشن و وحشیانه‌ای به قتل عام مسلمانان پرداخته‌اند، با وجود فروپاشی کمونیسم، هنوز رسوبات آن مشغول کشتار شدید مسلمانان در تاجیکستان می‌باشند. مسلمانان آذربایجان توسط ارامنه قبل عام می‌شوند موحدین برمه توسط دولت بودایی این کشور به اجبار و زور از سرزمینهای خود رانده و به بنگلادش پناه آورده‌اند. مسجد بابر که پایگاه مذهبی مسلمانان هند است توسط هندوهای افراطی و با حمایت پلیس این کشور به تلی از خاک تبدیل می‌شود بسیاری از کشورهای دیگر دچار جنگهای داخلی، درگیریهای مرزی و نزاعهای قبیله‌ای هستند که سومالی و سودان نمونه بارز آنهاست مشکل دیگر اینکه در برخی از کشورهای اسلامی زمامداران، مرتکب محرمات اسلامی می‌شوند و از حدود الهی تجاوز می‌کنند به بندگان صالح تعدی نموده و مؤمنین را تحت فشار سختی قرار داده‌اند و با استکبار و مظاهر شرک و کفر و ستم همکاری دارند حکام این کشورها در جهت تامین منافع غرب و اجرای سیاست‌های مستکبرین سرزمینهای خود را از پیشرفت و توسعه بازداشته و فرهنگ و سیاست و نظام زندگی غیر الهی را بر مسلمانان تحمیل نموده‌اند در امور حکومتی و مسائل اجرایی و اجتماعی خبری از عوانین اسلامی نیست و حتی اکثر این کشورها در قانون اسای خود نامی از اسلام نیاورده‌اند. از سوی دیگر غرب می‌کوشد با تحریک احساسات ملی و ایجاد احساس خطر از ناحیه‌های مرزی و ایجاد تشنج در نقاط استراتژیک آرامش و امنیت خاطر را از مسلمانان گرفته تا مجال تفکر و اندیشیدن به مصالح جامعه در این سرزمینها پیش نیاید و نیروهای مسلمان در این ناآرامی‌ها از توان بیفتند کمکهایی که بسوی کشورهای اسلامی سرازیر می‌شود اغلب توسط عوامل حکومتی در جهت سرکوبی مسلمین و جلوگیری از جنبش‌های اسلامی به مصرف می‌رسد تبلیغات منفی بگونه‌ای است که با کمال تاسف، اکثریت کشورهای اسلامی به جای آنکه تمامی تلاش خود را در جهت مبارزه با دشمنان اصلی بخصوص صهیونیست بکار ببرند انقلاب اسلامی ایران را آماج حملات خود نموده‌اند و در تبلیغات وسیع و موضع‌گیریهای سیاسی و روابط بین الملل می‌کوشند ایران را تحت فشار قرار دهند که این حرکت از سوی استکبار و در راس آن امریکا برنامه‌ریزی و حمایت می‌شود.

رستاخیز اسلام

با وجود چنین ضایعات و مسائل اسف‌انگیزی که بر جهان اسلام سایه افکنده، در پرتو انقلاب اسلامی ایران، ارزشهای اسلامی در بین مسلمین زنده شده و نسیم آزادی بر آنان وزیده است و عده زیادی از مسلمانان با برپایی تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده در کشورهای عربی و آفریقایی خواهان اجرای احکام اسلامی هستند که چنین تحرکی هراس و نگرانی شدیدی را بر اردوگاه استکبار بوجود آورده است.

«ماروین روبنس» کارشناس مسائل ایران در دانشگاه شیکاگو می‌گوید:

«در اغلب کشورهای اسلامی، اسلام به عنوان وسیله ای جهت ضربه متقابل به غرب مورد استفاده قرار می گیرد آنان احساس می کنند که غرب طی ۱/۵ قرن گذشته آنان را از نقطه نظر اخلاقی و فرهنگی خلع سلاح کرده است.»

«جان دوگ انتونی» کارشناس مشهور مسائل خاورمیانه، اظهار می دارد.

«ما شاهد یک رفرم عظیم در جهان اسلام هستیم»

«مانفر دورنر» رئیس ناتو اعتراف کرد که:

«اسلام گرایی در آسیای مرکزی، خطری جدی برای ناتو است.»

وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام سیاسی - اجتماعی بر مبنای دین در ایران به رهبری امام خمینی (قدس سره) واقعه ای عظیم بود که جهان را متوجه دین ساخت و رشد معنوی بسیاری از مسلمانان را سبب گردید. بگونه ای که امروز آمادگی جهت پذیرش تفکر اسلامی و امکان گسترش فکر توحیدی در جهان بسیار بیشتر از گذشته است. این شعله امید که بر دنیای اسلام و جانهای مسلمین پرتو افکنده است با وجود تلاشهای استکباری برای خنثی نمودن آن، اثر خود را در تعدادی از کشورهای اسلامی بصورت جنبشهای مردمی در طلب حکومت اسلامی بروز داده است و بسیاری از ملت‌های مسلمان در راه تحقق بخشیدن به آئین توحید در زندگی خود با آفات این آئین که حاکم برخی کشورهای اسلام در راس آن می باشد مبارزاتی را آغاز کرده است که این حرکت امیدبخش زنجیر سلطه استکبار و سایر قدرتهای طغیانگر را از هم گسسته و صالحین و مؤمنان را به اقتدار خواهد رساند. رستاخیز اسلامی در نقاطی آغاز شده که بنیاد اقتصادی غرب را به دوش می کشد و مجاری تنفسی و ارتزاق تجاری اقتصاد غرب را بوجود می آورد و منافع سیاسی استکبار را تامین می کند. آسیای میانه، خاورمیانه، شمال و غرب آفریقا، آسیای جنوب شرقی و شبه جزیره بالکان چنین حالتی را دارد. در این نقاط هیجان اسلامی و عطش قوی مذهبی پدیدار شده که باید رهبری شود و در صورت اتحاد مسلمین حرکت مزبور جهان را مقهور قدرت عظمت و شوکت سیاسی خود می نماید که در صورت ادامه این وضع و بکارگیری استراتژی اتحاد و کنار گذاشتن مسائل تفرقه برانگیز و افزایش تحرک مسلمین، تمدن اسلامی بنیان گذاری می شود. بخش عمده ای از فشار استکبار بر انقلاب اسلامی ایران بر این خیال استوار بود که با شکست جمهوری اسلامی چنین تجربه ای در چشم مسلمانان کشورهای دیگر ناکام جلوه نماید و برق امیدی که از پیروزی انقلاب اسلامی روان آنان را روشن ساخته بود خاموش نمایند. غرب که در مقابل جریان فکری جدید و نهضت اسلامی به استیصال و درماندگی افتاده با غرض ورزی و نوعی تحجر عنوان بنیاد گرایی را به این حرکت عظیم داده است. طبیعی است که منشا این حرکت پیوندی فکری و فرهنگی مسلمین با گذشته ای غنی می باشد و قطع ارتباط با این گذشته سراسر عزت و اقتدار شخصیت مسلمانان را شکسته بود. ارتباط با معنویت و بازگشت به اسلام و قرآن سبب این حرکت عظیم گشته که اسلام را در متن زندگی مردم وارد می کند و جهان اسلام را از سرطان سلطه و زور نجات می دهد و ارزشهای اسلامی را احیاء

می نماید و سبب جریان بالنده ای در جهان اسلام می شود که خودباوری و اعتماد به نفس و احساس عظمت را برای مسلمین بدنبال خواهد داشت. بی جهت نیست که سران کشورهای مرتجع عربی به اندازه ای از نهضت‌های اسلامی آشفته می شوند که در حالی که مسائل مهمتری جهان اسلام را تهدید می نماید و فلسطینیان مبارز آواره می شوند و قوای امریکایی در سوماتالی به سرکوبی مسلمین می پردازند و صربها در منطقه بالکان سیلی از خون به راه انداخته اند، تنها حرکت اسلام خواهی مردم مسلمان در این کشورها برایشان خطرناک بشمار می آید و در نشستی، برای مقابله و مبارزه با اسلام گرایی، استراتژی پنج ساله ای را برنامه ریزی می کنند.

و اما نوشتار حاضر

بسیار باعث تاسف است که جهان اسلام با وجود مسائل زیاد، کمتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است و تعدادی آثاری که در خصوص مسائل جهان اسلام به صورت یکجا نگاشته شده به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسد. تنها نویسندگان فاضل و محقق معاصر جناب آقای مرتضی اسعدی مشغول تدوین دائرة المعارفی پیرامون کشورهای اسلامی هستند که تا کنون ۲ جلد آن انتشار یافته است. این مجموعه صرفاً سرزمین‌هایی را دربر می گیرد که اکثریتی مسلمان داشته و عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند و در مورد مشترکات جهان اسلام و مسائل کلی آن و نیز اقلیت‌های مسلمان در این کتاب مطالبی نیامده است و بنا به اظهارات نویسنده محترم در مقدمه جلد اول درباره چهل کشور مسلمان اطلاعات دقیق و وسیعی در قالب یک الگوی متعارف امروزی ارائه شده است. (۱)

اما نوشتار حاضر بنا به عقیده نگارنده به این شکل و با مشخصاتی که ملاحظه می شود طرحی نو می باشد زیرا با وجود اختصار و رعایت اجمال، در آن به کلیه کشورهای اسلامی و سرزمینهای مسلمان نشین، اشاره شده و جنبه‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و مسائل اجتماعی و جمعیتی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. شالوده این کار زمانی ریخته شد که نگارنده به عنوان دبیر دبیرستان در یکی از مناطق استان چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۶۳ مشغول تدریس جغرافیای کشورهای مسلمان بودم که در ضمن تدریس برای افزایش آگاهی خود و ارائه مطالبی جدیدتر و افزونتر از کتاب به دانش آموزان، به منابع و مآخذی، مراجعه می کردم و از همان زمان فکر تدوین این مجموعه در ذهنم منقوش گشت. (۲) و لذا در صدد تدوین منابع و اطلاعات گوناگون در خصوص سرزمین‌های اسلامی و نواحی مسلمان نشین برآمدم و از طریق جراید و نشریات، تازه ترین مسائل سیاسی، اجتماعی این نقاط را پی گیری نمودم و از سال ۱۳۶۹ به تدوین و تالیف کتابی تحت عنوان «سرزمین اسلام» پرداختن که در بهار سال ۱۳۷۰ آماده شد. اما بدلیل تحولات اساسی در مسائل جهان اسلام و پیدایش چندین کشور اسلامی در صحنه سیاسی جهان و دگرگونی‌های دیگر به جمع آوری منابع جدیدتر ادامه داده و از تابستان سال ۱۳۷۱ به بازنویسی نوشتار مذکور پرداختیم که از ۲۰۰ صفحه

به حدود سه برابر بالغ گردید و تغییرات اساسی در آن بوجود آمد به گونه ای که بین کتاب حاضر و نوشته قبلی با وجود آنکه در حدود یکسال از آن می گذشت تفاوت های اساسی مشاهده می شود.

طبیعی است که مراجعه به منابع متعدد و نشریات گوناگون و وحدت بخشی به مطالب متنوع و تالیف چنین اثری کار دشواری است و با وجود دقت و امان نظر مجموعه حاضر از اشکال و ایراد عاری نخواهد بود لذا انتظار می رود که صاحب نظران و دست اندرکاران، با ارائه نقطه نظرات مفید و ارزنده نگارنده را در تنقیح مطالب، برای چاپ های بعدی یاری دهند.

سروران ارجمند و دوستان فاضل، آقایان: حسین علیزاده، محسن صادقی و حسین نساجی در جهت تالیف این مجموعه تذاکرات مفیدی را ارائه داده و در خصوص تنقیح پاره ای از مضامین کتاب، با نگارنده همکاریهایی داشته اند که جا دارد از همکاری این عزیزان، تشکر نمایم.



پی نوشتها

- ۱- جناب آقای عبدالرضا فرجی نیز کتابی درباره کشورهای اسلامی تالیف نموده اند که به عنوان کتاب درسی، در سال چهارم دبیرستان تدریس می شود.
- ۲- نویسنده فقید مرحوم مصطفی زمانی(ره) نسبت به تهیه چنین مجموعه ای اصرار می ورزیدند.

گذری بر گذشته تاریخی

در آن هنگامه ای که بشریت دچار ضلالت آشکاری بود و آتش بیداد و ستم، بر خرمن نسانیت حریق افکنده بود، خداوند بر انسانها منت گذاشت و از میان آنها رسولی را بر انگیخت که با تابش شعاع پر فروغ وحی، بیداری فطرت ها را آغاز نمود و از افرادی که دارای گرایش های شدید قومی و قبیله ای بودند و رفتار ناگواری نسبت به هم داشتند، انسانهای وارسته ای ساخت که به اخلاق نیک و صفات پسندیده آراسته گشته و به یکدیگر مهربان شده و پس از تفرقه و خصومت های زیادی که با هم داشتند امت واحدی بنا نهاده شد. در سایه چنین اخوت و اتحادی بود که مسلمین بجای تعقیب رفتارهای ناهنجار زمان جاهلیت، از خود ایشار، فداکاری، معنویت و وارستگی بروز داده و در مدت بسیار کوتاهی به صدور انقلاب جهانی اسلام، پرداخته و کشورهای پهناوری همچون ایران، روم و مصر را به سوی اسلام فرا خواندند. پیام وحی، به مسلمین توصیه نمود که اگر می خواهید در گستره جهان از عزت و اقتدار برخوردار باشید با اطاعت از خدا و رسول و گردن نهادن به احکام الهی و پرهیز از تفرقه و نزاع، این کار میسر است. تربیت اسلام و تزکیه درونی چنان مسلمانان صدر اسلام را از چنگ خودپرستی نجات داده بود که کوشش هر کدام در آن بود تا تمام توان و هم خود را در جهت بهبود جامعه مسلمین و رفع ناگواری های برادران مسلمان خود بکار گیرند. (۱) پس از پیامبر اسلام(ص)، خاندان عترت و طهارت(ع) در تداوم راه آن فروغ جاودانه، جهت احیای حق و برافراشتن پرچم فضیلت و حفظ اتحاد مسلمین، رنج های فراوان دیدند و برای حفظ شریعت الهی از گزند اختلاف و تحریف و کذب و مانند آن و حراست از قرآن و سنت اهتمام ورزیدند و از طریق بیان احکام و معارف الهی، تربیت شاگردان و تعلیم آنها برای گسترش حقایق اسلامی، پیشوایی جبهه حق در مصاف با ستمگران عصر، ارائه الگوی زنده اسلام با اعمال و روش زندگی خود، و تصحیح فرهنگ مسلمین، پایه های جامعه اصیل اهلی را مستحکم گردانیدند. گرچه نقش هدایتی، تربیتی و معنویت بخشی از مامان شیعه به انجام رسید اما شریط به گونه ای شد که به جز ۴ سال و نه ماه زمامداری حضرت علی (ع)، امت اسلام از نقش حکومتی ائمه محروم شدند.

از سال ۴۰ هجری قمری مطابق با ۶۶۰ میلادی، سلسله بنی امیه پس از خلفای راشدین زمام حکومت مسلمین را به دست گرفته و مؤسس این سلسله یعنی معاویه بن ابی سفیان که شام را مقرر حکومت خود قرار داده بود، خلافت را در این خاندان موروثی نمود، وی از مخالفان و معاندان سرسخت حضرت علی (ع) بود که با خدعه و نیزنگ جنگ هایی را بر علیه آن حضرت ترتیب داد و تعدادی از صحابه و شیعیان خاص آن حضرت را به شهادت رسانید و بعد از خود، یزید را برای خلافت معین کرد. همان ستمگری که فاجعه خونبار کربلا را بوجود آورد و حضرت امام حسین (ع) و ۷۲ تن از یارانش را به طرز فجیعی شهید نمود.

با حرکت بنی امیه، وحدت مسلمین به تفرقه مبدل شد زیرا از نظام اسلامی تصور یک امپراطوری و خلافت عربی نمودند که با اصول اسلامی در تعارض بود، به دنبال آن ضعف و انحرافات پدید آمد که موجب وقوع قیامها و شورش هایی گردید که نهضت شعوبیه از آن جمله است. آخرین فرد این سلسله که مروان دوم بود توسط ابومسلم خراسانی مقتول گشت و بدین ترتیب زمامداری بنی امیه پایان یافت (۱۳۲ قمری) بعد از بنی امیه از سال ۱۳۲ قمری مطابق با ۷۵۰ میلادی، بنی عباس روی کار آمدند. مؤسس این خاندان، عبدالله سفاح بود و پس از وی ۳۵ نفر دیگر از بنی عباس بر بخشی از ممالک اسلامی و آسیای غربی حکم می نمودند و تا تاریخ ۶۵۶ قمری حکمرانی آنها ادامه یافت، بنی عباس مقر حکومت خود را از شام به بغداد انتقال دادند. بنی عباس نیز با ائمه به ستیز برخاسته و بدلیل هراس و وحشتی که عظمت و مهابت ائمه در وجود آنها افکنده بود و نیز مجذوبیت این وجدهای معنوی در میان شیعیان، پس از فراهم ساختن شرایط سخت از قبیل تبعید و زندان و... برای آن سروران، امامان معاصر خود را به شهادت رسانیدند. فاطمیان که به خلفای عبیدی و علوی مشهورند از سال ۲۹۷ قمری (۹۰۹ م) تا ۵۶۷ قمری (۱۱۷۱ م) سلسله ای مقتدر تشکیل دادند که مصر و شام و بخش هایی از آفریقا را دربر می گرفت، مرکز حکومت این خاندان، در آغاز شهر مهدویه تونس بود که بعد به قاهره انتقال یافت، دولت فاطمیان به سال ۵۶۷ قمری توسط صلاح الدین ایوبی منقرض گردید.

سلجوقیان خاندانی ترک بودند که از ۴۲۹ قمری (۱۰۳۷ م) تا ۷۰۰ قمری (۱۳۰۰ م) در آسیای غربی سلطنت کردند، ظهور این خاندان در تاریخ اسلام از وقایع مهم و به منزله شروع دوره جدیدی می باشد. مقارن ابتدای استیلای این قوم، خلافت اسلامی دچار ضعف و رکود شده بود و هیچیک از سلاطین در این ایام، قدرت آنکه کشورهای اسلامی را تحت یک حکم مت درآورند نداشتند که صرفا فاطمینان مستثنی بودند ولی اینها هم گرچه دولتی بزرگ بودند با بنی عباس نه تنها در حال صفا نبودند بلکه مدعیان آن خاندان به شمار می رفتند. سلاجقه، آسیای اسلامی را از اقصی حد غربی افغانستان تا ساحل بحرالروم (۲) تحت یک حکومت درآوردند و با دمیدن روح عبرت در مسلمانان، سپاهیان روم شرقی را که باز به بلاد اسلامی تعرض نموده بودند، وادار به عقب نشینی نمودند.

آل عثمان (خلفای عثمانی) از سال ۶۹۹ قمری تا ۱۳۴۲ قمری در آسیای صغیر سلطنت داشتند مؤسس آنها، عثمان بن ارطغرل بود و سلسله مزبور به نام وی نامیده شد. عثمانیان قریب ۳ قرن کمال اقتدار را یافته و قلمرو حکمرانی آنان از بوداپست و ساحل دانوب تا آبشار اسوان در مصر و از ساحل فرات تا تنگه جبل الطارق وسعت یافت آنها ممالک شبه جزیره بالکان، شام، افریقای شمالی و شبه جزیره عربستان را مسخر نمودند. مشهورترین افراد این سلسله، سلطان محمد فاتح نام دارد که در سال ۸۵۷ قمری (مطابق با ۱۴۵۳ م) قسطنطنیه (مرکز روم شرقی) را به تصرف خود درآوردند.

دولت عثمانی تا جنگ اول جهانی برگترین قدرت امپراطوری گیتی به شمار می رفت. پس از آن ضعف و انحطاط به آنان روی آورد و مسلمین در غفلتی عمیق قرار گرفتند. ولی از آن سوی، غرب که در ظلمات جهل دوران قرون وسطایی می سوخت، با استفاده های سرشار از سنت های اجتماعی، فرهنگی و علمی اسلامی، تمدن خود را بنا نهاد و سرزمین های مقتدر اسلامی جدا نمودند و او را به باریکه ای (ترکیه فعلی) محدود کردند. و سرانجام آن قدرت عظیم جهانی درهم شکسته شده و امپراطوری وسیع عثمانی با اقتداری چندصد ساله به یک کشور شکست خورده تجزیه شده کوچک تبدیل شد. تصاعد خیره کننده ماشین در غرب که به کمک علم و تکنولوژی جدید سرعتی سرسام آور می گرفت مسئله مواد خام را برای خوراک روزافزون آن و مسئله بازار مصرف را برای تولید غیر قابل کنترل پیش آورد و این توسعه طلبی در سرمایه داری غربی توجه به سرزمین ها و منابع کشورهای مسلمان را پدید آورد. غرب به منظور تسلیم ملل این کشورها و دست یازیدن بر ذخائر مادی و انسانی آنها به هستی فرهنگی و اخلاقی و مذهبی آنان دستبرد زد و احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان را شکست. نیروهای معنوی که در مقابل حرکت استعماری باید مقابله می کرد ویران گشته و با مسخ فرهنگ آنها، از خویشتن اصیل و گذشته پر شکوه خالی شده تا آماده پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند.

موقعیت جغرافیائی جهان اسلام

سرزمین های اسلامی بین ۲۰ درجه غربی (از نصف النهار گرینویچ) و ۱۴۰ درجه طول شرقی و نیز بین ۱۰ درجه عرض جنوبی و ۵۰ درجه عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته اند. غربی ترین کشور اسلامی در غرب آفریقا واقع است که نگال نام دارد و شرقی ترین آن اندونزی می باشد که در آسیای جنوب شرقی قرار دارد. بین غربی ترین و شرقی ترین کشور مسلمان بیش از ۱۰ ساعت اختلاف زمان وجود دارد. ترکیه و آلبانی شمالی ترین و اندونزی جنوبی ترین کشور مسلمان و نیز تنها کشور اسلامی آسیا است که بخش اعظم آن در نیم کره جنوبی قرار دارد. کشورهای اندونزی، بحرین، مالزی، مالدیو و کومور در میان کشورهای اسلام موقع مجمع الجزایری و جزیره ای دارند ولی برعکس کشورهای نظیر افغانستان، بوركینافاسو، چاد و موریتانی در خشکی محصور بوده و از هیچ راهی به دریا راه ندارند. کل کشورهای اسلام بیش از ۲۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارند.

جهان اسلام را به لحاظ موقعیت قاره ای، ناحیه ای و جغرافیائی به مناطق دیگری تقسیم می کنند. از یک دیدگاه مجموعه ۵۱ کشور اسلامی که به طور رسمی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند به سه گروه کشورهای آسیائی، با ۶/۳ میلیون مربع، کشورهای آفریقائی با ۵/۷ میلیون کیلومتر مربع و گروه کشورهای عربی با ۱۴ میلیون کیلومتر مربع تقسیم می شوند در این میان، سه کشور سودان، الجزایر، عربستان سعودی ۲۷٪ کل مساحت جهان اسلام را دربر می گیرند، در صورتی که کشورهای کوچکتر یعنی مالدیو و بحرین روی هم حتی ۱۰۰۰ کیلومتر هم مساحت ندارند. وسیع ترین کشور اسلامی یعنی سودان که در سحرای آفریقا قرار

گرفته و ۲۵۰۳۸۹۰ کیلومتر مربع وسعت دارد ۸۴۰۰ برابر کوچکترین کشور جهان اسلام است که به صورت مجمع الجزایری در جنوب غربی هندوستان و غرب سری لانکا قرار گرفته است. (۳)

کشورهای اسلامی که در مجموع یک پنجم وسعت جهان مسکون را تشکیل می دهند نزدیک به چهار برابر وسعت قاره اقیانوسیه و در حدود ۳ برابر قاره اروپا و مقداری کمتر از کل وسعت قاره آفریقا می باشند. البته اگر نواحی مسلمانان نشین آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، چین، اروپای شرقی و سایر نقاطی که محل سکونت اقلیت های مسلمانان است و به وسعت مزبور بيفزائيم، قلمرو جهان اسلامی مساحتی برابر کل وسعت قاره آفریقا خواهد داشت که خود به لحاظ سیاسی و استراتژیکی و از نقطه نظر ژئوپلیتیکی می تواند در حد بالائی حائر اهمیت باشد.

ویژگی های طبیعی کشورهای اسلامی

به لحاظ ژئومورفولوژی و از نقطه نظر پستی و بلندیها می توان کشورهای اسلامی را به گروه کشورهای هموار، کوهپایه ای و کوهستانی تقسیم نمود. کشورهای هموار نیز خالی از عارضه نبود و خود به بخش های جلگه ای، صحرایی، فلاتی و کوهستانی تقسیم می شوند که نمونه آن ایران است. کشورهایی که در ناحیه صحرایی واقع شده تقریباً عوارض ارتفاعی کمتری دارند و در عوض سرزمین های واقع شده بر فلاتها و ارتفاعات دارای چهره ای ناهموار و بریدگی های زیادی هستند ترکیه از این نمونه می باشد، که بلندترین قله آن یعنی ارارات بیش از ۵۰۰۰ متر ارتفاع دارد ارتفاعات هندوکش با قله ای به ارتفاع ۷۶۰۰ متر در افغانستان واقع است. کلیمانجارو به عنوان بلندترین قله آفریقا در کشور تانزانیا واقع در شرق آفریقا، قرار دارد. اتیوپی نیز ارتفاعات متعددی دارد و کوههای اطلس از ناهمواریهای کشور مراکش است.

کشورهای جزیره ای، ارتفاعاتی با منشأ آتشفشانی دارند.

به لحاظ آب و هوایی و شرایط کليماتولوژیکی تقریباً همه نوع آب و هوا به جز آب و هوای قطبی در سرزمین های اسلامی قابل مشاهده است و از این نظر می توانیم کشورها را به انواع زیر تقسیم کنیم.

- ۱- در کشورهایی که در طرفین خط استوار و کمربند آن قرار دارند (که از آب و هوای گرم و مرطوب و پرباران برخوردارند) اختلاف فصل کمتر دیده می شود و جنگل انبوه از ثروتهای این گونه کشورهاست.
- ۲- کشورهایی که در کمربند صحرایی و بیابانی واقعند، در این نواحی آب و هوای گرم و خشک با اختلاف دمای زیادی و تبخیر فراوان و بارندگی ناچیز و وزش بادهای توام با شن و گرد و خاک دیده می شود کم آبی مشکلات فراوانی را برای مردمان این نواحی فراهم نموده است:

سودان - چاد - مالی - موریتانی و جمهوری عربی صحرا (واقع در صحرای افریقا) و نیز شبه جزیره عربستان از چنین آب و هوایی برخوردارند.

۳- کشورهایی که آب و هوای مدیترانه ای دارند. نواحی شمالی کشورهای مصر - لیبی، تونس الجزایر، مراکش و بخش غربی و جنوبی ترکیه، فلسطین، لبنان از این نوع آب و هوا برخوردارند. این آب و هوا شرایط خاصی را برای کشورهای مزبور پدید آورده که از جمله آن وجود یک فصل خشک (تابستان) و نیز فصل پرباران زمستان می باشد.

۴- کشورهایی که آب و هوا معتدل دارند. تنوع شرایط جغرافیائی، دوری و نزدیک به دریا، ارتفاع از سطح دریا موجب آن شده که برخی از کشورها از زمستانهای نسبتاً ملایم و تابستانهای معتدل برخوردار باشند البته این شرایط را نمی توان برای تمام نقاط این کشورها تعمیم داد. ایران و عراق در این گروه قرار می گیرند.

۵- آب و هوای کوهستانی مخصوص نواحی ارتفاعی کشورهاست و نمی توان کشور خاصی را در این گروه قرار داد به عنوان مثال نواحی شرقی ترکیه به سبب وجود کوههای مرتفع زمستانهای سردی دارد. نواحی غربی ایران و نیز نقاط شمالی عراق و بخش هایی از کشور آلبانی آب و هوای کوهستانی دارد.

جنگلهای همیشه سبز سلوا، علفزارهای ساوان، صحرای گرم و خشک، باتلاق ها و مردابها سیلاب های شدید، خشک سالی هایی دوره ای، کمی باران، از عوارض و پدیده های منفی سرزمین مسلمان است که مشکلاتی را برای ساکنین کشورهای اسلامی پدید می آورد.

از لحاظ منابع آب، جهان اسلام بسیار غنی است. اکثریت کشورهای مسلمان درن قاطی واقعند که به آبهای آزاد جهان دسترسی داشته و حتی برخی در گلوگاههای استراتژیک تنگه ها و آبراهه های جهان قرار گرفته اند. خود این کشورها نیز دارای دریاچه ها، رودخانه ها و چشمه های متعددی هستند.

دریاهایی که کشورهای اسلامی بر سواحل آن واقع شده اند عبارت است از دریای مدیترانه واقع بین آفریقای شمالی، اروپایی جنوبی و آسیای غربی. دریای سیاه در شمال ترکیه، دریای مرمره در شمال غربی این کشور که رابط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه است. دریای مرمره قسمت آسیائی ترکیه را از بخش اروپائی جدا می کند. دریای سرخ یا بحر احمر که حد فاصل بین شبه جزیره عربستان و آفریقای شرقی است. دریای آدریاتیک در غرب آلبانی و جمهوری بوسنی و هرزگوین - دریای عمان در جنوب جمهوری اسلامی ایران.

خلیج های مشهور عبارتند از:

خلیج فارس در جنوب ایران و شرق جزیره عربستان، خلیج عدن در جنوب یمن، خلیج گینه در آفریقا غربی، خلیج بنگال در جنوب بنگلادش، خلیج اسکندریه در شمال مصر، خلیج سرت در شمال لیبی، خلیج تونس در شرق کشور تونس و خلیج اسکندرون در جنوب ترکیه و ...

تنگه هایی که سرزمین اسلامی در طرفین آنها قرار دارند به شرح زیرند: تنگه باب المندب که دریای سرخ را به خلیج عدن و در نتیجه به اقیانوس هند ارتباط می دهد. کشورهای یمن (از آسیا) و «جیبوتی» از آفریقا، بر این ناحیه سوق الجیشی اشراف دارند.

تنگه داردانل کهرابطین دریای سیاه و دریای مدیترانه است، تنگه بسفر که حد فاصل دریای سیاه و دریای مرمره است، تنگه جبل الطارق به پهنای حدود ۱۴ کیلومتر که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس پیوند می دهد و در جنوب آن کشور اسلامی مراکش (واقع در شمال غربی آفریقا) قرار گرفته است. تنگه هرمز که بین خلیج فارس ایران و دریای عمان واقع می باشد، و تنگه «مالاکا» که بین مالزی و جزیره سوماترای اندونزی قرار دارد.

دریاچه های مشهور جهان اسلام:

دریاچه خزر واقع در شمال ایران و نیز بین کشورهای اسلامی آسیای میانه و ماوراءالنهر که بزرگترین دریاچه جهان مسکون می باشد و ۴۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران، دریاچه ویکتوریا بین کنیا، تانزانیا و اوگاندا که ضمناً سرچشمه نیل سفید هم می باشد. دریاچه چاد بین چاد و نیجر و نیجریه، دریاچه بحر المیت یا دریای مرده به عنوان گودترین دریاچه دنیا واقع در کشور اردن. طولانی ترین رودخانه جهان اسلام، رودخانه نیل است که با ۶۴۰۰ کیلومتر طول در آفریقای شرقی جریان داشته و به دریای مدیترانه می ریزد.

رودخانه های مشهور دیگر عبارتند از:

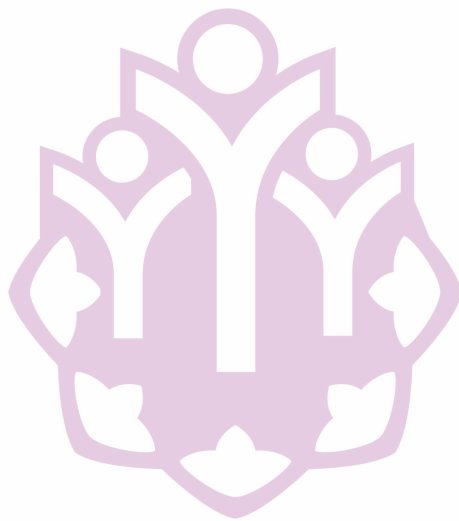
کنگو، نیجر، ایندوس (سند) گنگ، دجله، فرات، سفید رود، کارون و زاینده رود. به لحاظ بارندگی، مناطق گوناگون جهان اسلام در شرایط متفاوتی قرار دارند. برخی نواحی واقع در کمربند خط استوا، باران زیادی دریافت می کنند و در عوض صحاری و نواحی بیابانی با بارندگی ناچیزی روبرو هستند و در مجموع میانگین بارندگی سرزمین های اسلامی بین ۵۰ تا ۴۰۰ میلی متر در نوسان است. حثیدریافت بارندگی در برخی کشورها از ناحیه ای به ناحیه ای دیگر فرق می کند. مثلاً شمال ایران و نواحی خزری میانگین بارندگی تا هزار میلی متر دارد ولی در نواحی کویری دریافت باران به ۱۰۰ میلی متر هم نمی رسد نواحی شمالی، شرقی و غربی نیز از نقطه نظر دریافت باران متفاوتند. در حالی که در جنوب پاکستان تحت تاثیر آب و هوای گرم و مرطوب اقیانوس هند باران فراوانی می بارد بلوچستان پاکستان تحت تاثیر آب و هوای بیابانی گرم و خشک، کم باران است.

پی نوشتها

۱- وحدت رمز اقتدار جهان اسلام - دست نویس تالیف نگارنده.

۲- دریای مدیترانه

۳- این کشور مالدیو نام دارد.



نهضت ترجمه
Translation Movement
.INS

مسائل جمعیتی و دموگرافیکی جهان اسلام

آمارنامه غربی و مراکز آماری وابسته به استکبار، برخلاف دقت علمی و ادعائی که دارند در بولتن ها و نشریات آماری خود می کوشند که تعداد مسلمانان را کمتر از میزان واقعی آنها قلمداد کنند به عنوان مثال «دائرة المعارف بریتانیا» در سال ۱۹۶۸ میلادی تعداد مسلمین جهان را ۴۷۴۳۰۰۰۰۰ نفر گزارش نموده ولی ۴ سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۲ میلادی تعداد آنان را کمتر از این مقدار و برابر ۴۷۱۳۰۰۰۰۰ نفر ذکر می کند ولی در همین فاصله معیت یهودیان بر طبق آمار آنها از ۱۳/۵ میلیون نفر به ۱۴/۵ میلیون نفر بالغ می گردد و بر تعداد مسیحیان نیز افزوده می شود. این در حالی است که مجامع علیم و سازمانهای جمعیت کشورهای اسلامی بالاست. بنابراین برایدست یافتن به آمار واقعی مسلمانان جهان نمی توان به منابع غربی استناد کرد، این مسئله یعنی کمتر از واقعیت نشان دادن سکنه مسلمین در مورد اقلیت های مسلمان سایر کشورهای غیر مسلمان مشهودتر است.

«مؤتمر الاسلای پاکستان» آمار مسلمانان را در سال ۱۹۶۴ م ۶۴۷۰۱۱۰۸۰ نفر می داند. نشریه الاتحاد ارگان رسمی فدراسیون انجمنهای اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا آمار مسلمین را در سال ۱۹۶۸ م ۶۵۹۲۴۵۰۸۳ نفر دانسته است، آمار سال ۱۹۷۰ میلادی بیانگر آن است که در این سال ۷۳۳/۰۰۰/۰۰۰ مسلمان در جهان وجود داشته است، تقویم جهانی سال ۱۹۸۳ میلادی آمار مسلمین را ۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ذکر کرده در حالی که علی کتانی در کتاب «اقلیت های مسلمان در جهان امروز» آمار مسلمین را به نقل از منابع آماری سال ۱۹۸۲ م ۱۰۲۹/۴۲۷/۰۰۰ ذکر می کند از این میزان، ۶۳۶۷۲۰۰۰۰ نفر در کشورهای مستقل اسلامی و ۳۹۲۷۰۷۰۰۰ نفر به عنوان اقلیت مسلمان در سرزمین های غیر اسلامی سکونت داشته اند.

طبق آماری که در ذیل نقشه جهان اسلام (منتشر شده از سوی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران) درج شده در آغاز سال ۱۴۰۳ هجری قمری مطابق با ۱۳۶۲ شمسی، کل مسلمین در کشورهایی که بیش از ۵۰٪ مسلمان داشته اند ۷۰۹۹۹۲۰۰۰ نفر و مسلمین کشورهای دیگر ۲۸۵۲۰۷۱۱۳ نفر بوده اند. طبق آمارهای منتشره مربوط به سال ۱۹۸۶ م در ۵۱ کشور مستقل اسلامی ۸۵۰۳۵۲۳۰۰ نفر و در سرزمین هایی که بین ۱٪ تا ۴۹٪ مسلمان داشته اند، تعداد مسلمین به ۱۱۴۹۶۳۸۱۸۰ نفر بوده اند.

طبق جدولی که در یکی از بولتن های وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مندرج است، جمعیت مسلمین به ۱/۱۵۵/۲۰۰ /۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱ میلادی رسیده است. در جدول مزبور جمعیت جهان اسلام به شکل زیر توضیح شده است:

نواحی جمعیت

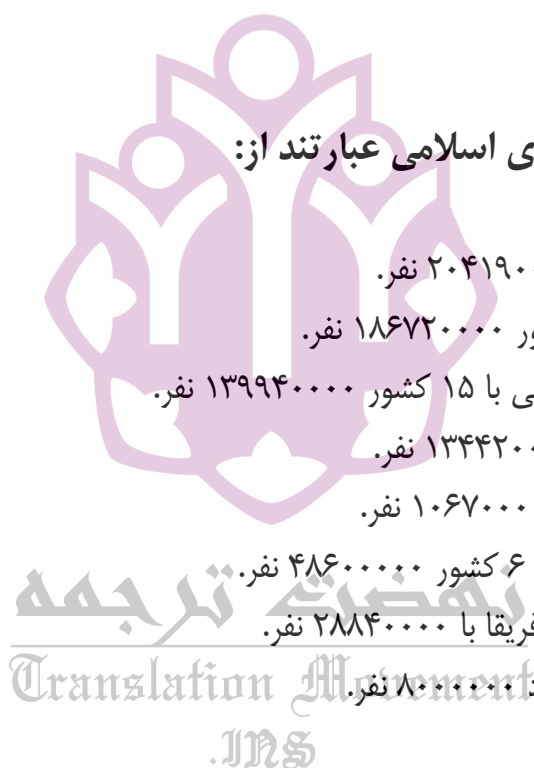
شمال آفریقا - مصر ۱۰۰۵۰۰۰۰۰

غرب آفریقا ۱۲۵۰۰۰۰۰۰

مرکز آفریقا ۱۸۰۰۰۰۰۰۰

شرق افریقا ۹۳۰۰۰۰۰۰
 جنوب افریقا ۱۵۳۰۰۰۰۰
 ملت های غرب ۶۲۶۰۰۰۰۰
 ترکیه، ایران و افغانستان ۱۱۴۸۰۰۰۰۰
 شبه قاره هند ۱۸۰۵۰۰۰۰۰
 آسیای جنوب شرقی ۲۷۵۰۰۰۰۰۰
 خاور دور ۸۱۰۰۰۰۰۰
 اروپا ۱۸۳۰۰۰۰۰
 امریکا، اقیانوس آرام ۵۹۰۰۰۰۰۰
 جمع کل ۱۱۵۵۲۰۰۰۰۰

قطب های جمعیتی کشورهای اسلامی عبارتند از:



- ۱- آسیای جنوبی با ۳ کشور ۲۰۴۱۹۰۰۰۰ نفر.
- ۲- آسیای جنوب شرقی با ۳ کشور ۱۸۶۷۲۰۰۰۰ نفر.
- ۳- خاورمیانه و آسیای جنوب غربی با ۱۵ کشور ۱۳۹۹۴۰۰۰۰ نفر.
- ۴- افریقای غربی با ۸ کشور ۱۳۴۴۲۰۰۰۰ نفر.
- ۵- افریقای شمالی با ۵ کشور ۱۰۶۷۰۰۰۰۰ نفر.
- ۶- ناحیه صحرای بزرگ افریقا با ۶ کشور ۴۸۶۰۰۰۰۰ نفر.
- ۷- افریقای شرقی و ناحیه شاخ افریقا با ۲۸۸۴۰۰۰۰۰ نفر.
- ۸- ناحیه بالکان با دو کشور حدود ۸۰۰۰۰۰۰ نفر.

قاره آسیا در بین خشکی های بزرگ جهان ۶۵٪ سکنه مسلمان را بخود اختصاص داده است. ۲۵٪ مسلمین در کشورهای عربی و ۱۰٪ در افریقا زندگی می کنند. اندونزی بنگلادش و پاکستان به تنهایی بیش از ۴۰٪ سکنه جهان اسلام را تشکیل می دهند.

پر جمعیت ترین کشور اسلامی اندونزی است که در حال حاضر ۱۸۷ میلیون نفر سکنه دارد. کم جمعیت ترین کشور مسلمان، مالدیو می باشد که تعداد سکنه آن به ۱۸۰۰۰۰ نفر می رسد. میانگین تراکم نسبی کشورهای اسلامی حدود ۱۰۳ نفر در کیلومتر مربع است که بیشترین آن با ۷۷۴ نفر در کیلومتر مربع مربوط به بنگلادش و کمترین آن به جمهوری عربی صحرای باختری اختصاص داد.

در مورد تعداد کشورهای مستقل اسلامی نظرات و عقاید متفاوتی مطرح می باشد، در کتابی تحت عنوان "Gazetter|World|Muslim" که در سال ۱۹۶۴ میلادی انتشار یافته ۳۶ کشور اسلامی که متجاوز از ۵۰٪ مسلمان داشته به عنوان کشورهای مستقل اسلامی معرفی شده اند.

«دکتر ابوالفضل عزتی» طی مقاله ای تحت عنوان: «شناخت اجمالی جهان اسلام» ۴۰ کشور را معرفی می کند که متجاوز از ۵۰٪ مسلمان دارد. دکتر محمد حسن گنجی، کشورهایی را مسلمان می داند که بیش از ۷۵٪ مسلمان داشته باشد و با این تعریف ۳۴ کشور اسلامی از مجموع کشورهای جهان تحت عنوان سرزمین های اسلامی مورد مطالعه قرار می گیرند.

برخی، از کشورهایی را اسلامی می دانند که عضو: «سازمان کنفرانس اسلامی» هستند. علی کتانی در کتاب «اقلیت های مسلمان در جهان امروز» و دکتر غلامحسین خورشیدی در کتاب «بازار مشترک اسلامی» چنین نظری دارند، در این تقسیم بندی اوگاندا و گابن که کمتر از ۵۰٪ مسلمان دارند، عضو این سازمان بوده اما اتیوپی که بالاتر از ۵۰٪ مسلمان دارد به عضویت آن در نیامده است در آماری که به سال ۱۹۸۶ میلادی انتشار یافته، ۵۲ کشور اسلامی معرفی شده که بیش از ۵۰٪ مسلمان داشته اند.

متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشورهای اسلامی، ۳٪ می باشد که بالاترین آن مربوط به قطر با ۹٪ است و کمترین آن به افغانستان با ۱/۹٪ اختصاص دارد. متوسط عمر در کشورهای اسلامی ۴۸ سال است که کمترین آن با ۳۸ سال مربوط به کشور چاد واقع در صحرای افریقا می باشد. میزان امید به زندگی در این کشورها ۵۷/۷ سال و میانگین سنی ۲۳/۴ سال است.

متوسط زاد و ولد برای سرزمین های اسلامی ۳۹/۶ در هزار و میزان مرگ و میر ۱۶/۶ در هزار گزارش شده، اما میزان مرگ و میر کودکان ۹۵ نفر در هزار می باشد.

به لحاظ گروههای سنی در خصوص کشورهای اسلامی آمارهای زیر، قابل ذکر است:

۴۲/۲۵٪ سکنه این کشورها بین (۰) تا (۱۴) سال عمر دارند. درصد سالخوردگان و افراد ۶۰ ساله به بالا ۵/۲۵٪ است، ۵۲/۵٪ بقیه در گروه سنی (۱۵) تا (۵۹) سال قرار می گیرند.

میانگین بعد خانوار در کشورهای اسلامی ۵/۳۵ نفر می باشد.

به رغم تاکید مکرر اسلام در خصوص تعلیم و تعلم به دلیل نقشه های استعماری و رکود فرهنگی، آمارها از میزان بیسوادی بالا در کشورهای اسلامی حکایت می کند. بر اساس آمار سال ۱۹۸۰ میلادی در کل این کشورها صرفاً ۳۷٪ از نعمت سواد برخوردار بوده اند. در غالب این کشورها، نظام آموزشی ساختاری استعماری دارد و لذا تربیت یافتگان مراکز آموزشی آن مناسب با فرهنگ غربی تربیت شده و نسبت به فرهنگ خود حالت بیگانگی دارند. در این سیستم، کمتر در جهات مهارتهای فنی و تخصصی تلاش می شود و غالب افراد تحصیل کرده در مراکز خدماتی جذب می شوند. در ضمن در غالب این کشورها تحصیلات عالی به نخبگان و مرفهین اختصاص دارد. ایران و چند کشور انگشت شمار دیگر در این مورد استثنا هستند.

نابسامانیهای آموزش و پرورش در این ممالک آن قدر زیاد هست که ۳۰٪ از افراد لازم التعلیم از رفتن به مدرسه محرومند و نرخ تکرار پایه تحصیلی برای کشورهای اسلامی بین ۱۵ تا ۳۰٪ است.

در کل کشورهای اسلامی برای هر ۹۰۰ نفر در یک تخت بیمارستانی وجود دارد. کشورهای نفت خیز بخصوص در سرزمین خاورمیانه به برکت اقتصاد متکی به نفت وضع بهتری دارند. چنانچه در کشور قطر به ازای هر ۹۶ نفر یک تخت بیمارستان وجود دارد ولی در افغانستان برای هر ۶۵۰۰ نفر یک تخت بیمارستانی در نظر گرفته شده است.

در کشورهای اسلامی برای هر ۱۴۵۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد، این رقم برای کشورهای مسلمان قاره آسیا ۹۰۰۰ و برای کشورهای مسلمان افریقا ۲۰۰۰۰ نفر گزارش شده است. فاجعه در مورد اتیوپی است که به ازای هر ۷۳۰۰۰ نفر یک پزشک دارند.

نهضت ترجمه

سوء تغذیه و فقر مواد غذایی، گرسنگی کمی و کیفی بیماریهای عفونی و انگلی. امراض قارچی، فشارهای ناشی از کار زیاد، تلفات ناشی از جنگ ها و درگیری های ناحیه ای، داخلی و قبیله ای از یک سو و عدم توسعه صنایع دارویی و پزشکی، کمبود دارو، و عقب افتادگی مسائل بهداشتی و ضعف مصون سازی همگانی از سوی دیگر، از عواملی است که مرگ و میر افراد را در اکثر این کشورها فراهم نموده است.

نژاد و زبان

گرچه به استناد آیات قرآن و روایات اسلامی اصالت دادن به نژاد در اسلام مطرود است ولی شناخت جوامع و گروههای اجتماعی منافاتی با این مسئله ندارد چنانچه در حدیثی آمده است.

«اگر یکی از شماها برادر مسلمان خود را دوست بدارد باید از نام وی، نام پدر، نام تیره و تبارش بپرسد و آگاهی یابد، زیرا که حق واجب و وظیفه برادری راستین ایجاب می کند که از اوضاع و احوال او آگاه شود و گر نه آشنائی غیر کامل، یک شناسائی احمقانه است.»

اصولا اسلام به عنوان یک ایمان و عقیده واحد در عین حالی که وحدت خویش را حفظ نموده در ظرف ملیت های گوناگون تنوع یافته است. اسلام حقیقتی است که ملیت ها را به عنوان واقعیت می پذیرد و حتی قرآن این واقعیت را به خدا منسوب می داند اما موجب تعارف می داند نه عامل تفاخر و برتری طلبی ولی استعمار و استکبار، جهت ایجاد نفاق بین کشورهای اسلامی و حتی برای تزلزل در داخل این کشورها ملیت ها، قبائل و گروههای نژادی را تحریک می کند و روی هر کدام تکیه می نماید تا به منظور خود که انهزام و شکست دولت های اسلامی است نائل گردد.

از مجموع ۴۶ کشور اسلامی، در ۱۹ کشور، اکثریت با نژاد سامی و اعراب می باشد و البته اقلیت های دیگر نژادی در این کشورها دیده می شوند مثل کردها در عراق و سوریه و گروههای بربر در کشورهای افریقائی عرب زبان. در ۱۱ کشور اسلامی که تماما در قاره افریقا قرار دارند غلبه با گروه نژادی سیاهان است که در میان آنها تیره های اعراب و سفید پوستان اروپائی قابل مشاهده اند.

منشا نژادی ۶ کشور اسلامی که در آسیا واقعند «زرد» می باشد که شامل تیره های مغولی تاتار، ازبک، زرد مالایائی، زرد بنگالی، زرد اندونزیائی، هندی و چینی می باشند.

در کشور ترکیه، اکثریت منحصرا با نژاد ترک های آناتولی است که وابسته به نژاد سامی هستند و بزرگترین اقلیت آن کردها می باشند. منشا نژادی ایران پارسی و آریائی است. مردم پاکستان از نژاد سفید و تیره های سند و پنجابی هستند. سکنه جیبوتی و سومالی از نژاد سوماتالیائی و عفار می باشند. در کشور اتیوپی ۳ نژاد گالا، امهر و عرب مشاهده می گردد. مردم آلبانی از تیره های آلبانی توسک می باشند. در برخی کشورهای اسلامی تعداد قابل توجهی تیره های نژادی با لهجه های گوناگون زندگی می کنند که در اندونزی تعداد آنها به ۳۰۰ تیره و در نیجریه به ۲۵۰ تیره بالغ می گردد.

در ۲۰ کشور اسلامی، زبان رایج زبان عربی است و در کنار آن زبانهای بومی چون کردی فارسی، بربر و مانند آن متداول می باشد و به دلیل سلطه استعماری در تعدادی از آنها زبانهای فرانسه انگلیسی و پرتغالی رواج دارد. در ۱۱ کشور اسلامی متاسفانه زبان رسمی، زبان بیگانه و بخصوص انگلیسی، پرتغالی و فرانسوی رواج دارد اما در کنار آن، مردم در گفتگوهای روزمره از زبان دوم که زبان بومی است و با فرهنگ و سنت هایشان تطابق

دارد، استفاده می کنند. زبان مردم ایران فارسی و زبان رسمی ترکیه، ترکی است در کشورهای اندونزی، بنگلادش، مالدیو، مالزی، جیبوتی و سومالی، زبانهای بومی رواج دارد.

اقلیت های مسلمان

اقلیت های مسلمان که دین مبین اسلام را پذیرفته و با فرهنگ اسلامی در کشورهای دیگر سکونت دارند و با سنن متمایز و رفتار مشخص و فرهنگ خاص، خود را از افراد غیر مسلمان تفکیک نموده اند و می توانند با تشکیل برادرانه، پیروی از رهبران دینی، حفظ هویت اسلامی و پایداری به اصول و ضوابط آئین اسلام و اجتناب از فرقه گرایی و پرهیز از برنامه هایی که با شئون اسلامی ناسازگار است، قدرتی معنوی را بوجود آورند که تحریکات سیاسی و فشارهای اجتماعی و غلبه فرهنگ اکثریت نتواند هیچ لطمه ای بدانها وارد نماید.

البته برخلاف آنکه برخی کشورها، زندگی مسالمت آمیز را با اقلیت های مسلمان رعایت می کنند در پاره ای از واحدهای سیاسی مسلمین تحت شرایط و زیر فشارهای غیر قابل تحمل زیدگی می کنند تبلیغات مسیحی و فعالیت های تبشیری همراه با وعده و وعیدهای زیاد و کمک های مالی مشکلی است که اقلیت ها را تهدید می کند و در مواقعی ممکن است به استحاله آنها در جوامع اکثریت منجر گردد.

در بعضی نقاط جهان، سردمداران کشورها شدیدترین تعارض ها و خشونت ها را بر علیه مسلمین روا داشته و به کشتار، شکنجه، اخراج و مصادره اموال آنها پرداخته اند. برخورد دولت فیلیپین، تایلند، برمه (میانمار) اتیوپی و ... با اقلیت های مسلمان نمونه بارزی از این رفتار خشن است بطور کلی مشکلات اقلیت ها را که یک سوم سکنه جهان را تشکیل می دهند می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- ارائه آمار غیر واقع در مورد آنها از سوی کشورها، فرهنگ نامه هایی چون فرهنگنامه سالانه بریتانیکا و نیویورک تایمز در مورد آنها آمار مغرضانه ای منتشر نموده اند.

۲- چون مسلمانان اغلب زبان عربی دارند در کشورهای غیر مسلمان از آموزش زبان مذکور کمتر بهره دارند و از منابع فرهنگ اسلامی جدا هستند.

۳- تعلیم و تربیت کودکان مسلمان در نظام آموزشی - تربیتی کشور غیر مسلمان.

۴- مسخ فرهنگی و ذوب شدن در فرهنگ کشور میزبان بویژه در کشورهایی که فرهنگ آنها با فرهنگ اسلام در ستیز است.

۵- وجود مفاصد اجتماعی و تحقیر ارزشهای اجتماعی مسلمین و عدم وجود قید و بندهای اخلاقی و تبلیغات مبتنی بر رشد فرهنگ ضد اسلامی و نفی ارزشهای معنوی که جوانان مسلمان را از اندیشه ها و رفتارهای اسلامی جدا می کند.

۶- مشکلات مالی و اقتصادی و تنگناهایی که بر اثر حرکات تبعیض گونه دولت ها نسبت به مسلمین اعمال می گردد.

۷- وجود تناقض برای فرزندان مسلمان زیرا در خانه، تحت روش تربیتی والدین هستند ولی واقعیت های اجتماعی برخلاف ارزشهای اسلامی است، هم شاگردان غیر مسلمان نیز این تناقض را تشدید می نمایند.

۸- جدایی با کشورهای مسلمان و نظر افکندن بر آن کشورها از دید بوقهای تبلیغاتی استکبار و کشورهای غیر مسلمان. به عنوان مثال برخی اقلیت های مسلمان در مورد ایران بدلیل تبلیغات منفی ابرقدرتها تصور نادرستی دارند.

۹- عدم احترام به اندیشه ها و آراء مسلمین و بی توجهی به حقوق سیاسی اجتماعی مسلمین و محرومیت از امکانات رفاهی - خدماتی و فرهنگی.

۱۰- عدم دخالت مسلمین در امور سیاسی - نظامی کشور میزبان در حالی که اقلیتی قابل توجه را تشکیل می دهند. در اتیوپی، تانزانیا و موزامبیک با آنکه مسلمین در اکثریتند ولی بر شئون مملکتی تاثیری ناچیز دارند.

۱۱- در برخی کشورهای افریقائی مثل کنگو، ساحل عاج، لیبیا، توگو، غنا، جنوب آفریقا، زئیر و آنگولا خشکسالی ها - جنگ های قبیله ای و نبردهای مرزی آنچنان مسلمانان را در فقر مالی قرار داده که آنها را آماده پذیرش کمکهای مالی می کند که زیر پوشش سیاسی و تبلیغات استکباری به آنه داده می شود.

۱۲- عدم به رسمیت شناختن آنها که خود مشکلات اجتماعی سیاسی عدیده ای را به بار می آورد. درمورد آمار اقلیت های مسلمان نمی توان نظر قاطعی ارائه نمود زیرا بسیاری از کشورها به دلیل مسائل فرقه ای که در داخل خود دارند از ارائه دقیق آمار پیروان ادیان اجتناب می ورزند و شاید هم این بهانه ای است برای مقاصد سیاسی آنها، درممالک غربی و امریکا و دیگر کشورهای توسعه یافته از انجام سرشماری دقیق در مورد مسلمین خود داری می کنند، در کشورهایی که ابراز عقیده برای مسلمین خطر ایجاد می کند برخی از مسلمانان اعتقادات مذهبی خود را مخفی نگاه می دارند.

Translation Movement

طبق آمار سال ۱۹۸۲ میلادی ۳۹۲۷۰۷۰۰ نفر مسلمان در ۴۹ کشور غیر مسلمان سکونت داشته اند که ۱۱/۶٪ کل مسلمین را تشکیل می داده اند. در یک نمونه آماری دیگر که مربوط به سال ۱۹۸۱ میلادی است تعداد مسلمین در ۶۳ کشور که بین ۱٪ تا ۴۹٪ مسلمان داشته اند به ۲۸۵۲۰۷۱۱۳ نفر بالغ می گردیده است. در سال ۱۹۸۵ م آمار اقلیت های مسلمان به ۳۷۱ میلیون نفر رسیده که نسبت به آمار سال ۱۹۸۲، کاهش زیادی را نشان می دهد. شاید هم این تفاوت های فاحش ناشی از این باشد که برخی از کشورها را که مسلمانان آنها در حد ۵۰٪ بوده جزو کشورهای مسلمان به حساب آورده اند تا آنجا که در پاره ای منابع ۵۷ کشور مسلمان معرفی شده است ولی گروه تحقیقاتی مجله تایم تعداد کشورهای اسلامی را ۳۷ کشور ذکر نموده است.

آمار سال ۱۹۸۶ م تعداد مسلمین ساکن در ۶۸ کشور غیر اسلامی ۲۹۹۲۸۳۸۸۰ نفر ذکر می نماید.

آوارگان و پناهندگان جهان اسلام

در بین کشورهای اسلامی، ایران با متجاوز از ۲/۵ میلیون آواره افغانی و عراقی در جهان بالاترین تعداد آواره را دارد. پاکستان با قریب به ۲ میلیون رتبه دوم و سودان با ۱/۵ میلیون آواره رتبه سوم را داراست. در اتیوپی دلیل سرکوب شدید نیروهای مسلمان واقع در شمال غربی این کشور و خشکسالی های دوره ای که گریبانگیر مردم شده حدود نیم میلیون مسلمان به حالت آواره به سر می برند. نبرد خونین بین سومالی و اتیوپی صدها هزار آواره را متوجه منطقه هارژبیل و سیدامو نموده است یک سوم سکنه سومالی آوارگان اوگاندائی هستند که بخاطر جنگ و خشکسالی سرزمین خود را ترک نموده اند. پناهندگان موزامبیکی در داخل این کشور و واحدهای سیاسی همجوار آن پراکنده اند متجاوز از ۳۰۰۰۰۰ نفر بود که هر ماه قریب ده هزار نفر بدانها افزوده می شود. نزاعهای قبیله ای در کشور بوروند، هزاران نفر آواره را روانه کشوراسلامی تانزانیا نموده است. اکثر آوارگان کشور کامرون که به ۳۰۰۰۰۰ نفر بالغ می گردد در شهر کوسوی واقع در ایالت شمالی آن سکونت دارند که ده برابر افراد بومی این ناحیه هستند. آوارگان افریقائی که در ۲۰ کشور این قاره پراکنده اند به کشورهای روی آورده اند که خود آنها دچار مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماعی می باشند.

نا امنی ناشی از جنگها و تشنجات سیاسی در آسیای جنوب شرقی نیز موج آوارگان را به سوی کشورهای مجاور روانه کرده است. آوارگان واقع در هندوچین از طریق راه دریائی، غالبا به سوی کشور مالزی روانه می شوند. نابرابری قوای مسلح فیلیپین با مسلمانان مورو و هجوم و فشار نیروهای دولت مرکزی به سرزمین مسلمان نشین بانگسامور و موجب آن گشته تا هزاران مسلمان مورویی از سرزمین های خود رانده شده و به سوی مجمع الجزایر سولو و ایالت صباح در مالزی روی آورند تا از گزند قوای نظامی در امان باشند. در بمباران این سرزمین ها، حداقل دو میلیون نفر آواره گردیدند، در ۱۵ ماه اخیر قریب به ۳۰۰۰۰۰ نفر مسلمان میانمار که در استان آراکان این کشور - واقع در نقاط مرز غربی - سکونت داشته اند به بنگلادش پناهنده و در اردوگاه «بلومکالی» واقع در بخش «اوکیای» بنگلادش اسکان یافتند.

INS

غرب آسیا و منطقه خاورمیانه بیشترین تعداد آواره را دارد، کودتای مارکسیستی ۲۷ آوریل ۱۹۸۷ و تهاجم ارتش سرخ به افغانستان موجب آواره شده ۵ میلیون افغانی گردید که یک سوم آوارگان جهان را تشکیل می دهند، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که از شهریور ماه ۱۳۵۹ ش آغاز شد هزاران معاود عراقی را که از سوی دولت عراق به بیرون رانده شده بود راهی نوحی مختلف ایران نمود، دومین گروه آوارگان عراقی بر اثر حادثه غمبار و اسفناک حلبچه، خانه و کاشانه خود را ترک نمودند، در جریان جنگ خلیج فارس و حمله عراق به کویت و نبرد نابرابری که بین مردم و ارتش بعثی آغاز گشت سیل مردم به سوی مرزهای ترکیه و ایران سرازیر شد.

یکی از اسف بارترین آثار شوم غصب فلسطین توسط قوای صهیونیستی، حادثه آوارگی بیش از سه میلیون نفر از مسلمانان مظلومی است که هستی خود را از دست داده و در نواحی مختلف خاورمیانه و حتی سراسر جهان

پراکنده شده اند. رژیم غاصب صهیونیستی با فراهم ساختن زمینه مهاجرت یهودیان از سراسر جهان در صد آن است تا تراکم نسبی جمعیت را به حدی برساند که دیگر امکان پذیرفتن این سه میلیون آواره وجود نداشته باشد. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۹م به فکر تشکیل ارگانی برای رسیدگی به اوضاع آوارگان افتاد و در سال ۱۹۵۱م کمیساریای عالی پناهندگان کار خود را آغاز نمود اما این ارگان در برابر آوارگان موضع قوی و یکسانی ندارد و کمک های آن به کشورهای میزبان پناهندگان بخش ناچیزی از سرمایه های عظیمی است که این کشورها باید به آوارگان اختصاص دهند. کشورهای اروپائی که از منافع بشر و حقوق انسانها دم می زنند با تصویب قوانین محدودکننده ای که روح بی عدالتی آنان را به ثبوت می رساند، درهای خود را به روی آوارگان بسته اند. به عنوان نمونه در جریان حملات سبعانه صربها به سرزمین اسلامی «بوسنی، هرزگوین» قریب به یک میلیون نفره آواره مسلمان این کشور کمتر جایی را دارند که در آن اسکان یابند و دولت آلمان از پذیرش حتی بخش کوچکی از آنان امتناع نمود.

نگاهی به مسائل اقتصادی کشورهای اسلامی

اساس فعالیت های اقتصادی مسلمانان بر تولیدات کشاورزی و دامی استوار است و نیروی شاغل در این بخشها ۵۵٪ کل شاغلین است. نیجریه ۹۰٪ از نیروی کار را به این بخش اختصاص داده که بالاترین درصد در بین کشورهای اسلامی می باشد.

پیدایش نفت در پاره ای از سرزمین های اسلامی موجب آن شده تا این کشورها از تولیدات زراعی غافل شده و به سوی صنعت روی آورند. این عامل سیل مهاجرت را به سوی این کشورها سرازیر نمود و موجب آن شد تا نیروهای مولد آن به سوی کارهای خدماتی و بازرگانی روی آورده و روستاها خالی شوند و مهاجرت به کانونهای شهری شدت یابد. در بحرین ۹۰٪ نیروی کار در بخش استخراج و صدور نفت مشغولند در حالی که نیروی شاغل در بخش صنعت که صنایع بومی و یدی را هم شامل می شود درک ل جهان اسلام ۲۰٪ است و در چاد، لیبی و مومور صرفا ۵٪ به فعالیت های صنعتی مبادرت ورزیده اند. ۲۵٪ بقیه نیروی کار کشورهای مسلمان به امور خدماتی، بازرگانی، حمل و نقل مبادرت نموده اند.

صنایع مهم کشورهای اسلامی عبارتند از صنایع دستی، صنایع غذایی، استخراجی، نساجی، سیمان، سیگار سازی، چوب، کاغذ سازی، چرم سازی، ذوب آهن، کود شیمیایی، کنسرو سازی، لاستیک سازی، شیشه سازی، تولید کشتی و صابون سازی.

گندم تولید غالب کشورهای آسیائی و شمال افریقا است. مصر بزرگترین تولید کننده برنج است اما در پاکستان، اندونزی، بنگلادش و مالزی هم برنج به دست می آید.

الجزایر مهمترین مرکز تولید کننده انگور در جهان اسلام است. در ایران به لحاظ تنوع آب و هوایی انواع محصولا سردسیری و گرمسیری بدست می آید. تونس به لحاظ تولید زیتون در جهان اسلام رتبه اول را داراست، در مراکش ترکیه، آلبانی نیز بدلیل واقع شدن بر ساحل جنوبی مدیترانه نیز زیتون بدست می آید بنگلادش مهمترین تولید کننده چای در بین سرزمین های اسلامی می باشد. اندونزی، عربستان، یمن و اتیوپی از مهمترین تولید کنندگان قهوه به شمار می روند. عراق با تولید ۷۵٪ خرماي جهان از این لحاظ مقام اول را داراست. گینه، لیبی، موریتانی، امارات متحده عربی، عربستان، عمان، قطر و ایران نیز خرما تولید می کنند.

از میان محصولاتى که جنبه صادراتى دارند، تولید پنبه حائز اهمیت است، که مرغوب ترین آن در سطح جهان به کشور مصر تعلق دارد. پس از آن کشورهای سودان، اتیوپی، بورکینافاسو، چاد، مالی و پاکستان از تولید کنندگان پنبه در جهان اسلام به حساب می آیند. به لحاظ تولید کنف بنگلادش در جهان مقام اول را دارد و ۳۶٪ از مردم این کشور در کشت و تولید این محصول دخالت دارند تنها ۴۰٪ کائوچوی جهان در کشور مالزی بدست می آید. تانزانیا مهمترین تولید کننده سیسال (در تولید الیاف کتانى کاربرد دارد) در دنیاست. سیرالئون اولین تولیدکننده الیاف نخل است. بخش مهمی از درآمد کشورهای مسلمان افریقای غربی از راه بولید و صدور بادام زمینی و ارزن بدست می آید. کشور نیجر بزرگترین تولیدکننده ارزن در دنیا است.

توتون و تنباکو در کشورهای آلبانی، یمن و ترکیه بدست می آید.

دامداری از اشتغالات مهم مردمان کشورهای اسلامی است. گوسفند قره گل مشهورترین دام افغانستان است که پوست آن شهرت جهانی دارد. در نواحی صحرایی افریقا و خاورمیانه، شتر نگهداری می شود که در زندگی قبایل و کوچ نشین ها نقش مهمی را عهده دار است.

INS

در کشورهایی که موقع جزیره ای دارند و یا بر کنار اقیانوسها و دریاها و رودخانه ها قرار گرفته اند از فعالیت های مهم مردم، صید ماهی به دو روش سنتی و جدید می باشد. سواحل کشور جمهوری عربی صحرا به لحاظ انواع و مقدار ماهی موجود از مهمترین سواحل جهان است. در بنگلادش صید ماهی اهمیت زیادی دارد و نزدیک به ۲۵۰ نوع ماهی از آبهای شور و شیرین آن بدست می آید.

کشور مراکش یکی از غنی ترین سواحل دنیا را به لحاظ تولید انواع ماهی بخصوص ماهی ساردین داراست. صید مروارید و میگو در کشورهای حوزه خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران صورت می گیرد.

جهان اسلام از نقطه نظر منابع زیرزمینی نیز غنی است. الجزایر، لیبی، ایران، عربستان کویت، بحرین قطر، امارات متحده عربی، اندونزی و نیجریه کشورهای نفت خیز اسلامی هستند که تمامی آنها عضو سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) می باشند. عربستان به لحاظ صدور نفت در جهان مقام اول را داراست. طلا و طلای سفید در اتیوپی، تانزانیا، کامرون و گینه بدست می آید. کشورهای سیرالئون، چاد، تانزانیا، گینه بیسائو و مالی از ذخائر الماس برخوردارند.

در کشورهای مرکش، مصر، گینه، اردن، الجزایر، تونس، سنگال و صحرای باختری ذخائر غنی فسفات وجود دارد. ۳۰٪ بوکسیت جهان در گینه و ۳۵٪ قلع دنیا مربوط به مالزی است در کشورهای نیجر و سومالی، ذخائر غنی اورانیم وجود دارد که اروپائیان در استخراج آن دخالت دارند. ۱۰٪ کروم جهان را ترکیه بخود اختصاص داده است. کلمبیت ماده ای است که در ساخت فولادهای مخصوص هواپیما بکار می رود که پس از نفت مهمترین ذخیره نیجریه می باشد و این کشور از این نظر در جهان مقام اول را دارا است.

منابع دیگری چون سنگ آهن، زغال سنگ، مس، سرب، روی، میکا، پتاس، برمیت، کبالت، سنگ ساختمانی، لاتریت، آهن و نمک در کشورهای مسلمان نیز بدست می آید.

مالدیو در میان کشورهای اسلامی فاقد منابع معدنی است.

تجارت خارجی غالب کشورهای اسلامی در درجه اول با کشورهای غربی و پس از آن با دول همسایه و جهان سوم می باشد و صادرات آنها، اغلب محصولات زراعی و دامی، معدنی و مواد انرژی چون نفت، گاز و زغال سنگ می باشد.

نهضت ترجمه
Translation Movement

واردات آنها عبارتند از: اسلحه، مصنوعات فلزی، کالاهای تجملی، تزئینی و آرایش دارو، لوازم الکتریکی مواد غذایی بسته بندی شده، مصنوعات شیمیایی، ماشین آلات و انواع کالاهای مصرفی.

بنابراین جهان اسلام از نظر ذخائر و منابع معدنی و زراعی بسیار غنی است و مکاید استعماری و حیلہ های استکبار: این سرزمین ها را در فقر و محرومیت نگاه داشته است و برخی از آنها را چنان در بحران اقتصادی نگاه داشته که محتاج کمک های دول غربی هستند. این کمکها نه تنها مشکلات این کشورها را رفع نکرده بلکه شکاف اقتصادی بین ممالک اسلامی و کشورهای غربی را افزایش داده و نابرابری های داخلی را در این نقاط افزون نموده است. این کمکها که به صورت مقادیری کالا، پول نقد و اعتبار با ظاهری بشردوستانه تقدیم کشورهای اسلامی می شود در جهت عکس مقاصد انسانی و حتی تحقیر ارزشهای بشری بکار گرفته می شود.

حالت رایگان هم ندارد و اهداف خیرخواهانه ای را دنبال نمی کند بلکه محرک های سیاسی و نظامی در آن دخیل است و اصولاً به کشورهای کمک می شود که:

- ۱- در نقاط حساس و استراتژیک واقعند;
- ۲- کشورهای نوظهور و تازه استقلال یافته برای جلب آنها به سوی خود;
- ۳- کمک به سرزمین هایی که دول آنها سر سپرده استکبار هستند و به قربان گوی آنانند;
- ۴- کمک به کشورهایی که رقیب کشور کمک شونده دیگر بوده و یا در صدد فاصله گرفتن از جای دیگر هستند;

- ۵- کشورهایی که از جایی تهدید می شوند و این تهدید منافع غرب را در مخاطره قرار می دهد;
- ۶- کشورهایی که جنبش ها و نهضت ها و تشکیلات انقلابی را سرکوب می کنند;
- ۷- کشورهایی که ایالت و سرزمینی پر آشوب دارند، اگر منافعی در راستای اهداف ابرقدرتها باشد برای درهم کوبیدن آن آشوب یا موج جدایی طلبی تقویت می شوند و اگر شورش آن ناحیه در جهت تامین منافع غرب باشد، این حمایت و تقویت جنبه عکس دارد.

از دیگر حیل های استعمار این بود که وقتی به سرزمین های اسلامی پا گشود بنا به شرایط و جغرافیائی کشورها، آنان را ملزم به کشت محصولی کردند که در تامین مواد اولیه کارخانجات آنها نقش مهمی داشت از عوارض ناگوار این برنامه این بود که زمین مزروعی حاصلخیز که باید در آن مواد غذایی و پروتئینی به عمل آید به کشت محصولات تجاری و بازرگانی اختصاص یافت به همین سبب این کشورها ناگزیر می شوند تا محصولات غذایی خود را از کشورهای دیگر وارد کنند. چنین شیوه تولید محصول که اقتصاد تک محصولی را به کشورهای مسلمان تحمیل می کند این خطر را دارد که با تحریم اقتصادی آن محصول، کشور تولید کننده تا سرحد فلج اقتصادی پیش می رود، تولید انبوه آن نیز قیمت محصول را به شدت تنزل مدهد، اما در عوض، محصولات و مصنوعات غربی هر روز گرانتر می شوند به عنوان مثال در سال ۱۹۶۰ میلادی یک تن کاکائو صادر شد تا ۱۲۰۰ کیلوگرم سیمان تهیه شود ولی در سال ۱۹۷۰م درازای همغن مقدار کاکائو ۳۰۰ کیلوگرم سیمان تحویل داده شد.

بنگلادش با تولید انبوه کنف، مالزی با تولید کائوچو و کشورهای مسلمان افریقای غربی با تولید بادام زمینی و ارزن، چنین روندی داشته و با وجود تولید زیاد و صادرات آن، سیمای فلاکت باری دارند و لذا برای تامین مایحتاج خود به سوی کشورهای صنعتی دست دراز می کنند و آن وقت وامی به این کشورها واگذار می شود که سیمای اقتصادی آنان را متزلزل تر نماید.

از عوامل دیگری که بخش قابل توجهی از بودجه و سرمایه کشورهای مسلمان را به خود اختصاص می دهد خرید اسلحه به میزان خیلی زیاد و بیش از نیاز واقعی است. عواملی به شرح ذیل موجب آن شده که این کشورها هزینه قابل توجهی را به امور نظامی تخصیص دهند.

۱- این کشورها میدان منازعه ابرقدرتها بوده اند و این منازعات منجر به جبهه گیری کشورهای مزبور شده که نیاز به تجهیزات نظامی را افزون می نماید؛

۲- اختلافات قومی، قبیله ای حزبی و درگیری های مرزی که خود ریشه در تحریکات استکباری دارد؛

۳- وابستگی نظامی ناشی از دوان سلطه ابرقدرتها؛

۴- عضویت در پیمانهای نظامی سیاسی و استقرار پایگاههای نظامی دولت های غربی در این کشورها؛

۵- سرکوبی نهضت ها و شورش های داخلی و متوسل شدن به زور برای حل مسائل اجتماعی و سیاسی؛

۶- احساس تهدید از سوی کشورهای دیگر با تحریکات خارجی؛

۷- قرار گرفتن این کشورها در نقاط حساس و بحران زا که آرامش آن به نفع ابرقدرتها نیست مثل خاورمیانه - شاخ افریقا، آسیای جنوب شرقی - آسیای میانه (ماوراء النهر)

در سال ۱۹۵۷ میلادی هزینه های نظامی جهان به ۶۴۰۹ میلیون دلار بالغ گردید و این میزان ۲۰ سال بعد به ۴۱۷۶۲ میلیون دلار رسید که در این میان بالاترین میزان آن به خاور میانه و بخصوص به کشورهای عراق، مصر و عربستان سعودی تعلق داشته است.

کشور عمان به لحاظ میزان هزینه نظامی نسبت به تولید ناخالص ملی در سطح جهان رتبه اول را داراست زیرا در این کشور ۴۰٪ محصول ناخالص ملی و ۴۶/۷٪ هزینه دولت در سال ۱۹۷۵م به امور نظامی اختصاص یافته است. در سال ۱۹۷۷م واردات اسلحه به کشورهای جهان سوم و سرزمین های مسلمان هفت برابر گردید که در این میان کشورهای عربستان، عراق، مصر و سوریه، اولین وارد کنندگان اسلحه در جهان بوده اند.

در سال ۱۹۷۹م ۷/۵٪ نیروی نظامی جهان به خاوری میانه اختصاص داشت ولی یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۰م به ۱۱/۳٪ افزایش یافت و در این سال ۸۹٪ صادرات اسلحه خاورمیانه مربوط به عربستان، عراق، ایران، سوریه، رژیم صهیونیستی و مصر بوده است.

سازمان کنفرانس اسلامی

با سقوط دولت عثمانی در بیت المقدس مجمعی بنام «کنفرانس عمومی اسلامی» تشکیل شد و بدنبال آن جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی در قاهره، جلسه ای منعقد نمود.

در سال ۱۳۳۶ قمری «کنفرانس بین المللی فرهنگ اسلامی» به دعوت پاکستان و با حضور ۱۳۰ نماینده تشکیل جلسه داد. کنفرانس رابطه العالم الاسلامی که در سال ۱۳۸۱ قمری در مکه تشکیل جلسه داد و معضلات کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار داد. این جامعه در سال ۱۳۸۴ قمری با شرکت ۱۳۵ شخصیت و دانشمند از ۳۵ کشور مسلمان با پیشنهاد رئیس جمهوری سومالی، جلسه ای مجدد تشکیل داد و کنفرانسی متشکل از کشورهای اسلامی مطرح و به تصویب رسید و در قطعنامه نهایی خود مسئولیت تعقیب فکر کنفرانس سران اسلامی به عهده رابطه العالم الاسلامی و دبیرخانه آن قرار گرفت. در هنگامه مقدمه چنین تشکیلاتی بین سران کشورهای اسلامی جنگ سرد و منازعاتی تبلیغاتی پدید آمد زیرا جمال عبدالناصر این جامعه را طرح آمریکائی دانست و آنها را چهره ای دیگر از «پیمان بغداد» تلقی نمود از آن سوی عربستان و دولت های موافق آن، چنین تشکیلاتی را ضروری دانسته و جمال عبدالناصر را متهم به حامی کمونیسم نموده و به عنوان ضد اسلام معرفی کردند.

وقوع جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷م که در جریان آن اسرائیل غاصب در درگیری با نیروهای ارتش مصر، سوریه، اردن و لبنان، صحرای سینا، کرانه غربی و شرقی رود اردن و بلندیهای جولان سوریه را به تصرف غاصبانه خود درآورد. بدنبال آن آتش سوزی عمدی در مسجدالاقصی توسط اسرائیل متجاوز که در ۲۸ اوت ۱۹۶۹ میلادی مطابق با ۳۰ خرداد ۱۳۴۸ شمسی صورت گرفت و رژیم مذکور آن را به یک مهندس استرالیائی نسبت داد و دادگاه هم آن مهندس مذکور را به دلیل واهی روانی تبرئه نمود. که این حرکت خشم برخی از سران کشورهای اسلامی را برانگیخت و تضاد بین جناحهای انقلابی و محافظه کار تقلیل یافت و زمینه های تحقق کنفرانس اسلامی پدید آمد و بالاخره در سپتامبر ۱۹۶۹ میلادی «سازمان کنفرانس اسلامی» در رباط پایتخت مراکش تشکیل گردید. در اولین کنفرانس سران ۲۴ کشور حضور داشتند ولی در حال حاضر ۵۱ کشور عضو آن هستند، از گذشته تا کنون، سه جناح بر این تشکیلات حکومت می کنند و در تصمیم گیری های آن بر حسب غالب گردیدن هر کدام، دخالت دارند این ۳ جناح عبارتند از جناح تندرو و رادیکال، جناح میانه رو و جناح بی تفاوت و حتی لائیک در داخل هر کدام از این جناحها تضاد و اختلافی به چشم می خورد. در اولین اجلاس از ملت فلسطین حمایت گردید و از آتش سوزی در مسجد اقصی ابراز نگرانی به عمل آمد. در اجلاس دوم سران کشورهای اسلامی که در سال ۱۹۷۴م در پاکستان منعقد گردید، اولین شرط حکفرمائی صلح در خاورمیانه، عقب نشینی اسرائیل از قدس شریف، عنوان گردید در سومین اجلاس که در سال ۱۹۸۸م در مکه بنام «اجلاس قدس و فلسطین شریف» تشکیل شد از آزادی سرزمین فلسطین حمایت و عضویت مصر در آن به خاطر شرکت درمنفرانس کمپ دیوید به حال تعلیق در آمد. در سال ۱۹۸۰م افغانستان بدلیل نظام مارکسیستی حاکم بر آن، از عضویت در سازمان معلق شد. در اجلاس کویت که در سال ۱۹۸۷م تشکیل جلسه داد مسئله فلسطین و اشغال غاصبانه این سرزمین از سوی اسرائیل متجاوز، مشکل اصلی صلح در خاورمیانه مطرح گردید.

اهداف پیش بینی شده در سازمان مذکور به مسائل اقتصادی محدود نمی شود و امور فرهنگی، سیاسی و ... را در بر می گیرد، این اهداف به شرح ذیل هستند:

- الف - ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو؛
- ب - تحکیم همکاری میان اعضاء در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و علمی و سایر زمینه های مهم؛
- ج - ترتیب دادن مشورت هایی میان اعضاء در سازمان های بین المللی؛
- د - تلاش در جهت محو تبعیضات و جدائی ها نژادی و از میان بردن استعمار در هر شکل آن؛
- و - هماهنگ کردن کلیه کوشش هایی که به منظور حفظ اماکن مقدسه صورت می گیرد؛
- ح - ایجاد محیط مساعد به منظور افزایش همکای و تفاهم میان اعضا و سایر کشورهای جهان.

فعالیت های فرهنگی

صندوق همبستگی اسلام - مرکز تحقیقات فرهنگی، هنری و تاریخی اسلامی، بنیاد اسلامی علوم تکنولوژی و توسعه، سازمان هلال احمر اسلامی.

فعالیت های اقتصادی

بانک توسعه اسلامی، کمیسیون اسلامی امور اقتصادی و فرهنگی مرکز تحقیقات و آموزش اجتماعی اقتصادی و آماری کشورهای اسلامی - مرکز اسلامی تحقیقات و آموزش فنی و حرفه ای، فدراسیون اتاقهای بازرگانی کشورهای اسلامی - مرکز افزایش تجارت.



فعالیت های سیاسی

کمیته قدس شریف، صندوق قدس، آژانس خبرگزاری اسلامی بین المللی، سازمان خدمات انتشارات رادیو تلویزیون کشورهای اسلامی، سازمان پایتخت های کشورهای اسلامی. ارکان اصلی سازمان کنفرانس اسلامی عبارتند از: کنفرانس سران (عالی ترین گردهم آیی کنفرانس)، وزرای خارجه - دبیرخانه.

کشورهای اسلامی علاوه بر آنکه در سازمان ملل متحد و کلیه نهادهای و تشکیلات سیاسی، فرهنگی و علمی آن عضویت دارند در مجامع سیاسی، نظامی و اقتصادی دیگر عضوند از جمله آنها «جنبش عدم تعهد» است که اکثر کشورهای مسلمان عضو آن هستند. اندونزی به عنوان پرجمعیت ترین کشور مسلمان، از بنیان گذاران این جنبش به شمار می رود. ریشه بوجود آمدن این تشکیلات بدین صورت بود که در ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ میلادی کنفرانس باندونگ با حضور ۲۲ کشور تشکیل شد و درباره بی طرفی و توسعه و استعمار بحث هایی به

عمل آورده و اصول دهگانه ای تصویب کردند که عبارتند از : احترام به حقوق بشر، احترام به حاکمیت و تمامی ارضی برای ملت ها، تساوی نژادها و ملت ها، عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، حق دفاع مشروع فردی و جمعی، خودداری از پیوستن به اتحادیه های دیگر، حق دفاع مشروع فردی و جمعی، خودداری از پیوستن به اتحادیه های نظامی که به ابرقدرتها خدمت می کنند. امتناع از بکار بردن زور، حل مسالمت آمیز اختلاف، تشویق همکاری بین الملل، احترام به عدالت و تعهدات بین الملل. در ژوئیه ۱۹۵۶ میلادی سران اندونزی و یوگسلاوی در جزیره یوگسلاوی به رهبری مارشال تیتو و با شرکت جمال عبدالناصر و جواهر لعل نهرو و جنبش مذکور را تشکیل داده و در ضمن تأیید اصول دهگانه مذکور طی اعلامیه ای در موارد زیر توافق به عمل آوردند: منع آزمایشات اتمی، کمک به کشورهای در حال توسعه، وحدت آلمان، حمایت از مبارزات فلسطین و آزادی طلبی های فرانسه. و بدین گونه جنبش عدم تعهد پدید آمد از سازمانهای دیگر که کشورهای مسلمان در بوجود آوردن (OPEC) آن دخالت دارند، اوپک

یا سازمان کشورهای صادر کننده نفت است که ایران، عربستان، ونزوئلا و کویت جوز مؤسسين آن بوده و کشورهای قطر، لیبی، اندونزی، امارات متحده عربی، الجزایر، نیجریه، اکوادور و گابون بعدا بدان ملحق گردیدند. از این ۱۳ کشور دو کشور اکوادور و ونزوئلا غیر مسلمان می باشند. که اکوادور در اواخر سال ۱۹۹۲م از اوپک خارج شد.

مقدمه ای درباره سیمای کلی این قاره

قاره آسیا با مساحت ۴۴۰۰۰/۰۰۰ کیلو متر مربع بزرگترین قاره کره زمین است که ۲۵٪ کل خشکی های زمین را دربر می گیرد. این قاره از ناحیه شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از مشرق به اقیانوس آرام و از جنوب به اقیانوس هند محدود می شود. بحر احمر در جنوب غربی آن، این خشکی بزرگ را از افریقا جدا می کند تنها راه ارتباطی بین این دو قاره، صحرای سینا بود که با حفر کانال سوئز در آن، راه خشکی این دو قاره قطع شد. تنگه برینگ این قاره را از آمریکای شمالی جدا نموده و کوههای اورال مرز غربی آسیا با قاره اروپاست. در قاره آسیا می توان بلندترین قله (اورست) وسیع ترین فلاتها، جلگه ها، دشت ها و طولانی ترین و پر آب ترین رودها را مشاهده نمود. دریاچه خزر به عنوان بزرگترین دریاچه دنیا و دریاچه بایکال به عنوان عمیق ترین دریاچه جهان، در این قاره واقعند. بدلیل شرایط گوناگون، انواع آب و هوا را می توان در این سرزمین مشاهده نمود. انواع جنگل ها، و نیز صحرای، کویرها و بیابانها، نقاط پوشیده از یخ، سیمای دیگری از قاره آسیا را ترسیم می نمایند. از ۵ میلیارد سکنه دنیا، ۶۴٪ در این قاره سکونت دارند که از این لحاظ پرجمعیت ترین قاره به شمار می رود. جمعیت این قاره غالبا در هوای جنوب و جنوب شرقی آن زندگی می کنند. مردم آسیا از دو نژاد زرد و سفید تشکیل شده اند و در صد نژاد سیاه در آن کم است. آسیا مهد سه دین بزرگ یعنی اسلام، مسیح و یهود است و خورشید تمدن از این قاره به نقاط دیگر تابیدن گرفته است.

وجود ذخائر عظیم و منابع غنی چون نفت و ذغال سنگ موجب نفوذ استعمار در این قاره از قرن بیستم گردید که این پدیده موجبات غارت این قاره را توسط ابرقدرتها فراهم ساخت و با وجود آنکه ذخائر این قاره موجب گردش چرخ صنایع کشورهای غربی شد، خود در این زمینه توسعه نیافت و بجز چند کشور چون ژاپن و کره اساس اقتصاد کشورهای این قاره بر کشاورزی و دامداری استوار است.

مسلمانان قاره آسیا

قاره آسیا مرکز تابش نور توحید و کانون نشر اسلام است. نسیم طراوت بخش وحی در آغاز بر این سرزمین وزید و فرهنگ و تمدن اسلامی در آن بنیان نهاده شد. بسیاری از آثار درخشنده مسلمین که جلوه های معنوی و مقدس دارند در این قاره واقعند. قبله مسلمین، حرمین شریفین، اماکن مذهبی مراقد مطهر معصومین و اهلبیت و غالب جلوه های هنر اسلامی در این قاره واقعند. بستر جغرافیائی صحنه های تراخی صدر اسلام و مرکز خلافت مسلمین در صدر اسلام در جنوب غربی این خشکی وسیع قرار گرفته است.

در سال ۱۹۶۶ میلادی ازن قاره، ۴۵۰ میلیون نفر مسلمان داشته است که حدود ۷۰٪ مسلمانان جهان را در تاریخ مذکور تشکیل می داده است. این میزان در سال ۱۹۷۲ میلادی به ۵۵۰ میلیون نفر بالغ گردید که ۳۶۲

میلیون آن مربوط به کشورهای مستقل اسلامی و ۱۸۸ میلیون به اقلیت های مسلمان اختصاص داشته است. در حال حاضر قریب به ۷۵٪ مسلمین جهان که به ۸۰۰ میلیون نفر بالغ می گردند در این قاره سکونت دارند که ۶۵٪ در واحدهای سیاسی مستقل و ۳۵٪ در کشورهای غیر مسلمان این قاره زندگی می کنند.

در وضع فعلی ۱۵ کشور مستقل در این قاره بین ۵۰ تا ۹۹٪ مسلمان دارند. وسیعترین این کشورها عربستان است که ۲۱۴۹۶۹۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و در ناحیه استراتژیک خاور میانه قرار گرفته است مجموع مساحت این کشورها به یازده میلیون کیلومتر مربع بالغ می گردد که ۲۵٪ وسعت آسیا را تشکیل می دهد.

کشورهای واقع در آسیای غربی و جنوبی در قرون اولیه به اسلام گرویدند اما سرزمینهای آسیای جنوب شرقی در قرون پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم اسلام را پذیرا گشتند.

در این بخش، کشورها و نواحی مسلمان نشین این قاره را مورد بررسی قرار می دهیم و برای سهولت کار قاره مزبور را به پنج قسمت تقسیم کرده و به مشخصات جغرافیائی نقاط مسلمان نشین می پردازیم:

الف - آسیای جنوب غربی (خاور میانه)؛

ب - آسیای جنوبی؛

ج - آسیای جنوب شرقی؛

د - آسیای شرقی؛

ه - آسیای مرکزی؛

نهضت ترجمه

Translation Movement

الف - آسیای جنوب غربی (خاور میانه)

آسیای جنوب غربی، بخش مرکزی جهان اسلام است و از نقطه نظر تاریخی و مسائل سیاسی و سوق الجیشی اهمیت ویژه ای دارد. این ناحیه به لحاظ آب و هوایی از تابستانهای بسیار گرم و خشک و زمستانهای نسبتاً کوتاه، برخوردار است. نواحی شمالی این منطقه را رشته کوههایی فرا گرفته که بخش های زیادی از ترکیه، ایران و افغانستان را در بر می گیرد. در بخش شرقی این برجستگی ها، زمین های همواری دیده می شود که با رسوبات دجله و فرات پدید آمده و خاک حاصلخیزی دارند. در جنوب رودهای دجله و فراب که به خلیج فارس می ریزند، غیر از زمینهای پست بین النهرین، شبه جزیره عربستان قرار دارد که از نظر وسعت، بزرگترین شبه جزیره جهان است و با وجود هم مرز بودن با دریا از سه طرف، سرزمین خشک و صحرایی است. در اطراف دریای خزر، دریای سیاه، دریای مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس زمین های حاصلخیزی قابل مشاهده است.

در اینجا ۶ نژاد گوناگون در کنار هم زندگی می کنند. با سه زبان اصلی عربی، فارسی و ترکی در قسمتهای مختلف این منطقه تکلم می شود. این بخش از آسیا منشأ پیدایش سه دین بزرگ اسلام، مسیح و یهود بوده و فرهنگ در این سرزمین بر اساس معتقدات و معارف اسلامی بنیاد گزارده شده و زبان قرآن که عربی است در آن گسترش زیادی داشته که در فرهنگ های دیگر تاثیر قابل ملاحظه ای گذاشته است.

وجود مکه قبله گاه مسلمین، فلسطین (الهام بخش سه دین بزرگ) به این منطقه اهمیت ویژه ای توأم با هاله ای از قداست بخشیده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ش، آسیای جنوب غربی دچار تحولی عظیم گشت که شرق و غرب را در نگرانی شدید و بهت و حیرت فرو برد. پیروزی این انقلاب شکوهمند الهی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و با ایثار و فداکاری امت مسلمان ایران اهمیت تجاری و سوق الجیشی این ناحیه را تحت الشعاع قرار داده و استکبار را از گسترش این نهضت به وحشت انداخته است.

آسیای جنوب غربی و شمال شرقی افریقا را بنام خاور میانه (۱) می شناسند. اولین بار در سال ۱۹۰۲ میلادی افسری آمریکایی، طی مقاله ای از این اصطلاح استفاده کرد و در سال ۱۹۴۸م سازمان ملل متحد آن را پذیرفت. (۲)

تمرکز جمعیت به دلیل شرایط اقلیمی و موقع جغرافیائی در این بخش از آسیا یکسان نیست و اغلب مردم در مناطق ساحلی مرطوب و زمینهای حاصلخیز تمرکز یافته اند. سه کشور ترکیه، ایران و افغانستان ۷۵٪ سکنه این منطقه را تشکیل می دهند. قریب به ۴۰٪ مردمان این نواحی در کانونهای شهری به سر می برند، از عربستان که بگذریم، تجانس جمعیت در کشورهای دیگر این منطقه کمتر دیده می شود و اغلب کشورها اقلیت های متفاوتی دارند.

Translation Movement

قرار گرفتن این ناحیه در میان سه قاره اروپا، آسیا و افریقا و نیز وجود دریاها، رودها و تنگه های استراتژیک و بهره مندی آن از ذخائر عظیم نفت، موجب آن شده تا ابرقدرتها و کشورهای بزرگ صنعتی برای دسترسی و سلطه بر آن، با یکدیگر در رقابت سختی باشند و کشمکش ها و بحرانهای زیادی را در آن پدید آورند. موضع گیری دول این منطقه در مقابل دول غربی و تکیه بر ناسیونالیسم، بسیاری از روابط و پیوندهای این منطقه را به تحلیل برده و یگانگی های فرهنگی را ضعیف نموده و با وجود آنکه، آئین مشترک و قبله واحدی دارند در حالت نزاع و ستیز با یکدیگر به سر می برند، این رفتارها که توأم با تفرقه و تشتت است سبب آن گشته که با توطئه عوامل استکبار بین کشورهای مسلمان سرزمین مذکور تضادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پدید آورده به نحوی که با وجود دسترسی به منابع عظیم و سلط بر نواحی سوق الجیشی و مهمتر از آن، بهره مندی از اخوت عقیدتی و بنیانهای مذهبی عمیق، نتوانند در مناسبات جهانی به نحو تعیین کننده ای ابراز وجود کنند و از حل معضلی چون غصب سرزمین فلسطین توسط گروهی صهیونیست غاصب، عاجز باشند. جبهه گیری

های سیاسی این کشورها در موقعیت های گوناگون، نیز آنها را وادار به تشکیل سازمانها و نهادهای سیاسی و یا پیوستن به تشکیلات سیاسی غربی نموده است. این سازمانها در حل مشکلات کشورهای مزبور و نیز رفع مسائل و بحرانهای منطقه از خود توانائی آنچنانی نداشته و شکاف بین دول اسلامی را شدت بخشیده است.

تعداد واحدهای سیاسی این بخش از قاره آسیا به ۱۵ واحد بالغ می گردد که در مجموع ۷ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارند.

این کشورها با ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سکنه ۱۶٪ مسلمین جهان را تشکیل می دهند. ذیلا به بررسی اجمالی واحدهای جغرافیایی آن خواهیم پرداخت:

عربستان

قبل از ظهور اسلام و در عصر جاهلیت، مردمانی در شبه جزیره عربستان سکونت داشتند که به طور کلی عرب نامیده می شدند و به دو دسته اعراب قحطانی و اعراب عدنانی تقسیم می شدند. این دو، از نظر تاریخی، ریشه مشترک دارند ولی عدنانیان در سلسله نسبت خود به حضرت ابراهیم (ع) می رسند این طایفه در نجد و حجاز بودند اما عربهای قحطانی به یمن رفتند. این افراد تابع حکمتی نبودند و اساس ملیت آنان قبیله بود و اعضای هر قبیله از شیخ قبیله اطاعت می کردند. عصبیت جاهلی و ناسیونالیسم قبیله ای افراد را به جان هم می انداخت و گاهی بر سر مسائل جزئی، جنگی چون نبرد بسوس ۴۰ سال طور می کشید. خونریزی، قساوت، غارت و تجاوز از برنامه های این قبایل بود. گرچه صحرانشینی و بیابانگردی پیشه عربها بود اما زندگی شهری به شکلی ضعیف در یمن، عدن، حضرت موت، حجاز، یثرب و طائف دیده می شد. به لحاظ عقاید مذهبی، گروه کوچکی بدون آنکه آداب و رسوم خاصی داشته باشند به خدای یکتا و آئین ابراهیم (ع) که دین حنیف نامیده می شد، معتقد بودند.



یهودیان که ۱۳ قرن قبل از میلاد پس از خرابی اورشلیم به حجاز مهاجرت نموده بودند به رواج آئین خود در عربستان پرداخته و گروهی را پیرو خود ساختند. ایران و روم برای نفوذ به این شبهه جزیره با هم در رقابت بودند و تحت تاثیر تبلیغات رومیان مسیحی، طوایفی ربیع و غسان، مسیحی شده و برخی هم با تاثیر پذیری از آئین ایران آن روز، به دوگانه پرستی روی آورده بودند. شخصی بنام «عمرو بن لحي» هم بت پرست را در این شبهه جزیره بوجود آورده بود. (۳) آشتگی و بحرانی که بر این ناحیه سایه افکنده بود، مردمان محروم و ستمدیده را در تیرگی خاصی قرار داده بود که طلوع نورو فروغ امیدی را خواستار و در انتظار آن بودند که دستی از غیب برون آید و آنان را از این مرداب و گرداب ننگین نجات دهد که ناگهان با بعثت پیامبر اسلام (ص) شب سیاه ظلمانی و تاریکی جهل و عناد به پایان رید و فجر صادق اسلام، انسانها را امیدوار نمود. ظهور آئین مذکور در این سرزمین، موجب آن شد تا عده ای از مشرکان و بت پرستان به هیاهو و جنجال و تبلیغات

منفی پرداخته و تنگناهایی برای پیامبر اسلام(ص) و یاران با وفایش بوجود آورند و در صدد آن بودند تا این نور الهی را خاموش کنند غافل از آنکه اراده خداوند بر آن تعلق گرفته بود که بشریت با رهبری و ارشاد رسول معظمش به سوی معنویت، عقیده و ایمان باز گردد. و خود را از خطر سقوط و نابودی نجات دهند و به دلیل انطباق این آئین با گرایش های فطری و حمایت از ناحیه عقل و منطق، همه جانبه بودن، جهانی و جاودانی آن و بخاطر خلاء اعتقادی - سیاسی که در آن عصر، جهان گرفته بود، با استواری و پایداری پیامبر و یاران فداکارش نه تنها در جزیره العرب که در سرزمین های دیگر انتشار یافت و مورد پذیرش جویندگان حقیقت قرار گرفت و جنبش و تحول معنوی که در پرتو وحی بوجود آمد، تمدنی عظیم و با شکوه را بنا نهاد که قرنهای بشریت را از فیض وجود آن بهره مند بود.

کشور عربستان متجاوز از ۷۵٪ شبه جزیره عربستان را دربر گرفته است. در بخش شرقی آن خلیج فارس و در غرب آن دریای سرخ واقع است. صحرای نجد بخش اعظم آن را تشکیل می دهد که بخش جنوبی آن را ربع الخالی می گویند که با ۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع پهناورترین بیابان خشک و خالی جهان است. مناطقی که در امتداد سواحل خلیج فارس واقع می باشد به احساء معروف است نواحی کناره دریای سرخ که از بندر عقبه در شمال تا یمن در جنوب ادامه دارد شامل حجاز و عسیر می باشد.

جمعیت عربستان به ۱۳۶۰۰/۰۰۰ نفر بالغ می گردد که نیمی از آنها در شهرها، عده ای در روستاها و گروهی به صورت قبیله ای در صحاری زندگی می کنند. این کشور در حال حاضر ۴۰۰۰ قبیله دارد.

شیوه حکومت این کشور پادشاهی است و با دول غربی و به ویژه امریکا روابط گسترده اقتصادی سیاسی دارد و با کشورهای ژاپن، آلمان، فرانسه، برخی دول مسلمان و کشورهای آفریقائی، مناسبات تجاری - سیاسی دارد. از گذشته بدلیل واقع شدن قبله مسلمین در این کشور همه ساله مسلمانان جهان برای فریضه عبادی - سیاسی حج به این ناحیه می آیند تا در ایام ذیحجه و طی مراسمی داده اما در گذشته عربستان در جهان سیاست و اقتصاد جائی نداشت، با افزایش بهای نفت از سال ۱۹۷۰م و کشف ذخائر جدید نفت، عربستان از اعتباری ویژه برای دول صنعتی برخوردار شده که شامل ۲۵٪ ذخائر دنیا و بیش از ۳۵٪ کل اوپک به حساب می آید. عربستان بخش عظیمی از درآمد نفت را صرف خرید تجهیزات جنگی می کند. در سال ۱۹۸۰م بودجه دفاعی آن ۱۸ میلیارد دلار بوده که از این نظر در جهان اول بوده است. (۴) قریب به ۲ میلیون کارگر و متخصص خارجی از کشورهای گوناگون در این کشور به کار اشتغال دارند و کارهای کلیدی و مدیریت ها در دست مهاجرین غربی است.

مرکز حکومت عربستان، شهر ریاض و از شهرهای مهم آن مکه و مدینه است.

شهر مکه در سمت غربی شبه جزیره عربستان و در جنوب مدینه بین دو رشته کوه محصور گردیده است. با ساختن خانه کعبه در این نقطه توسط حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل و پیدایش چشمه زمزم شالوده شهر مکه ریخته شد. در شمال شرقی مکه جبل النور قرار گرفته که غار حراء در آن واقع است. همان جایگاه مقدسی که محل راز و نیاز پیامبر اسلام(ص) بود و در آن بر آن سرور وحی نازل شد. کوههای عرفات و منی در شرق مکه هستند در مکه، اماکن مقدسی وجود دارد که مهمترین و با عظمت ترین آن مسجدالحرام است که خود شامل کعبه معظمه، مقام ابراهیم، حجرالاسود و ... است. صفا و مروه که جایگاه بلندی است بر کوه ابوقبیس و میان صفا و کوه ابوقبیس و مسجدالحرام قرار دارد.

مسجد منی و مسجد مزدلفه از آثار مذهبی مکه می باشد. (۵) مدینه در ۵۰۰ کیلومتری شمال مکه و در زمین همواری بین دو کوه قرار گرفته، آب و هوای گرم و خشکی دارد این شهر در عصر جاهلیت یشرب نام داشت که با ورود پیامبر اکرم(ص) بدان، مدینه النبی نام گرفت.

کوه احد در شمال مدینه قرار دارد. کوههای طی در مشرق و کوه عیر در جنوب آن واقع است. (۶) از آثار مقدس و مذهبی آن مسجد النبی، آرامگاه رسول گرامی اسلام(ص) را می توان برشمرد، مسجد قبا نیز در جنوب غربی مدینه قرار دارد. مسجد ذوقبلتین که از مساجد ساده اما معروف مدینه است در وادی عقیق قرار دارد در آن دو قبله یکی به جهت بیت القدس و دیگری به سوی کعبه به چشم می خورد. در همین مسجد بود که با پیام وحی به رسول خدا قبله از بیت المقدس به سوی خانه کعبه تغییر نمود. (۷) از زیارتگاههای مدینه، قبرستان بقیع و گورستان احد قابل ذکر است. بقیع در طرف شرقی مدینه واقع است و آرامگاه مطهر حضرت فاطمه زهرا(س) صدیقه کبری دخت گرامی حضرت محمد(ص) مدفن فاطمه بنت است مادر اولین امام شیعیان حضرت علی(ع) و تربت ۴ ستاره درخشان آسمان ولایت و امامت یعنی: امام حسن مجتبی(ع)، امام سجاد(ع)، امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) و مدفن جمعی از اصحاب حضرت محمد(ص) و علی(ع) و عده ای از عرفا، زهاد و علماء در این قبرستان قرار دارد.

فلسطین

کشور فلسطین، سرزمین کم وسعتی است که در ناحیه خاور میانه و در شرق مدیترانه قرار دارد. این سرزمین همچون پلی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را به هم متصل می کند و قلب جهان عرب و حلقه اتصال شرق و غرب می باشد و الهام بخش سه دین بزرگ دنیا است. چنین موقع مهم و خصوصیات ویژه، این کشور را به صورت یکی از ناطق استراتژیک جهان درآورده است اما اشغال آن توسط صهیونیست ها و با حمایت ابرقدرتها و نیز آواره شدن چندین میلیون فلسطینی موجب آن گشته تا قلب های مسلمین جهان محزون و متاثر گردد.

۳۵۰۰ سال قبل از میلاد اقوام سامی از قلب عربستان به سوی مصر، عراق، سوریه، لبنان، و فلسطین کوچ نمودند که ۲۵ قرن ق.م، یکی از این اقوام که به کنعانیان معروف بودند فلسطین را به عنوان محل سکونت خود برگزیدند. ۲۰ قرن ق.م اولین دولت تحت عنوان کنعانیه در کشور مزبور تاسیس شد.

در سال ۱۲۲۵ ق م، قوم بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی(ع) در فلسطین کونت یافتند. حدود هزار سال ق.م، اقوامی بنام «فلسطین» که از جزایر دریای اژه آمده بودند به این ناحیه راه یافته و جای کنعانیان را گرفتند بنی اسرائیل به سرکردگی داوود نبی و بعد از او به رهبری سلیمان پیامبر در حدود ده قرن ق م دولت عبرانی را در این کشور بوجود آورده که رقیب دولت اقوام فیلسطین بود.

فلسطین در سال ۷۷۲ ق م به تصرف آشور و به سال ۵۳۹ ق م توسط کوروش اشغال شد. در اواسط نیمه دوم قرن چهارم ق.م اسکندر آن را تصاحب نمود.

در سال ۳۹۵ میلادی فلسطین به عنوان مستعمره روم غربی اداره می شد و از اواسط قرن هفتم تا شانزدهم فرمانروایان عرب بر آن استیلا داشتند.

در سال ۱۵۱۷م جزئی از خاک امپراطوری عثمانی بود که به مدت ۴ قرن آن را در اختیار خود داشتند و تا سال ۱۹۱۷م بر آن حکومت می کردند. (۸)

در سال ۱۸۹۷م اولین کنگره صهیونیسم در شهر بال سوئیس به سرپرستی هرتزل برگزار شد و هدف خود را این گونه مشخص نمود:

Translation Movement

«هدف صهیونیسم عبارت است از ایجاد یک وطن قومی برای ملت یهود در سرزمین فلسطین».

در نوامبر ۱۹۱۷م، بریتانیا اعلامیه مشهور بالفور را مبنی بر تاسیس وطن قومی برای ملت یهود در فلسطین صادر کرد. جنگ جهانی اول پایان نیافته بود که یهودیان وعده تشکیل کشور یهود را از بریتانیا دریافت نمودند و انگلیس با مشارکت شریف حسین حکمران قحط حجاز، دولت عثمانی را از فلسطین بیرون راند و مهاجرت یهودیان به این سرزمین آغاز شد و دولت انگلستان به قیومیت خود در این کشور پایان داد. (۹) اعراب در خلال قیامها و انقلابهائی، مخالفت خود را با وعده بالفور اعلام نمودند که این حرکات زمینه ساز انقلاب بزرگ سال ۱۹۳۶م و ۱۹۳۹م بود که برجسته ترین رهبرش شیخ عزالدین قسام است. و بالاخره سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۱۸۱ را مبنی بر تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عربی در تاریخ نوامبر ۱۹۴۷م صادر نمود

و در سال ۱۹۴۸م سازمان جهانی صهیونیسم برپائی اسرائیل را اعلام داشت. در سال ۱۹۴۸م سکنه یهودی فلسطین اشغالی به ۳۳٪ کل جمعیت فلسطین رسید که ۵/۶۷٪ اراضی فلسطین را اشغال نموده بودند.

گرچه ارتش دول عربی وارد جنگ با متجاوزین اسرائیلی شد ولی پس از رسوائی ها و خیانت ها به آتش بس ها و موافقت هایی تن داده و عقب نشینی نمود و رژیم غاصب به سال ۱۸۵۶م به کانال سوئز حمله کرد. در ۲۸ مه ۱۹۶۴م کنگره عمومی فلسطین در شهر قدس با اعلام تاسیس: سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) پیمان ملی فلسطین را تصویب کرد و سپتامبر همین سال ارتش آزادی بخش فلسطین برای مبارزه با غاصبین بوجود آمد.

در ژوئن ۱۹۶۷م، اسرائیل به سه کشور مصر، سوریه و اردن حمله نمود و کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی های جولان را متصرف شد. این حرکت موجب آواره شدن تعداد زیادی از مردمان فلسطین به سو کشورهای عربی و خاورمیانه گردید. و بدین گونه متجاوزین که بعد از سال ۱۹۴۸م ۷۸٪ سرزمین مزبور را تصرف کرده بودند با ضمیمه کردن نواحی متصرف شده، علاوه بر سرزمین فلسطین به نقاط حساس دول مجاور هم دست یافتند. (۱۰)

یکی از اسف بارترین آثار شوم غصب فلسطین، حادثه ناگوار اوراگی بیش از سه میلیون نفر از مسلمانان مظلومی است که هستی خود را از دست داده و در نواحی مختلف خاورمیانه و حتی سراسر جهان پراکنده اند. پناهندگانی که در سوریه، مصر، اردن و لبنان سکونت دارند در شرایط دشواری زندگی می کنند و نیز به عنوان مثال در جریان یورش اسرائیل به اردوگاههای صبرا و شتیلا ۴۰۰۰ نفر که اغلب زن و کودک بودند به شهادت رسیدند گاهی هدایایی زیبا و فریبنده به کودکان فلسطینی هم توسط اسرائیل داده می شود اما این هدایا چیزی جز بمب های رنگارنگ خوشه ای نیستند و به محض آنکه کودکان بر این گوی ها دست می گذارند، در آغوش آنها منفجر شده و امیدشان را به یاس مبدل می سازد و چه بسا کودکانی با این هدایا! دست و پای خود را از دسا داده و یا قطعه قطعه می شوند. (۱۱) آن دو میلیون نفری هم که در سرزمین های اشغال شده به سر می برند که بگین آنان را «سرخ پوستان ما» نامیده بود وضع رقت باری داشته و از هیچ گونه حقوق اجتماعی و سیاسی برخوردار نیستند و هر لحظه مورد تهاجم، شکنجه و ایذا قرار می گیرند، خانه و اراضی ایشان نیز مصادره و گاهی محصولاتشان را با مواد شیمیائی نابود می کنند. فاجعه کشتار خونین دیر یاسین در آوریل ۱۹۴۸ که بگین جزئیات آن را در کتاب خود توضیح داده و بدان اعتراف نموده، از جمله حوادث ناگواری است که برای ملت محروم فلسطین رخ داده است. (۱۲)

فلسطین به لحاظ جغرافیائی در حال حاضر شامل دو منطقه است:

منطقه شمالی که بخش بالای آن را ادامه تپه های جنوب لبنان می پوشاند که زمینهای بلندی بنام «جلیلی» (۱۳) را بوجود می آورد. قسمت جنوبی که شامل جلگه مرتفع بیابانی است و به بیابان نقب (۱۴) موسوم است که نیمی از سرزمین فلسطین را دربر می گیرد. آب و هوای فلسطین در تابستانها گرم و در زمستانها معتدل و بارانی است به غیر از چند رود کوچکی که به دریای مدیترانه می ریزد رود مهمی در این سرزمین جریان ندارد.

اکثریت جمعیت ۶/۵ میلیونی فلسطینی را مسلمانان تشکیل می دهند که اغلب از نژاد سامی بوده و به عربی صحبت می کنند. مرکز فلسطین، بیت المقدس است که از نظر اسلام، مسیحیت و یهود مکانی مقدس می باشد این شهر که به قدس و اورشلیم هم مشهور است در ۵۵ کیلومتری غرب رود اردن و ۸۰ کیلومتری شرق مدیترانه بر روی ارتفاعات متوسط قرار گرفته از قدیمی ترین شهرهای مذهبی جهان به شمار می رود. بیت المقدس شامل دو بخش قدیم و جدید می باشد، قسمت قدیمی تماما داخل قلعه و حصار محکمی است که آخرین بار در زمان عثمانیان بازسازی شد. در جنوب شرقی بخش قدیم محوطه مستطیلی است که مسجد اقصی، مسجد صخره قبه الصخره در آن قرار گرفته و مجموعا حرم شریف نام دارد و مساحت آن به ۱۵٪ مساحت بیت المقدس قدیم بالغ می گردد. دروازه شرقی این حرم که دروازه طلایی نام دارد (در دیوار شرقی قرار گرفته) حرم را با کو زیتون یا کوه طور ربط می دهد. دروازه جنوبی رو به شهرهای بیت اللحم و الخلیل است، مسجد الاقصی چون در دامنه کوه ساخته شده شامل دو طبقه ای است که شیب آن در طبقه اول تمام شده و طبقه دوم صاف است. سقف طبقه زیرین بر روی ۸۸ ستون مربعی سنگی در ۱۵ ردیف قرار دارد، طول مسجد ۵/۱۸ متر و عرض آن ۵۴/۵ متر است. (۱۵) پیامبر اسلام - ص - پس از آنکه به قدرت خداوند از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر داده شدند از این مسجد سفر آسمانی (معراج) خود را آغاز نمودند. در بخش غربی حرم دیوار ندبه واقع شده که مکان مقدس یهودیان است و در پای آن زانو زده و به تفکر فرو می روند. (۱۶) سطح سر ستونها و حاشیه محراب آیاتی از قرآن کریم با بهترین خط نسخ عربی و کوفی که گاهی از طلای ناب و برجسته هستند دیده می شود. (۱۷)

Translation
JMS

از وضع اقتصادی مردم فلسطین که حدود ۶۰٪ آنان در خارج از وطن خود زندگی می کنند به دلیل پراکندگی در سایر کشورها، آمارهای دقیقی در دست نمی باشد با این حال بر خلاف مصائب زیاد و آواردگی و بی خانمانی بین کودکان و نوجوانان فلسطینی عشق وافر و فراگیری دانش های مورد نیاز جامعه وجود دارد به لحاظ فرهنگی در سایه تلاش و کوشش خود در زمینه های کوناگون علمی، تخصص های عالی داشته و به مدارج عالی علمی و شغلی دست یافته اند و متخصصان آنان در بخش صنایع کشورهای عربی به ویژه پالایشگاهها و مراکز پتروشیمی مشغول بکارند و برخی در سطح معاونت وزارت در کشورهای خاورمیانه ارتقاء یافته اند.

جمهوری عراق

کشور عراق با ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع در منطقه خاورمیانه و غرب ایران، در ناحیه هلال خصیب (۱۸) واقع است. سرزمین نسبتاً کم ارتفاعی است که ناهمواریهای آن غالباً در شمال و شمال غربی واقعند و جلگه ها، بخش عظیمی از وسعت آن را در بر گرفته است. بیابانها و صحاری تحت عنوان بادیۀ الشام سرتاسر غرب و جنوب غربی آن را می پوشاند. دجله و فرات شریان حیاتی این کشور را تشکیل می دهد. این دو رود که از کوههای جنوب شرقی ترکیه سرچشمه می گیرند به صورت شمالی - جنوبی وارد عراق شده و پس از پیوستن سه رود زاب بزرگ، زاب کوچک و دیاله به دجله، این دو رود در محلی به نام قرنه به هم پیوسته و شط العرب را تشکیل می دهند و با پیوستن کارون به شط العرب در مرز مشترک عراق و ایران اروندرود بوجود آمده که به خلیج فارس می ریزد. آب و هوای عراق در نقاط شمال، کوهستانی در نواحی مرکز گرم و مرطوب و در غرب گرم و خشک است.

سرزمین فعلی عراق که در گذشته به نام بین النهرین نامیده می شد از قدیمی ترین مراکز تمدن آسیا بوده است. سامی ها در حدود ۳۵ قرن ق.م به آنجا مهاجرت نمودند. سومری ها در شمال، مملکت آشور را بنیان نهادند. در قرن سوم ق.م، عراق تحت سلطه سلسله ایرانی اشکانی در آمد و پس از آن ساسانیانبدان مسلط شدند، در سال سیزده هجری قمری مطابق با ۶۳۴ میلادی با شکست ساسانیان از اعراب مسلمان، عراق نیز جزو قلمرو حکومت اسلامی شد. حضرت علی(ع) در قرن اول هجری مقرر حکومت خود را در کوفه قرار داد. در سال ۶۱ هجری حادثه کربلا یعنی شهادت امام حسین(ع) و یارانش در کربلا توسط یزید بن معاویه به وقوع پیوست که یکی از مهمترین و برجسته ترین حماسه های اسلامی در جریان مذکور یعنی قیام سید الشهداء و یاران با وفایش قابل مشاهده است. و تمامی نهضت های اسلامی از این قیام شورانگیز الهام می گیرند. در زمان عباسیان بغداد محل خلافت عباسیان گردید. در سال ۶۵۶ هجری قمری مطابق با ۱۲۵۸ م مغلوها عراق را تصرف نمودند و تا ۱۴۱۱ میلادی عراق جزو قلمرو آنان بود و در این زمان سلسله آق - قویونلو آن را تصاحب کردند. با برچیده شدن این سلسله توسط دولت صفوی، عراق بخشی از ایران شد. در سال ۱۵۳۵ میلادی قوای عثمانی با منهزم نمودن قوای ایرانیان، عراق را به تصرف خود در آورده و تا جنگ جهانی اول که مقارن با شکست دولت عثمانی است، عراق در اختیار آنان بود. (۱۹)

با شروع جنگ اول، بریتانیا به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان و رهایی عراق از سلطه عثمانی به این کشور حمله ور شد و قلعه فاو را در دهانه شط العرب، تصرف نمود و سرپرستی کاکاس از سیاستمداران کهنه کار انگلیس حکمران عراق شد. بر طبق مقررات «سان رمو» در ۲۵ آوریل ۱۹۲۰ م عراق و فلسطین تحت قیمومیت انگلیس درآمد. آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی از مخالفین سر سخت قیمومیت انگلیس بر عراق بود و برای مقابله با این حرکت، فتوایی مبنی بر عدم پذیرش سلطه بیگانگان را داد. علمای شیعه فتوای جهاد داده و خود در جبهه های نبرد حاضر شدند. در ۴ شوال ۱۳۳۳۸ قمری (ژوئن ۱۹۲۰ م) هزاران نفر از شیعیان، در صحن

حضرت سید الشهداء(ع) اجتماع کرده و آیت الله شیخ محمد خالصی زاده برای آنان خطابه ای شورانگیز ایراد نمود که این حرکت ربعی در انگلیس افکند و سبب آن شد تا فردی به نام ماژربولی کربلا را محاصره کند. (۲۰)

سرولسون نماینده سیاسی انگلیس در عراق در مورد اشغال عراق می گوید:

«کلید کل مناطق استراتژیک، در بغداد است و ما با اشغال عراق توانستیم خنجرى در جهان اسلام بزنیم و بدین طریق از تجمع مسلمین بر علیه خودمان در خاورمیانه جلوگیری کنیم...!» (۲۱)

اما با رهبری روحانیت و آیات عظام، قیام ۱۹۲۰ م عراق به وقوع پیوست که موفقیت هایی بدست آورد و حکومت انگلیس مجبور به رسمیت شناختن استقلال عراق گردید.

از علل اصلی تحریک مردم برای این قیام این بود که آیت الله کاشانی مدام به مرکز قبایل و عشایر رفت و آمد می کرد و آنها را در پیوستن به صفوف انقلاب تحریص و تشویق می نمود اما قانون این حرکت ضد استعماری از منطقه فرات سفلی یعنی شهرهای مقدسه شروع و در مدت کوتاهی به سمت شمال و جنوب سرایت یافت و تا به آنجا پیش رفت که مرکز نظامی انگلیس را در تهدید جدی قرار داد. عشایر مقیم رمیشه و نیز عشایر سماوه در اینبردها شرکتی فعال داشتند و اولین برخورد مسلحانه خونین بین عراقی ها و نظامیان بریتانیا در رمیشه (در منطقه دیوانیه) اتفاق افتاد. (۲۲)

در مارس ۱۹۲۰ م انگلیس طبق نقشه ای سلطنت عراق را به ملک فیصل واگذار کرد. در اکتبر ۱۹۳۲ میلادی عراق رسماً استقلال خود را بدست آورد. در ژوئیه ۱۹۵۸ با کودتایی عبدالکریم قاسم نظام سلطنتی را بر انداخت و در کشور اعلام جمهوری نمود. به سال ۱۹۶۸ م، با کودتای حزب بعث، رئیس جمهور وقت یعنی عبد الرحمان عارف بر کنار و احمد حسن البکر توسط شورایی به نام شورای انقلاب قدرت را در دست گرفت و اختناق و سرکوب شدید در کشور ایجاد کرد.

حزب بعث که توسط میشل عفلق و صلاح الدین بیطار و عده ای دیگر به وجود آمده بود برای به انحراف کشیدن مبارزات مسلمانان کشورهای عربی پدید آمد و جوهر اصلی آن تکیه بر ناسیونالیسم است، و حسن البکر در عراق، سیاست های این حزب را که ساخته استعمار انگلیس بود تعقیب می نمود.

در سال ۱۹۷۹ م به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، حسن البکر تحت فشار معاونش صدام حسین، استعفا داد و صدام به قدرت رسید.

در سپتامبر ۱۹۸۰ م مقارن با ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عراق به دنبال چند بار تجاوز پراکنده و تحریکاتی بر علیه ایران با بمباران نمودن مراکز نظامی و اقتصادی ایران، رسماً جنگی را بر علیه ایران تحمیل نمود که تا سال ۱۹۸۸ م طول کشید. رزم بی امام و ایثارگری مجاهدان اسلام در جبهه های جنگ که پشتوانه معنوی و الهی داشت و نیز رهبری روشنگرانه حضرت امام خمینی (قدس سره) سبب آن شد که رژیم عراق به درماندگی و استیصال افتاده و اذعان کند که خواهان صلح است. ایران نیز با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل نقشه های منافقانه صدام را نقش بر آب نمود و توطئه های استکبار را بی اثر ساخت.

عراق در مرداد ماه سال ۱۳۶۹ ش (۱۹۹۱ م) با زمینه سازی آمریکا به کویت حمله برد و این کشور را به تصرف خود در آورد و طی جنگ ۴۳ روزه ای که بین عراق و نیروهای چند ملیتی صورت گرفت، از کویت خارج شد اما بسیاری از مراکز اقتصادی این کشور را ویران و تعداد زیادی از غیر نظامیان را در این جریان هلاک نمود.

عراق در حال حاضر به شدت در آشفتگی و بحران سیاسی و انزوای بین المللی به سر می برد و اقتصادش به دلیل انواع تحریم ها سخت متزلزل است و اکنون رژیمش با گروههای معارض زیر روبروست: «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق»، «سازمان الدعوه»، «کردها که به صورت دو گروه جداگانه هستند حزب دموکراتیک کردستان به رهبری مسعود بارزانی، اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی که این دو در سال ۱۹۹۱ م به منظور یک کومت خودمختار با هم متحد شدند یادآوری می شود که عراق از ۱۶/۵ میلیون نفر سکنه خود ۳/۵ میلیون کرد دارد»، «حزب امت جدید به رهبری سعد صالح جبر (که زیاد حامی ندارند)» «حزب کمونیست» عراق - که قدرتی ندارد، «حزب ناسیونالیست های مستقل» که توسط سرلشکر حسن النقیب رهبری می شود و سوریه آن را حمایت می کند. (۲۳)

Translation Movement

۷۰٪ مردم عراق شیعه هستند و این کشور از مراکز عمده تشیع به شمار می رود. استانهای کربلا، دیوانیه، حله، منتفک، عماره و کوت عراق کاملاً شیعه اند. در استانهای دیالی، بغداد و بصره اکثریت با شیعه است در نقاط دیگر نیز شیعیان پراکنده اند. (۲۴)

کوفه، کربلا، نجف، سامرا و کاظمین از شهرهای مذهبی شیعه بوده و بارگاه مقدس حضرت علی (ع)، حضرت امام حسین (ع)، امام موسی کاظم (ع)، امام محمد تقی (ع)، امام هادی (ع)، و امام حسن عسکری (ع) و نیز مرقده پاک تعدادی از یاوران و اصحاب اهل بیت عصمت و طهارت در کشور عراق وجود دارد.

مرکز عراق شهر قدیمی بغداد است و تنها بندر آن بصره می باشد. گرچه این کشور به طوری سنتی، اقتصادی کشاورزی دارد اما به صنعت نفت وابسته بوده و عضو اوپک می باشد، بعد از نفت دومین محصول صادراتی عراق خرماست، و ۷۵٪ خرماي جهان را تولید می کند. صنایع عراق عمدتاً بعد از نفت، سیمان است و اصولاً رشد صنایع در مرحله اولیه است و کارخانه ها در اطراف بغداد استقرار دارند.

Middel East 2 - خاور میانه جلد اول کلیات جغرافیائی - دکتر محمد تقی رضویان تهران دانشگاه

شهید ۱- بهشتی ۱۳۵۸.

۳- تاریخ عرب، فیلیپ حتی، ابوالقاسم پاینده و نیز تاریخ سیاسی اسلام - دکتر حسن ابراهیم حسن ترجمه پاینده جلد اول صفحات ۱۳ تا ۱۵.

۴- اوپک و ...، دکتر امیر باقر مدنی ص ۷۹.

۵- حرمین شریفین - دکتر حسین قره چانلو - تهران امیر کبیر ۱۳۶۲ شمسی.

۶- تقویم البلدان - ابی الفداء.

۷- مرآة الحرمين و نیز فلسفه و اسرار حج.

۸- گیتا شناسی کشورها ص ۲۲۳.

۹- مسئله فلسطین - راشد الغنوشی ترجمه سید هادی خسروشاهی - تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۱۳۷۰.

۱۰- اسرائیل و فلسطین، علی اکبر هاشمی رفسنجانی و نیز مسئله فلسطین تالیف حسین الهی.

۱۱- آسمان گریست - تونی کلیفتون - ترجمه کاظم چایچیان تهران امیر کبیر ۱۳۶۴ ص ۶۰ و ۶۱.

۱۲- اقلیت های مسلمان در جهان (مجموعه مقالات) ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۵۰.

Galilee 13 -

Negeb 14 -

۱۵- تاریخ آلبر ماله.

۱۶- اورشلیم پایتخت سه مذهب، مقالات لوموند ترجمه سید خلیل خلیلیان ص ۶۵ تا ۶۷.

۱۷- بیت المقدس - ترجمه و تالیف مرتضی السعدی.

۱۸- هلال خصیب به ناحیه مرتفع و حاصلخیز هلالی شکل بین خلیج فارس و سواحل فلسطین اطلاق می گردد.

۱۹- تنها بین سالهای (۱۶۳۸ - ۱۶۲۵م) عراق در تصرف ایران بود.

۲۰- نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰م عراق دکتر محمد صادقی.

۲۱- تاریخ سیاسی عراق ص ۲۵.

۲۲- نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق - عبدالله فهد نفیسی ترجمه چایچیان ص ۱۲۱.

۲۳- عراق نگاهی از درون اطلاعات، ش ۱۹۷۰۴.

۲۴- جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام - رسول جعفریان ص ۵۸.

اردن

اردن در منطقه خاورمیانه و کنار خلیج عقبه قرار دارد و مساحت آن به ۹۷۷۴۰ کیلومتر مربع بالغ می گردد که ۲۲۷۰ کیلومتر آن در آشغال رژیم غاصب صهیونیستی می باشد.

این کشور در شرق فلسطین، جنوب سوریه، جنوب غربی عراق و شمال غربی عربستان قرار دارد. اردن شامل فات شیب داری در شمال غربی شبه جزیره عربستان و در غرب می باشد. کناره این فلات با برش تندی به شکافهای بزرگ ارضی حاشیه دریای مرده ختم می شود. دریای مذکور حدود ۴۰۰ متر پائین تر از سطح دریای آزاد بوده و پست ترین نقطه کره زمین به شمار می رود. رودهای آن اردن و یرموک نام دارد. بیش از ۸۰٪ اردن را بیابان فرا گرفته و بدلیل نزدیکی به مدیترانه، زمستانهای نسبتاً بارانی و سرد و تابستانهای گرم و خشک دارد. میزان بارندگی در شرق ۲۰۰ میلی متر اما در غرب به ۶۰۰ میلی متر می رسد.

اردن از گذشته، اغلب تحت تسلط ابرقدرتها بوده و خود کمتر دولتی مستقل، داشته است ۴ قرن تحت قوای عثمانی قرار داشته و با شکست عثمانیان در جنگ اول، اردن در سال ۱۹۱۶م به تحت الحمایگی انگلستان درآمد و در سال ۱۹۲۱م، انگلیس حکومت ملک عبدالله هاشمی را به عنوان پادشاه خود مختار اردن به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۴۶م، انگلستان برای حفظ منافع خود و افراد دست نشانده، طی عهدنامه ای استقلال آن را اعلام کرد. در سال ۱۹۵۰م گروه زیادی از فلسطینیان با فشار رژیم اشغالگر قدس به صورت پناهنده به اردن آمدند. اردن در سال ۱۹۵۵م به عضویت سازمان ملل درآمد. در سال ۱۹۶۷م و در جنگ اعراب و اسرائیل که اردن هم از طرف های درگیر بود، پس از شکست سختی، کرانه غربی رود اردن را از دست داد.

۵۰٪ نیروی کار کشور در بخش کشاورزی هستند و ۲۰٪ درآمد صادراتی اردن از محصولات کشاورزی است. گندم، مرکبات، میوه جات، جو، زیتون، انگور و سبزیجات از مهمترین محصولات کشاورزی آن می باشد. فسفات، پتاس، مس، سنگ آهن از منابع معدنی آن هست. صنایع سیمان - دخانیات چرم سازی، کبریت سازی، مصنوعات دستی، پالایش نفت در این کشور رونق دارند. (۱) و محصولات صنعتی ۱۸٪ تولید ناخالص ملی آن را تشکیل می دهد و ۷٪ نیروی کار در بخش صنعت کار می کنند.

واحد پول اردن، دینار اردن (ا.خ) برابر ۱۰۰۰ فلس می باشد.

کویت

امیر نشین مشروطه کویت در غرب خلیج فارس و شمال شرقی شبه جزیره عربستان واقع است. کویت ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و جزیره بوبیان واقع در شرق آن، به این کشور تعلق دارد. جزیره فیلیکا (۲) (واقع در مشرق کویت) نیز از آن کویت است. کویت در ناحیه شرقی و در سواحل خلیج فارس دارای فرورفتگی عمیقی

بنام خلیج کویت می باشد. در جنوب شرقی و غرب آن مناطق بیطرفی وجود دارد که کویت، عراق و عربستان هر کدام ادعای مالکیت آن را دارند.

کویت از نقطه نظر طبیعی، کشوری است هموار و جلگه ای و کوه و رود مهمی در آن مشاهده نمی شود. صرفاً چند واحه طبیعی در داخل این سرزمین وجود دارد. آب و هوای آن در نقاط مرکزی گرم و خشک و در سواحل، گرم و مرطوب است. مرکز حکومت آن شهر کویت و شهرهای مهم آن جهره و الاحمدی می باشد.

کویت مدتهای مدیدی جزو ایران بوده و در سال دوازدهم هجری قمری در این ناحیه نبردی میان نیروهای خالد بن ولید (سردار اسلام) و قوای ساسانی روی داد که موجب کست ساسانیان شد و کویت به قلمرو حکومت اسلامی ضمیمه گشت. پرتقالی ها در قرن شانزدهم تاسیساتی در آن بوجود آوردند. مدتی، عثمانی ها بر آن حکومت می کردند و به مدت ۶۲ سال در سلطه انگلستان بود و در سال ۱۹۶۱م عراق مدعی مالکیت کویت شد اما انگلستان مانع لشکرکشی عراق به این کشور شد و سرانجام در سال ۱۹۶۳ عراق کویت را به رسمیت شناخت و کویت به عضویت سازمان ملل درآمد. (۳) در سال ۱۹۷۳م در جنگ اعراب و اسرائیل در ناحیه سوئز در جنگ «یوم کیپور» کویتی ها شرکت کردند و برای مدتی در تحریم نفتی علیه غرب، کویت شرکت داشت. کویت در سال ۱۹۸۱م در جنگ عراق علیه ایران، کمک های زیادی به رژیم متجاوز عراق نمود.

کویت در یازدهم مرداد ماه ۱۳۶۹ش، مطابق با اوم اوت ۱۹۹۰م مورد تجاوز عراق واقع شد و عراق من تصرف کویت، صدمات فراوان مالی و جانی به این کشور وارد نمود، شورای امنیت سازمان ملل این تجاوز را محکوم کرد و کشورهای متحد (امریکا، انگلستان فرانسه، ایتالیا و ...) برای حمایت از کویت به جنگ با عراق برخاسته و در ۲۷ دیماه ۱۳۶۹ پس از ۱۶۷ روز که از اشغال کویت می گذشت نیروهای چند ملیتی که در خاک عربستان بسر می بردند به سرکردگی آمریکا، حملات موشکی و هوایی خود را به شهرها و مناطق مسکونی، اقتصادی و تجاری عراق آغاز کردند و موفق شدند در تاریخ چهارشنبه هشتم اسفند ۱۳۶۹ش (مطابق با ۲۷ فوریه ۱۹۹۱م) عراق را مجبور به تخلیه کویت و قبول قطعنامه های شورای امنیت کنند.

کویت بر حسب امار ۱۹۹۰م، ۲۰۹۵۰۰۰ نفر سکنه داشته که ۹۲٪ در شهرها سکونت داشته اند. ۸۵٪ از نژاد عرب و بقیه از نژادهای ایرانی، هند و پاکستانی می باشند. ۹۰٪ مسلمان هستند. در کویت با وجود آنکه کشوری اسلامی است با مظاهر اسلامی از جمله حجاب مخالفت می شود و چندی پیش ۴ دانشجوی دختر، بدلیل استفاده از حجاب اسلامی از دانشکده پزشکی کویت اخراج شدند.

ذخایر نفت کویت ۷۰ میلیارد بشکه است و این کشور عضو اوپک می باشد و درآمد آن از نفت ۷۵٪ تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. (۴) واحد پول کویت، دینار کویت (K.D) برابر ۱۰۰۰ فلس است.

امارات متحده عربی (۵)

این واحد سیاسی منطقه ای است خشک که در انتهای جنوب شرقی شبه جزیره عربستان و بر کرانه جنوبی خلیج فارس واقع می باشد. امارات متحده عربی از مشرق با عمان و از جنوب با عربستان مرز مشترک دارد. این سرزمین از هفت امیرنشین تشکیل شده که به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: ابوظبی، دوبی، شارجه، عجمان، ام القوین، راس الخیمه و فجیره که این یکی در کنار دریای عمان واقع است. (۶) وسعت آن به ۸۳۶۵۴ کیلومتر مربع بالغ می گردد که ۸۶٪ آن به امیرنشین ابوظبی اختصاص دارد. این کشور عارضه مهم طبیعی ندارد و تنها ناهمواری آن کوههای حجر است که از راس مسندام (۷) در شمال تا راس الحد در جنوب امتداد دارد. آب و هوای آن در سواحل دریا گرم و مرطوب و در نقاط مرکزی گرم و خشک می باشد.

این کشور تا قبل از سال ۱۸۲۰ میلادی تحت سلطه امپراطوری عثمانی بود و در این سال تحت الحمایه انگلستان گردید. در سال ۱۹۷۱ م سلطه بریتانیا بر آن پایان یافت و پس از استقلال به عضویت سازمان ملل درآمد.

امارات متحده عربی در سیاست خارجی خود پیوند با کشورهای عربی ارتباط با جهان سوم و غرب را پیشه خود ساخته است. عالی ترین قدرت آن شورای عالی است که از اجتماع حکام هفت امارت، تشکیل شده که دارای رئیس و نایب رئیس است که توسط اعضای شورای عالی و از میان آنان برای مدت ۵ سال انتخاب می شود.

۲۱۶۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۸۸٪ در شهرها هستند رشد سالانه جمعیت ۶/۵٪ و تراکم نسبی ۲۵/۸ نفر در کیلومتر مربع است، ۷۵٪ جمعیت را مهاجرانی تشکیل می دهند که از کشورهای ایران، پاکستان و هند برای یافتن کار به این ناحیه آمده اند. ۷۲٪ مردم از نژاد سامی (عرب)، ۲۶٪ هندی و پاکستانی می باشند ۹۷٪ مسلمان و غالباً سنی مذهب اند، اقلیت ها مسیحی و هندو مذهب هستند. زبان رسمی عربی ولی زبان انگلیسی هندو و اردو متداول است. خط مورد استفاده عربی است.

کشور امارات قبل از پیدایش نفت در گرسنگی و تنگ دستی به سر می برد تا اینکه در ابوظبی و دوبی نفت کشف شد، درآمدهای کلان ناشی از نفت، این کشور را قادر ساخته تا علاوه بر سرمایه گذاری عمرانی و خرید تجهیزات زیاد جنگی میلیاردها دلار از مازاد ارزی خود را در خارج سرمایه گذاری کند. با این همه یک کشور عقب مانده محسوب می شود. این کشور در سال ۱۹۷۵ م به اوپک پیوست، خرما و انواع سبزی، محصولات مهم آن است. مقداری ماهی و مروارید هم در این سرزمین بدست می آید.

عمان

کشور عمان در جنوب دریای عمان و شرق عربستان قرار دارد. بخشی از خاک این کشور به صورت شبه جزیره ای در جنوب تنگه هرمز واقع شده که به شبه جزیره مسندام (۸) معروف است.

وسعت این کشور ۲۱۲۴۵۷ کیلومتر مربع می باشد. رشته کوههای آن بنامهای جبل اخضر و حجر در شمال این کشور قرار دارد. بقیه اراضی شنزار و صاف است در سواحل شمالی و جنوبی بدلیل مجاورت با دریای عمان و عبور مدار راس السرطان از نزدیکی آن، آب و هوا گرم و مرطوب ولی در نواحی داخلی خشک و کم باران است. ۱۴۵۰۰۰۰ نفر سکنه دارد و بصورت جوامع عشایری بوده و قومیت گوناگونی دارند اما ۸۸٪ از نژاد سامی عرب هستند. ۹۹٪ سکنه عمان مسلمان هستند که به دو گروه سنی و اباضیه تقسیم می شوند.

اقلیتی از مسلمین، شیعه هستند که در مسقط و شهرهای استان ساحلی باطنه سکونت دارند و منشا نژادی آنها هندی، پاکستانی، ایرانی و بحرینی می باشد. ابن عقیل عمانی از قدیمی ترین فقههای شیعه منسوب به کشور عمان می باشد. (۹) گرچه زبان رسمی، عربی است ولی مردم عمان به زبانهای هندی، پاکستانی و بلوچی هم صحبت می کنند. عمان از ۳۷ ناحیه، یک استان و ناحیه پایتخت تشکیل شده که زیر نظر فرمانداری اداره می شود.

در حدود ده قرن ق.م گروهی از قبایل ساکن جنوب عربستان به عمان مهاجرت نمودند. تعدادی از خوارج پس از آنکه در مقابل سپاهیان اسلام شکست خوردند (زمان حضرت علی(ع)) به عمان آمده و فرقه اباضیه را تشکیل دادند. مدتی، ایران بر عمان تسلط داشت و از اوایل قرن شانزدهم تا سال ۱۶۵۰م پرتغالی ها بر این سرزمین حاکم شدند. در سال ۱۹۰۴م تحت الحمایه انگلستان بود و سرانجام در سال ۱۹۷۰م (مطابق با ۱۳۴۹ش) به ظاهر مستقل شد و در سال ۱۹۷۱م به عضویت سازمان ملل درآمد.

INS

جنبش آزادی بخش ظفار از سال ۱۹۶۵م مبارزه مسلحانه را بر علیه رژیم عمان آغاز کرد. ظفار که مرکز این انقلاب بود در ناحیه جنوبی عمان واقع است. دولت عمان با کمک رژیم شاه ایران به سرکوبی این جنبش پرداخته و پس از سرنگونی شاه، رژیم مصر در مبارزه بر علیه این گروههای معارض، وظایف رژیم شاه را به عهده گرفته است. (۱۰)

گرچه عمان تا قرن نوزدهم میلادی از نقاط آباد خلیج فارس بود اما به دلایلی رفته رفته آبادانی خود را از دست داد و در حال حاضر از نقاط توسعه نیافته جهان است. اقتصاد آن در وضع فعلی به نفت متکی است.

نواحی ظفار، جبل الاخضر و حاشیه ساحلی باطنه برای کشاورزی مناسب است ولی بقیه خاک کشور بیابانی و غیر قابل کشت است. خرماي منطقه باطنه شهرت دارد. در عمان شتر، گاو و گوسفند و بز هم پرورش داده می شود. سواحل آن محل صید ماهی است که شرکتهای (R). خارجی از آن بهره می گیرند. عمان صنعت قابل توجهی ندارد. واحد پول آن ریال عمان و برابر هزار بیضاست. (O)

بحرین (۱۱)

امیر نشین مستقل بحرین، مجمع الجزایری است که ۶۹۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و از این لحاظ کوچکترین کشور خاورمیانه و آسیای جنوب غربی می باشد و پس از مالدیو، کم وسعت ترین کشور اسلامی است. این کشور در میانه ساحل جنوبی خلیج فارس و در ۳۰ کیلومتری ساحل شرقی عربستان قرار دارد.

بحرین از ۳۳ جزیره سنگی، آهکی تشکیل شده و به جز حاشیه باریکی که در طول ساحل شرقی آن قرار دارد، تمامی آن بیابانی و اقلیم صحرایی دارد. ارتفاع معروف آن جبل دخان است که ۱۵۰ متر ارتفاع دارد. بحرین چشمه ها و چاههای آرتزین متعدد با آبهای شیرین دارد. آب و هوای آن در نواحی داخلی گرم و خشک و کم باران و در نواحی ساحلی گرم و مرطوب است.

پیش از اسلام و حتی تا زمان این آئین، تمامی سرزمینهای جنوبی خلیج فارس از بصره تا عمان به بحرین معروف بود. این سرزمین از زمان اشکانیان تا صدر اسلام تحت سلطه امپراطوری ایران بود. و سپاهیان اسلام در زمان پیامبر اسلام(ص) آن را تحت تصرف دولت اسلامی در آوردند. زمانی مرکز قدرت خوارج بود در سال ۶۵۱ قمری مستقل شد اما در سال ۹۲۰ ق (۱۵۱۴ م) پرتغالی ها بدان راه یافتند. ولی در عصر صفوی شاه عباس اول، بحرین را به ایران ملحق نمود و تا سال ۱۷۸۳ م تحت حکومت ایرانیان اداره می شد. در سال ۱۹۱۴ م (۱۳۳۲ ق) بحرین تحت الحمايه انگلستان گردید. ایران به این تجاوز و سلطه گری اعتراض داشت تا اینکه با مراجعه به آراء عمومی در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) و تحت نظارت سازمان ملل، بحرین به استقلال دست یافت.

بحرین ۵۲۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۸۴٪ آن به صورت کاذب و بی رویه زندگی شهری دارند. رشد سالانه جمعیت ۴٪ و تراکم نسبی آن ۷۵۳ نفر در کیلومتر مربع است قریب ۴۰٪ مردم بحرین از اتباع هند، پاکستان، مصر، کره، عمان، آمریکا و انگلستان هستند. ۲۰٪ مهاجرین به بحرین، ایرانی اند. ۷۵٪ مردم بحرین از نژاد سامی اند. دین اسلام در سال هشتم هجری توسط «العلاء بن الحضرمی» صحابی رسول اکرم(ص) به بحرین راه یافت و ۹۸٪ مردم این کشور در حال حاضر مسلمانند که ۷۰٪ آنان شیعیان هستند از قرن چهارم که قرامطه به بحرین راه یافتند گرایش به شیعه در این کشور رواج یافت از قرن دهم علمای معروف شیعی از

بحرین برخاستند. خاندان دانشمند آل عصفور از این کشورند. عده ای از شیعیان بحرین در روستاها سکونت دارند و به دلالتی در امور سیاسی و اداری نفوذی ندارند.

۸۰٪ منبع اقتصادی بحرین نفت است و با وجود آنکه جزو ۳۷ کشور پر درآمد جهان می باشد فقیرترین کشور از ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به شمار می رود. فراورده های زراعی آن خرما یونجه و سبزیجات است و صید ماهی و میگو و مروارید هم در آن رواج دارد. واحد پول آن دینار بحرین (B.D) است.

قطر

شبه جزیره قطر در ساحل جنوب خلیج فارس قرار گرفته و از جنوب با عربستان و ابوظبی هم مرز است نزدیکترین همسایه دریائی قطر، بحرین است. قطر ۱۱۴۳۷ کیلومتر مربع وسعت دارد. سرزمین همواری است که تنها نقطه ارتفاعی آن با ۱۰۵۰ متر از سطح دریا، جبل الخلیل نام دارد.

آب و هوای آن گرم و مرطوب و ریزش باران آن اندک و منحصر به فصل زمستان است. از بادهای آن می توان باد مرطوب شمال و باد گرمی را نام برد که از جنوب به سوی آن وزیده و ریگ های عربستان را با خود می آورد.

قطر مدتها تحت تصرف ایران بود در اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم به اشغال دولت عثمانی درآمد. در سال ۱۹۱۶ م پیمانی بین قطر و بریتانیا منعقد شد که به موجب مفاد آن این کشور تحت الحمايه انگلستان گردید. گرچه قانون اساسی قطر در سال ۱۹۷۰ م به تصویب رسید ولی در اول سپتامبر ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) مستقل شد.

در قرن هیجدهم میلادی گروهی از قبیله بنی عتوب که در ناحیه احساء عربستان ساکن بودند به سوی قطر آمدند که خاندان آل ثانی که اکنون حکومت قطر را در دست دارند از احفاد این قبیله اند.

قطر با کشورهای عربی و غربی روابط خوبی دارد و با مصر، سوریه، اردن، سودان و عربستان روابط خود را گسترش داده است. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، قطر به عراق کمکهای زیادی نمود.

قطر ۴۷۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۹۰٪ آنان در کانونهای شهری هستند. بدلیل مهاجرت های زیاد، رشد جمعیت ۸٪ است. تراکم نسبی ۴۱/۱ نفر در کیلومتر مربع می باشد. ۸۵٪ سکنه قطر در دوحه یعنی پایتخت و بقیه غالبا در کانونهای نفت خیز ساکنند. بزرگترین اقلیت آن، ایرانیان هستند که به ۴۵۰۰۰ نفر بالغ می گردند. ۵۶٪ مردم قطر از نژاد عرب و بقیه پاکستانی، ایرانی و هندی هستند زبان و خط رسمی عربی است ولی زبان اردو و فارسی رواج دارد. ۹۸٪ مردم قطر مسلمان می باشند.

نفت در قطر در سال ۱۹۳۰م کشف شد ولی صدور آن بدلیل وقوع جنگ جهانی تا ۱۹۴۹ به تعویق افتاد. ذخیره نفت قطر ۴ میلیارد بشکه و تولید روزانه آن نیم میلیون بشکه می باشد. درآمد حاصله از نفت و گاز بیش از ۹۰٪ تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می دهد. اخیرا ذخائر جدید نفت در سواحل قطر شناسایی شده است. (۱۲) قطر ضمن تاسیس صنایع کوچک مثل صنایع غذایی ساختمانی، چرم سازی مبلمان و پلاستیک سازی به احداث صنایع پتروشیمی و فولاد اقدام نموده است. بخشی از درآمد قطر صرف رفاه اجتماعی مسکن، تصفیه و تامین آب و برق می شود مقداری هم در ممالک غربی سرمایه گذاری کرده است. صادرات دوباره کالاهای وارداتی از منابع درآمد قطر می باشد کشاورزی آن رونقی ندارد و صید میگو و مروارید در قطر انجام می شود واحد پول آن ریال قطر و برابر ۱۰۰ درهم است.

ترکیه

با انشقاق در امپراطوری روم تقسیم آن به دو بخش روم غربی و روم شرقی، مرکز روم شرقی (بیزانس) قسطنطنیه گردید و ترکیه مرکز این امپراطوری بود اما در سال ۱۴۵۳م که پایان قرون وسطی و آغاز تمدن جدید است حادثه ای اتفاق افتاد که مسیر تاریخ را عوض نمود و آن یورش سلطان محمد دوم معروف به فاتح است به مرکز امپراطوری روم شرقی (۱۳) یعنی قسطنطنیه، امپراطوری عثمانی با این فتح عظیم گسترش یافته و تا غرب اروپا می رود و مسیحیت را بشدت مورد تهدید قرار می دهد. تمدن یونان و روم جای خود را به تمدن اسلامی می دهد. ارتش پر از حماسه عثمانی که مدیترانه قلمرو قدرتش بود و سراسر اروپای شرقی را به زیر مهمیز خویش کشیده ضربات کاری بر قلب امپراطوری مسیحیت می زند و اتریش و ایتالیا را در تنگنای محاصره و خفقان می آورد، و ترکیه را به صورت مرکز تجلی قدرت اسلام قرار می دهد.

مناره ها و مساجد پرشکوهی که مسلمانان در اروپای شرقی و مرکزی ساخته اند از عظمت، قدرت و دامنه نفوذ سیاسی و فرهنگی آنان حکایت می کند. این امپراطوری جهانی و حاکم مطلق مدیترانه که بر برج استوار قسطنطنیه نشسته بود بزرگترین قدرت نظامی اروپا و بخش بزرگی از آسیا بوده که از عدب و یونانی و افریقای شمالی و سراسر شرق اروپا و شبه جزیره بالکان تحت قلمروش بوده و حتی یونان یکی از شهرستانهای آن به حساب می آمده است. اما بدلیل تفرقه و نفاق که بر این قدرت رسوخ می کند و توطئه های دول استعماری، دولت عثمانی در جنگهای سال ۱۹۱۲م و ۱۹۱۳م از متفقین شکست خورده و تمام نواحی اروپائی را از دست می دهد. سرزمین های عربی را انگلیسی ها از او گرفته و تمامی تحت قلمروش را از پیکرش جدا نموده و آن امپراطوری عظیم عثمانی به یک کشور شکست خورده تجزیه شده، کوچک تبدیل می شود و از آن همه کشورهای غربی و آسیائی و افریقائی برایش استانبول و آنکارا می ماند و مرکز قدرت جهانی اسلام به صورت آپاندیس مریض استعمار غربی درآمد و آن همه عظمت و شکوه تاریخی و مفاخر اسلامی را انکار نموده و با نظام لائیکی و گرایش به قومیت ترک، نسخه استعماری را اجرا می کند و ریزه خوار سرمایه داری غرب و نگهبان مزدور منافع استکبار در شرق می شود و ملتی که با روح اسلام زنده بود و غنا و قوت و عزت خود را از

این فرهنگ به شبه‌فرنگی‌های فراموش‌کننده خویشتن. برای اجرای این برنامه مصطفی کمال آتاتورک روی کار آمده و با یک کودتا سلطان را عزل و خود را به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه معرفی می‌کند.

ترکیه به صورتی که انون می‌شناسیم کشوری است به شکل مستطیل که طور آن از غرب تا شرق ۱۵۶۵ کیلومتر و از جنوب تا شمال عرض آن ۶۵۰ کیلومتر می‌باشد. این کشور بر سر راه آسیا و اروپا واقع شده و چون پلی اروپا را به ناحیه مهم خاورمیانه ارتباط می‌دهد. این کشور به عنوان همسایه شمال غربی ایران و دو بخش تشکیل شده یکی ترکیه آسیا که شامل فلات آسیای صغیر است و دیگر ترکیه اروپا که ۳٪ خاک این کشور را شامل می‌شود. بخش اروپائی در شبه جزیره بالکان قرار دارد و توسط تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره از بخش آسیائی جدا می‌شود. دسترسی به دریای سیاه و همچنین دریای مدیترانه بر موقع استراتژیکی آن می‌افزاید. ترکیه آسیا به صورت فلات مرتفعی است که از مشرق به سوی مغرب از ارتفاع آن کاسته می‌شود. در مرکز این فلات کوههایی چون آلپ‌های پونتیک و آق‌داغ در شمال و توروس در جنوب است که بخش زیادی از کشور را می‌پوشاند. بلندترین قله آن در ناحیه ارمنستان قریب ۵۱۵۶ متر ارتفاع دارد جزایر مرمره در دریای مرمره و ایمبرس (۱۴) در دریای اژه به ترکیه تعلق دارد.

نواحی شمال غربی آن آب و هوای معتدل، نواحی جنوب آب و هوای مدیترانه و نواحی شرقی و مرکزی آب و هوای کوهستانی دارد. رودهای قزل‌ایرماق، یشیل‌ایرماق، جیحان و سحان از منابع آبی مهم این کشورند.

در سال ۱۹۲۳م در حالی که هنوز سیستم خلافت عثمانی لغو نشده بود مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) در این کشور جمهوری اعلام نمود و در سال ۱۹۲۴م سیستم خلافت را لغو و عبدالحمید دوم پادشاه عثمانی را از کشور تبعید نمود. مصطفی کمال آتاتورک در اوایل قرن بیستم در نهضت ترک‌های جوان شرکت داشت که بعد از آن حزب اتحاد ترقی (۱۹۳۸-۱۸۸۱) را بوجود آوردند و با بهره‌گیری از اندیشه فردی بنام ضیاء گوکالپ (۱۵) طرفدار تمدن غرب گشتند. ترکیه را تا سال ۱۹۸۹ رژیم جمهوری اداره نمود. جمهوری اول از ۱۹۲۳ تا ۱۹۹۶ که با کودتای ژنرال جمال گورسل پایان می‌یابد جمهوری دوم از ۱۹۶۰ م تا ۱۹۸۹ تا کنون. ترکیه در سال ۱۹۵۲ بخاطر وحشتی که از شوروی داشت به ناتو پیوست و همراه یونان جناح جنوب شرقی آن را بوجود آورد.

ترکیه بر حسب آمار سال ۱۹۹۰م ۵۲۲۴۰۰۰۰ نفر سکنه داشته است که ۶۰٪ آن در شهرها زندگی می‌کرده اند. رشد جمعیت در طول سال ۲/۵٪ و تراکم نسبی آن با احتساب ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع مساحت ۷۲/۳ نفر در کیلومتر مربع است.

۹۰٪ مردم ترکیه از تیره های گوناگون ترک هستند و همانگونه که اشاره شد بزرگترین اقلیت نژادی آن کردها هستند. زبان رسمی، ترکی آلتایی است ولی زبانهای کردی و لاتین هم رواج دارد. با وجود آنکه ۹۸٪ مردم مسلمان هستند در قانون اساسی ترکیه از اسلام به عنوان دین رسمی ذکری به میان نیامده است.

شیعیان ترکیه گرایش به تصوف دارند. علویان و فرقه علی الهی ها در میان اکراد زندگی می کنند. شیعیان در شهرایقدر از توابع استان قارص، شهر تاشلی چای از توابع ایتان آغری و تعدادی هم در استانبول، آنکارا، از میر و بورسا سکونت اختیار نموده اند، شیعیان هفته نامه ای به نام «علمدار» و ماهنامه ای تحت عنوان «عاشورا» دارند، فرقه غالی نصیرییه در مرز ترکیه با سوریه زندگی می نمایند.

ترکیه از ۶۷ استان تشکیل شده و مرکز حکومت آن آنکارا می باشد. بزرگترین بخش اقتصادی آن کشاورزی است و غلات، پنبه، حبوبات، میوه و دانه های روغنی مهمترین فرآورده های زراعی آن هستند. پرورش بز، گاو و گوسفند و نیز صید ماهی در این کشور متداول است. صنایع ذوب آهن، ماشین سازی، شیمیائی، سیمان، بافندگی، غذایی و غذائی و دستی در آن رواج دارد.

واحد پول آن لیره ترکیه است که برابر ۱۰۰ قروش می باشد.

افغانستان

جمهوری افغانستان با ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع در شرق ایران و شمال پاکستان قرار دارد.

افغانستان بخشی از فلات ایران بوده و حدود ۷۵٪ آن را نقاط کوهستانی تشکیل می دهد. کوههای هندوکش با طول ۶۰۰ کیلومتر در نواحی شمال و شرق آن کشیده شده است. جیحون (آمو دریا) هیرمند، کابل رود و هریرود از منابع آبی مهم این کشورند. افغانستان به دریا راه نداشته و محصور در خشکی است. آب و هوای آن گرم و خشک و متغیر می باشد. (۱۶)

این سرزمین تا قبل از هیجدهم میلادی کشور واحدی نبود و در هزاره های دوم و اول ق.م مسیح تحت سکونت و اشغال اقوام آریائی در آمد.

نخستین باری که ذکری از افغان آمده، عنوان «آوه گانه» است که در گزارشهای مربوط به فتوحات مسلمین در سرزمین هندوکش می باشد معادل فاری این لفظ سوارکار است و هر دو گروه پشتونها و تاجیکها را دربر می گیرد. اما کهنترین ذکر از هندوکش (سرزمین فعلی افغانستان) در زند اوستا بنام «باکتری» یعنی بلخ آمده است. در ۳۲۹ ق.م اسکندر این سرزمین را متصرف گردید و کوشانی ها که مدتها بر این ناحیه حکم رانی

داشتند در ۲۲۰ میلادی منقرض شدند. در دوره بعدی یعنی اوایل قرن سوم و در زمان اردشیر اول، این سرزمین جزو امپراطوری ایران بود. فتح افغانستان توسط سپاه اسلام در سال ۳۲ هجری (سال ۶۵۲ میلادی) صورت گرفت و در دوره اقتدار عباسیان، مرو، بلخ و سمرقند - با وجود دوری از مرکز حکومت - از مراکز پرآوازه علمی بود در زمان سلطان محمود غزنوی این سرزمین رونق فزاینده ای یافت و شهر غزنه به عنوان مرکز آموزش و ایجاد حوزه های علمی قلمداد گردید. در ۵۲۵ق.م غوریان شهر با شکوه غزنه را تصرف نموده و آنرا به آتش کشیدند. در ۶۱۷ق.م چنگیز خان به دره رود سند رسید و پس از آن شهر بی دفاع بلخ را مورد تجاوز شدید قرار داده، و تمامی اهالی آن را از دم تیغ گذرانید. در زمان شاهرخ میرزا فرزند تیمور، هرات مرکز مهم سیاسی بازرگانی و مرکز حکومت وی بود. از سال ۱۱۶۰ق (۱۷۴۷م) به بعد حکومت مستقل افغانستان را اعضای دو خانواده از طایفه ابدالی در دست داشتند. احمد خان ابدالی پس از قبل نادرشاه افشار، حکومت جدید را در افغانستان پدید آورد. (۱۷) ولی با ضعف دولت قاجار و رقابت روسیه و انگلستان، انگلستان این کشور را به تصرف خود درآورد و تا سال ۱۲۹۸ش (۱۹۱۹م) در اختیار داشت.

در این حال امان الله خان روی کار آمد که افغانستان را یک کشور پادشاهی اعلام نمود و خود را پادشاه خواند و کلیه قراردادهایی را که با انگلستان منعقد شده بود، فسخ نمود. در سال ۱۹۲۹م با توطئه انگلیسی ها، محمد نادر خان که دست نشانده آنان بود روی کار آمد اما با ترور وی در سال ۱۹۳۲م، فرزند او ظاهر خان با نام محمد ظاهر شاه جانشین او گردید.

در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۳ هنگامی که شاه سرگرم دیدار از اروپا بود قانون اساسی ملغی و نظام پادشاهی در یک کودتای نظامی به رهبری داوود و با کمک جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان (۱۸) منسوخ شد و خود داوود زمام امور را بدست گرفت و با اینکار بساط دیر پای سلطنت در افغانستان، با کودتایی آرام به نظام جمهوری تبدیل شد. با کودتای خونین مارکسیستی ۲۷ آوریل ۱۹۷۸م (اردیبهشت ۱۳۵۷) توسط نور محمد ترکی از رهبران حزب تحریم شده دموکراتیک خلق افغانستان، بساط حکومت داوود خان برچیده شد. در اواخر سال ۱۳۵۷ هم تره کی پرچم افغانستان را تغییر داد و پرچم جدیدی که به پرچم شوروی شباهت داشت جایگزین آن نمود، و عملاً افغانستان جزو اقمار شوروی سابق قرار گرفت.

بلافاصله پس از کودتا، بازداشت‌های دسته جمعی شکنجه و اعدام‌های مخفی شروع شد، پلیس مخفی سیاسی تشکیل و مذهب مورد استهزاء قرار گرفت.

هنگامی که امت مسلمان افغانستان از روی کارآمدن نظام مارکسیستی با خبر شدند مبارزات گسترده ای را بر علیه آن آغاز نمودند، اوج گیری این مبارزات به حدی بود که تعداد بیشتری از پرسنل نظامی شوروی به افغانستان سرازیر شدند. در ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹م (۲۳ شهریور ۱۳۵۸) حفیظ الله امین بعنوان رئیس جمهور جدید

قدرت را در دست گرفت. در دسامبر ۱۹۷۹ به بهانه حمایت از امین نیروهای مسلح شوروی بتدریج وارد افغانستان شدند اما قبل از تهاجم شوروی، رئیس جمهوری کشته شد. جانشین وی بیرک کارمل بود که در یک بیماری فرمایشی! در بهار سال ۱۳۶۵ش جای خود را به دکتر نجیب الله داد. با مقاومت شدید مردم مسلمان، در آوریل ۱۹۸۸م قراردادهای ژنو امضا شد و در فوریه ۱۹۸۹م نیروهای شوروی بطور کامل از افغانستان خارج شدند و در ۱۴ آوریل ۱۹۹۲م دکتر نجیب الله استعفا داد و در دفتر سازمان ملل متحد در کابل پناه گرفت.

گرچه در پی مجاهدت طولانی مردم افغانستان پیمان ژنو میان پاکستان و افغانستان منعقد و به حضور نظامی ۱۰ ساله شوروی در افغانستان خاتمه داد اما مکانیسم انتقال قدرت به مردم تقریباً مسکوت گزاشته شد و یک حالت بلاتکلیفی در افغانستان حاکم بود. سازمان ملل در نظر داشت حکومت بر اساس ابتکار عمل دبیر کل به شورای ۱۵ نفره واگذار شود که با مخالفت برخی از جناحهای افغانی روبرو شد. سرانجام در پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۱ پس از ۱۳ سال استقامت ملت سلحشور افغانستان و مبارزه نفس گیر نیروهای جهادی با تصرف شهر کابل بدست نیروهای مجاهد افغانی، سرزمین اسلامی آزاد شد، (۱۹) و سران نیروهای مقاومت برای بدست گرفتن قدرت بر سر تشکیل یک شورای ۵۱ نفره توافق کردند که رهبری آن را صیغت الله مجددی به عهده دارد به دنبال آن دولت موقتی بوجود آمد که رئیس آن برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان می باشد. از آن سوی گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان با تحریکاتی به تعرض نظامی بر علیه کابل دست زد تا سهم بیشتری در آینده افغانستان بدست بیاورد و در صدد است که با عملیات نظامی شدید انتقال قدرت به شورای مورد نظر او که در آن اکثریت با پشتونهاست صورت گیرد. وجود احمدشاه مسعود (مسعود شاخه نظامی جمعیت اسلامی افغانستان) در دولت جدید و بخاطر تاجیک بودن او، حکمتیار را نگران این موضوع کرده که این حرکت ممکن است به سلطه ۲۰۰ ساله پشتونها در افغانستان پایان دهد.

Translation Movement

از سوی دیگر «هاشمی لولنجی» از محققان شیعه و نویسنده کتاب «انقلاب اسلامی به روایت تحلیل» عقیده دارد شیعیان افغانستان که به ۷ میلیون نفر بالغ می گردند و ۲۵٪ کل سکنه افغانستان را تشکیل می دهند در نظام سیاسی جدید نقش کمتری دارند و نیز باید سمیت یافته و مرزهای منطقه شیعه نشین که بر اساس نقشه ظاهر شاه عوض شده به جای اول بازگردد. (۲۰) در ناحیه کورت سه و کوی سنگی افغانستان بین حزب شیعه (وحدت اسلامی) و گروه سنی (اتحاد اسلامی) درگیری هایی بوجود آمد زیرا حزب وحدت اسلامی ادعا دارد که در هیات دولت کنونی افغانستان، این حزب نماینده ای ندارد و خواستار سهمی شدن معیت شیعه «هزاره» در افغانستان است.

این بود اجمالی از تاریخ مملو از درد و رنج افغانستان، کشوری که مردمانش کمتر رایحه خوش آزادی را استشمام کرده است. ملت مسلمان این سرزمین هم در ۴۰ سال تاریخ ستم شاهی و هم در ۱۹ سال، سلطه

دولت‌های کمونیست بار فقر و ستم و اختناق، هجوم و چپاول بیگانه را بر دوش خود تحمل نموده است. دوران تجاوز کمونیست‌ها بر این کشور مسلمان، دوران اسارت است زیرا امت مسلمان آن از اکثر حقوق فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود محروم بود.

از عواقب وخیم تجاوز و سلطه‌گری بر این کشور اسلامی آواره شدن چندین میلیون افغانی است تا قبل از سال ۱۹۸۶ تعداد این آوارگان در خارج از کشور به ۵ میلیون نفر رسید، پاکستان اعلام کرد ۲۲۰۰۰۰۰ نفر آواره ثبت نام شده دارد، ایران اعلام کرد دو میلیون آواره افغانی وارد این کشور شده اند هزاران افغانی دیگر در اروپا، امریکا، هند و خاورمیانه پراکنده شدند در داخل کشور، حدود دو میلیون تن از روستاهای زادگاه خود به کوهستان‌ها یا به کابل گریختند. میزان تلفات از سال ۱۹۷۹م بیش از یک میلیون تن برآورد شد. تا پایان سال ۱۹۸۶ حدود ۵۰٪ جمعیت کشته یا تبعید و یا به عنوان آواره داخلی جابجا شده بودند که در تاریخ، این رقم بی سابقه است.

بازگشت این حجم عظیم آواره که در برخی منابع رقمی معادل ۴۵٪ کل جمعیت افغانستان گزارش شده خود از مصائب دیگر این کشور زخم خورده است. این زیر بنای اقتصادی جامعه افغانستان تحمل بازگشت چنین جمعیتی را دارد زیرا چندین سال آن را به ویرانه‌ای تبدیل نموده، مناطق کشاورزی پر از مین‌ها و بمب‌های منفجر نشده است که خطر مهمی برای آوارگان خواهد بود. (۲۱)

بنا به نقل «محمد هادی» وزیر کشاورزی افغانستان، کشت غلات که قبل از جنگ و تجاوز در زمین‌هایی به مساحت ۳۸۷۲۰۰۰ هکتار انجام می‌شد به ۱۹۰۰۰۰ هکتار تنزل یافته است میزان دامها از ۲۵ میلیون راس به ۲۰ میلیون راس رسیده و صادرات کشاورزی از ۷۸٪ به ۱۰٪ کاهش یافته است، جمعیت بخش کشاورزی از ۷۱٪ به ۲۰٪ رسیده است. (۲۲)

Translation Movement
JMS

حال که افغانستان وارث چنین سرزمین جنگ زده و تخریب شده است؛ باید همکاری اقوام و گروه‌های مختلف به بازسازی آن اقدام شود، گروه‌ها و اقوام گوناگون باید مراقب این باشند که جهاد چندساله شان از باور اسلامی منشا می‌گرفت و حال که پیروزی را درآغوش گرفته اند باید وحدت خود را بر محور اسلام حفظ کنند و از تفرقه و تحزب دست بردارند و به خود متکی باشند.

مردم افغانستان از نژادهای گوناگون تشکیل شده اند که به دو دسته بزرگ تقسیم می‌گردند: نژاد سفید شامل پشتوها، تاجیک‌ها و نورستانی‌ها و نژاد زرد شامل ترک‌ها، تاتارها، مغول‌ها و ازبک‌ها. زبان رسمی مردم افغانستان فارسی دری و پشتو است.

بخش کشاورزی مهمترین بخش اقتصاد این کشور است که بیش از نیمی از درآمد ملی و ۷۵٪ صادرات آن را تامین می نماید البته خشک سالی های شدید کشاورزی این منطقه را به صورت دیم است و به باران نیاز دارد به شدت تهدید می نماید. انگور از محصولاتی است که آب و هوای افغانستان با آن سازگاری دارد. گندم و پنبه هم در افغانستان به عمل می آید. کشاورزان افغانی به دامداری هم اشتغال دارند و گوسفند قره گل که پوست آن شهرت جهانی دارد یکی از صادرات مهم آن است.

افغانستان از نقطه نظر معادن نیز غنی است اما این ذخائر در نقاطی واقع شده اند که بدلیل مشکل حمل و نقل استخراج و استفاده از آنها با دشواریهای عمده ای توأم است. در وضع فعلی ذخائر گاز اطراف مزار شریف که کل ذخیره های آن به ۳ میلیارد متر مکعب می رسد از مهمترین منابع معدنی آن می باشد. مقداری از آن در کارخانه کود شیمیائی و برق مزار شریف استفاده می شود.

در استان بامیان منابع سنگ آهن وجود دارد اما بخش مهمی از این ذخائر در ارتفاعات واقع شده که هزینه استخراج آن زیاد است. صنایع دستی و ریسندگی در افغانستان رواج دارد. محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به دریاهای آزاد بر مشکلات اقتصادی این کشور افزوده است.

پی نوشتها

۱- در حال حاضر شرکت فسفات عرب مهمترین مجتمع صنعتی این کشور است که به استخراج فسفات می پردازد.

2-filika-

نهضت ترجمه
Translating Movement

۳- سال استقلال کویت ۱۹۶۱م مطابق با ۱۳۴۰ شمسی می باشد.

۴- اوپک و اثرات تخریبی قیمت نفت ص ۸۱. IIS

5-United Arab Emirates

۶- بقیه جزایر در ساحل جنوبی خلیج فارس قرار گرفته است.

۷- تکه ای از خاک کشور عمان که در مدخل تنگه هرمز قرار دارد و به صورت شبه جزیره می باشد.

8-Musandam-

۹- جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام ص ۴۹.

۱۰- جغرافیای سیاسی جهان اسلام ص ۱۰۸ تا ۱۱۱.

۱۱- کلمه بحرین به معنی دو دریاست که از ۲۶۰۰ق.م محل سکونت اعراب بوده است.

International petroleum Encyclo pedia 1982 (tulsa penn-well 12-publishing co 1982) p.232

13-Empireomaind orient,Epir ebyzantion

14-Imbros

15-Ziyagokalp

۱۶- دائرة المعارف جغرافیائی جهان جلد اول آسیا ترجمه دکتر جعفر جاویدفر - تهران سحاب.

۱۷- سرزمین و مردم افغانستان - مری لوئیس کلیفورد (Mary louis clifford) ترجمه مرتضی اسعدی.

۱۸- حزب وطن که قبلا تحت عنوان حزب کمونیست شامل شاخه های پرچم و خلق، فعالیت می کرد و در دوران حاکمیت کمونیست ها قدرت زیادی در دست داشت که در تحولات اخیر منحل شد.

۱۹- بازنگری در وقایع افغانستان، روزنامه جهان اسلام ش ۳۰۷.

۲۰- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۵۵۷.

۲۱- مساله پناهندگی - حمید نظرآبادی - دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، صفحات ۱۶۴ و ۱۶۵.

۲۲- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۸۲۲.



نهضت ترجمه

Translation Movement

.TM

جمهوری اسلامی ایران

امت ایران از گذشته مورد توجه رسول خدا(ص) و خاندان عصمت و طهارت بوده است، چنانچه در حدیثی از پیامبر اسلام(ص) نقل شده که آن سرور جهانیان فرمود:

«اعظم الناس نصيبا في الاسلام اهل فارس» (۱)

یعنی «بهره ایرانیان در اسلام از همه ملت ها دیگر بزرگتر است.»

در روایت دیگر به نقل از آن حضرت آمده که:

«سعادتمندترین عجم ها به اسلام ایرانیان هستند.» (۲)

و نیز حضرت محمد(ص) در خصوص علاقه ایرانیان به ایمان فرموده اند:

«اگر میوه دین به ستاره ثریا آویخته باشد، حتما مردمی از فرزندان ایران زمین، آنرا می چینند.» (۳)

همچنین پیامبر اسلام(ص) بر اثر وحی الهی می دانستند که پس از ظهور این آئین در جزیره العرب، ملت ایران با اشتیاق و آغوش باز، اسلام را خواهند پذیرفت، و این پذیرش چون بر اساس رغبت است در وجود آنان نفوذ خواهد کرد. حضرت علی(ع) امام اول شیعیان و جانشین بحق رسول خدا(ص) نقل می کنند که از رسول گرامی اسلام(ص) شنیدم که خطاب به اعراب می فرمود:

«والله ليضربنكم على الدين عودا كما ضربتموهم عليه بدءا».

ترجمه: بخدا قسم همچنانکه در آغاز، شما رژیم حاکم بر ایران را ساقط خواهید کرد در آینده تاریخ ایرانیان نیز رژیم حاکم بر شما را ساقط خواهند نمود. (۴)

و از اما صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرموده اند:

شما [خطاب به اعراب] با ایرانیان بر اساس تنزیل وحی و قرآن می جنگید و جهان به پایان نمی رسد تا روزی که آنان با شما بر اساس تاویل وحی می جنگند.» (۵)

در برخی مضامین روایی آمده که ایرانیان زمینه ساز حکومت حضرت مهدی(عج) خواهند بود و حسام الدین هندی دانشمند اهل سنت به نقل از پیامبر اسلام(ص) می گوید:

«مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی (علیه السلام) فراهم می نمایند.» (۶)

در روایتی از حضرت امام کاظم(ع) آمده که:

خورشید انقلاب اسلامی ایران از قم طلوع می کند و این نهضت از سوی مردمی که از قم برخاسته هدایت و رهبری می شود:

«رجل من اهل قم يدع الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزبر الحديد لا تزلهم الرياح العواصف و لا يملون من الحرب، و لا يجبنون، و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين»:

«مردی از اهل قم قیام می کند و مردم را به سوی حق دعوت می نماید، بر محور او مردمی همچون پاره های آهن جمع می شوند، تندبادهای حوادث آنها را حرکت نمی دهند، و از جنگ خسته نمی شوند و خوفی از آن ندارند. در کارها بر خدا توکل می کنند و سرانجام و عاقبت امور برای پرهیزگاران است. (۷)

اولین فرد مسلمان ایرانی سلمان فارسی است که تقوا و ایمان او بحدی رسید که به شرف «سلمان منا اهل البیت» از سوی پیامبر(ص) نایل گردید. بعد از آن ایرانیان مقیم یمن به سوی اسلام روی آوردند و آن را پذیرفتند و اولین ارتباط رسمی ایرانیان با حضرت رسول اکرم(ص) موقعی بود که باذان بن ساسان حاکم یمن دو نفر ایرانی به نامهای بابویه و خسرو به مدین فرستاد و پیام خسرو پرویز را به آن جناب از طریق ایو دو نفر رسانید. زیرا به محض رسیدن نامه حضرت محمد(ص) به خسرو پرویز مبنی بر پذیرش دین اسلام توسط وی، نامه آن حضرت را پاره کرده و از باذان خواسته بود که نویسنده نامه را نزد وی اعزام کند، اما خسرو پرویز توسط شیرویه کشته و باذان هم اسلام آورد. (۸) در هنگامه بعثت رسول الله(ص) ایرانیان گرفتار رژیم فاسدی بودند که با استبداد و خودکامگی اختناق شدیدی بر ایران آنروز که ۱۴۰ میلیون نفر سکنه داشت و وسعت آن بیش از ایران فعلی بود، حاکم نموده بود. آئین زرتشت هم آمیخته با خرافات و تحریف گشته و از جانب چنین رژیم منحوسی حمایت می شد. نظام نامعقولی که بر مردم حکومت می کرد مانع رشد شخصیت افراد بود و بر اثر سنت های ناپسند و برنامه های غلط مردمان را به اسارت فکری واداشته بود تا آنکه اسلام این آئین جهانی و جاودانی که خورشید آن هرگز غروب کردنی نخواهد بود، به داد انسانیهای مظلوم رسید و فطرت های تشنه را از آب گوارای چشمه توحید سیراب نمود. ظلم و ستم زمامداران بیدادگر آن چنان نارضائی ها را تشدید نموده بود که ارتش ایران با وجود تجهیزات نظامی و بسیج ۱۲۰۰۰۰ نیرو که به فیل های جنگی مجهز بودند موفق

نشدند در برابر سی هزار رزمنده مسلمان که حتی تسلیحات کافی هم نداشتند، مقاومت کنند و سرانجام سپاه به ظاهر قوی ایران در دو جنگ اصلی قادسیه (در سال ۱۵ هجری) و نهاوند (در سال ۲۱ هجری) کست خورده و از آن پس اسلام در ایران نفوذ نمود و گسترش یافت. (۹) ایرانیان آئین اسلام را از جان و دل پذیرفته و با عشق وافر به دفاع ترویج تبلیغ و نشر آن پرداختند.

اسلام موجب آن گشت تا ایرانی خود را کشف نموده و به جای تکیه بر خرافات، به درست اندیشی روی آورد و از ثنویت به توحید بگراید. ایمان جدید، دیوارهای تسخیر ناپذیر طبقاتی را فرو ریخت، تعلیم و تربیت را برای عموم آزاد نمود، و مردم را از استبداد نجات داد. و نیروی معنوی توأم با شور و شوقی را پدید آورد، که پس از چندی، ایران را به سرزمین درخشش اسلام تبدیل نمود. ولی با روی کار آمدن خلافت اموی این رژیم، در صدد آن گردید تا بجای آنکه به مذهب اهتمام ورزد با سلطه نژادی و حالت عرب زدگی و به گونه ای که با تحریف توأم بود به تحقیر ایرانیان مسلمان و مؤمن بپردازد، این حرکت که از اسلام فاصله گرفته بود نه تنها آفتش دامن ایران را گرفت بلکه بر اسلام تاثیر سوء گذاشت. لذا ایرانیان در مقابل آن، مقاومت سرسختانه ای نمودند. از جمله آن نهضت شعوبیه را می توان نام برد که در مقابل سیاست تحریف گونه دستگاه خلافت اموی صورت گرفت. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) می فرماید:

«بعدها که در اثر تسلط امویان و سیاست ضد اسلامی آنها، عده ای از اعراب عنصر عربیت را پیش کشیدند و آتش تعصبات قومی و نژادی را برافروختند، سایر اقوام مسلمان بالخصوص بعضی از ایرانیان به مبارزه با آنها برخاستند...» (۱۰)

در خراسان بیش از ششصد هزار مسلمان با شعار الرضا من آل الرسول به طرفداری از خاندان پیامبر اسلام (ص) برای نابودی خلافت اموی برخاسته و مرکز قدرت امپراطوری را درهم کوبیدند و حکومت امویان را سرنگون و قدرت را به بنی عباس انتقال دادند. البته نهضت خراسان در صدد آن بود که شخصیتی از خاندان پیامبر را بجای بنی امیه روی کار آورد و چون امام صادق (ع) بر حسب مصالح و حکمت هایی دعوت ناه آنان را قبول نکرده و آن را بر روی چراغ گذاشتند. ناگزیر شدند به بنی عباس روی آورند اما بنی عباس هم که دست کمی از امویان نداشتند و در اولین فرصت از طریق خدعه و نیرنگ، ابومسلم را کشته و سپس به سرکوبی نهضت های شیعیان و علویان پرداخته و امامان عصر خود را به شهادت رسانیدند.

ایران در تمدن اسلامی که در سطح جهان مطرح بود و در طول قرون وسطای اروپا، درخشانترین و عظیم ترین تمدن بشری بود با شکوفائی شگفت انگیز خود که اسلام به آن عطا کرده بود کانون اصلی اندیشه، علم و عرفان شد و قرنهای آسیا و آفریقا و اروپا را تغذیه معنوی می نمود. ایرانی در دستگاه رهبری نفوذ یافت، مقامات قضایی را تصاحب نمود، مراکز علمی و حوزه های اسلامی را تاسیس کرد و بجای دفاع از قومیت و

نژادپرستی عربی، بر امامت، ولایت و اهل بیت تکیه نمود و در نقش داعی، محقق و مبلغ حقجو و حق پرست و راستین و آگاه به پاخواست و به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب و آشنای واقعی و راستین نسبت به اسلام و قرآن به عرب فاتح، اسلام را دوباره آموخت و بدین گونه فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) تحقق یافت. اوه لین ملتی که بر ترجمه قرآن همت گماشتند ایرانی ها بودند و از سلمان فارسی خواستند تا سوره الحمد را به فارسی ترجمه کند. (۱۱) و بیش از هر ملتی نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند و در این راه صمیمیت و اخلاص نشان دادند.

اسلام، حصار اسارت آوری که بدور ایران کشیده شده بود و مانع آن بود که ایرانی، تواتائی های فکری و نبوغ علمی خویش را بروز دهد، در هم شکست و دروازه ایران را بر روی فرهنگ و تمدن اسلامی گشود که این حرکت موجب آن شد تا ایرانیان، از یک سوی لیاقت و استعداد خویش را نشان داده و از دیگر سوی سهم مهمی در توسعه و گسترش تمدن اسلامی داشته باشد. به عنوان نمونه باری اولین بار در تاریخ ملت ایران، ایرانی، پیشوا و مرجع دینی غیر ایرانی می شود، لیث بن سعد ایرانی رهبر فقهی مردم مصر معرفی می گردد. ابوحنیفه ایرانی به صورت پیشوای بی رقیب درآمده و مذهب حنفیه را بنیان می نهد. ابو عبیده معمر بن المثنی و واصل بن عطا و امثال آنان پیشوای کلامی می شوند، سیبویه و کسائی امام صرف و نحو می گردند. (۱۲)

کتب سته، شش کتابی است که بنام «صحاح شش گانه» تا امروز مرجع اصلی حدیث و استنباط احکام و عقاید و تمام مکاتب فقهی اهل سنت می باشد که توسط دانشمندان ایرانی همچون ترمذی و بخاری و ... تألیف شده اند. از ۴ کتاب اصلی شیعه که به کتب اربعه موسومند و از منابع و اسناد اولیه این مذهبند، دو کتاب توسط شیخ طوسی (۱۳) و یک کتاب یعنی کافی (۱۴) توسط کلینی و کتاب من لایحضره الفقیه توسط ابن بابویه قمی تألیف و تدوین گشته است که این سه دانشمند و محقق شیعی ایرانی اند. بنیان گذار عرفان اسلامی حلاج است و بزرگترین سیمای علمی این مکتب در سطح جهان غزالی است که این دو نیز ایرانی اند.

خدمات اسلام به ایران به قرون اولیه اسلامی منحصر نیست بلکه از زمانی که خورشید منور اسلام بر این سرزمین فروغ افکند و روشنائی بخشید هر خطری و آفتی که برای این مملکت پیش آمده توسط آئین جاودانی اسلام دفع شد و باعث افتخار، عزت و شرف و استقلال این مردم گردید. اسلام از قوم خونخوار مغول و آدمکشان وحشی، انسانهایی ساخت که تشنه دانش بودند و به تألیف و تحقیق اقبال نشان دادند و از نسل چنگیز، سلطان محمد خدابنده را تحویل داد و شخصی چون بایسنقر میرزا از نسل تیمور متجاوز پدید آمد. به برکت معنویت اسلام دانشمندانی چون ابوعلی سینا، فارابی، زکریای رازی، ملاصدرای شیرازی و هزاران متفکر و محقق دیگر با تألیفات گران سنگ و ارزشمند فرهنگ ایران زمین را زینت دادند و شکوه و اقتدار فرهنگی را باعث شدند. نفوذ اسلام در هند و آسیای جنوبی، آسیای جنوب شرقی، چین، شمال آفریقا تا حد زیادی مدیون ایرانیان می باشد. با گسترش دین اسلام در قلمرو حکومت ساسانی، مسلمانان تازه وارد زبان فارسی دری را

برای تفاهم با تازه مسلمان ایران در کنار زبان عربی برگزیدند و این اعتبار دینی به زبان فارسی موقع ممتازی بخشید و بتدریج این زبان چنان موقعیتی در جهان اسلام یافت که حکمت سلاجقه در غرب آسیا و غزنویان در مشرق رود سند این زبان را وسیله ارتباط رسمی خود با مردم آسیای صغیر و شبه قاره هند قرار دادند. طی قرون چهارم تا نهم، ترجمه قرآن و چندین متون تفسیر به زبان فارسی صورت گرفت که به لحاظ افاده معنی و کیفیت، ارزش خاصی دارند تفسیر طبری که برای شناختن معانی قرآن تدوین شده ارتباط زبان فارسی را با دین اسلام ثابت می کند. حتی اکثر خطوط اسلامی به جز خط مغربی در شمال غربی آفریقا از روی نمونه های خط ایرانی تحول یافته است.

زبان فارسی در قلمرو وسیع امپراطوری عثمانی پیش از آنکه عثمانیان، لهجه ترکی را به موازات آن مورد اعتنا و استعمال در شعر و نثر قرار دهند نسخه دوم فارسی عهد سلجوقی به شمار می آمد و ارتباط خاورشناسان اروپا با زبان و ادبیات فارسی از راه عثمانی و هند آغاز گردید. (۱۵)

در هند این زبان به اندازه ای نفوذ کرده بود، که در دوران اسلامی اغلب به فارسی تکلم می نمودند و آثار فرهنگی و ادبی زیادی در این سرزمین به زبان فارسی تألیف گشت و از شاعران پارسی زبان استقبال می شد به نحوی که در عصر صفوی کاروانی از شعرا و عرفا به دربار هند رفتند و مورد تشویق و حمایت آن قرار گرفتند. (۱۶) حتی پیمانهایی که انگلیسی ها در دوران سلطه بر هند با نواب هندی بسته اند همه بزبان فارسی است و پایه زبان اردو که از قرن یازدهم گذاشته شد بر زبان و ادبیات فارسی استوار یافته چنانچه ۶۰٪ آن فارسی می باشد. (۱۷) آری، این آئین اسلام بود که باعث نفوذ و گسترش زبانی فارسی گشت و فرهنگ ایرانی را صادر نمود.

نهضت ترجمه

اولین سلسله ایرانی که پس از اسلام ایران تشکیل شده پاهریان بودند، که دوران حکومت آنان از سال ۲۰۵ قمری تا ۲۵۹ قمری طول کشید و در این سال توسط یعقوب لیث صفاری برچیده شد. سلسله صفاری که در سال ۲۴۷ قمری توسط یعقوب لیث صفاری تاسیس شد، اولین سلسله ایرانی است که از طریق مخالفت با خلیفه عباسی و تمرّد از او، روی کار آمد. بین سالهای ۲۵۰ تا ۳۱۶ قمری سلسله علویان طبرستان به عنوان اولین حکومت شیعی توسط حسن بن زید (از اولاد امام حسن مجتبی(ع)) که در شمال ایران تاسیس شد، حکومت می نمود. حکومت سامانیان در ماوراء النهر در حدود ۱۲۸ سال طول کشید و در دوران اقتدار آنان، خراسان، طبرستان و گرگان، سیستان، ری، کرمان و بلخ تحت نفوذشان بود. آل بویه از سال ۳۲۰ تا ۴۴۷ قمری بر بخش هایی از ایران آن روز حکمرانی می نمودند و در این مدت بر گسترش و نشر مذهب تشیع اهتمام می ورزیدند. آل بویه پس از مدتی به چند شاخه تقسیم شدند و رفته رفته تجزیه و منقرض گردیدند. غزنویان تا سال ۵۸۲ قمری حکومت می کردند و در اواخر حکمرانی خود صرفاً قلمرو آنها به پنجاب محدود گردید. غزنویان که محل کومت خود را غزنه قرار داده بودند با تشیع میانه ای نداشته و بخصوص سلطان

محمود غزنوی با این مذهب راستین خصومت شدیدی داشت و دیالمه ری توسط او منقرض شد، فتح معروف او تصرف هند است.

بعد از غزنویان، سلاجقه روی کار آمدند که بر اثر اختلاف به شعب مختلف تقسیم شدند در این دوران، اسماعیلیه (که فرقه ای از شیعیان و اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) را امام هفتن و آخرین امام می دانستند) در ایران گسترش یافته و در برخی از نقاط ایران طرفداران زیادی یافتند. مهمترین پایگاه، آنها قلعه الموت در شمال شرقی قزوین بود و از شخصیت های معروف و رهبر این فرقه حسن صباح و پس از او ابوعلی دهدار زواره ای (۱۸) شهرت دارند. حکومت سلجوقیان توسط خوارزمشاهیان از میان رفت، مغولها در اواخر حکومت این سلسله روی کار آمده و به خرابی، قتل و غارت پرداخته و رعب و وحشتی سخت بر ایران حاکم نمودند. حکومت مغول ها یا ایلخانان و تیموریان تا ۹۱۶ قمری ادامه یافت و در اواخر این دوره دو گروه از آنان بنامهای آق قویونلو و قره قویونلو قسمت غرب و مرکز ایران را در تصرف داشتند، سلسله صفویه که با پادشاهی شاه اسماعیل صفوی آغاز می شد، تشیع را مذهب رسمی ایران قرار داد و در توسعه این فرهنگ کوشید و در این عصر دانشمندان شیعه به تالیف آثار گرانبهائی پرداختند که از جمله آنان مرحوم مجلسی است که دائرة المعارف حدیث شیعه یعنی بحار الانوار را تالیف نمود. هنر اسلامی در این عصر نیز راه ترقی و کمال را پیمود و اکنون اغلب آثار پرارزش آن بخصوص در شهر اصفهان قابل مشاهده است. سلسله صفویه در سال ۱۱۳۵ قمری با تسخیر اصفهان توسط محمود افغانی منقرض شد. افشاریه، زندیه و قاجاریه سه سلسله ای بودند که از سال ۱۱۴۸ (سال تاجگذاری نادر در دشت مغان) تا ۱۳۰۴، بر سرزمین ایران فرمانروایی داشتند. در سال ۱۳۲۶ قمری مقارن با ۱۲۸۷ش فرمان مشروطیت توسط مظفر الدین شاه صادر شد. سال ۱۲۹۹ش مقارن با کودتای رضاخان است. در سال ۱۳۰۴ نمایندگان فرمایشی مجلس، احمد شاه قاجار را از سلطنت خلع و رضاخان خبیث را به سلطنت برگزیدند.

Translation Movement

در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) اتفاق افتاد که رژیم سفاک شه به سرکوب شدید آن و به شهادت رسانیدن عده زیادی از مردم پرداخت و در سنگر مقدس روحانیت (قم) کشتار خونین براه انداخت و برای جلوگیری از این نهضت، حضرت امام خمینی (قدس سره) و جمعی از روحانیون مبارز را دستگیر نمود تا اینکه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شمسی پس از مبارزات خونین امت ایران به رهبری حضرت امام خمینی، رژیم شاهنشاهی سرنگون و در پایان شب سیاه استبداد و در حالتی که ابر اندوه بر همه جا سایه افکنده و اختناق روزنه ها را مسدود نموده بود، انقلاب اسلامی ایران همچون اعجازی بزرگ به پیروزی رسید. با طلوع سپیده صبح، سپاه شب روی به هزیمت نهاد و رشته ستم شاهی گسست و بانگ حق طلبی و غریو تکبیری که از حلقوم خداپاوران ایران برخاسته بود در فضای گیتی پیچید و اشعه های انقلاب بر جهان تابیدن گرفت و مسلمانان جهان را از خواب غفلت بیدار نمود. این اثر بخشی انقلاب اسلامی بر استکبار جهانی ناگوار آمد و چون تجدید حیات اسلام ناب محمدی (ص) با قدرت طلبی آنان در تزاخم بود لذا با توطئه ای حساب

شده جنگی تحمیلی را بر علیه ایران ترتیب دادند و قرعه این دسیسه را به نام صدام حسین زدند ولی استقامت و استواری امت ایران در مقابل متجاوزین عراقی که با ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام توأم بود این توطئه را خنثی نمود و بدون آنکه عراق به پیروزی برسد جنگ پایان یافت و سازمان ملل بر اساس یکی از بندهای قطعنامه ۵۹۸ رسماً به متجاوز بودن قوای بعثی که در رأس آن صدام حسین قرار دارد، اعتراف نمود. استکبار جهانی حال که از طریق فشار سیاسی و تنگناهای اقتصادی و نظامی موفق نشده به انقلاب اسلامی زخمی وارد کند در تلاش است تا با تهاجم فرهنگی و جدا سازی مردم از ارزشهای اسلامی و معنویت انقلاب، نیش زهر آگین خود را به آن فرو کند که این حرکت زذیلانه هم محکوم به شکست است چرا که فروغ معنوی اسلامی نه تنها در ایران که در جهان در حال گسترش و نور پاشیدن است و نهضت های اسلامی در کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین با الهام از این انقلاب ابرقدرتها و عوامل و اذناب آنان را به درماندگی واداشته است. و هر روز بر نگرانی و آشفتگی دشمنان اسلامی افزوده می شود و این قدرت های پوشالی کوچکتر از آنند که بتوانند نور اسلامی را خاموش کنند و عاقبت امور از آن پروا پیشگان و صالحان و محرومین معتقد خواهد بود. (۱۹)

در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ ش، حضرت امام خمینی(ره) به سوی معبود خویش شتافت و در جوار حق آرام گرفت. حادثه ارتحال بنیان گذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب، موجی از تأثر و ماتم در جهان اسلام پدید آورد، دشمنان فکر می کردند که با رحلت امام به انقلاب اسلامی ایران لطمه ای وارد خواهد شد اما گرچه فقدان امام ثلمه ای بزرگ برای مسلمانان بود ولی درختی را که او نشانده بود آن چنان مقاوم و با صلابت گردید که تند بادهای حوادث بر آن هیچ لطمه ای نمی تواند وارد کند خصوص آنکه حضرت آیه الله خامنه ای، به عنوان جانشین بر حق امام، رهبری این نهضت شکوهمند را به عهده گرفتند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت در جنوب غربی آسیا و در بخش غربی فلات ایران واقع شده است. افغانستان، پاکستان همسایگان شرقی و ترکیه و عراق همسایگان غربی ایران هستند. ایران در شمال با جمهوریهای مسلمان نشین آسیای میانه و قفقاز ۲۰۱۳ کیلومتر مرز مشترک دارد، طول سواحل ایران در امتداد دریای خزر از رورخانه آستارا تا خلیج حسینقلی ۶۵۷ کیلومتر، در دریای عمان از گواتر تا بندر عباس ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس از بندر عباس تا دهانه اروندرود ۱۲۵۹ کیلومتر می باشد. موقع جغرافیائی، دسترسی به آبهای آزاد، وقوع انقلاب اسلامی، پیوند فرهنگی ایران با تعدادی از کشورهای آسیای جنوب غربی و جنوبی به این کشور اهمیت خاصی بخشیده است.

ایران کشوری کوهستانی محسوب می شود زیرا از نیمی از وسعت آن را کوهها و ارتفاعات تشکیل می دهد و تنها ۲۵٪ آن حالت بیابانی و صحرائی دارد. اکثر رودهای ایران با کم آبی مواجه اند و تنها رود قابل کشتیرانی در ایران، کارون نام دارد. خلیج فارس که در جنوب ایران واقع شده و ارتباط دریائی این سرزمین را از طریق

تنگه هرمز و دریای عمان با سایر نقاط جهان تامین می کند در حدود ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد، دریای خزر با ۴۲۴۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت به عنوان بزرگترین دریاچه جهان ارتباط دریائی ایران را با کشورهای اروپائی از طریق آبراهه های روسیه برقرار می کند. دریاچه ارومیه با ۴۸۶۸ کیلومتر مربع از خاک ایران زیر پوشش جنگل می باشد. کشور ایران آب و هوای متنوعی دارد ولی بر حسب شرایط کوهستانی - خزری و صحرایی در کل ۳ نوع آب و هوا کوهستانی، معتدل خزری، گرم و خشک صحرایی بر ایران حاکم است.

در سال ۱۳۷۰ش ایران ۵۸۱۱۰۲۲۷ نفر سکنه داشت که تراکم آن ۳۵/۲۶ نفر در کیلومتر مربع بود، این تراکم در سال ۱۳۵۵ش برابر با ۲۰/۴ بود. از این میزان جمعیت ۵۷٪ در شهرها و ۴۳٪ در روستاها اقامت داشته اند. ۱۷/۸٪ جمعیت کشور در شهر تهران - مرکز حکومت - ساکنند.

۴۵/۶٪ مردم ایران از نژاد آریایی، ۱۶/۸٪ ترک، ۹/۱٪ کرد، ۲/۲٪ عرب و ۲۶/۳٪ بقیه نژادها می باشند. دین رسمی مردم ایران اسلام و - ۹۸٪ مردم مسلمانند که ۹۱٪ آن پیرو مذهب تشیع اند. زبان رسمی و خط رایج در ایران فارسی است و زبانهای ترکی (آذری) کردی، عربی و بلوچی نیز در نقاط مختلف کشور تکلم می شود.

مرکز ایران تهران است و از شهرهای مذهبی آن می توان مشهد (مرقد مطهر حضرت امام رضا(ع) در این شهر واقع می باشد) قم (مدفن حضرت فاطمه معصومه(س) و مرکز علوم دینی کشور در این شهر قرار دارد) ری (مدفن حضرت عبدالعظیم حسنی از احفاد حضرت امام حسن مجتبی(ع) را نام برد.

ایران از ۲۴ استان، ۲۲۷ شهرستان و ۶۰۴ بخش تشکیل شده و روز ملی آن دوازدهم فروردین (سالروز استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران) می باشد.

Translation Movement
JMS

میزان تولید ناخالص ملی ایران در سال ۱۳۶۸ش در حدود ۳۹۲۵۴ میلیارد ریال بوده که ۱۳/۸٪ به بخش کشاورزی، ۶/۴٪ به نفت، ۴/۷٪ به صنایع و معادن و ۷۵٪ به خدمات اختصاص داشته است.

جمعیت فعال ایران در سال ۱۳۵۶ش، ۱۲۸۰۰۰۰۰ نفر بوده که ۲۹/۱٪ در بخش کشاورزی، ۱۳/۵٪ در صنایع و معادن و ۵۷/۴٪ در بخش خدمات مشغول به کار بوده اند. غیر از انواع محصولات کشاورزی و ماهی - حدود ۱۰۰۰ معدن و بویژه ذخائر نفت و گاز از ثروتهای مهم کشورند. ایران در طریق توسعه صنعتی بخصوص صنایع فولاد و سایر صنایع سنگین گامهای بزرگی برداشته است. (۲۰)

پی نوشتها

- ۱- کنز العمال تالیف حسام الدین هندی (متوفای در تاریخ ۹۷۵ قمری) جلد ۱۲ ص ۹۰ حدیث ۳۴۱۲۶.
- ۲- کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۱۴۱۲۵.
- ۳- کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۳۴۱۲۹، این حدیث به مضامین دیگر هم نقل شده منجمله سفینه البحار.
- ۴- نهج السعادة جلد دوم ص ۷۰۳ و نیز کنز العمال حدیث ۱۱۷۷۲.
- ۵- بحار الانوار جلد ۶۷ ص ۱۷۴.
- ۶- تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی ص ۳۷.
- ۷- بحار الانوار جلد ۶۰ ص ۲۱۶.
- ۸- خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری صفحات ۸۳ و ۸۴.
- ۹- کامل بن اثیر جلد دوم صفحات ۳۱۱ تا ۳۱۷.
- ۱۰- خدمات متقابل اسلام و ایران ص ۷۳.
- ۱۱- دائرة المعارف قرآن کریم (حسن سعید).
- ۱۲- ماخوذ و اقتباط از کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران ص ۳۵۶.
- ۱۳- کتب تهذیب و استبصار از تالیفات محمد بن حسن بن علی طوسی می باشد.
- ۱۴- کتاب گرانقدر و ارزشمند کافی شامل ۳ بخش اصول کافی، فروع کافی و روضه کافی می باشد.
- ۱۵- اقتباس از مقاله زبان فارسی و لغات جعلی مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبائی - محله راهنمای کتاب سال نوزدهم ش ۱۰ - ۷ مهر و دی ۱۳۵۵.
- ۱۶- به کتاب کاروان هند نوشته احمد گلچین معانی مراجعه فرمائید.
- ۱۷- نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان - مجید یکتائی - تهران - اقبال ۱۳۵۳.
- ۱۸- وی منسوب به شهرزواره، واقع در ۱۵ کیلومتری شمال اردستان و ۱۳۲ کیلومتری شمال شرقی اصفهان، می باشد و قلعه ای است سنگبست از او در این شهر باقی است و از علل عمده حمله مغولان به زواره، وجود طرفداران فرقه اسماعیلیه در زواره به سرپرستی ابوعلی دهدار بود.
- ۱۹- و العاقبة للمتقين (قرآن کریم).
- ۲۰- آشنایی اجمالی با کشورهای جهان - ایران - سعید بختیاری - مجله رشد جغرافیا بهار ۷۱ ش م ۲۹.

ب - آسیای جنوبی

آسیای جنوبی همان شبه قاره هند است که به لحاظ طبیعی در شمال آن کوههای مرتفعی واقع شده که به صورت دیواری بخشهای شمالی آن را دربر می گیرد. هیمالیا در شمال شرقی و سلیمان در شمال غربی مهمترین کوههای این بخش است. رودهای سند (ایندوس)، گنگ و برهماپوترا از این ارتفاعات سرچشمه می گیرند و آب و هوای آن موسمی است. جاهایی که در معرض بادهای موسمی است. جاهایی که در معرض بادهای موسمی قرار گیرند بویژه در در تابستان از بارندگی زیادی برخوردارند بطوریکه در بنگلادش و ایالات آسام هند در فصل تابستان بدون وقفه باران می بارد در چراپونچی (۱) واقع در ایالت اسام که بیش از همه جای دنیا باران دارد، میزان ریزش باران به ۱۲ متر می رسد با این حال بعضی مناطق شبه قاره، خشکند مثل بلوچستان پاکستان که تحت تاثیر آب و هوای صحرایی قرار دارد. شریط جغرافیائی مناسب همچون دما، رطوبت و خاک حاصلخیز این منطقه را بسیار پربرکت نموده و امکانات فوق همراه با وفور مواد غذایی تراکم جمعیت را در آسیای جنوبی بالا برده است به طوریکه در مساحتی به وسعت تقریبی ۴۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع بیش از یک میلیارد نفر یعنی حدود ۲۰٪ سکنه جهان سکونت دارند. ترکیب نژادی جمعیت نیز از تنوع زیادی برخوردار بوده و در نواحی کوهستانی قبایل متعدد و کوچکی سکونت دارند که شیوه های قومی آنها بسیار اختصاصی است. در نواحی ساحلی و جلگه ها و همچنین شبه جزیره دکن گروه های بزرگی سکونت دارند که بخش عظیمی از سکنه هر یک از واحدهای سیاسی این ناحیه را تشکیل می دهند.

مهمترین واحدهای سیاسی، آسیای جنوبی به ترتیب وسعت عبارتند از هند، پاکستان، نپال، بنگلادش، سری لانکا، نپال و مالدیو پروسعت ترین و پرجمعیت ترین این کشوره هند است با ۳۲۸۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و قریب به ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت، کم وسعت ترین و کم جمعیت ترین آنان مالدیو می باشد با ۲۹۸ کیلومتر مربع وسعت و قریب به ۲۰۰۰۰۰ نفر سکنه.

Translation Movement

از بیش از یک میلیارد سکنه مسلمان که در جهان زندگی می کنند متجاوز از ۳۰۰ میلیون نفر در آسیای جنوبی سکونت دارند که از این میزان بیش از ۲۰۰ میلیون مسلمان در واحدهای سیاسی مستقل اسلامی یعنی پاکستان، بنگلادش و مالدیو زندگی می نمایند.

مسلمانان هند

هند سرزمین نسبتاً وسیعی است که در جنوب آسیا و آبهای گرم اقیانوس هند به صورت مثلی قرار دارد مدار راس السرطان آن را به دو قسمت می نماید. آب و هوای آن به طور کلی گرم و مرطوب است اما این حالت در همه جای آن یکسان نیست. مردم هند از نژادهای سفید، سیاه و زرد تشکیل شده اند و زبان رسمی هند، هندی است ولی زبانهای انگلیسی و فارسی هم در آن رواج دارد. دین اکثریت مردم، هندو (برهما) می باشد. اسلام با ۱۲٪ از کل سکنه هند، دومین آئین این کشور است. آئین های بودا و مسیح و زرتشت نیز در هند پیورانی دارد

مرکز حکومت آن شهر قدیمی و تاریخی دهلی نو می باشد و این کشور با ۲۲ ایالت و ۹ فرمانداری بصورت فدرال اداره می شود.

نخستین بار در زمان خلفای راشدین، اسلام به هند راه یافت. بازرگانان مسلمان و نیروهای نظامی در این مورد نقش مهمی را عهده دار بودند. اما عامل فرمانروایی مسلمانان بر این سرزمین وسیع، یورش بود که مسلمانان تحت فرماندهی «محمد بن قاسم» در عصر بنی امیه به هند بردند. غزنویان نخستین افراد ایرانی هستند که دین اسلام را به هندوستان سرایت دادند. در اواخر قرن چهارم و ابتدای قرن یازدهم میلادی «محمود غزنوی» تحت عنوان جهاد اسلامی و نبرد با بت پرستی و بیدینی به سرزمین هند یورش برد و بخش بزرگی از آن را جزو قلمرو خود نمود. پنجاب نیز در تصرف آنان بود و لاهور مرکز حکومت غزنویان قرار گرفت در زمان این پادشاهان گروهی از دانشمندان ایرانی از جمله ابوریحان بیرونی به هند رفتند. (۲)

در سال ۱۱۹۳م قطب الدین ایبک که از بردگان غوری بود، شهر دهلی را فتح نمود. البته گفته می شود اولین پادشاه غوری که به هندوستان لشکر کشید و دهلی را پس از فتح پایتخت خود قرار داد، سلطان محمد سام غور بود از این زمان یعنی قرن هفتم تا زمان سلطه استعمار انگلیس بر هند، دهلی پایتخت سلاطین مسلمان بود. غوریان در هند مصدر خدمات مهمی شدند و در عصر آنان علمای زیادی از ایران به هند رفتند. در واقع تبلیغات اسلامی در هند از زمان غوریان شروع گردید و مدارس و مساجد رونق یافت. ظهیر الدین محمد بابر که از احفاد امیر تیمور بود به هندوستان لشکر کشید و دهلی را مرکز حکومت خود قرار داد روابط تیموریان هند و پادشاهان صفوی بسیار حسنه بود و در این زمان جماعت زیادی از شعرا و ادبا به هند رفتند. در عصر تیموریان که اقتدار آنان در هند ۴ قرن طول کشید (از سال ۹۳۲ قمری برابر با ۱۵۲۶م) تمام مناصب حکومتی و مذهبی در دست ایرانیان بود. قطبشاهیان در دکن در تبلیغ دین اسلام و مذهب تشیع سعی و کوشش کردند. محمد علی قطب شاه همدانی با لقب قطب الملک در سال ۹۱۸ قمری رسماً زمامدار دکن گردید. عادل شاهیان که مذهب تشیع داشتند در ترویج و تبلیغ امور دینی کوشش نموده و بسیاری از مناطق هندوستان که در دست بت پرستان بود در زمان علی عادلشاه به تصرف مسلمین درآمد. سرسلسله آنان یوسف عادلشاه است که سلطنت ناحیه بیجاپور هند را بدست گرفت.

در اردوی سلسله عادل شاهی مدام گروهی از علمای ایرانی، سادات نجف اشرف، کربلا و مدینه شرکت داشته و امور دینی را زیر نظر گرفتند. (۳)

با فتور دولت اسلامی در هند و روی کار آمدن افراد بی کفایت و طغیان افراد محلی، وحدت این سرزمین به مخاطره افتاد و زمینه برای نفوذ استعمار انگلستان و استقرار کمپانی هند شرقی فراهم شد.

این کمپانی با ایجاد تفرقه بین امرای هند در قلب این کشور نفوذ نمود. در قرن نوزدهم میلادی، انقلابی که مسلمین در آن نقش داشتند بر علیه استعمار انگلستان صورت گرفت ولی دسایس استعمار مانع پیروزی آنان شد پس از آن ملکه ویکتوریا، هند را جزئی از سرزمین بریتانیا اعلام نمود و راه برای محو آثار و تمدن فرهنگ اسلامی و نفوذ فرهنگ غربی بر هند باز گردید.

نخستین گام آنها این بود که در سال ۱۹۰۵م استان بنگال را به دو بخش مسلمان نشین و هندو و تقسیم نمودند و با تحرک طرفین، زد و خوردهای شدیدی بین این دو فرقه پدید آوردند. البته این تقسیم بندی برای مسلمانان منافی را در برداشت و در جهت وحدت و تشکیل آنان مؤثر بود و تلاش مسلمانان مبنی بر درخواست تصاحب کرسی ها از طریق انتخاب عمومی پذیرفته شد.

سرانجام ملت هند همچون آتشفشانی گردید که گاندی و رهبران مسلمان همچون مولانا ابوالکلام آزاد، مولانا محمد علی و شوکت علی در انفجار آنان مؤثر بدودند. در این خروشهها و قیامها، مسلمانان، هدف عالیتری از هندوها داشتند و آن بدست آوردن آزادی کامل و خروج بی قید و شرط استعمار انگلیس بود و در واقع نخستین بانیان نهضت هند، مسلمانان بودند. در این راستا و جهت موفقیت مبارزات، قائد اعظم و مؤسس پاکستان یعنی محمد علی جناح در اتحاد مسلمین و هندوها می کوشید و تفرقه بین آنان را صلاح نمی دانست. در سال ۱۹۴۵م (۱۳۲۴ شمسی) دولت بریتانیا تسلیم مقاومت و مبارزات مردم هند و بویژه مسلمان شده و استقلال هند را اعلام کرد که در انتخابات آن حزب مسلمان مسلم لیگ تمام کرسی های مسلمین را در پارلمان مرکزی و ۴۴۶ از ۴۹۵ کرسی مسلمانان را در شوراهای ایالتی بدست آورد (رهبر حزب مذکور دران زمان محمد علی جناح بود) در ۱۵ اوت ۱۹۴۷م کشورهای مستقل هند و پاکستان (شامل بخش غربی و شرقی) پدید آمد.

با آنکه مقرر گردید در هنگام استقلال پاکستان، ایالاتی که اکثریت مسلمان دارند، مختارند تابع یکی از دو کشور هند و پاکستان گردند ایالت پنجاب و بنگال و حیدرآباد، علی رغم اکثریت مسلمان و تمام مردم به پاکستان منضم نگردید و حیدرآباد که حدود ۲۰ میلیون مسلمان داشت و در صدد بود تا خود کشوری مستقل باشد در سال ۱۹۴۸م مورد تجاوز هند قرار گرفت و به آن ضمیمه شد. در سال ۱۹۴۷م نیز هند مانع از آن گردید تا کشمیر مسلمان به پاکستان ملحق گردد. (۴)

در وضع کنونی (سال ۱۹۹۱م) دولت هند تعداد مسلمین را ۹۵ میلیون نفر اعلام کرده است.

اما مسلمین عقیده دارند از بسیاری از آنها سرشماری بعمل نمی آید و رقم واقعی آنان به ۱۵۰ میلیون نفر بالغ می گردد که حدود ۱۷٪ سکنه هند را تشکیل می دهند.

از ۱۳۵۶ ناحیه هند، مسلمانان در ۹ ناحیه در اکثریتند و در ۱۹ ناحیه بیش از ۲۵٪ و در ۹۴ ناحیه دیگر متجاوز از ۱۰٪ جمعیت هستند. حدود ۱۰٪ مسلمانان در ایالاتی واقعند که اکثریت آنان مسلمانانند. نزدیک به ۷۰٪ مسلمانان هند، سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی می باشند. بقیه مذهب شیعه اند. لکنهو که به عنوان یکی از بلاد مهم هند به شمار می رود یگانه مرکز و کانون فعلی شیعه اثنی عشری در هند است در این شهر بخش مهمی از آثار شیعه از قبیل مساجد و حسینیه ها دیده می شود. شیعیان سراسر هند در خصوص مسائل دینی و علمی و حتی سیاسی به این مرکز مراجعه و حل مشکل خود را جستجو می نمایند. مراسم عزای حسینی در ایام محرم و سایر مراسم ویژه شیعیان همه ساله در این ناحیه برپا می گردد. البته هم اکنون در تمام نقاط هند گروه شیعیان به چشم می خورند و هیچ شهری در هند وجود ندارد که خالی از سکنه شیعه باشد. حدود ۳۵٪ مسلمانان هند، شیعی هستند که اکثریت آنان اثنی عشری، و تعداد کمی از آنها پیرو فرقه اسماعیلیه می باشند.

در میان شیعیان هند، دانشمندان بزرگ، ادبا و شعرای نامی، نویسندگان توانا، روزنامه نگار، وکیل مدافع و حقوقدان، پزشک مبرز و شخصیت های عالی و سیاسی به چشم می خورند که در سمت والی، راجه نواب مشغول بکارند. (۵)

مسلمانان به هنگامه اقتدار خود در هند آثار و بناهای جالبی از خود به یادگار نهاده اند و یا شیوه معماری خود را در بناهای هند دخالت داده اند. از نمونه های درخشان معماری اسلامی در هند بنای عظیم تاج محل است که بنا به نوشته «راستاتیش گروور» (۶) استاد معماری مدرسه عالی طراحی و معماری در دهلی، این بنای عظیم که در شهر اگر واقع شده نمونه ای گویا از عظمت و پیشتازی معماری اسلامی در دوره هایی از تاریخ جهان است این بنا از جذابیت های جهانگردی هند به شمار می آید. (۷)

با وجود آنکه درصد مسلمین در هندوستان هر سال رو به تزاید است اما نقش سیاسی آنها بدلیل تفرقه و قومیت گرایی، رو به کاهش است به عنوان نمونه در انتخابات سال ۱۹۸۴م از ۵۴۳ نماینده، ۳۹ نماینده از مسلمین بودند در حالی که در سال ۱۹۸۹م به ۳۲ نفر کاهش یافت.

در زمان استقلال هند که قاطبه مسلمین وضع متوسطی داشتند به پاکستان مهاجرت نمودند و آنها که به تشویق رهبران مذهبی در هند باقی ماندند از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در سطح پائینی قرار گرفتند تبلیغات ضد اسلامی گروه های بنیادگرای هندو، مسلمانان را نگران نمود و در این حالت تعدادی از رهبران مذهبی به مسلمانان توصیه نمودند که اگر به حزب کنگره رای دهند از امنیت اجتماعی - مذهبی بنام «بانک رای مسلمین» را پدید آورد.

ارتباط مداوم مسلمین با هندوها موجب رسوخ آداب و رسوم هندی در جامعه مسلمین شده به گونه ای که مسلمانان به نظام کاستی عقیده داشته و آنان که در طبقات بالا هستند به گروههای پائین به دیده تحقیر می نگرند و در مراسم اجتماعی بخصوص این حالت را در ازدواج رعایت می کنند. این رفتار که تحت تاثیر آئین هندو به جامعه مسلمین راه یافته است. هویت مسلمانان هند را تا حدودی تغییر داده و سنت های مذهبی مسلمانان بر اساس بافت اجتماعی هند در حال تحول است. (۸) در رسوم خواستگاری، لباس پوشیدن و نیایش این تاثیرپذیری قابل ملاحظه می باشد. گرچه مسلمین با نفوذ اسعمار به برخورد منفی با آنان پرداختند اما بتدریج فرزندان خود را به مدارس استعماری فرستاده و افراد مرفه و طبقات بالا حجاب را کنار گذاشتند و مفاسد اجتماعی در بین برخی از آنان رواج یافت. هجوم تفکر مارکسیستی را نیز باید به موارد بالا افزود. سازمانهای اسلامی وابسته به وهابیون نیز تبلیغات ویژه خود را در بین مسلمین دارند که با اسلام واقعی در تضاد و تراحم است.

مسائل مربوط به بیسوادی و فقر مسلمین نیز ناگوار است و پس از قریب به نیم قرن که از استقلال هند می گذرد تنها ۳۷٪ مسلمین باسوادند در مورد زنان این رقم ۵٪ است. القاء تفکر ورشنگران هندی به مسلمانان در خصوص تفکیک دین سیاست نیز یکی از دلایل عدم موفقیت احزاب مسلمان در صحنه سیاسی است به عنوان مثال «حزب مسلم لیگ» در طول تاریخ حیات خود تنها در ایالت جنوبی «کرالا» نفوذ داشته است. این ضایعه های فرهنگی و اجتماعی موجب آن شده تا در هنگام تشدید فعالیت های انتخاباتی، مسلمانان به سوی احزابی روی آورند که وعده و وعیدهایی برای بهبود اوضاع اجتماعی - اقتصادی به آنها می دهند. مسلمانان وقتی به سوی حزب جاناتا دال روی آوردند رهبران این حزب جهت جلب حمایت مسلمین روز میلاد حضرت محمد(ص) را تعطیل اعلام نمود. (۹)

بهشت ترجمه Translation Movement

سرزمین کشمیر

سرزمین به عنوان نزدیکترین مکان زمینی به بهشت شهرتی کهن دارد و مشهور است که موسی(ع) قوم خود را از مصر بدان جا هدایت کرد. این سرزمین طبق نقلی مورد دیدار حضرت سلیمان(ع) پیامبر قرار گرفته و این پیامبر معبدی را در قله تخت سلیمان بنا نهاد.

۲۰ قرن قبل در شرح (۱۰) جغرافیائی هند، از کشمیر نام می برد. مسعودی جغرافی دان مسلمان شرح کوتاهی از جغرافیای تاریخی کشمیر ارائه می دهد اما شرح مفصل مربوط به ابوریحان بیرونی دانشمند مسلمان ایرانی می باشد. زیبایی و جاذبه با صفای آب و هوایی وفور نعمت و طراوت خاص موجب آن شده که این بهشت روی زمین در طول ادوار و قرون، مورد تهاجم اقوام و قبایل قرار گیرد و این چشم انداز زیبای کشمیر موجب آن شده تا مردمانش زنج و مصیبت ببینند و اگر کشمیر سرزمین جذابی نبود و اهمیت خاصی نداشت شاید این قدر به قتل و غارت و تهاجم دچار نمی شد. (۱۱)

کشمیر ناحیه ای است کوهستانی که در شمال غربی شبه قاره هند و در دامنه کوههای هیمالیا واقع است. ناحیه شمال شرقی شامل کوههای پربرف و سر به فلک کشیده قره قوم می باشد. کشمیر از شمال و شرق به چین، از جنوب به هند، از غرب به پاکستان و از شمال غربی به افغانستان محدود است.

آب و هوای آن بدلیل موقعیت جغرافیائی و شریط کوهستانی معتدل و بسیار مطبوع می باشد. کوههای صعب العبور این منطقه همچون سد نفوذ ناپذیری راه هرگونه تجاوز به هند، از راه چین و تبت و راههای مشابه را مسدود می نماید. از سوی دیگر سرچشمه سه رودخانه بزرگ سند (ایندوس) پنجاب و جهلم در ایالت مزبور قرار دارد و این مسئله در حکم رگ حیاتی در اقتصاد کشاورزی پاکستان به شمار می رود. وجود ۹۵٪ مسلمان و عوامل مذکور، اهمیت سوق الجیشی و استراتژیکی این سرزمین را مشخص می کند. موقع خوب، آب و هوای مناسب و ذخائر فراوان، کشمیر را به تاج هند موسوم کرده است.

در حال حاضر کشمیر ۲۲۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که ۷۵٪ آن یعنی ۱۳۸۹۹۲ کیلومتر مربع که موسوم به جامو و کشمیر است در اختیار هند می باشد. ۷۹۷۷۸ کیلومتر مربع از آن تحت عنوان کشمیر آزاد در کنترل پاکستان است و مقدار کمی برابر ۴۱۵۰۰ کیلومتر مربع به کشور چین تعلق دارد که در جنگ ۱۹۶۲م که بین چین و هند در گرفت، چین آن را متصرف نمود. کل کشمیر حدود ده میلیون نفر سکنه دارد که ۶ میلیون در جامو و کشمیر (۶۰٪) ۲/۵ میلیون نفر در کشمیر آزاد و بقیه در کشمیر چین هستند. ایالت جامو و کشمیر خود شامل ۳ منطقه کشمیر، جامو و لاداخ است اکثر مسلمین در جامو و کشمیر (دره کشمیر) هندوها و سیک ها در جامو و اقلیت بودائی با ریشه تبتی در فلات شرق لاداخ هستند. (۱۲) کشمیر بخاطر مناظر زیبا و میراث فرهنگی غنی از سوی اقبال لاهوری به ایران صغیر معروف شد. کوهستان هیمالیا که در بخشی از آن و میان قله هایش کشور کشمیر محصور است به این ناحیه موقع ویژه ای داده به گونه ای که این کشور سرزمین رودخانه ها و جویبارها و کوهسارها می باشد. در هنگام بهار سراسر خطه کشمیر از گل پوشیده می شود. دومین شبکه رودخانه هند یعنی سند از کشمیر به سوی جنوب روان شده که بخش اعظم پاکستان را می پوشاند. (۱۳)

با وجود ورود دین اسلام در قرن اول هجری باین سرزمین، ظهور اسلام تا سال ۷۱۵ هجری در کشمیر به تاخیر افتاد در این سال یک نفر ایرانی در لباس قلندران وارد کشمیر شد و به تبلیغ دین اسلام پرداخت زیرا مردم کشمیر به قلندران علاقه خاصی دارند و به همین خاطر از تعلیمات او پیروی نموده و هر روز بر اعتبارش افزوده می شد. اسکندر مقدونی، چنگیزخان و سلطان محمود غزنوی نتوانستند در جریان کشور گشایی، کشمیر را به تصرف درآورند و فتح آن به نام شاه میرزا سواتی معروف است که در ۷۳۵ هـ-ق در این سرزمین حکومت اسلامی ایجاد نمود که تا ۹۹۱ قمری دوام آورد. از این تاریخ تا قرن نوزدهم مغولها و بازماندگان تیموری بر آن اقتدار داشتند. افغانها تا سال ۱۸۱۹م نیز کشمیر را در تصرف خود نگاهداری می کرده اند سپس در اختیار

مهارچه رنجیت سینگ قرار گرفت. با فوت او و پس از شکست سیک ها در مقابل قوای انگلیس، این قوم، کشمیر را به انگلیسی ها واگذار نمودند. دولت انگلیس نیز در ازای خدمات، آن را به مهارجا گلاب سینگ فروخت و از آن تاریخ این خانواده در کشمیر حکومت می کردند این حالت یعنی حکومت اقلیتی هندو بر اکثریت مسلمان از سال ۱۸۴۶م تا ۱۹۴۷م ادامه یافت. در این تاریخ، استعمار انگلیس با تقسیم شبه قاره، برنامه ای پیاده کرد که بحران کشمیر را پدید آورد. (۱۴) زیرا به هنگام تقسیم آن، بین دولت های هند و پاکستان، دولت انگلستان به موجب قانون تفویض استقلال کلیه حقوق خود را به رؤسای امارت نشین ها واگذار نموده و به آنان اختیار داده شد که با توجه به میل مردم تحت امارت خود می توانند به هر دو کشور هند و یا پاکستان ملحق شوند که کشمیر با توجه به اکثریت مسلمان باید به پاکستان الحاق می یافت ولی این کار صورت نگرفت. در اکتبر ۱۹۴۷م عشایر پاتان واقع در شمال غربی پاکستان با حمایت ارتش پاکستان در کشمیر نفوذ و تا شهر سری ناگار پیشروی کردند. در این هنگام مهارچه کشمیر که از این پیشروی نگران و از مقابله با آنان عاجز مانده بود در ۲۶ اکتبر سال ۱۹۴۷م طی نامه ای که به عنوان «لوردومنت باتن» (۱۵) ارسال نمود با استفاده از قانون تعویض استقلال، الحاق سرزمین تحت حکومت خود را به هند اعلام و ضمن آن تقاضای کمک نمود که در ۲۷ اکتبر همان سال، دولت هند به اتکای این موضوع قوای خود را به کشمیر وارد و نبردی بین عشایر پاکستان و نیروهای هندی آغاز شد.

در اول ژانویه ۱۹۴۸م دولت هند، طی شکایتی به شورای امنیت سازمان ملل اعلام نمود که دولت پاکستان با تحریک عشایر، حاکمیت هند را مورد تعرض قرار داده و تقاضا کرد پاکستان از ورود عشایرش جلوگیری کند اما پاکستان قوای خود را برای کمک به عشایر وارد کشمیر نمود و در نتیجه نبرد مزبور شدت یافت. در چنین حالی شورای امنیت کمیسیون تحقیقی را به ریاست ژنرال ماک ماتن (۱۶) کانادائی به کشمیر اعزام نمود و پس از آن با قطعنامه هایی از طرفین درگیر خواستار جلوگیری از انجام عملیات شد. در این قطعنامه ها مقرر شده بود که دولت پاکستان عشایر را از کشمیر خارج و هند اجازه داد حداقل قوای لازم را برای حفظ آرامش و برقراری نظم در کشمیر نگاه دارد.

در قطعنامه ۱۳ اوت ۱۳۲۷ش (۱۹۴۸) و ژانویه ۱۳۲۸ش (۱۹۴۹) سازمان ملل، مقرر شد مناطق مسلمان نشین کشمیر جزو پاکستان و نواحی هندونشین جزو هندستان درآید و جهت مشخص شدن میزان تمایل مردم برای پیوستن به هند یا پاکستان به آراء عمومی در یک جو آرام و محیط بی طرفانه مراجعه شود و تا وقتی این کار صورت نگرفته، سرزمین کشمیر نه جزو هندوستان است و نه از آن پاکستان ولی این قطعنامه اجرا نگردید و هندوستان همچنان نیروهای خود را در کشمیر نگاه داشته است. (۱۷)

در فوریه سال ۱۹۵۴م مجلس مؤسسان کشمیر الحاق این سرزمین را به هندوستان اعلام نمود. (۱۸) و در سال ۱۹۶۳م هند اعلام نمود که جامو و کشمیر از ایالات این کشور نمی باشد. چنین موضعی دو جنگ بین

هند و پاکستان را در سالهای ۱۹۶۵م و ۱۹۷۰م رقم زد. در سال ۱۹۷۲م ذوالفقار علی بوتو رئیس جمهور وقت پاکستان قرار داد «سمیلا» را بر سر مسئله کشمیر با هندوستان منعقد کرد که در آن خط آتش بس به خط کنترل تغییر یافت و این سیاست انفعالی همچنان ادامه دارد.

از آن سوی، مردم کشمیر به مقابله با قوای هندی پرداخته و در شهر پونچ علیه مهاراجه دست به شورش زده و موفق به سرنگونی وی شده و با حمایت پاکستان، کشمیر آزاد را در غرب و جنوب غربی کشمیر بنیان گذاردند. این ناحیه تحت نظارت پاکستان به صورت فدرال و به شکل خود مختار اداره می شود و دارای رئیس جمهور مستقل و دولت و مجلس می باشد که حکم ریاست جمهوری آن از سوی ریاست جمهوری پاکستان تنفیذ می شود، تا قبل از اوج گیری بحرانهای اخیر، جامو و کشمیر به صورت فدرال اداره می گردد ولی با گسترش مبارزات حق طلبانه مردم برای استیفای حقوق واقعی خود و نجات از سلطه غیر مسلمان این ایالت از حالت فدرال خارج و مستقیماً توسط دولت مرکزی اداره می شود.

در ۵ ژانویه ۱۹۹۰م که با چهل و یکمین سالگرد صدور قطعنامه سازمان ملل، مصادف بود و از سوی مردم کشمیر، روز کشمیر نامگذاری شده بود تظاهراتی از سوی مسلمین برگزار گردید که با مقاومت سرسختانه پلیس هند مواجه و چندین شهید و مجروح بر جای گذاشت به دنبال آن اعصابات و تظاهرات موج فراينده ای بخود گرفت و دولت هند با نیروهای مجهز و تانک و زره پوش به سرکوبی شدید مسلمین پرداخت و پس از آن حکومت نظامی اعلام نمود. برخورد خشن مزبور باندازه ای بود که حتی پلیس های محلی به برخورد نیروهای پلیس فدرال اعتراض نموده و به تظاهر کنندگان پیوستند.

یکی از علمای ایران که در کشمیر به اسلام خدمت شایان توجهی کرده «میر سید علی همدانی» می باشد. این مرد که از مفاخر اسلامی است هزاران شاگرد در کشمیر تربیت کرد که هر کدام خود استاد شدند. مقام این روحانی فاضل هنوز در کشمیر محترم است و آنجا را زیارت می کنند و همه ساله در روز عاشورا هنگامی که دستجات عزاداران از آنجا عبور می کنند پرچم های خود را به حال احترام فرود می آورند. (۱۹)

نیپال

کشور نیپال ه به روش سلطنتی اداره می شود با ۱۴۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۶۵۰۰۰۰۰ نفر سکنه در شمال شرقی هند واقع است. مرتفع ترین قله جهان یعنی اورست با ۸۸۸۲ متر ارتفاع از سطح دریا در این کشور واقع می باشد. در حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر مسلمان در این کشور سکونت دارند. این در حالی است که در سال ۱۹۵۳م مسلمانان نیپال به ۲۰۰۰۰۰ نفر بالغ می گردیدند.

اسلام در سال ۵۸۶ هجری قمری مطابق با ۱۱۹۰ میلادی وارد این سرزمین شد. در پایان قرن چهاردهم میلادی سلطان شمس الدین بنگالی به دره کاتماندو (مرکز نپال) حمله برد که این یورش موجب حضور بیشتر مسلمین در نپال شد. در هنگام امپراطوری مغول نفوذ اسلام در نپال رشد فزاینده ای بخود گرفت. مسلمانان اکثرا در ناحیه تارای (۲۰) در امتداد مرز شرقی با هند تمرکز دارند. زبانشان اردو و مذهبشان حنفی است که در این دو مورد با مسلمانان هند وجه مشترکی دارند.

البته دین اکثریت، هندو و بودایی است و زبان رسمی نپالی می باشد و زبانهای بیهاری و گورخائی نیز رواج دارد نپال تنها کشور پادشاهی هندو مسلک جهان است.

بوتان

کشور بوتان با ۴۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۴۲۰۰۰۰ نفر سکنه در شمال شرقی هند، واقع است. کشوری است کوهستانی که به دریا راه ندارد. این سرزمین به شیوه مشروطه سلطنتی اداره می شود و از کل سکنه آن ۸۷۰۰۰ نفر آئین جاودانی اسلام را پذیرفته اند. مسلمین این کشور با مسلمانان بنگال غربی و آسام (شمال شرقی هند) در ارتباطند و اکثرا از نژاد بهوتا، نپالی و آسام می باشند.

مردم بوتان اکثرا پیرو هندو و بودا هستند.

سری لانکا (سیلان)

سری لانکا به صورت جزیره ای در جنوب شرقی هند قرار دارد. وسعت این کشور برابر با ۶۶۰۰۰ کیلومتر مربع و تعداد سکنه آن به ۱۶۳۰۰۰۰۰ نفر بالغ می گردد. موقع جزیره ای (قرار گرفتن در اقیانوس هند) و نزدیکی به خط استوا موجب گرمی هو و رطوبت زیاد این منطقه شده است. تنگه پالک این کشور را از سرزمین هند جدا می نماید. دین اکثریت، بودائی و برهمایی است. ولی بیش از ۷/۵٪ مردم آن مسلمانند. انتشار اسلام در این جزیره از دو طریق و در دو زمان انجام پذیرفت: اول کاروانهای تجاری مسلمانان که در آغازین روزهای تولد اسلام، از جزیره العرب به این سرزمین آمدند. دوم با فتوحات مسلمانان ترک در این جزیره که منجر به تشکیل دولت اسلامی به سال ۱۲۰۶م در هند گردید. ازدواج بازرگانان عرب با زنان بومی نیز در گسترش اسلام بسیار مؤثر بود. سقوط بغداد به سال ۱۲۸۵م موجب مهاجرت مسلمانان بدین نواحی شد که در شکل گیری مسلمانان جنوب هند رل مهمی را به عهده داشتند. اما مسلمانان با دو مشکل مواجه بودند: اختلاف با افراد سینهالی در زبان و با تاملیل های شمالی در عقاید دینی معیذا اوضاع مسلمین در حال رشد و توسعه بود که پرتقالی ها در سال ۱۵۰۲م وارد سیلان شده و ضربات سختی به مسلمانان وارد نمودند و در سال ۱۵۲۶م رسماً نسبت به اخراج آنان اقدام نمودند و افراد کمی که باقی ماندند به نقاط درو افتاده، پناه بردند.

هلندیها در سال ۱۶۵۸م عمل پرتغالی ها را تکرار نمودند.
تاریخ حرکت‌های مسلمین در سریلانکا سه دروه دارد:

دوره اول از سال ۱۹۴۷م تا ۱۹۶۰م که چون در اقلیت به سر می بردند با سینه‌های ها، مشی همکاری را پیش گرفتند. دروه دوم از سال ۱۹۶۰م تا ۱۹۷۷م که در امور سیاسی نقش فعالتری را پیش گرفتند و نفوذ سیاسی را بجائی رسانیدند که دکتر «دیورین محمود» به عنوان وزیر آموزش پرورش سری لانکا در نظام آموزشی این کشور تحولاتی به نفع مدارس اسلامی پدید آورد.

در دوره سوم که از سال ۱۹۷۷م آغاز می شود. بین سینه‌های اکثریت و تامیل ها اقلیت نزاعهایی در گرفت که در این درگیریها گرچه مسلمانان اعلام بیطرفی نمودند ولی ضربات سختی را تحمل نمودند و تعداد زیادی از آنان کشته و مجروح شدند که چنین برنامه فجیعی می تواند چندین دلیل داشته باشد:

۱- حمایت دولت از سینه‌هایها و اینکه افراد مسلح تامیل از سوی قوای نظامی مورد حمایت قرار می گیرند ولی مسلمانان هیچ گونه حامی ندارند.

۲- ترحیكات اسرائیل غاصب و حمایت از طایفه ای علیه طایفه دیگر، اثرات سوء بر روابط سری لانکا با کشورهای اسلامی گذاشته است.

۳- کمکهای مالی و غیر مالی کشورهای مسلمان و عرب به مسلمین این سرزمین حساسیتهایی را در گروههای دیگر ایجاد می نماید.

ترجمه
Translation Movement

اگر زبان سینه‌های رسمی شود، مسلمانان با محیط تامیلی مسلمان خود در هندوستان بیگانه می شوند و اگر چریکهای تامیل پیروز شوند مسلمانان را به گروههای سینه‌های و تامیلی تقسیم می کنند.

مسلمانان در نقاط مختلف پراکنده اند اما توزیع آنها یکسان نمی باشد. در شهر منار در شمال جزیره ۲۸٪ و در کلمبو (۲۱) (مرکز حکومت) ۱۰٪، در جنوب ۳٪ و در شرق بویژه در ناحیه امباری ۴۲٪ مسلمان سکونت دارند. از حدود ۲۰۰ مسجدی که در سریلانکا وجود دارد ۲۵٪ آن در کلمبو می باشد. تعداد مسلمین در حال حاضر ۱۲۷۵۰۰۰ نفر می باشد. غیر از اقلیت های مسلمان آسیای جنوبی در ۳ واحد سیاسی پاکستان، بنگلادش و مالدیو اکثریت با مسلمانان است که به معرفی هر کدام از این نواحی می پردازیم:

1-Cherapunji-

۲- خدمات متقابل اسلام و ایران ص ۳۸۸.

۳- ماخذ قبل ص ۳۹۱.

۴- مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان ترجمه آیت الله سید علی خامنه ای.

۵- تاریخ شیعه - علامه محمد حسین مظفر، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی از ص ۳۱۵ تا ۳۴۲.

6-rasatish Grover-

۷- مسلمانان هند به زبان انگلیس مقاله معماری اسلامی در هند به نقل از مجله سروش ش ۶۰۷ تیرماه ۱۳۷۱.

۸- مسلمانان هند - به زبان انگلیسی نوشته چند از دانشمندان مسلمان به نقل از سروش . ش ۶۰۷.

۹- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۳۳۳ - اول خرداد ۱۳۷۰.

10-pertolemy-

۱۱- کشمیر، بهشت زخم خورده - نویسنده الطاف حسین ترجمه فریدون دولتشاهی بخش اول پیشگفتار.

۱۲- سابقه تاریخی بحران کشمیر - حمید توکلی کرمانی کیهان ش ۱۴۲۲۴ تا ۱۴۲۲۷.

۱۳- سرزمین و مردم هند - مانورا ماموداک، ترجمه فریدون گرکانی تهران ۱۳۴۵.

۱۴- پاکستان س دکتر عبدالعظیم ولیان - تهران - زوار - ۱۳۵۰.

15-Lor Doment Batten-

16-Mack Matten-

۱۷- پاکستان حقایق اساسی - سفارت پاکستان در ایران، بی تاریخ و بدون نام نویسنده.

۱۸- سرزمین و مردم هند - مانورا ماموداک.

۱۹- خدمات متقابل اسلام و ایران ص ۳۹۳.

20-tarai-

21-Colombo-

جمهوری اسلامی فدرال پاکستان

کشور پاکستان با بیش از ۸۰۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در جنوب شرقی ایران قرار دارد. پاکستان بین ۲۴ درجه و ۳۰ درجه عرض شمالی و ۶۲ درجه و ۷۵ درجه طول شرقی قرار دارد. نواحی شمال و شمال غرب و نیز بلوچستان پاکستان، حالت کوهستانی دارد. غیر از این دو ناحیه کوهستانی، بقیه خاک پاکستان جلگه ای است که از آب‌رفت‌های رودخانه سند و شعبات آن بوجود آمده است. آب و هوای شمال پاکستان معتدل، جنوب آن گرم و مرطوب و پرباران بوده و بلوچستان آن آب و هوای گرم و خشک دارد. غیر از چهار استان: پنجاب، سند، مرز شمال غربی و بلوچستان سایر نواحی به صورت فدرال توسط قبایل پاکستان اداره می‌شود. مرکز حکومت آن اسلام آباد و از شهرهای مهم آن بندر کراچی، لاهور، پشاور، کوئته، و راولپندی را می‌توان برشمرد. پاکستان از مراکز بزرگ ۶ تمدن باستانی است. و تمدن دره ایندوس (سند) در ۴۵۰۰ سال قبل به نقطه اوج خود رسیده بود.

غالب سکنه ۱۰۲ میلیونی پاکستان در کنار رود سند و دره های کوهستانی پنجاب سکونت دارند. استان پنجاب به تنهایی ۵۶٪ سکنه را در داخل خود جای داده است. در حالی که بلوچستان با ۴۴٪ مساحت کشور تنها ۵٪ سکنه دارد. ۹۷/۲٪ مردم این سرزمین مسلمانند. اسلام در سال ۹۴ هجری مطابق با ۷۱۲ میلادی وارد پاکستان شد.

۲۵٪ مسلمین پاکستان شیعه هستند و شهر کوئته مرکز ایالت بلوچستان از مراکز مهم شیعیان است. در ناحیه بلتستان و گلگیت در مرز چین و پاکستان و نیز در پنجاب، شیعیان سکونت دارند. شیعیان بزرگترین اقلیت این کشورند که در استقلال و ثبات سیاسی پاکستان نقش حساسی به عهده داشته‌اند. محمد علی جناح (عائد اعظم) بنیان گذار پاکستان، نیز شیعه بود.

Translation Movement

قدیمی ترین سازمان شیعی «آل آینه» یا شیعه کنفرانس نام دارد که مرکزش در شهر لکنه هند بوده و هدف عمده آن متحد ساختن شیعیان در سراسر هند قدیم بود که بعدها اعضای آن در استقلال پاکستان کوشیدند. سازمان پاسداری از حقوق شیعیان، دومین تشکیلات قدیم شیعیان است. گروه‌های شیعی پاکستان در راستای تحقق مسائل زیر به تشکیل خود می‌پردازند:

الف - صدور مجوز تدریس کتب دینی خاص شیعه در سطوح ابتدائی و متوسطه برای دانش آموزان.
ب - تفکیک موقوفات شیعه از اهل سنت.

ج - آزادی شیعیان در برپائی مراسم عزاداری ماه محرم و عاشورای حسینی مهمترین گروه‌ها شیعه که اداره حوزه های دینی و نیز حرکت‌های سیاسی - مذهبی شیعیان را هدایت نمایند عبارتند از نهضت اجرای فقه جعفری شامل گروه علامه ساجد نقوی و گروه حامد علیشاه موسوی؛ این نهضت بدین صورت پدید آمد که

بزرگان شیعه پاکستان در نشست‌ای که در ۲۴ فروردین ۱۳۵۸ ش مصادف با ۱۲ آوریل ۱۹۷۹ در شهر بهکر (در استان پنجاب) تشکیل دادند و دو روز به طول انجامید مسئله حزب و رهبر را در اجتماعی بزرگ از شیعیان مطرح نمودند. شور و هیجان حاکم بر این جمعیت دوران انقلاب اسلامی ایران را تداعی می‌کرد و پس از بحث و گفتگو سازمانی بنام «نهضت اجرای فقه جعفری» بنیان نهاده شد که علامه مفتی جعفر حسین به عنوان نخستین رهبران برگزیده شد. متعاقب آن شیعیان به رهبری این نهضت در سال ۱۹۸۰ م با محاصره ساختمان نخست وزیری در اسلام آباد خواسته‌های برحق خود را عنوان نمودند. در شهریور ۱۳۶۲ شمسی مفتی جعفر حسین فوت نمود و در این فاصله حامد علیشاه موسوی که مورد حمایت دولت بود، کاندید شد. اما شورای عالی نهضت به اتفاق آراء علاء سید عارف حسین حسینی را به رهبری شیعیان و ریاست نهضت برگزید و از این پس در نهضت مذکور انشقاق پدید آمد. علامه عارف حسینی در نجف اشرف با امام خمینی (قدس سره) آشنا گردید و از محضر ایشان بهره‌های اخلاقی و سیاسی برد و با تأثیر پذیری از اندیشه‌های امام، موضع‌گیری پرتحرکی را از خود بروز داد و سرانجام در ۶۷/۵/۱۴ شمسی بدست یکی از مزدوران ضیاء الحق به شهادت رسید. ضیاء الحق با شیعیان مخالف بود و با وقوع انقلاب اسلامی ایران اعلام داشت: «برنامه ما حاکمیت بخشیدن به فقه حنفی است.»

بین ایران و پاکستان مشترکات دیرینه‌ای وجود دارد زیرا از آغاز قرن پنجم تا قرن سیزدهم در شبه قاره هند که این سرزمین تا سال ۱۹۴۷ م جزو آن بود، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی قلمداد می‌گردید و در این مدت کتب زیادی به زبان فارسی نوشته شد. دپارتمان زبان فارسی دانشگاه پنجاب که در سال ۱۸۷۰ میلادی تاسیس شده به تدریس زبان فارسی تا سطح کارشناسی ارشد مشغول است. تعدادی از نسخ خطی ارزشمندی که توسط دانشوران ایرانی تالیف شده اکنون در کتابخانه‌های هند و پاکستان نگهداری می‌شود. برخی فرهنگ‌ها و دستور زبانها همچون فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع و فرهنگ رشیدی در این شبه قاره تدوین یافته است. جلوه فرهنگی و معنوی اسلام را ایرانیان به مردمان هندی نشان دارند و اغلب مروجین و مبالغان اسلامی، ایرانی تبار یا دست پرورده ایرانیان هستند. (۱)

کشور پاکستان و هندوستان تا سال ۱۲۳۶ ش (۱۹۴۷ م) که سال تاسیس این دو واحد سیاسی است. سرنوشت تاریخی مشترکی دارند و در این سال بود که به رهبری محمد علی جناح پاکستان در صحنه سیاسی جهان ظاهر گردید. پاکستان از آغاز شامل دو بخش شرقی و غربی بود که این دو بخش صدها کیلومتر با هم فاصله داشتند ولی چون مردم قسمت شرقی احساس نمودند که حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان توسط قسمت غربی رعایت نمی‌شود، به قیام و شورش برخاسته که در این جریان، هند از بنگالیها حمایت نمی‌شود، به قیام و شورش برخاسته که در این جریان، هند از بنگالیها حمایت نمود و در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) جنگی بین هند و پاکستان آغاز شد که به شکست پاکستان و استقلال بخش شرقی با عنوان بنگلادش منجر گردید.

پاکستان با کشورهای غربی رابطه ای خوب دارد ولی روابطش با چین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در سال ۱۹۸۱م پس از سالها سردی روابط، پاکستان و آمریکا روابط خود را تجدید نموده و گسترش دادند.

۳۰٪ مردم پاکستان با سوادند ۸۰٪ مردم در روستاها و بقیه در کانونهای شهری سکونت دارند. ۳۳٪ تولید ناخالص آن محصولات کشاورزی تشکیل می دهد اما بدلیل خشکی هوا و کمی وسعت مراتع دامپروری در آن توسعه آنچنانی ندارد. ۱۸٪ تولید ناخالص آن از بخش صنعت بدست می آید. (۲) طول راههای شوسه پاکستان به ۱۰۸۵۳۰ کیلومتر و طول راه آهن آن به ۸۷۷۵ کیلومتر بالغ می گردد. (۳)

جمهوری بنگلادش

بنگلادش یکی از فقیرترین کشورهای جهان است که با ۱۴۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۰۲ میلیون نفر سکنه به صورت جلگه مسطحی در شرق شبه قاره هند واقع است. از جنوب شرقی به کشور میانمار و از جنوب به خلیج بنگال محدود می باشد. نزدیکی به خط استوا و وجود بارانهای موسمی بنگلادش را به صورت منطقه ای گرم و مرطوب درآورده است. رودخانه های این کشور که از ذوب برفهای هیمالیای شرقی بوجود می آیند درمسیر جنوب به خلیج بنگال می ریزند و گنگ و براهماپوترا مهمترین آنان هستند و جلگه ای که کشور بنگلادش را تشکیل می دهد از دلتای این رودها بوجود می آید. بخش بزرگی از بنگلادش پوشیده از جنگل است و مهمترین منطقه جنگلی آن «سندربن» است که در جنوب غربی و مرکز بنگلادش و چیتاگونگ قرار دارد.

از ۱۰۲ میلیون سکنه این کشور ۹۰٪ در روستاها و ۱۰٪ در شهرها سکونت دارند، بنگلادش پس از اندونزی دومین کشور جهان اسلام از نقطه نظر جمعیت است. مردم آن از نژاد زرد و سفیدند و بیش از ۸۵٪ آنان را مسلمانان تشکیل می دهند. زبان اصلی مردم بنگالی است که ریشه سانسکریت دارد و در دوره حکومت مسلمانان، بر شبه قاره هند تعدادی واژه های فارسی و عربی وارد این زبان شده است. زبان انگلیسی را نیز دانشگاهیان و عده ای از بازرگانان مورد استفاده قرار می دهند و برخی مکاتبات اداری به این زبان صورت می گیرد.

بنگلادش تا سال ۱۹۷۱م به عنوان بخش شرقی پاکستان تحت قلمرو این کشور بود تا اینکه در این سال به رهبری شیخ مجیب الرحمن و پس از مبارزات گسترده ای، بنگلادش در صحنه سیاسی پدیدار شد. سبب نارضایتی مردم از حکومت پاکستان که در بخش غربی مستقر بود موارد متعددی است که به پاره ای از آنها اشاره می گردد:

۱- بنگالی ها ۵۶٪ کل پاکستان را تشکیل می دادند و خواهان آن بودند تا زبان بنگالی زبان رسمی باشد، حال آنکه زبان اردو به عنوان زبان رسمی انتخاب شده بود.

۲- مرکز نظامی، اداری، سیاسی و اقتصادی اکثراً در دست افراد پاکستان غربی بود. به عنوان مثال ۸۵٪ مقام های کشوری به اهالی پاکستان غربی اختصاص داشت.

۳- بیشتر درآمدهای مردم بنگلادش (ناحیه شرقی پاکستان) جهت رفاه پاکستان غربی صرف می شد و اصولاً بنگال شرقی بصورت تولید کننده مواد خام باقی ماند و از برنامه های صنعتی و توسعه اقتصادی بازمانده بود. (۴) بنگلادش پس از آزادی با دشواریهای زیاد روبرو شد. اوضاع اقتصادی نابسامان و اسکان ده میلیون پناهنده که قبل از استقلال به هند رفته بودند و نیز تشنگی در ارتباطات، این کشور نوبنیاد را در معرض خطر قرار داده بود، جنگهای خونین، آوارگی و مهاجرتها موجب آن شده بود که زمینها کشت نشوند. شش میلیون خانه ویران شده، راه آهن مختل شده، پل ها منهدم شده مزارع خالی از محصولات کشاورزی، کمبود مواد غذایی را سبب گردید و این معضل به مردم فشار زیادی وارد نمود. در ماههای آخر ۱۹۷۴م حدود ۲۸۰۰۰ نفر از گرسنگی تلف شدند. حوادث طبیعی چون طوفانهای مهیب، سیلابهای بنیان کن، فشار اقتصادی را بر مردم بیشتر کرد. این عوامل سبب شد که بنگلادش با ذخائر غنی و زمین های حاصلخیز جزو کشورهای تهیدست جهان قرار بگیرد و از راه وامها و کمکهای خارجی به زندگی ادامه دهد که این کمکها خود وابستگیهای سیاسی - فرهنگی به دنبال دارد. اکنون نیز این کشور از حالت بی ثباتی سیاسی رنج می برد، رژیم ژنرال ارشاد مدتها با جناحهای مخالفی درگیر بود که رهبری آنها را دو زن به عهده داشتند، دو حزب اصلی که جناح مخالف را رهبری می کردند برای مدتی حکومت را در دست داشتند و مردم بنگلادش در این دوران انواع تلخیها و رنجها را دیدند و دو زنی که احزاب مخالف غیر مذهبی را رهبری می کردند در صدد تقلید از اسلاف خونریز خود برآمدند اما مشی احزاب مسلمان با آنها کاملاً متفاوت بود. زیرا اینها در صدد تصاحب قدرتند اما مسلمانان به اجرای سنت الهیو عمل نمودن به احکام اسلامی تاکید می ورزیدند. رژیم ارشاد که چنین هدفی را از سوی مسلمانان دریافت، به سرکوب وحشیانه و خونین تظاهرات آنان همت گماشت. پس از ژنرال ارشاد، خانم خالده ضیاء بیوه ضیاء الرحمن که مدتی حزب غیر مذهبی ملی بنگلادش را به عهده داشت روی کار آمد و لذا هنوز مسلمین به هدف خود نرسیده اند. (۵)

از دشواریهای دیگر بنگلادش سیل مهاجران منطقه آراکان میانمار است که به سوی این کشور سرازیر می شوند بیماریهای مسلمانان در بنگلادش نیز وضع ناگواری دارد اینان جماعتی از مسلمانان هستند که از هند به سوی شرق پاکستان مهاجرت کرده اند با تشکیل کشور بنگلادش این گروه ۳۰۰۰۰۰ نفری تقاضای مهاجرت به پاکستان را نمودند ولی پاکستان اقدامی برای پذیرش آنان به عمل نیاورد از این رو بیماریها به صورت جماعتی از این جا رانده و از آنجا مانده در آمدند آنها اکنون در ۶۶ اردوگاه سکونت دارند و از کمکهای ناچیز

سازمان ملل استفاده می نمایند ناامیدی این گروه در حدی بود که در سوم مارس ۱۹۸۱م مصادف با سالگرد استقلال پاکستان تصمیم گرفتند خود سوزی کنند و ۵۰۰۰ نفر داوطلب عمل خود سوزی شدند (۶) اما رهبران آنان اجازه ندادند این حرکت عملی شود.

بنگلادش کشوری است روستایی زیرا حدود ۶۸۰۰۰ روستا دارد و کشاورزی مهمترین رکن آن است این کشور بزرگترین تولید کننده و صادر کننده کف در جهان است و ۳۶٪ سکنه آن در کشت و تولید آن مشغول بکارند. چای، توتون و برنج از مهمترین محصولات کشاورزی این کشور است. حدود ۶ میلیون نفر از مردم این کشور در ارتباط با صید ماهی هستند و ۲۵۰ نوع ماهی از آبهای شور و شیرین آن بدست می آید. گاز طبیعی تنها منبع با ارزش بنگلادش است که در سال ۱۹۵۵م در هاریپور در شرق سیلپت کشف شد. در سیلپت و کومیلا منابع ذغال سنگ وجود دارد. ذخائر مس و سنگ آهنک در چیتاگونگ و دیگر نواحی بهره برداری می شود. صنایع مربوط به کف، نساجی، غذایی، چوب و کاغذسازی نیز در این کشور بوجود آمده اند. (۷) واحد پول آن تاکا (۸) می باشد.

جمهوری مالدیو

جمهوری مالدیو با ۲۹۸ کیلومتر مربع وسعت به عنوان کوچکترین کشور مسلمان جهان به صورت مجمع الجزایر خوشه ای در آبهای اقیانوس هند و جنوب غربی شبه قاره هند و غرب سریلانکا قرار گرفته است. مالدیو مرکب از ۲۰۰۰ جزیره مرجانی است که بر روی رشته کوهی دریائی که منشا آتشفشانی دارد در جهت شمالی - جنوبی قرار گرفته اند. ۲۲۰۰ جزیره آن مسکونی است. تمامی سطح جزایر از درخت نارگیل پوشیده اند. معروفترین این جزایر، جزایر مال نام دارد که کمی جنوبی تر از کانال «کاردیوا» (۹) واقع است.

چون این جزایر به خط استوا نزدیکند و در آبهای اقیانوسهند محصورند، آب و هوای گرم و مرطوب دارند.

در قرون اولیه هجری، آئین اسلام توسط بازرگانان عرب باین سرزمین راه یافت. در قرن چهارم هجری ابن بطوسه سیاح مسلمان به مالدیو آمد و گزارشی از این ناحیه ارائه داد. در اوایل قرن شانزدهم با گسترش نفوذ پرتغالی ها در آسیا، مالدیو نیز جزء نواحی مورد تصرف آنان درآمد. در قرن هفدهم میلادی که هلندیها بر آن استیلا یافتند، مالدیو بخشی از سری لانکا بود. بعد مالدیو به تصرف انگلستان و فرانسه درآمد و در قرن نوزدهم با وجود سلطه انگلستان بر آن، حکومت نیمه مستقل سلطنتی بر آن حاکم بود. انگلستان در سال ۱۹۴۸م به مالدیو خود مختاری داد و در سال ۱۹۵۳م نظام سلطنتی آن ملغی و نظام جمهوری جایگزین آن گردید. مالدیو در سال ۱۹۶۵م مستقل شد. این کشور به لحاظ درآمد سرانه یکی از عقب افتاده ترین واحدهای سیاسی جهان است.

آخرین تقسیمات کشوری آن شامل ۱۹ بخش است که زیر نظر یک کمیته منتخب مردم به ریاست مامور دولت مرکزی اداره می شود. ۲۱۲۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۳۰٪ آن زندگی شهری دارند. رشد سالانه جمعیت ۳/۴٪ و تراکم نسبی آن ۷۱۱/۴ در کیلومتر مربع است. مردم آن از نژاد دراویدی، سینهالی و عرب هستند. زبان رسمی آن دیوهی است و اکثراً مسلمان و سنی مذهبند. اقتصاد آن بر ماهیگیری، کشاورزی و پذیرایی از کشتی های کشورهای جهان استوار است. واحد پول آن روپیه مالدیو می باشد که برابر با ۱۰۰ دلار است.

ج - آسیای جنوب شرقی منطقه ای است سرسبز و آباد با منابع غنی زیرزمینی، محصولات جنگلی فراوان و تولیدات کشاورزی - که جنبه حیاتی دارند. تنگه ها، آبراهه ها و دسترسی به منابع آبهای آزاد، به این منطقه زرخیز موقع بسیار مناسبی داده و اهمیت سوق الجیشی و استراتژیکی آن را افزون نموده است.

این خصوصیات ویژه طبیعی و اقتصادی و نقش سیاسی این منطقه موجب آن شده که استعمارگران غربی، متجاوزان چینی و امپریالیسم تازه به دوران رسیده ژاپن کوشیده اند به نحوی این سرزمین را تحت سلطه خود درآورند تا بتوانند با غارت منابع آن سفره چربی برای خود تدارک ببینند. هنگام ترک مناطق مذکور نیز با تعیین مرزهای اجباری و غیر واقعی و همچنین تحریکات سیاسی، کشورهای آسیای جنوب شرقی را به جان هم انداخته تا از طریق استعمار جدید (نئوکلونیالیسم) بتوانند منافع خود را حفظ کنند. به عنوان مثال شبه جزیره هندوچین که ۱/۵ برابر ایران وسعت دارد، هفت واحد سیاسی را در بر می گیرد که هر کدام با واحدهای سیاسی همجوار خود درگیریهایی خونین و نبردهای سنگینی داشته اند که توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان را به تعویق انداخته است. این منازعات چیزی جز میراث شوم استعمار نبوده و هنگامی که به تاریخ نفوذ استعماری در کشورهای این منطقه دقیق شویم سرنخهایی از مایه استعماری به چشم می خورد.

استکبار جهانی در سیاست کلی تقویت حضور همه جانبه در نقاط استراتژیک و جهت استقرار پایگاههای سیاسی نظامی پس از این که خود در نواحی استراتژیکی چون آسیای جنوب شرقی پدید آورد و هر کدام از کشورها را بر علیه دیگری تحریک نمود، برای تقویت بنیه سیاسی، اقتصادی خود، آنان را وادار نمود که برای وحدت خود (در ظاهر) و در باطن برای حفظ منافع استکبار، پیمانهای نظامی سیاسی و اقتصادی بوجود آورند. در این راستا آمریکا در سال ۱۹۶۷م پیمان به اصطلاح اقتصادی آ. سه. آن (۱۰) یا انجمن ملل جنوب شرقی آسیا را بدون حضور مستقیم خود پدید آورد تا از حساسیت چین بدان بکاهد. این اتحادیه با حضور ۵ کشور: مالزی، سنگاپور، فیلیپین، تایلند و اندونزی در بانکوک (در سال ۱۹۶۷م) موجودیت خود را اعلام نمود. در اولین اعلامیه این اتحادیه به موارد زیر تاکید شده بود: شتاب در رشد اقتصادی کشورهای عضو، پیشرفت اجتماعی و توسعه فرهنگی از طریق احترام به روح برابری و مشارکت در همکاری به منظور ایجاد جامعه ای صلح طلب از ملتهای آسیای جنوب شرقی، استقرار صلح و ثبات در منطقه از طریق احترام به عدالت و نظامات قانونی، اما در عمل جز تامین منافع استکبار جهانی و در راس آن آمریکا، فعالیت عمده دیگری نداشته است.

پیمان دفاعی جمعی آسیای جنوب شرقی (سیتو) (۱۱) در سال ۱۹۵۴م توسط استرالیا، امریکا، فرانسه، انگلستان، زلاندنو، پاکستان، فیلیپین و تایلند به امضاء رسید که مقر آن بانکوک بود و در سال ۱۹۶۵م پاکستان از آن خارج شد و با سرنگونی رژیم ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۵م این سازمان در عمل کارایی خود را از دست داد و منحل شد. در وضع فعلی دول غربی از منابع اقتصادی و آبراههای استراتژیک این منطقه که دو اقیانوس هند و آرام را بهم متصل می کند نیز بهره برداری می نمایند و پایگاه های نظامی امریکا در اغلب جزایر این منطقه اسقرار دارد.

تا زمانی که پای استعمار به کشورهای این منطقه گشوده نشده بود، ساکنین آن به زبان مشترک اسلامی مالی که با خط عربی نوشته می شد، سخن می گفتند و قدرت مسلمین در آسیای جنوب شرقی در ناحیه ای به طول ۷۰۰ کیلومتر از ناحیه آراکان (در غرب میانمار فعلی) در غرب تا ناحیه پاپوا در شرق و در امتداد خط استوا، ادامه داشت. کشورهای آچه (۱۲) (سوماترای فعلی) مالایا، پاتانی، بورنئو، جاوه، سلبس، مولوکاس، میندانائو، لوزن و جزایر متعدد دیگر به صورت مستقل و تحت قوانیت اسلامی اداره می شدند. در ۲۶ مارس ۱۸۷۳م ارتش هلند به سرزمین اسلامی آچه (سوماترا) حمله بود ولی در آوریل همان سال کست سختی را متوجه خود نمود ولی بعد از مدتی با غلبه بر جاوه به استعمار سرزمین اندونزی پرداخت. (۱۳)

گرایش مردم آسیای جنوب شرقی به اسلام تحت اجبار و حتی فتوحات نظامی نبوده و بلکه غالبا از قدرت جاذبه ای نشات گرفته است که مسلمانان در برخورد با مردم این سرزمین از خود بروز می داده اند «روژه دو پاسکیه» می نویسد:

«در کشوری چون اندونزی که در حال حاضر از لحاظ تعداد مسلمانان نخستین ملت مسلمان عالم است، حضور اسلام هرگز جنبه نظامی نداشته است بلکه بازرگانان مسالمت جوی عرب بوده اند که بدانجا رفته و اسلام را عرضه داشته اند. اسلام در میان اقوام بالی نیز گسترش یافت و در پایان قرن چهاردهم میلادی تا فیلیپین دامن کشیده و خصوصا در جزایر جنوبی آن پیشروی کرده است هنگامی که اسپانیائی ها به این مجمع الجزایر رسیدند، کوشیدند تا همانطور که در اسپانیا و مغرب با اسلام مبارزه کرده بودند در اینجا هم نبرد کنند.» (۱۴)

اسلام در جنوب شرقی آسیا توسط مسلمانان عرب، ایرانی و هندی گسترش یافت. بازرگانی که بین خاور دور و خاور میانه به نقل و انتقال اجناس می پرداختند، در جزایر جنوب شرقی آسیا توقیفی نموده و رفته رفته در آن ساکن شده و با زنان بومی ازدواج نموده اند که این برنامه در اسلام آوردن مردم آن نواحی تاثیر داشته است. اهل تصوف و عرفان نیز از مبلغان دیگر در این نواحی بوده اند. با سقوط بغداد به دست مغولان عده ای از فقها به جزایر آسیای جنوب شرقی آمده و به نشر و تبلیغ اسلام پرداختند.

کشورهای آسیای جنوب شرقی با ۴/۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در حدود ۴۱۰ میلیون سکنه دارند. پروسعتترین و پرجمعیت ترین آنها اندونزی و کم وسعتترین آن سنگاپور است اما کم جمعیت ترین آن برونئی می باشد. بالاترین تراکم سکنه را سنگاپور بخود اختصاص داده که در هر کیلومتر مربع آن متجاوز از ۴۶۰۰ نفر زندگی می کنند. بیش از نیمی از سکنه آسیای جنوب شرقی مسلمان هستند که حدود ۲۰۰ میلیون نفر آن در سه کشور اسلامی اندونزی، مالزی و برونئی می باشند و بقیه بصورت اقلیت های مسلمان در ۷ کشور دیگر این ناحیه سکونت دارند.

اسلام در فیلیپین و مسلمانان مورو

کشور فیلیپین با ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت به صورت جزایری در جنوب شرقی آسیا و در آبهای اقیانوس آرام واقع است، از ۷۱۰۷ جزیره آن تنها ۱۱ جزیره ۹۵٪ وسعت آنرا در بر می گیرد غالب جزایر آن که به صورت کوهستانی یا نیمه کوهستانی هستند منشا آتشفشانی دارند.

۵۸ میلیون نفر سکنه دارد که حدود ۴۰٪ آن در کانونهای شهری سکونت دارند. اکثریت نژادی آن را گروه ماله ای تشکیل می دهند. دین اکثریت مسیحی و غالبا کاتولیک مذهبند.

کشور فیلیپین به مناسبت رسوخ استعمار اسپانیا در قرن شانزدهم میلادی بنام «فیلیپ دوم» به این عنوان معروف گشت و بعدها به خاطر زیبایی خاص، آنرا «مروارید اقیانوسها» گفته اند.

اسلام در سال ۷۸۲ هجری مطابق با ۱۳۸۰ میلادی به این کشور راه یافت. جهانگردان و بازرگانان مسلمان اعم از عرب، هندی و ایرانی با خوش سلوکی و رفتار شایسته و موعظه حسنه با مردم، افراد این دیار را به پذیرش اسلام متقاعد نمودند.



اسپانیائی ها که در سال ۱۴۹۲م حکومت ۷۸۱ ساله مسلمین را در اندلس سرکوب نمودهبودند و از آن تاریخ نسبت به مسلمین کینه ای شدید در دل داشتند که در جنگ های صلیبی تشدید شده بود، با ورود به فیلیپین با مسلمانان روبرو شدند، که به آزار شدید آنان پرداختند. البته قبل از آنها در سال ۱۵۲۱م فردیناند ماژلان (۱۵) به فیلیپین رسید اما توسط بومیان مسلمان کشته شد. ۴۴ سال بعد نیروهای اسپانیائی ها به رهبری دولگاسپی با تعدادی سرباز و کشیش به سوی این سرزمین روانه شدند در هنگام ورود این مهاجمین، مسلمانان دارای تشکیلات و سازمان پیشرفته اجتماعی و اقتصادی بودند. (۱۶) «راجا سلیمان» رهبر آنها، مردی شجاع بود و از تهدیدهای قوای غربی ترسی بدل راه نداد. اما قوای اسپانیائی با استفاده از رودخانه «پاسای» به مرکز قبیله راه یافتند (۱۷) و مسلمانان را مورد آزار و شکنجه های شدید قرار دادند، ولی مسلمانان تا آخرین قطره خون جنگیدند و زنان و کودکان آنان به اسارت متجاوزین درآمدند. راجا سلیمان پس از مبارزات طولانی در این

حمله به قتل رسید و مقر حکومتش سقوط نمود. لگاسپی ها بعدها بخاطر این پیروزی در سال ۱۵۷۱م مرکز حکومت استعماری اسپانیا را بر مجمع الجزایر فیلیپین، شهر مانیل - محل حکومت مسلمانان - قرار دادند با این وصف اسپانیائی ها نتوانستند به جزایر میندانائو و سولو که مقر مسلمین بود نفوذ کنند. سقوط شهر مانیلا آغاز جنگ بزرگی بود که به مدت یک قرن از سال ۱۵۶۵ تا ۱۶۶۳م ادامه یافت (۱۸) پس از سال ۱۵۸۱م اسپانیائی ها کوشیدند تا سلطنت سولو و مانجونیادانا را نابود کنند اما با وجود محاصره شدید، این دو مرکز، استقلال خود را حفظ نمودند. در سال ۱۶۳۵م قوای اسپانیائی حملات خود را از سر گرفته و در زامبونگا قلعه ای را به صورت دیر درآوردند اما حکمرانان این دو ناحیه در سال ۱۶۶۳م با باز پس گرفتن قلعه مذکور انتقام سختی از اسپانیائی ها گرفته و آنان را از جنوب راندند.

در یکی از نامه هایی که یکی از مقامات رسمی اسپانیائی مستقر در مانیل خطاب به پادشاه اسپانیا فرستاده به عجز قوای خود در مقابل «موروها» اشاره نموده است. (۱۹) نیروهای اسپانیائی در سال ۱۷۱۸م حملات خود را آغاز کردند اما دخالت انگلیس در سال ۱۷۶۲م نوعی آرامش بوجود آورد و دولت های سولو و مانجونیادانا با وجود آنکه بسیاری از سرزمین های تحت قلمرو خود را از دست دادند از سال ۱۸۱۵ تا هنگام تهاجم امریکائی ها که در سال ۱۸۹۹م صورت گرفت استقلال خود را حفظ نمودند و شدت و اوج مبارزات از این سال تا ۱۹۱۳ میلادی ادامه داشت. امریکائی ها در آغاز از طریق مسالمت وارد شدند و با مدرسه سازی و تاسیس مراکز درمانی می خواستند توجه موروها را به خود جلب کنند ولی بعدها با خشونت و درگیری وارد شدند و به گفته «چارلز هاگدرون» در میندانائو به کشتار شدید انسانهای مسلمان و نابودسازی مزارع آنان پرداخته و رفته رفته با تعقیب سیاست وحدت فیلیپین، اداره امور را به مسیحیان واگذار نموده ولی خود در راس امور بودند. مسیحیان نیز از این تفویض قدرت سوء استفاده نموده و به غصب سرزمین موروها، حق کشتی، تبعیض و تنگناهایی پرداختند و با این وضع تنفر بین موروها و مسیحیان شدت گرفت. سرانجام در سال ۱۹۳۴م امریکا لایحه ای ارائه داد که به موجب آن فیلیپین استقلال یابد، اعتراض به این قانون از سوی موروها ثمری نداشت و در مارس ۱۹۳۷م قانون اساسی تدوین و دولت مشترک المنافع در نوامبر همین سال با رئیس جمهوری «مانوئل کی زون» بوجود آمد. با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱م نیروهای ژاپنی، ارتش امریکا را وادار به عقب نشینی نمودند. ولی در چهارم ژوئیه ۱۹۴۶م در روز ملی امریکا، نیروهای ژاپنی بیرون رانده شده و خود دوباره بر این سرزمین استیلا یافتند و صلاح را در آن دیدند که در سال ۱۹۴۷م استقلال فیلیپین را اعلام کنند. با اعلام استقلال، مسیحیان خود را میراث خوار استعمارگران دیدند و اختلاف بین آنها و موروها فزونی گرفت. در این سال اولین رئیس جمهور، قراردادی نظامی با امریکا بست که بر اساس آن برای مدت ۹۹ سال پایگاههای نظامی امریکا را در خاک فیلیپین حفظ کند و حتی به موجب یکی از مفاد این قرار داد قرار شد در عملیات نظامی امریکا، نیروهای فیلیپین شرکت فعال داشته باشند. این قرارداد بعدا زمینه ساز سازمان پیمان جنوب شرقی آسیا (سیتو) گردید.

پس از فشارها، قتل عامها و غصب املاک سرانجام به سال ۱۹۶۸م جنبش استقلال مسلمانان درمیدانائو بوجود آمد ولی جهت سرکوبی مسلمین عملیات تروریستی بر علیه آنان ترتیب داده شد. قتل عام های فجیع، محیط وحشت زای ناشی از کشتار زنان و کودکان، حمله به انبارها و کتابسوزی از جمله برنامه های ایزائی بود که بر علیه مسلمین صورت گرفت. سربازان دولتی نیز مدافع و حامی این گروههای تروریستی بودند فشارها آنقدر شدت یافته بود که اعتراض کشورهای لیبی و مالزی را بدنبال داشت که تحت تاثیر این اعتراضها، دولت بین قوای تروریستی صلحی را منعقد نمود اما عملاً تحقق نپذیرفت. در سال ۱۹۷۱م دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نگرانی خود را از وضع مسلمانان فیلیپین اعلام نمود و از مارکوس خواست تا اجازه دهد نمایندگان کشورهای اسلامی از سرزمین موروا دیدن کنند. بدنبال آن و در سال ۱۹۷۲م نمایندگان ۸ کشور مسلمان از سوی سازمان کنفرانس اسلامی عازم مناطق مسلمان نشین فیلیپین شدند اما متأسفانه برخلاف آن همه قتل عام ها و کشتارهای وحشیانه این گروه گزارش دادند که برای از بین بردن مسلمانان اقداماتی صورت نمی گیرد! جبهه آزادیبخش ملی مورو در سال ۱۹۷۴م بنیان نهاده شد تا مبارزین را برای حمله علیه قوای دولتی منسجم کند. (۲۰) از آن سوی مارکوس در مناطق مسلمان نشین برای جلوگیری از هرگونه تحرکی، حکومت نظامی اعلام کرده بود.

در زمان مارکوس، به خاک مسلمین تجاوز می گردید، خانه ها آتش زده می شد، با تبلیغات زیاد به تحقیر مسلمانان پرداخته و تقید به دین اسلام را نشانه عقب افتادگی تلقی می کردند، برای عمران و آبادانی نواحی تحت سکونت مسلمین اقدام جدی صورت نگرفت، آموزش و پرورش وضع اسف انگیز داشت و مطالب درسی یا با فرهنگ آنها مخالف، یا توأم با موضوعات اهانت آمیز بود به گونه ای که افراد باسواد به مسیحیت گرایش یافتند و مسلمان بودن با حقارت توأم گردید. از نظر ارتش فیلیپین، هر مسلمان یک چریک محسوب می گردید. تشکیلات اداری و قضایی بر سر امور مسلمین مانع تراشی می کرد. (۲۱) تحت عناوین مجتمع های صنعتی - کشاورزی منابع و ذخائر مسلمین توسط سرمایه داران غارت شده، در انجام خدمات قرار داشتند. در سال ۱۹۷۹م گروههای مسلحی بنام «لاگوس» ظاهر شدند که به کشتار زنان و مردان مسلمان می پرداختند که معلوم شد نیروهای پلیس، این گروههای مسیحی را اداره می کنند.

بر اثر بمباران و حملات ارتش فیلیپین تا کنون قریب به دو میلیون مسلمان آورده شده اند و حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر به مالزی پناهنده شده و در ایالت صباح این کشور اسکان یافته اند. ۵۰۰ مسجد و ۲۰۰۰۰۰ خانه سوخته و بیش از ۲۰۰ مدرسه دینی تخریب شده است.

پناهندگان فیلیپینی که در داخل این کشور هستند تحت فشارهای شدید اقتصادی می باشند و بدلیل مهاجرت اجباری به نقاط غیربومی و شهری با مشکلات عدیده ای از قبیل بیکاری و عدم مهارتهای لازم برای قبول فعالیتهای صنعتی روبرو هستند. در این مناطق پناهندگان، میهمان سایر مسلمین بوده و آنان ناچارند غذای خود را با آوارگان تقسیم کنند و از این بابت فشار سختی را تحمل می کنند. ۸۵٪ کودکان دچار سوء تغذیه اند و ۳۰٪ کودکان واجب التعلیم به مدرسه نمی روند. دشواری دیگر اینکه افراد مسیحی در غیاب مسلمانان آواره،

اراضی زراعی آنان را مصادری کرده و در آنها به کشاورزی مشغولند با این همه مسلمانان فیلیپین که سابقه قریب به ۴ قرن مبارزه را با استعمارگران اسپانیائی، متجاوزین امریکائی و ژاپنی دارند از استقامت در مقابل دولت حاکم بر این سرزمین مایوس نشده و در احقاق تضییع شده خود همچنان مقاوم و استوارند.

پی نوشتها

- ۱- بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان پاکستان - حمید توکلی کرمانی - کیهان.
- ۲- به نقل از اظهارات دکتر محمد بوزئیر، سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه اول ۷۱/۷/۱۴ ساعت ۸/۱۰ تا ۸/۴۰.
- ۳- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۴۲۱.
- 4) (S.M.Gill) - کشف بنگلادش نوشته گیل
- ۵- نگاهی به اوضاع مسلمانان بنگلادش اتیوپی و شوروی ترجمه حمید رضا شیخی - نشریه مشکوه ش ۲۱، زمستان ۶۷.
- ۶- اقلیت های مسلمان، ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۴۲ و ۲۴۳.
- The Diccovery of Bangladesh (London Melkshamcolin 7- venton 1972) p:143
- Taka 8
- kardiva 9
- Association of South east Asian Nation (ASEAN) 10
- South east Asia. trraty organization (SEATO) 11
- ۱۲- آنچه منطقه ای از کشور اندونزی است و مورخین از میراث های غنی و قدرتمند اسلام و سابقه تاریخی و حضور دیرباز این مکتب در آنچه خبر می دهند، اسلام وارد مالزی شد.
- ۱۳- مجله پیام انقلاب شماره های ۲۰۰ و ۲۰۱.
- ۱۴- اسلام و بحران عصر ما - روزه دوپاسکیه ترجمه و تحریر دکتر حسن حبیبی.
- ferdinand Magellan 15
- ۱۶- اقلیتهای مسلمان صفحات ۱۶۰ و ۱۶۱.
- ۱۷- اسلام در فیلیپین به قلم دکتر احمد آلتو.
- ۱۸- اقلیتهای مسلمان ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۴۵.
- ۱۹- مسلمانان مورو - محمد کاظم توکلی ص ۶۷.
- ۲۰- امریکا که این جنبش را بر سر راه خود دید در سال ۱۹۷۴م با بمب ناپالم به کشتار مسلمین پرداخت.
- ۲۱- مسلمانان فیلیپین - دکتر قیصر ادیب ترجمه سید ابراهیم سید علوی.

اندونزی، پرجمعیت ترین کشور اسلامی

کشور اندونزی (۱) از ۱۳۶۶۷ جزیره تشکیل شده که ۶۰۰۰ جزیره آن مسکونی است. این سرزمین وسعتی برابر ۱۹۰۴۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و آبهای پیرامون این جزیره به ۷۹۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع می رسد و مهمترین جزایر عبارتند از: جاوه، سوماترا، کالیمانتان یا برنتو، سولاویسی و ایریان. کالیمانتان بزرگترین جزیره اندونزی است و جاوه تنها ۶٪ کل اندونزی را دربر می گیرد. (۲) با این وجود متجاوز از ۶۰٪ سکنه ۱۷۰ میلیونی اندونزی در جزیره جاوه سکونت دارند و ۴۰٪ بقیه در ۹۴٪ مابقی وسعت این سرزمین اسکان یافته اند. در جزایر اندونزی یک سلسله کوههایی که منشا آتشفشانی دارند و جهت آنان شرقی - غربی است دیده می شود. جزیره جاوه به تنهایی بیش از ۱۰۰ قله آتشفشانی را در خود جای داده است.

اندونزی در بین کشورهای جهان، پس از چین، هند و آمریکا، چهارمین کشور به لحاظ سکنه است، اما در بین کشورهای اسلامی، پرجمعیت ترین کشور می باشد. اندونزی با خاک حاصلخیز، بارانها موسومی و رطوبت نسبی بین ۷۰ تا ۹۷٪، جنگل های انبوه و فشرده بخصوص جنگل نارگیل (۳) و شالیزارهای قابل توجه، سرزمین پربرکتی است ولی با وجود این ذخائر و منابع خوب و مزایای عالی، از جمله کشورهای مقروض جهان است و ۵۰ میلیارد دلار بدهی دارد. با تورم سختی نیز روبرو می باشد. اندونزی در سیاستهای آسیای جنوب شرقی تاثیر قابل ملاحظه ای دارد و ارتباطش با غرب در حال توسعه می باشد و همراه با سنگاپو، فیلیپین، تایلند و مالزی برای تامین منافع غرب اتحادیه «آ. س. آن» را تشکیل داد.

با وجود فرقه های و مقومیت های گوناگون و حدود ۵۸۰ لهجه و زبان که هر کدام به شاخه هایی تقسیم می شوند، مردم اندونیزی با یکدیگر اتحاد خوبی دارند. البته زبان رسمی آن «باهالسا اندونزیا» است که جزو ۱۶ زبان زنده دنیا می باشد. این زبان از ریشه زبان مالایا است.

Translation Movement

برخی می گویند اسلام از همان قرون اولیه توسط بازرگانان ایرانی و عرب به طریق مسالمت آمیزی وارد اندونزی شده، عده ای تاریخ نفوذ اسلام را در این سرزمین ۴۹۴هـ - ق مطابق با ۱۱۰۰ میلادی می دانند، سنگ قبری در جاوه بدست آمده که روی آن نوشته «فاطمه بنت میمون فوت ۱۰۸۲م.»

گروهی از مسلمانان، از اوایل قرن سیزدهم وارد شمالی ترین نقطه جزیره سوماترا یعنی پاسای و پرلاک شدند. مهاجرین هندی، مغولی و ایرانی با آنان بودند و در این زمان بود که طوایف اندونزی، گروه گروه به اسلام روی می آوردند. ایرانیان که شیعه مذهب بودند، موفق شدند تعداد زیادی از اهالی این سرزمین را به سوی مذهب تشیع دعوت کنند. «ابن بطوطه» سیاح مسلمان که به اندونیز مسافرت کرده، می گوید: «نایب رئیس ناوگان پاسائی یک ایرانی بنام بهروز است» مسافرت مسلمانان اندونزی به عربستان و تبلیغات وسیع مبلغین عربستانی و همچنین مسافرت مسلمین به مکه برای انجام اعمال حج، موجب آن شد تا از شیعیان کاسته شده

و اکثریت با سنیها شافعی باشد. شافعی ها و شیعیان با هم روابط خوبی دارند و امام شافعی به اهل بیت ارادت دارد و اشعاری در مدح اهل بیت سروده است.

در بسیاری از شهرهای اندونزی بخصوص شهرهای جزیره سوماترا، به مناسبت تاسوعا و عاشورا و به یاد سالار شهیدان تابوتی را با آداب خاصی حمل می کنند و دو نوع شیر برنج به رنگهای سفید و قرمز طبخ می کند، شیر برنج سفید بنام حضرت امام حسن مجتبی(ع) و شیر برنج قرمز بنام حضرت امام حسین(ع) تهیه می شود. پرچم اندونزی هم قرمز و سفید است و می توان گفت «بیرق شیعی» است. پاره ای از علویان حضرمی که در اندونزی می باشند با حوزه علمیه نجف ارتباط فرهنگی و تبلیغی دارند. این علویان در نشر و ترویج مذهب اهل بیت در اندونزی بسیار کوشا و مصرند و روزنامه ای تحت عنوان «حضر موت» منتشر می کنند. «علامه سید محمد عقیل» از مجاهدان و انشمنان شیعه اندونزی است. (۴)

«جاکارتا» مرکز حکومت اندونزی می باشد و این عنوان که به معنای شهر بزرگ است و معنی واقعی آن پیروزی باشکوه می باشد و به لحاظ تاریخی به زمانی باز می گردد که توسط سربازان مسلمان به فرماندهی شاهزاده فلاتحان به تصرف درآمد. اما درهنگام سلطه استعمار هلند بر اندونزی، جاکارتا به «باتاویا» تغییر نام یافت. در ۲۷ ژوئن ۱۵۲۷م شهر بندری «سوندا کلاپای» تسلیم قوای اسلام شده و سلطنت هندوئی ماجاپائیت در اندونزی منقرض شد. اما از سال ۱۶۰۲م هلندیها با تاسیس کمپانی هند شرقی هلند، غالب نقاط اندونزی را به زیر سلطه خود درآوردند و از سال ۱۷۹۹م راسا به استعمار مردم و غارت منابع و ذخائر این کشور زر خیز اسلامی پرداختند. اندونزی بصورت مزرعه بزرگ هلندیها درآمد و حتی تجارت خارجی داخلی جزایر این کشور قبضه گردید و نظامیان اعمال وحشیانه ای را مرتکب شدند که وجدان بشریت از ذکر آن شرمسار است. هلندیها برای نفوذ در اندونزی بدلیل عدم اعتماد به مردم بومی، چینی ها را به این کشور آورده و شریک جرم خود ساختند ولی مردم، مبارزات سرسختانه ای را شروع کرده و با دلس و شمشیر و نی های نوک تیز به هلندیها حمله می کردند. افرادی نیز رهبری مبارزات مردم را عهده دار بودند، شهزاده «دیونگورو» از سال ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۰م در جاوه قیام نمود و امام بنجل از ۱۸۷۳ تا ۱۹۰۳ مبارزات آزادی طلبانه ای را ترتیب داد. بازرگانان مسلمان با هم متحد شده و اتحادیه تجار مسلمان را تشکیل دادند که بعدا به اتحادیه اسلام تبدیل شد، انجمن محمدیه بعدها بوجود آمد. (۵)

در اواخر سال ۱۹۱۲م اولین حزب سیاسی اندونزی با هدف استقلال کامل سرزمین اندونزی بوجود آمد اما دولت هلند، افکار چپ را به داخل اتحادیه های اسلامی کشانده و رفته رفته اولین حزب کمونیست در این کشور اسلامی مثل قارچ سمی روئید. از سال ۱۹۲۰ میلادی دولت هلند سیاست سرکوب و خفقان و قتل و خونریزی شدید را پیش گرفت اما مردم در سال ۱۹۲۸م با شعار «یک کشور یک ملت یک زبان» متحد شده و زبان «باهاسا اندونزیا» را زبان رسمی اعلام کردند. دوران سلطه استعماری هلند بر اندونزی ۳۵۰ سال طول

کشید و بعد از آن در جنگ دوم جهانی ژاپنی ها اندونزی را به تصرف خود درآورده که این تجاوز ۳/۵ سال طول کشید و با شکست ژاپن در جنگ دوم، هلندی ها موفق شدند دوباره به اندونزی سلطه یابند. در این هنگام گروهی از مبارزین به رهبری دکتر «احمد سوکارنو» و دکتر «محمد هاتا» با قیام خود به شب شوم استعمار پایان داده و صبح اسقلال رانوید دادند و در هفتم اوت ۱۹۴۵م بعد از بیش از ۳/۵ قرن تجاوز استعمارگران، آزادی را در آغوش گرفتند. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۰م اندونزی به عنوان شصتمین کشور، عضو سازمان ملل متحد شد. در سال ۱۹۶۵م کودتای کمونیستی صورت گرفت که بیش از چند روز دوام نیافت البته ریشه آن بی تحرکی سیاسی سوکارنو بود که منجر به کشتار بسیاری از مردم گردید. سرلشکر سوهارتو (رئیس جمهور فعلی) حلقه این کودتا را شکست. وی که از سال ۱۹۴۶م رئیس جمهوری اندونزی شد. در دوره وی روابط اندونزی با کشورهای سوسیالیستی رو به سردی گرائید و ارتباط با غرب توسعه یافت.

«یکی از مسائل تاسف انگیز در این کشور مسلمان که ۹۵٪ سکنه ۱۷۰ میلیونی آن مسلمان هستند این است که در قانون اساسی، اسلام به عنوان دین رسمی ذکر نشده و این مسئله نفوذ قدرت افراد مسیحی را در حکومت مرکزی نشان می دهد.»

البته در پیش نویس قانون اساسی جمله: «مسلمانان از قوانین اسلامی تبعیت خواهند کرد» آمده بود که چهره اسلامی اندونزی را مشخص می کرد اما با مخالفت حدود ۳٪ مسیحی ساکن این کشور مواجه شد و بنابراین جمله مذکور حذف شد و سیاست پانجا سیلایی (۶) نتایج نامساعدی را برای مسلمین پدید آورد و مسیحیان را قدرتمند نمود. که با اعتراض شدید مسلمین محدودیت فعالیت سازمانهای اسلامی کاهش یافت و انجمن های اسلامی فعال شدند. (۷)

نهضت ترجمه

مشکل تاسف بار دیگر که در اندونزی وجود دارد این است که از طریق هیئت ها و سازمانهای به ظاهر بین المللی همچون سازمان بهداشت جهانی، سازمان خوار و بار کشاورزی، یونسکو و یونیسف در بین مردمان اندونزی تبلیغات مسیحی صورت می گیرد و با ظاهری انساندوستانه مفاهیم و الگوهای غربی به آنان القا می شود. مبلغین مسیحی از نقطه ضعف جامعه اسلامی اندونزی که ریشه اصلی آن فقر است بهره گرفته و در نقاط دور افتاده و محروم چون «ایریان جایا»، «سولاویسی» به فعالیت می پردازند و به علت دوری راه، انواع هواپیما و امکانات دیگر حمل و نقل و تعدادی کارشناس خبره در اختیار دارند؛ در امور آموزشی، سعی می کنند با کمک به مدارس و مراکز دانشگاهی توجه مردم را بخود جلب کنند و با دایر نمودن مدارس خصوصی برای کودکان مقدمات نفوذ دین مسیح را در نوباوگان فراهم می سازند. در نقاط دورافتاده که شبکه سراسری برق وجود ندارد دستگاههای مولد برق توزیع می کنند. در توسعه کشاورزی، اصلاح زمین و جاده سازی در مناطق روستایی شرکت می نمایند، به یتیم خانه ها و خانه های سالمندان کمک می کنند، دانشجویان اندونزیائی را برای ادامه تحصیل به خارج اعزام نموده و آنان را تحت تاثیر تبلیغات مسیحی قرار می دهند تا در هنگام روی

کار آمدن و بدست گرفتن فعالیت های کلیدی به دستگاه مسیحیت، توجه بیشتری کنند. سردمداران اندونزی هم، چون این تبلیغات بر ایشان فواید سیاسی و اقتصادی دربر دارد. در مقابل آن هیچ عکس العملی نشان نمی دهند. در واقع ملت مسلمان اندونزی اکنون با قوای صلیبی روبروست که سلاح آنان عوض شده و در چهارچوب کمکهای به ظاهر بشردوستانه نیش زهرآگین خود را بر جامعه مسلمان اندونزی وارد می کنند که ممکن است در آینده خطر بزرگی از این طریق متوجه مردم شود که دفع آن دشوار باشد.

اساس اقتصاد اندونزی بر کشاورزی و استخراج معادن استوار است و متجاوز از ۶۰٪ مردم در امور کشاورزی مشغول بکارند. برنج، قهوه، ادویه و چای در این سرزمین کشت می شود. بهره برداری از جنگل و صدور محصولات جنگلی نیز رقم مهمی از درآمد مردم را تشکیل می دهد.

صید ماهی در نواحی ساحلی و رودخانه ها، رواج فراوانی دارد و مصرف گوشت ماهی در این کشور بسیار است. دامپروری بدلیل شریط استوایی و آب و هوای گرم و مرطوب در اندونزی رونق آنچنانی ندارد. (۸)

این مجمع الجزایر به لحاظ ذخائر نفت و گاز غنی است و ۷۵٪ نفت آسیای جنوب شرقی را تولید می کند. مخازن نفت غالباً در سوماترا و جاوه قرار دارند. ذخائر نفت آن حدود ۱۰ میلیارد بشکه تخمین زده می شود و یک قرن است که در اندونزی نفت استخراج می شود ولی صادرات آن ۳۰ سال است که رونق دارد. دولت در نظر دارد به جای نفت مصرفی در داخل، (زغال سنگ را جازگزين آن کند، اندونزی عضو سازمان کشورهای صادر کننده نفت می باشد و علاوه بر صدور نفت و گاز، لاستیک، روغن پالم و قهوه نیز صادر OPEC) می نماید و در سال ۱۹۸۱م، ۷۰٪ درآمد صادراتی از راه صادرات نفت و گاز و ۳۰٪ بقیه از راه صادرات دیگر مواد بوده است. دولت سوهارتو برای ورود سرمایه های غرب به داخل کشور، تسهیلات فراوانی از جمله معافیت مالیاتی و امتیازات دیگر در نظر گرفته است. فساد اداری، اختناق حاکم بر کشور از جمله دشواریهای این کشور بر سر راه توسعه اقتصادی آن می باشد. (۹)

مالزی

کشور مالزی که به روش مشروطه سلطنتیت و فدرال اداره می شود با ۳۳۰۴۳۴ کیلومتر مربع در نیمه جنوبی جزیره مالاکا و در ناحیه مالایای آسیای جنوب شرقی واقع است. تنگه استراتژیک مالاکا، مالزی را از سوماترای اندونزی جدا می کند. تایلند در شمال و اندونزی در جنوب جزیره برنئوی آن قرار دارد. مالزی از سه شبه جزیره مالایا در غرب، ساراواک و صباح در شرق، تشکیل شده است. سواحل شرقی آن که به دریای چین جنوبی مشرف است به تعدادی جزایر و حتی تخته سنگهای مرجانی ختم می شود، «مهمترین راه ارتباطی اقیانوس هند و اقیانوس آرام که تنگه مالاکاست در سواحل غربی مالزی می باشد.» سواحل غربی آن بدون بریدگی بوده و بعضاً دارای باتلاق می باشند که برای تاسیسات بندری مساعد نیستند. رودهای معروف آن

«پاهانگ» و «کلانتان» نام دارد که به دریای چین جنوبی می ریزند. جنگلهای استوایی، ۷۵٪ آن را دربر می گیرد. آب و هوای آن گرم و مرطوب بوده و در معرض وزش بادهای «موسون» قرار دارد.

قدیمی ترین نشانه های زندگی در ناحیه مالایا به ۵۰ قرن قبل از میلاد می رسد مهمترین اقوامی که در مالزی در قبل از میلاد بوده اند «نگریتوها» می باشند. در قرون سوم و دوم قبل از میلاد، اقوام ماله ای (مالزیها) به این سرزمین آمده و مستقر شدند.

از قرن دوم و سوم هجری که دین اسلام توسط بازرگانان در مالزی نشر یافت چون همراه آنان، تجار ایرانی بودند زبان فارسی به آسیای جنوب شرقی سرایت یافت و از آن تاریخ مالزی و ایران با یکدیگر مناسبات بازرگانی - فرهنگی و سیاسی داشتند. با گسترش روزافزون اسلام در مالزی از قرون سیزدهم و چهاردهم مقدمه ای برای تشکیل حکومت اسلامی در این محل فراهم شد و در سال ۱۴۱۴م یکی از حکام محلی بنام «پارامسورا» مسلمان شد (۱۰) و خود را محمد اسکندر شاه نامید و حکومت مستقل سلاطین مالاکا را در نواحی جنوبی مالزی مستقر نمود. در همین قرن زبان و خط عربی رایج شد و خط سانسکریت منسوخ گردید. از اوایل قرن شانزدهم نفوذ استعمارگران به مالایا آغاز شد و در سال ۱۵۱۱م آلبوکرک دریانورد پرتغالی شهر مالاکا را گرفت و این شهر به عنوان پایگاه اصلی پرتغالی ها در آسیای جنوب شرقی قلمداد گردید. در سال ۱۶۴۱م هلند حاکمیت خود را در مالزی مستحکم نمود. از اوایل قرن نوزدهم، انگلستان در نواحی مختلف مالایا نفوذ یافت و در سال ۱۸۸۸م نوحی جزیره مالزی به مستعمره رسمی انگلیس تبدیل گردید. در سال ۱۹۴۱م گرچه قوای ژاپن مالایا را تصرف نمود ولی با تسلیم ژاپن در سال ۱۹۴۵م دوباره انگلیس چهره استعماری خود را نشان داد. در تمامی این مدت مسلمانان مقاومت همه جانبه ای را بر علیه متجاوزین آغاز نمودند. (۱۱) مبارزات مردمی بر علیه انگلیس موجب آن شد تا این استعمارگر کهنه کار به انتخابات پارلمانی تن در دهد و در سال ۱۹۵۵م با برگزاری این انتخابات، نمایندگان یکی از احزاب اسلامی (۱۲) به رهبری «تنکو عبدالرحمن» با پایگاه مردمی وسیع کرسیهای پارلمانی را بدست آوردند. تنکو عبدالرحمن بعدها به ریاست دولت مستقل مالزی برگزیده شد. به همت مردم و با پی گیری وی از سال ۱۹۵۷م مالزی به صورت یک فدراسیون مستقل درآمد و در ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۳م فدراسیون مالزی، مالایا، صباح، ساراواک و سنگاپور پدید آمد که در سال ۱۹۶۵م با تحریک انگلستان، سنگاپور از مالزی خارج شد. از مدتها قبل اندونزی بر جزایر صباح و ساراواک ادعای ارضی داشت و طی سالهای ۶۶ - ۱۹۶۳ میان مالزی و اندونزی برخوردهای خفیفی صورت گرفت که با توافق طرفین و مراجعه به آراء عمومی و بر اساس موافقتنامه بانکوک این مخاصمه و درگیریهای مرزی در سال ۱۹۶۶م پایان یافت و صلح حاصل شد.

مالزی ۱۶/۵ میلیون سکنه دارد که متجاوز از ۶۰٪ آن مسلمان هستند (۱۳) ترکیب جمعیت مسلمان در ۱۳ ایالت آن متفاوت است. در کولالامپور ۳۰٪ مسلمان زندگی می کنند. نیمی از مسلمانان از نژاد ماله ای و بقیه

چینی، هند، پاکستانی و سایر افراد غیر بومی می باشند. در قانون اساسی آن، اسلام به عنوان دین رسمی معرفی شده و حکومت مالزی در دست مسلمین است. پادشاه و نخست وزیر در وضع فعلی (۱۹۹۲) مسلمانند. مسلمانان مالزی درست کردار و نیکو رفتارند و نسبت به دیگر گروههای مسلمان با عزت و احساس برجسته ای زندگی می کنند. گروههای مذهبی در نهایت صلح و صفا در کنار هم و با هم زندگی می نمایند. مسلمان بودن در مالزی با نوعی افتخار و عزت نفس توأم است. حجاب رعایت می شود و لباسها بسیار ساده است، در مصرف زیورآلات و تزئینات بسیار قانع و کم خرجند، حتی افرادی که مشاغل سیاسی - علمی برجسته ای دارند بخصوص در ماه رمضان ساده و بی آرایش غذای خود را به همراه برده و با ندای ملکوتی اذان افطار می کنند. مالزی فرهنگ برجسته ای دارد و اصلاً بیسواد ندارد. تنشهای سیاسی در آن اندک است. روحانیت مالزی سازمانی بنام جمعیت علما دارد که با عنوان و ارگانی عالی ه صدور احکام و فتاوی می پردازد و به مشکلات و مسائل دینی مردم پاسخ می گوید. اعلام مناسبات مذهبی، اعلام نظرهای فقهی و شرعی - مسابقات قرائت قرآن - نمازهای جمعه - اداره مساجد و مراکز دینی و تربیت طلاب و محصلین علوم دینی به عهده این سازمان است.

حزب سازمان ملی مالائیهای متحد (۱۴) در طول زمان استقلال مالزی همیشه پر قدرت ترین حزب این کشور بوده و تاکنون در مجموع همیشه صاحب اکثریت آراء انتخابی بوده است.

در ۲۵ کیلومتر جنوب شهر کوالالامپور در منطقه سرسبز و خرم شاه عالم، مسجد آبی قرار داد. این بنا که مدیون فکر سلطان صلاح الدین عبدالعزیز حاکم ایالت سالانگور در دارالاحسان می باشد. با صرف ۳۰۰ میلیون دلار و ۴/۵ سال تلاش مسجد مزبور در مارس ۱۹۸۸م گشایش یافت. «مسجد آبی که به لحاظ وسعت بزرگترین مسجد جهان است» ۳۶ هکتار مساحت دارد و قطر گنبد فیروزه ای آن ۵۲ متر و ارتفاع آن ۱۰۷ متر است که بزرگترین گنبد جهان محسوب می شود. در ۴ سوی گنبد ۴ مناره مشاهده می شود که هر کدام ۱۴۲/۳ متر ارتفاع دارند هر مناره دارای ۳ گلدسته و ارتفاعات متفاوت می باشد شبستان اصلی مسجد که ویژه نمازگزاران مرد است ۶۷۸۲ متر مساحت دارد ولی شبستان مخصوص نمازگزاران زن ۲۴۱۵ متر وسعت دارد محراب آن مرمرین است و منبر منبت کاری شده آن ۱۷ متر ارتفاع دارد. (۱۵)

مالزی به لحاظ اقتصادی، کشوری است بسیار غنی «اولین تولید کننده کائوچو در جهان است» و «۴۰٪ کائوچوی جهان را تولید می کند. ۶۰٪ صادرات جهانی روغن نخل مربوط باین کشور می باشد.» که در ۹ ماهه اول سال ۱۹۹۰م بیش از ۶/۵ میلیون تن روغن نخل تولید نموده است. از لحاظ تولید فلفل در جهان رتبه اول را داراست، تولید برنج آن ۳ میلیون تن در سال است، کاکائو، موز و نارگیل بوفور در آن بدست می آید. بیش از ۱۰۰۰ معدن قلع دارد و بزرگترین تولید کننده قلع در جهان است و ۴۰٪ قلع دنیا را تولید می کند. معادن قلع بخصوص در نواحی غربی براگ و سلانگو است. در یکیدو سال اخیر ۳۰ میلیارد دلار صادرات داشته که ۵۰٪

آن کالاهای ساخته شده بوده است. (۱۶) درآمد سرانه آن در سال ۱۹۹۰م به ۲۵۰۰ دلار رسید، ده میلیارد دلار ذخیره ارزی آن است. صادرات آن بر واردات فرونی دارد و بخشی از درآمد آن از طریق صنعت توریست بدست می آید و سالی ۷ میلیون توریست باین کشور می آیند.

دولتمردان مالزی با بکارگیری و استفاده بهینه از منابع طبیعی غنی، امکانات مالی و نیروی انسانی خود بخشی از عقب ماندگیهای دوران استعمار را جبران کرده و دو برنامه سیاست جدید توسعه و سیاست ملی توسعه را به اجرا گذاشته اند. یکی از مشکلات مالزی این است که چینیهها و هندیهها در بخشهای تجاری و صنعتی نفوذ داشته و تا حدودی در حاکمیت اقتصادی دخالت دارند که این مسئله اعتراض بومیان ماله ای را برانگیخت و یک بار در سال ۱۹۶۹م برخوردهای خونین نژادی را پدید آورد که دولت می کوشد در برنامه های اقتصادی، این شرایط را دگرگون سازد. (۱۷)

برونئی (۱۸)

کشور برونئی که به برونئی دارالسلام معروف است در جنوب شرقی آسیا و بر ساحل شمال غربی بزرگترین جزیره مجمع الجزایر مالزی برونئی قرار گرفته و در شمال آن دریای چین جنوبی واقع است. سلطان نشین برونئی ۵۷۶۵ کیلومتر مربع وسعت دارد. بخش شرقی و رود توتونگ (۲۱) و نیز سلسله ای از تپه ها و باتلاق ها در بخش غربی قرار دارند. به طور کلی سرزمین برونئی به جز جلگه ساحلی باریک شمالی، ناهموار و تپه ای است آب و هوای آن گرم و مرطوب بوده و متوسط درجه حرارت در این کشور به ۳۰ درجه سانتی گراد می رسد.

در سال ۵۷۹ق برونئی به صورت سلطان نشین اداره می شده است، اسلام در تاریخ ۸۲۹ هجری قمری (۱۴۲۵م) وارد این سرزمین گردید، چون برونئی ایستگاهی برای کشتی های انگلیسی که عازم چین بود، محسوب می شد. تحت سلطه بریتانیا درآمد. قانون اساسی آن در سال ۱۹۵۲م تصویب شد و در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش) به استقلال رسید و در ۱۹۸۵م به ضویت سازمان ملل درآمد. به لحاظ تقسیمات کشوری به چهار ناحیه تقسیم می شود که هر کدام از این نواحی توسط رئیس ناحیه که وزیر اعظم آن را منصوب نموده، اداره می شود. پارلمان آن که همان شورای مقننه است، ۲۲ عضو دارد. مرکز حکومت آن بندر سری بگاوان (۲۲) و شهر مهمش «کوالابلایت» است. برونئی با مالزی، سنگاپور، اندونزی، تایلند، فیلیپین و انگلیس مناسبات سیاسی و تجاری دارد.

آمار سال ۱۹۹۰م سکنه آن را ۲۶۴۰۰۰ نفر ذکر نموده (۲۳) که ۶۵٪ آن در کانونهای شهری سکونت داشته اند. رشد جمعیت ۳/۷٪ و تراکم نسبی آن ۴۵/۸ نفر در کیلومتر مربع می باشد. هجوم مهاجرین خارجی که از چین و مالزی باین سرزمین می آیند باعث بالا بردن نرخ رشد جمعیت آن گردیده است. مالایائی ها برونئی

۷۰٪ سکنه آن را تشکیل می دهند. چینی ها و ایبانه‌های ساراواک به ترتیب دومین و سومین گروه نژادی این سرزمین می باشند. زبان رسمی آن مالایائی است که به خط غربی و لاتین نوشته می شود. زبان انگلیسی و چینی هم رواج دارد. دین رسمی آن اسلام و اکثریت مردم مسلمانند و مسلمانان اغلب سنی شافعی مذهبند. اقلیت بودائی، مسیحی و آنیمست (دین ابتدائی) در آن سکونت دارند.

اقتصاد آن به نفت متکی است و منبع اصلی درآمد مردم از این ذخیره زیرزمینی می باشد. (۲۴) کشاورزی و ماهیگیری در آن رواج دارد و محصول مهم صادرات آن نفت و کائوچو می باشد. برنج و ماهی خوراک اصلی مردم است.

واحد پول آن دلار بروئی (BDS) برابر با ۱۰۰ سنت می باشد.

د - آسیای شرقی

در آسیای شرقی ۵ واحد سیاسی وجود دارد که مجموعاً متجاوز از ۱۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارند و ۲۰٪ مساحت آسیا را دربر می گیرند. در بین این پنج واحد سیاسی، چین با ۹۵۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع، پروسعت ترین کشور است که در جهان پس از شوروی و کانادا از نظر مساحت رتبه سوم را حائز است همچنین، چین با ۱۰۷۲۰۰۰۰۰۰ پرجمعیت ترین کشور جهان به شمار می رود. چهار واحد سیاسی دیگر یعنی کره شمالی، کره جنوبی، ژاپن و تایوان مجموعاً بیش از ۲۰۰ میلیون نفر سکنه دارند. تایوان با ۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۹ میلیون نفر جمعیت، از بالاترین تراکم نسبی برخوردار است. گرچه اسلام از قرن اول هجری باین نواحیراه یافته اما در این بخش از آسیا اکثریت با آئین های دیگر می باشد. با این حال بیش از نیم از اقلیت های مسلمان قاره آسیا در این سرزمین ها زندگی می کنند.

Translation Movement

.IMS

ژاپن

قبل از روی کار آمدن حکومت میجی (Miji) در کشور ژاپن، این کشور درهای خود را به روی دنیای خارج بسته بود و در این دوره بخصوص از سال ۱۸۶۷م توانستند با ملل دیگر بخصوص مسلمین رارطه برقرار کنند. نخستین بار در سال ۱۸۷۷م با ترجمه کتابی به زبان ژاپنی که درباره اسلام نوشته شده بود مردم این سرزمین با معارف اسلامی آشنا شدند.

تاتارهای مسلمان از اوایل قرن بیستم به ژاپن رفته و به تبلیغ اسلام پرداختند. با مهاجرت بیشتر این قوم، گرایش به اسلام در ژاپن رو به فزونی گرفت و اکنون قریب به ۵۰۰۰۰ نفر در ژاپن مسلمان هستند.

به هنگام تهاجم ژاپن به آسیای جنوب شرقی و تصرف مناطق مسلمان نشین، نیروهای نظامی آن با روحیه مسلمین آشنا شده و به این آئین علاقه مند گردیده و اسلام را اختیار نمودند. بازرگانان مسلمان که از هند و خاور میانه به ژاپن می رفته اند نیز در گرایش مردم ژاپن به دین اسلام دخالت داشته اند.

چون آزادی مذهبی به طور کامل در ژاپن وجود دارد، افراد آن با روحیه تحقیقی که دارند متوجه حقیقت اسلام گشته و لذا روی آوردن به آن حالت تزیید دارد.

اولین عبادتگاه مسلمین در ژاپن «مسجد کوبه» که به سال ۱۹۳۵م در این ناحیه ساخته شد. در سال ۱۹۳۸م مسجدی در توکیو مرکز حکومت ژاپن تاسیس گردید. اولین ترجمه قرآن به زبان ژاپنی در سال ۱۹۲۹م صورت گرفت. نیمی از مسلمانان ژاپنی بومی منطقه بوده و بقیه مهاجرند، مهمترین مؤسسات اسلامی عبارتند از انجمن دوستی اسلامی ژاپن - انجمن مسلمانان ژاپن - انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن - مجمع فرهنگی اسلامی ژاپن - مرکز اسلامی ژاپن - انجمن جوانان ملان ژاپن - فدراسیون جوانان مسلمان - ژاپن - کنگره اسلامی ژاپن و گروه خیریه اسلامی ژاپن. (۲۵)

کشور ژاپن که به سرزمین آفتاب موسوم است و به صورت جزایری در شرق آسیا قرار دارد و با ۳۷۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، ۱۲۲ میلیون سکنه دارد. این کشور به لحاظ توسعه روزافزون در علم و تکنولوژی و پیشرفت در صنایع ظریفه و مهارت در ساخت وسایل الکترونیکی و تولید انواع کامپیوتر شهرت ویژه ای را به خود اختصاص داده است. نیمی از سکنه آن دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و ۹۰٪ مردم حداقل تا پایان دوران متوسطه را گذرانیده اند (۹۰٪ ۲۰ ساله به بالا) ولی با نهایت تاسف باید گفت گرچه بال علم و تکنولوژی در این کشور رونق خود را بدست آورده اما بال معنویت و ایمان و ارزشهای والایش شکسته است. ۸۸٪ مردم ژاپن پیرو مذهب ابتدائی و افسانه ای شینتو هستند که خود به ۱۶۰ فرقه تقسیم می شود و بر اساس آن کلیه مظاهر طبیعت از قبیل ماه و ستارگان و خورشید و کوهها و دریاها هر کدام خدایان جداگانه ای دارند که مورد پرستش قرار می گیرند. خدایان در معابد شینتو نگاهداری می شوند و مردم به هنگام مراجعه باین معابد از شرابهایی که در جایگاه ویژه قرار دارد بجای آتش می نوشند! طبق این مذهب، ارواح انسانها به خدایان قدرتمند تبدیل می شود!!؟

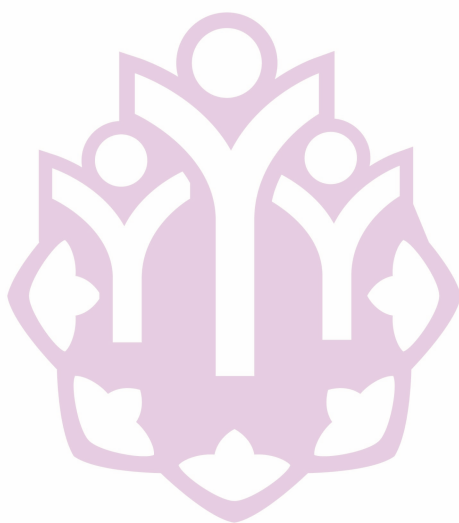
کره شمالی

کره شمالی با ۱۲۰۵۳۸ کیلومتر مربع در آسیای شرقی واقع است. این کشور ۲۲۶۸۰۰۰۰ نفر سکنه دارد. گرچه آزادی مذهبی در آن وجود دارد اما مسلمانان اقلیت بسیار ناچیزی از آن را تشکیل می دهند که فاقد تشکل اند و در نقاط مختلف آن بویژه در پیونگ یانگ مرکز حکومت پراکنده اند. تعداد آنان به ۲۰۰۰ نفر بالغ می گردد که منشا غیر بومی دارند. اکثریت مردم کره شمالی تابع بودائیسم، کنفوسیئنیسم و تائوئیسم می باشند.

پی نوشتها

- ۱- به منظور آشنایی با وجه تسمیه و نامهای دیگر اندونزی به مقاله «اندونزی پرجمعیت ترین کشور اسلامی» تالیف نگارنده -مندرچ در مجله مکتب اسلام - بهمن ماه ۱۳۷۱ ش - مراجعه فرمائید.
- ۲- اندونزی دارای ۲۷ ایالت است. و چون در نزدیکی تنگه مالاکا قرار گرفته، اهمیت سوق الجیشی مهمی دارد.
- ۳- به جاوه باغ بزرگ شرق یا باغ نارگیل می گویند.
- ۴- تاریخ شیعه - علامه مظفر - ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، صفحات ۳۶۲ و ۳۶۳.
- ۵- نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی - دلیار نوئر (deliar Noer) ترجمه: ایرج رزاقی - محمد مهدی حیدرپور مشهد - مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۷۰ ش.
- ۶- دموکراسی پانجاسیلا نظامی است مبتنی بر اصول حاکمیت مردم و رعایت اصول پنجگانه، این اصول عبارتند از: اعتقاد به خداوند متعال، انسانیت متمدن و عادل، وحدت اندونزی، دموکراسی هدایت شده و عدالت اجتماعی برای کلیه مردم.
- ۷- مقاله اندونزی آن چنان که هست روزنامه هفتم شهریور ۱۳۷۱ ش ۱۴۵۶۰.
- the petroleum Resources of indonesia by ooljinbee oxford, 8- university 1982
- ۹- اوپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، دکتر امیر باقر مدنی ص ۱۱۷.
- ۱۰- گیتاشناسی کشورها صفحات ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶.
- ۱۱- در قلمرو زردهای سبز سفرنامه محمد کاظم محمدی اصفهانی به مالزی و سنگاپور - تهران انتشارات صف.
- 12-Allance party
- ۱۳- در سال ۱۹۹۰م جمعیت آن به ۱۷۶۴۵۰۰۰ نفر بالغ گردید.
- 14-Umno
- ۱۵- مجله رشد جوان آبان ۱۳۶۹.
- ۱۶- اطلاعات ش ۱۹۶۹۲ و ۱۹۶۹۷.
- ۱۷- اطلاعات ش ۱۹۷۷۴.
- 18-Brunei
- 19-Limbange
- 20-belait
- 21-tutong
- 22-seribegavan

- ۲۳- سالنامه جمعیتی جهان ۱۹۹۰ میلادی - محمدرضا عسگری.
- ۲۴- دومین تولید کننده نفت در آسیای جنوب شرقی پس از اندونزی.
- ۲۵- اسلام در ژاپن.



نَهَضَتِ تَرْجَمَه
Translation Movement
.TM

کره جنوبی

کره جنوبی با ۹۹۱۷۳ کیلومتر مربع در سال ۱۹۹۰م ۴۲۵۴۰۰۰۰ نفر سکنه داشت. در این زمان ۲۵۰۰۰ نفر مسلمان بوده اند در سال ۱۹۷۱ رقم مسلمین در این سرزمینی تنها ۳۰۰۰ نفر بود که در خلال این ۲۰ سال به بیش از ۸ برابر بالغ گردیده اند.

تا قبل از بروز نبرد بین دو کره که بین سالهای ۱۹۵۰ ال ۱۹۵۳م صورت گرفت تعداد ناچیزی مسلمان بصورت پراکنده در این کشور می زیستند در همین سالها بود که شورای منیت سازمان ملل اعلام نمود که نیروهای نظامی تعدادی از کشورهای عضو، برای جلوگیری از درگیری دو کره به منطقه اعزام شوند بر این اساس سربازان ترک تحت پرچم سازمان ملل به کره آمده و حتی امامی را با خود آورده و در مقر خود مسجدی برای عبادت بنیان نهادند. عده قابل توجهی از مردم کره در تماس با این سربازان مسلمان به زندگی اسلامی آنان علاقه مند شده و خواهان روی آوردن به این آئین جاودانی شدند و بدنبال آن جامعه مسلمانان نوظهور کرده پدید آمد. با بازگشت قوای نظامی ترک مسلمانان مذکور در بین مردمان دیگر به نشر اسلام پرداخته و با مسلمانان کشورهای اسلامی بویژه مسلمانان ساکن در آسیای جنوب شرقی ارتباط برقرار نمودند.

در سال ۱۹۶۳م با تاسیس «اتحادیه مسلمانان کره» به شکل خود پرداختند بعدها بنیاد اسلامی کره و مجمع دانش آموزان مسلمانان کره نیز بوجود آمد که این مؤسسات غیر از تبلیغات دینی به تقویت عقاید مذهبی جوانان مبادرت می نمودند و برای این کار برخی از آنان را برای تحصیل علوم اسلامی به کشورهای اسلامی روانه کردند. در سال ۱۹۶۹م با تلاش مسلمانان، رئیس جمهوری وقت به طور رسمی زمینی به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع را برای (۱) (Pusan) احداث مسجد و مرکز اسلامی در اختیار آنان قرار داد، مسجد فلاح در پوسان در ۱۹۸۰ ساخته شد. در همین سال بود که اهالی روستای سانگ یانگ واقع در حوالی شهر کوانجو به طور کامل الام را اختیار نمودند، ترجمه قرآن به زبان کره ای، انتشار نشریات مذهبی، مبادله دانشجو با کشورهای اسلامی، تاسیس دانشگاه و کتابخانه علوم اسلامی و ایجاد پرورشگاه کودکان یتیم مسلمان و سایر فعالیت های تبلیغی مذهبی و اجتماعی از کارهای اتحادیه مسلمانان کره است. (۲)

بدین گونه در کشوری که تا قبل از جنگ دو کره تعدادی انگشت شمار مسلمان داشت جامعه ای اسلامی با شکل مناسب و مورد قبول جامعه کره و دولت پدید آمد. (۳)

تایوان

تایوان (فرمز) که نام رسمی آن جمهوری چین می باشد به صورت جزیره ای با ۳۶۱۸۲ کیلومتر مربع در دریای چین شرقی و در ۱۵۰ کیلومتری سواحل کشور چین قرار دارد. از ۲۰ میلیون سکنه آن قریب به ۹۰۰۰۰ نفر مسلمان هستند. گفته می شود الام در ۷۴۱ هجری (۱۳۴۰م) بدان راه یافت اما گسترش این آئین در تایوان

مربوط به قرن هفدهم می شود. زیرا در اواخر این قرن و در دوران سلسله مینگ قوای نظامی چین برای نجات تایوان از سلطه هلند در این سرزمین پیاده شدند که تعداد زیادی از آنان مسلمان بودند. این افراد غالبا از ایالت فوکین به تایوان روی آوردند و در ضمن فعالیتهای نظامی به تبلیغ اسلام پرداختند ژاپنیها که از سال ۱۸۹۵م تایوان را تصرف کردند و تا سال ۱۹۴۵م آن را در اختیار داشتند، مسلمانان را تحت فشار شدید قرار داده و برایشان تنگناهایی بوجود آوردند. با شکست ملیون چینی، هزاران مسلمان عازم تایوان شدند که عده زیادی از آنان در امور اداری و نظامی چین صاحب قدرت بودند. مسلمانان تایوان سنی اند و پیرو مذهب حنفی می باشند. تمرکز آنان غالبا در تایپه مرکز حکومت و شهرهای چونکلی، تایتوهونگ است. در امور سیاسی و اداری نفوذ خوبی داشته و در مجمع قانون گذاری و مجلس ملی تایوان عضویت دارند.

هنگ کونگ و مکائو

کشور هنگ کنگ مستعمره انگلستان است. این ناحیه با ۱۰۴۴ کیلومتر مربع در جنوب چین و ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر کانتون با کوانگچو قرار دارد. بندر هنگ کنگ که در کنار اقیانوس آرام قرار دارد با ۵۸۷۸۰۰۰ نفر سکنه تراکمی برابر با ۵۵۴۰ نفر در کیلومتر مربع را به خود اختصاص داده است. از دو بخش کولون و هنگ و کنگ تشکیل شده که توسط کانال آبی از هم جدا می شوند.

مسلمانان ساکن ایالت کوانتونگ چین اولین گروه مهاجرین مسلمان هنگ کنگ هستند. که در سال ۱۹۴۹م بر تعداد آنان افزوده شده و در سالهای بعد از هند و اندونزی نیز عده ای به این ناحیه عزیمت نموده و رقم مسلمین را افزایش دادند. مسلمانان که تعداد آنان به ۴۰۰۰۰ نفر بالغ می گردد شافعی مذهبند و برخلاف جو مسموم و شرائط خشن سیاسی در ارتباط با فعالیتهای مذهبی از شور و هیجان خاصی برخوردارند. شغل اکثر مسلمین کارهای بازرگانی و خدمات است و در سازمانهایی تشکل یافته و نشریاتی هم دارند. محلات مسلمان نشین مشخص است و دارای مسجد، دبیرستان، و کالج اسلامی هستند.

IMS

در ۴۰ کیلومتری غرب هنگ کنگ جزیره مکائو قرار دارد که مسلمانان آن با مسلمین هنگ کنگ در ارتباطند. فاشرهای سیاسی پرتقال و مبلغین مسیحی موجب آن شده تا اکثریت مسلمانان این جزیره از اسلام دست برداشته و به مسیحیت روی آورند حتی قانونی تصویب شده بود که به موجب آن افراد مسلمان باید اجبارا به کلیسا بروند، لذا مبشرین مسیحی، موحدین این جزیره را سخت در فشار قرار داده اند. در سالهای اخیر موج انقلاب اسلامی ایران به افراد مسلمان آن، امید تازه ای بخشیده است.

مسلمانان چین

کشور چین با ۹۵۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع و یک میلیارد و هفتاد و دو میلیون نفر سکنه در آسیای شرقی و بین ۲۰ تا ۵۵ درجه عرض شمالی قرار دارد و از نظر طبیعی به دو بخش کوهستانی و مرتفع غربی و جلگه های پست

و هموار شرقی تقسیم می شود. در حدود ۷۰۰ میلیون نفر از سکنه چین در بخش شرقی و سواحل اقیانوس آرام استقرار یافته اند. نژاد مردم چین زرد و مرکب از تیره های چینی، مغولی و تبتی می باشد. دین اکثریت بودا و کنفوسیوس است و اقلیتی مسلمان در این کشور سکونت دارند.

۵ سال بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص) آئین توحید به چین راه یافت. سعد ابن ابی وقاص اولین مسلمانی است که وارد چین شد و نخستین مسجد در بندر شانگهای تاسیس گردید اولین برخورد مسلمین با چینیها در سال ۱۳۰ هجری در وقتی بود که ارتش چین به رهبری کوهسین چعیه با مسلمانان به رهبری «زیاد» روبرو شد. و نبرد سخت در مرز چین بین آنان درگرفت در آغاز، پیروزی با چینی ها بود اما ناگهان با شکست آنان مسلمانان بر آسیای مرکزی دست یافتند و این فتح، مقدمه نفوذ اسلام بر این سرزمین و آسیای مرکزی شد.

تسلط کامل مسلمانان بر چین هنگامی بود که در سال ۱۳۸ هجری عده ای از قبایل چینی تحت عنوان لوشانی ها بر «هرسوان تسانگ» امپراتور چین شوریدند و در خلال این طغیان، امپراتور از منصور خلیفه عباسی استمداد طلبید. منصور یک گروه ۴۰۰۰ نفری را به کمک وی فرستاد که اینان در دو ایالت سیانفو و هانفو بعد از جنگ و فرونشاندن طغیان اقامت گزیدند و با دختران چینی ازدواج کردند که می گویند هویس های مسلمان از نسل آنان هستند. اسلام از دو راه به چین راه یافت یکی از راه دریا (از طریق کانتون و هانگ چو) و دیگر از راه خشکی (از ایران و ترکستان). (۴) شهرباستانی چوانچو موسوم به شهر ریتون که در سواحل جنوب شرقی استان فوجیان واقع شده و مسیر دریائی جاده ابریشم می باشد در چند دهه اخیر بیش از صد لوحه سنگی اسلامی به زبانهای عربی و فارسی در این شهر کشف شده که این کشفیات بیانگر آن است که چوانچو در گذشته ارتباط تنگاتنگی با اسلام داشته است و اصولاً این شهر دروازه اسلام و یکی از مراکز عمده اسلامی در چین به شمار می آید. (۵)

Translation Movement

آماري که تعداد مسلمانان چین را مشخص کند بطور دقیق در دسترس نیست و در منابع آماری تعداد آنان را متفاوت ذکر کرده اند ولی می توان ادعا کرد که در حال حاضر ۷۰ میلیون نفر مسلمان در چین سکونت دارند. مسلمانان در ناحیه خود مختار ترکستان شرقی (سین کیانگ) و استان چینگهای در سرزمین نینگسیاهوئی و در کانسو در اکثریتند و از نژاد اویغور، ازبک، فرمز، تاجیک، تاتار و دونشیان می باشند. مسلمانان با دولت مرکزی در طول تاریخ ۵۰۰ بار درگیری داشته اند و بخصوص در پی قتل عامهای شدید در سه قرن اخیر حداقل ۳۰٪ آنان کاهش یافته اند.

سلسله منچوها که بزرگترین دشمن مسلمین بودند بین سالهای ۱۶۴۴م تا ۱۹۱۱م مسلمانان را آماج اذیت قرار داده و قریب به ده میلیون نفر را در شمال و شمال غربی چین کشتند.

در دوران حکومت سلسله چینگ آزادی مسلمانان محدود شده و بویژه در سال ۱۷۳۱م آئین سنتی ذبح حیوانات ممنوع گشت و در زمان حکومت امپراطور چی یی لونگ احداث مساجد جدید و زیارت حتج عدغن شد. با این حال موفق نشدند مسلمین را در اکثریت هضم کنند زیرا در تمامی ایالات و مراکز پرجمعیت پراکنده بودند و حضور سیاسی و اقتصادی مهمی داشتند. لذا گرچه اقلیتهای دیگر در زمان این سلسله تحت نظارت شدید بودند اما مسلمانان (هوئیها) به لحاظ ویژگی اجتماعی - فرهنگی و اتکای به خود و استواری در دین، استثنا بودند و طرح هماهنگ سازی در مورد آنان مؤثر واقع نشد و این سلسله پس از آنکه موفق نشد از طریق مهاجرت و انتقال، مسلمانان را منهزم کند به قلع و قمع و کشتار آنان پرداخت که مسلمین برای حفظ هویت فرهنگی خود مقاومت نموده و گاهی برای وحدت فرهنگی از طریق تاکتیک و تقیه وارد شده و حساسیت حکام را نسبت به خود کاهش می دادند تا به عنوان مذهبی بدعت گذار، مطرود چینیان قرار نگیرند. رفتار چینیه با مسلمانان در دو سطح قابل بررسی است. روشنفکران و اهل قلم مواقعی که تبلیغات علیه مسلمین شدید بوده با نوشتن کتب و مقالات به تحقیر آنان پرداخته و آنان را وجودهایی وحشی معرفی کرده اند. عوام تعصبات نابخردانه و قضاوتهای نادرستی نسبت به موحدین داشته و آنان را بیرحم، متجاوز، حریص و جنایکار معرفی کرده اند. تعارض فرهنگی چینی با فرهنگ اسلامی، همبستگی مسلمانان را پدید آورده و هویت اسلامی را تقویت نموده است. واکنش شدید مسلمانان هنگامی بوده که فرهنگ آنان به مخاطره افتاده و ارزشهای آنان در معرض فنا بوده است و هنگام شکست در نظام حکومتی و تزلزل قدرت برای حفظ هویت و حفظ سهم خود از قدرت در نواحی شمال غربی و جنوب غربی دست به شورش زده و تقاضای استقلال داشته اند مبارزات مسلمانان در قرن نوزدهم در تعقیب چنین هدفی بوده و «ماهوآلونگ» نیرومندترین چهره انقلابی در اسلام قرن نوزده چین بود که می خواست با جهاد به حکومت اسلامی برسد که دشمنان با حملات بیرحمانه او را سرکوب نمودند. شورش مسلمانان ناحیه یون نان در سالهای (۱۸۷۳ - ۱۸۵۳) از آن جمله است و دوون شین رهبر سیاسی شورشیان یون نان و قهرمان مسلمانان این ناحیه بود که اولین بار قرآن را به زبان چینی ترجمه کرد.

Translation Movement

.JMS

از لحاظ سیاسی مسلمانان در حکومت مرکزی نفوذهایی داشتند. در دوره حکومت یوان (۱۳۶۸ - ۱۲۷۹) مغولان توده های وسیعی از مسلمانان را از آسیای غربی و مرکزی به چین آوردند و به عنوان کارگزاران دیوانی و صاحبان مشاغل کشوری در راس جامعه قرار دارند این افراد در محل اقامتشان محله های بخصوصی را در اختیار گرفته و از مزایای فوق العاده ای بهره مند شدند که نفرت چینیه را بر می انگیخت. حتی در زمان سلسله چینگ فرد مسلمانی بنام ماهاشین (۶) مقام حساس استانداری جگیانگ فوگین و بعدا لیانگ کیانگ را بدست آورد و از خود لیاقت و استعدادهای شایسته ای بروز داد و رژیم جمهوری به رهبری چیانگ یشک شخص مسلمانی بنام بای چونگ شی بالاترین مقام نظامی یعنی رئیس ستاد ارتش را عهده دار بود.

مسلمانان برای گسترش آئین خود و حفظ هویت فرهنگی به برنامه ها و فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی دست می زنند. به عنوان نمونه درمواقع قحطی و گرسنگی، اطفال چینی را به خانه های خود آورده و آنان را مسلمان می نمایند و به قول «شکیب ارسلان» ترجیح می دهند با زنان چینی ازدواج کنند و به این امید که خداوند دل‌های ایشان را آماده پذیرش اسلام گرداند. تالیف کتب اسلامی نیز از فعالیت های تبلیغی بود که عده ای را جذب می کرد. لیوچی با نوشتن کتابی پیرامون زندگی پیامبر اسلام - حضرت محمد(ص) - تحت عنوان «تاریخچه واقعی زندگی مقدس‌ترین چهره عربستان به زبان چینی» نظر بسیاری از چینی ها را به سوی اسلام جلب نمود.

در بین خود مسلمین نیز برای کاستن از تهاجم فرهنگی و دفاع از مرزهای اعتقادی سنت های خاصی وجود دارد اشاعه نظام آموزشی اسلامی حتی در روستاها، تشکیل اجتماعات و مجالس وعظ و سخنرانی مذهبی در مساجد، بر پائی اعیاد مذهبی، مراسم ازدواج و تدفین به طریق کاملاً اسلامی، گذاردن نام اسلامی بر فرزندان خود، آموزش زبان عربی و فراگیری قرآن و تربیت اسلامی، احتراز از فساد و فحشاء، اعطای زکات به افراد مستمند، حمایت از بینوایان و پذیرائی از میهمانان جزو برنامه های مفید مسلمانان چین است. رعایت قوانین اسلامی و اجرای موازین شرعی توجه دولتمردان را به سوی آنان جلب نموده بود و یونگ جنگ امپراطور چین در قرن هیجدهم در برخوردهای آشکار میان هان ها و مسلمانان از مسلمین حمایت نمود و حتی یکی از احکام محلی را که در صدد سرکوب مسلمین بود تقبیح نمود و دستور داد او را دستگیر و پس از محاکمه، مجازات کنند. (۷) مسلمانان در سراسر چین ۴۰۰۰۰ مسجد دارند.

طبق نظر محقق بنام تینگ (Ting) صلح و سعادت و آرامشی که موجبات شکوفائی اسلام را در چین دوره مینگ فراهم آورد، معلول این مسئله بود که بنیان گذار این سلسله یعنی تای دسو و حتی همسرش مسلمان بود و بسیاری از مقامات مسئول مسلمان بودند وی پس از جلوس بر تخت سلطنت شرابخواری را منع کرد و سرود ستایشی در تجلیل از محمد(ص) ساخت که ممکن است هنوز در مسجد اصلی نانکینگ اجرا شود. (۸)

از اوایل قرن بیستم، فشار بر مسلمین شدت روز افزونی یافت و در اواخر سال ۱۹۲۸ م وانگ یوسی‌انگ ژنرال مسیحی حکومت کامین تانگ، در ایالت کانسون و نین گیساوشین سو بدین گونه بوده است. (۹)

در بین سالهای ۱۹۵۲م تا ۱۹۶۸م مسلمانان تحت شکنجه و آزارهای شدید قرار گرفتند، مساجد تخریب گردید و کتب مذهبی بویژه قرآن سوزانیده شد و متأسفانه در بعضی نقاط، مذهب با تعلیمات مائوئی در آمیخته شد چنانچه پس از نماز و دعا در پاره ای از نقاط چین جملاتی از کتاب سرخ مائو نقل می شد. به همین دلیل بود که در سال ۱۹۶۶م در برخی نواحی چین در جریان انقلاب فرهنگی درهای مساجد توسط گارد سرخ بسته نشد و به مسجد هم بی حرمتی نکردند! (۱۰)

سال ۱۹۵۱م گزارشهای از قتل، سوختن، دزدی و حمله به مؤسسات مسلمین و قطع روابط عمومی ایالات مسلمان نشین حکایت می کند ولی در سال ۱۹۵۴م بدنبال تلگرام ۷۰۰۰۰۰ مسلمان به مائو، اسلام از حمایت قانون برخوردار شد اما برای کنترل افکار مسلمین شئون فرهنگی آنان به شدت کنترل شد و کوشش هایی صورت گرفته تا از طریق تبلیغات وسیع به مسخ فرهنگ اسلامی اقدام شود گرچه در ظاهر با بعضی حرکات فرهنگی مسلمانان موافقت می شد. چنانچه در سال ۱۹۵۵م به آنان اجازه داده شد انستیتوی الهیات اسلامی را تاسیس کنند و در سال ۱۹۶۴م کالج اقلیت ناسیونالیست را بنیان نهند.

مسلمانان ترکستان شرقی (سین کیانگ)

ترکستان شرقی که در شمال غربی چین قرار دارد با وسعتی برابر ۱۷۰۹۰۰۰ کیلومتر مربع بیش از پانزده میلیون نفر در آن سکونت دارند. مرکز این ایالت «اورومچی» و شهرهای عمده آن عبارتند از کاشغریارقند، ختن و تورفان. این ایالت از شمال به مغولستان از شمال و غرب به شوروی سابق از جنوب به هند و تبت محدود می باشد، قدمت زیادی داشته و از نخستین مراکز تجمع انسانها بوده است و از ایام قدیم مسکن قبایل و چادرنشینان بود. در قرن اول ق. م تحت اشغال چین در آمد و در قرن دوم میلادی به دست ازبکها افتاد ولی دوباره در اواسط قرن هفتم، توسط چینیه‌ها اشغال گردید. در قرن هشتم اویغورها بدان جا هجوم بردند و در قرن دهم میلادی مورد تاخت و تاز مسلمانان قرار گرفت. در قرن سیزدهم مغولها آن را تصاحب نمودند. در ۱۷۵۰م منچوها بدان دست یافتند. در سال ۱۸۸۱ م از ایالات چین شد ولی حتی تا سال ۱۹۱۲م استقلال داشت. (۱۱) در سال ۱۸۲۰م خوجه های مسلمان با بهره گیری از انزاع داخلی، به ترکستان حمله بردند اما منچوها آن را سرکوب نموده و «خوجه جهانگیر» را در سال ۱۸۲۸م دستگیر و اعدام نمودند.

در سال ۱۸۶۲ م شورش بزرگ مسلمین در «شن سی» و «گان» صورت گرفت که در نتیجه آن مسلمانان به بخشهایی از شمال غربی چین دست یافته و ترکستان شرقی عملاً از امپراطوری جدا شد. در این موقع یعقوب بیگ رهبر مسلمانان اهل خوقند به ترکستان شرقی حمله برد و حکومتی اسلامی در آن بنیاد نهاد. در عصر وی این ناحیه موقع خوبی بدست آورد و از مراکز مهم مسلمین به شمار آمد. در سال ۱۹۲۰ و سه سال پس از انقلاب کمونیستی سال ۱۹۱۷م ترکستان شرقی و غربی از هم جدا شدند و در سال ۱۹۴۲م ترکستان شرقی به سین کیانگ تغییر نام یافت. در سال ۱۹۴۹م با روی کار آمدن نظام مائوئیستی چین به این سرزمین غالب شد و پس از به شهادت رسانیدن هزاران نفر از جمله علما و ائمه جماعات آخرین حکومت مستقل آسیای مرکزی را از میان برد و بسیاری از اقوام مسلمانان را که راهی افغانستان و هند بودند در طول مسیر و نقاط مرزی از پای در آوردند و اشغال آن تا ۱۹۵۱م ادامه یافت. در این مدت توسط تانگ ها و هواپیماهای جنگنده و بمبهای آتش زا ۱۲۰۰۰۰ نفر را کشتند، بین سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۷م گارد سرخ نیز هزاران نفر موحد را به شهادت رسانید و با کوچ دادن مسلمانان از اماکن خود آنها را در مجموعه چین بزرگ پراکنده نمود تا تعداد ساکنین این ایالت تقلیل یابد به نحوی که در سال ۱۹۴۹م سکنه آن ۳۵ میلیون نفر بود و در سال ۱۹۶۰م به

۲۵ میلیون و در سال ۱۹۸۲م به ۱۲/۵ میلیون نفر تنزل یافت. همراه با این حرکات ایزدایی تنها ۴۰۰۰۰۰ کارگاه و بازار کوچک و بزرگ را از دست آنان خارج نمود، غارت منابع و ذخائر آن از سوی چین همچنان ادامه دارد.

ترکستان شرقی ۸۸ نوع ماده طبیعی دارد و در سال ۱۹۵۹ م تولیدات نفتی آن به ۱۵۵۰۰۰۰ تن و آهن و فولاد به ترتیب به ۸۰۰۰۰۰ تن و ۶۰۰۰۰۰ تن بالغ گردید (۱۲) در سال ۱۹۸۰م این منطقه خود مختار به لحاظ اقتصادی در مضیقه بسر می برد و مردم در حالت نگرانی و اضطراب بسر می بردند اما در سال ۱۹۸۳م همراه با تجدید حیات اسلامی رونق اقتصادی و توسعه صنعتی در آن آشکار شد.

پی نوشتها

- ۱- بندر بزرگ صنعتی و مرکز مهم کشتی سازی در جنوب شرقی کرده جنوبی.
 - ۲- اقلیتهای مسلمان در جهان امروز - علی کتانی ترجمه محمد حسین آریا ص ۳۷ و ۳۸ و ۳۹.
 - ۳- ماخذ قبل صص ۳۷ و ۳۸.
 - ۴- مجله الاتحاد ارگان دانشجویان امریکا و کانادا.
 - ۵- برداشت از مجله چین مصور شماره های ۵ و ۶ سال ۱۹۹۱ میلادی.
- Mahasin.i 6
- ۷- مسلمانان چین، صفحات ۱۹۰ تا ۱۹۲.
 - ۸- مسلمانان چین، رافائل ایزرائیلی ترجمه حسن تقی زاده طوسی ص ۳۶۱.
 - ۹- اسلام در چین نوشته ژاک گوسولت فرانسوی و بدرالدین حی (چینی) ترجمه عبدالحمید بدیع - تهران ۱۳۵۶.
 - ۱۰- چین سرزمینی که از نو باید شناخت - منصور تاراجی تهران یوش ۱۳۵۰.
 - ۱۱- مبارزات مسلمانان ترکستان بر ضد استعمار سرخ چین و شوروی، تالیف محمد شهاب، ترجمه مهدی پیشوایی.
 - ۱۲- چهره نوین سین کیانگ، س، اندرس و یمبوس (S.Enders wimbush) ترجمه حسن تقی زاده طوسی.

ه- مسلمانان آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به لحاظ ژئوپولیتیکی اهمیت زاید الوصفی دارد، موقع جغرافیائی، جمعیت نسبتاً زیاد، هویت اسلامی و ذخائر غنی، این منطقه را مورد توجه ابرقدرتها قرار داده است. اقوام ساکن در این نواحی گرچه مشخصه نژادی گوناگونی دارند اما بدلیل وحدت ایدئولوژیکی و در واقع مسلمان بودن نخواستند از تهاجم فرهنگی و سیاست های متجاوزین تاثیر پذیرند، روسها از گذشته های دور در صدد آن بوده اند که به محو فرهنگ و هویت اسلامی اقوام مسلمان آسیای مرکزی بپردازند اما با وجود سرکوب شدید، جابجائی و دادن امتیازات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی موفق نشده اند مردم این سامان را از فرهنگ خود که بر ارزشهای اسلامی استوار است، جدا کنند. (۱)

مناطق مذکور پایگاه مهمی جهت رشد فرهنگ اسلامی بوده و به لحاظ خصیصه های تاریخی و دارا بودن مراکز علمی و فرهنگی مورد توجه همسایگان خود، بویژه ایران بوده اند.

توسعه اسلام در مناطقی که به آسیای مرکزی موسوم است از قرن اول هجری صورت گرفت. در سال ۲۱ هجری مطابق با ۶۴۱ میلادی لشکرهای پیروزمند مسلمان، آذربایجان را به تصرف درآوردند و از این تاریخ خورشید پرفروغ اسلام بر این نقاط تابیدن گرفت. در سال ۶۴ هجری دربند نیز به تصرف قوای اسلام درآمد که تا قرنهای بعد منتهی الیه شرقی مرزهای اسلام را در برابر ایالات ترک تشکیل می داد با فتح مناطق شرقی قفقاز توسعه سریع و کامل اسلام در مناطق مذکور آغاز شد که عملاً با مقاومت چندانی روبرو نگردید و تا زمان کشورگشایی روسها در قرن نوزدهم، قسمتهای مهمی از آسیای مرکزی بخشی پیوسته از قلمرو اسلامی بود. بدین گونه منطقه ای که جایگاه تمدن باستانی داشت و از گذشته در معرض آئین بودایی، مسیحی و نسطوری بود، به اسلام روی آورد. در سال ۵۴ قمری مسلمانان از آمودریا گذشته و در ۵۶ قمری بخارا را فتح نمودند و در سال ۱۳۴ قمری در کرانه های رود طلاس قوای امپراطوری چینی سلسله تانگ (که برای حفاظت مناطق آسیای میانه آمده بودند) را درهم شکستند. در قرن دهم میلادی اسلام در مقام مذهب آسیای مرکزی حاکم شد و از این تاریخ به یکی از معتبرین کانونهای فرهنگی جهان اسلام تبدیل گردید. پس از آن امپراطوری عثمانی چندین قرن بر آسیای میانه و قفقاز حکومت نمود و تصرف سرزمین های اسلامی بدستی قوای روس بین قرون شانزدهم تا نوزدهم نتوانست مانع از پیشرفت و نفوذ اسلام گردد و در این مدت مناطق مسلمان نشین آسیای مرکزی با جهان اسلام ارتباطی پیوسته داشته و از تاریخ و فرهنگ یکسانی برخوردار بودند و حتی در سال ۱۹۱۷ م باکو و سمرقند به سرزمین اسلام انس داشت تا به مسکو و پتروگراد. (۲) در عصر صفویه که تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران قلمداد گردید، آذربایجان این مذهب را با آغوش باز پذیرفت و این جمهوری به پایگاه اصلی شیعه در منطقه ماوراء قفقاز گشت.

از لحاظ نژادی، ترکیب جمعیت آسیای مرکزی بسیار متنوع و پیچیده می باشد. در شمال قفقاز سلسله کوههای مرتفع باعث تفکیک گروههای نژادی می شود که با چندین لهجه سخن می گویند که از سه زبان ترکی، فارسی و قفقازی ریشه گرفته اند. گرچه هرکدام از این اقوام دارای سنتهای خاص و شیوه های ویژه خود می باشند، اما در فرهنگ اسامی و هویت مذهبی مشترکند. نواحی ادیج و کراشای، چرکس، کاباردین، بالکار، چچن اینگوش، شمال اوشین، داغستان و آذربایجان قلمرو جغرافیائی شمال قفقاز (ماورای قفقاز) است. قوم ازبک از بزرگترین اقوام ناحیه آسیای میانه است که در حال حاضر اکثریت جمهوری ازبکستان را تشکیل می دهند. بجز تاجیک ها، اکثریت سکنه آسیای میانه از نژاد ترک هستند. قزاق ها، تاتارها، ایغورها، ترکمن ها، غازان ها، دنجان ها (چینی الاصل) و اقلیت های ترک و کرد و بلوچ نیز در آسیای مرکزی سکونت دارند. (۳)

از نظر جمعیت، آمارهای متفاوتی برای این منطقه ذکر نموده اند که از ۶۰ میلیون نفر تا ۷۰ میلیون نفر در نوسان است. سکنه آسیای مرکزی در هنگام الحاق به روسیه حدود ۶ میلیون نفر بود که با مرگ و میر بالا و ویژه کودکان، رشد کند داشت از سوی دیگر، تزارها برای برهم زدن وحدت منطقه و ترکیب جمعیت اسلامی، ساکنان روسی و اوکراینی را تشویق به مهاجرت می نمودند که این پدیده در نیمه دوم دهه ۱۸۷۰م افزایش یافت. به هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م ساکنان اسلاو حدود ۳۰٪ قزاقستان و ۳/۸٪ آسیای مرکزی را تشکیل می دادند و مسلمانان به ۱۲ میلیون نفر بالغ می گردیدند.

این مهاجرت ها گرچه پس از انقلاب اکتبر تا سال ۱۹۲۰م متوقف بود اما از سال ۱۹۲۸م آغاز شد و تا سال ۱۹۳۶م ۱۷۰۰۰۰۰ نفر ساکنین جدید به منطقه آمد. این افراد غالبا به ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان می رفتند. شدت مهاجرت اسلاوها بحدی بود که تا سال ۱۹۳۹م ۵۰٪ سکنه تاشکند (بزرگترین شهر آسیای میانه) را اسلاوها تشکیل می دادند.

Translation Movement

هجوم آلمان به روسیه در سال ۱۹۴۱م سیل مهاجرین را تشدید نمود و این حرکت برخی از هالی بومی آسیای مرکزی را به شدت تحت تاثیر فرهنگ روسی قرار داد. تا سال ۱۹۵۹م نسبت اروپائیان در قزاقستان به ۶۵٪ و در آسیای مرکزی به ۲۵٪ رسیده بود اما این مهاجرت ها نتوانست جلو رشد روزافزون مسلمانان را بگیرد و در سال ۱۹۷۹م نسبت غیر مسلمانان در قزاقستان به ۵۷٪ و در آسیای مرکزی به کمتر از ۱۸٪ تنزل نمود. مهاجرت اجباری، تبعیدها و کشتارهای وسیع نیز از رشد روزافزون جمعیت آسیای مرکزی نکاست و روند مخاطره آمیز سلطه روسها را که بویژه از سال ۱۹۵۹م آغاز شده بود معکوس نشان داد و در فاصله سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۹م مسلمانان به جای پراکندگی، تمرکز بیشتری یافته اند و آهنگ بالای رشد طبیعی جمعیت مسلمانان در آینده وزنه بیشتری به آنان داده و این پدیده آنان را در برابر خطر استحاله فرهنگی حفظ نموده و هویت اسلامی آسیای مرکزی را نیرومند خواهد ساخت.

از لحاظ ذخائر اقتصادی و منابع معدنی و محصولات کشاورزی، آسیای مرکزی غنی است. تا قبل از انقلاب اکتبر که در مسائل کشاورزی این منطقه تغییراتی پدید آورد و این تحولات منجر به کاهش محصولات زراعی شد. ۹۰٪ پنبه شوروی سابق در این نواحی بدست می آمد؛ در این میان ازبکستان ۶۵٪ پنبه را بخود اختصاص داده بود. نصف محصول ابریشم نیز در همین جمهوری تولید می گردید.

دولت تزاری با توجه به استعداد منطقه و شرایط جغرافیائی به نوعی تک محصولی دست زده بود و طبق برنامه ای اکثر زمینهای زیر کشت آسیای مرکزی را به این محصول اختصاص داده بود که دولت شوروی پس از ۱۹۱۷م این سیاست را دنبال نمود و این حرکت منجر به کاهش کشت غله گردید. سیاست تک محصولی، مشکلات بزرگی را بخصوص در جنگ ها و هنگامه قحطی برای مردمان این نواحی پدید آورد. در نواحی استپی و سواحل دریای خزر، گندم کشت می شود، دامداری از فعالیتهای دیگری است که با ویژگیهای جغرافیائی و زندگی سنتی مردم بویژه عشایر و روستائیان تناسب دارد. در جمهوری ازبکستان به پرورش گوسفند قره گل توجه دارند. تربیت گاو در سواحل شرقی و غربی دریای خزر صورت می گیرد. در سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ که سیستم اشتراکی در آسیای مرکزی پیاده شد تعداد دامها کاهش یافت و به ۱۵۰۰۰۰۰ رسید در حالی که در سال ۱۹۲۹م آمار دام ۶۰ میلیون راس بود. این تنزل آشکار، سران شوروی را وادار نمود که به دامداران قزاقستان و آسیای مرکزی اجازه دهند، روش زندگی سنتی خود را از سر بگیرند. حرکت مزبور باعث رونق دوباره دامداری شد و میزان آن را در سال ۱۹۶۰ به ۵۷ میلیون راس و در سال ۱۹۷۹م به ۸۰ میلیون راس رسانید. ماهیگیری در سواحل دریای خزر و رودخانه ها به طریقی سنتی و جدید صورت می گیرد.

از لحاظ ذخائر نفت و گاز، آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت قابل توجهی داشته و بخش مهمی از نفت شوروی سابق از این مناطق استخراج می گردد.



توسعه صنعتی از سال ۱۹۱۷م در آسیای مرکزی آغاز شد تا قبل از آن این سرزمین منطقه ای کاملاً کشاورزی و دامپروری بود و تنها چند کارخانه پنبه پاک کنی و ابریشم کشی داشت. شوروی در ظاهر برای صنعتی کردن آسیای مرکزی و در باطن برای برهم زدن نظام سنتی و فراهم نمودن اسباب مهاجرت اروپائیان و اقوام روسی به این نقاط، باب صنعت را پس از جنگ جهانی دوم در نقاط مذکور گشود و توسعه سریع صنعت، وجوه اقتصاد را در آسیای مرکزی دگرگون نمود و طبقه بزرگ کارگران شهری را بوجود آورد. ولی چون افراد بومی چندان تمایلی به امور صنعتی نشان نداده اند اغلب کارهای غیر کشاورزی را افراد غیر بومی در دست گرفتند، که این جهش صنعتی با وجود منافع غنی و نیروی انسانی عظیم آسیای مرکزی با تنگناهایی چون منابع آبی محدود، دوری از مناطق اصلی صنعت کشور وجود تفاوتهای آشکار در شاخص های اجتماعی - اقتصادی در مقایسه با سایر مناطق مواجه شد.

توسعه امپراطوری روسیه بر نواحی آسیای مرکزی حدود ۳۴۸ سال طول کشید. اولیت فتح از سال ۱۵۵۲م با تسخیر غازان آغاز شد. در زمان ایوان مخوف و به سال ۱۵۸۴م روسها مناطق مسلمان نشین کنار ولگا و سیبری غربی را تسخیر نمودند و این نقاط برای همیشه از جهان اسلام جدا شد. در سال ۱۶۰۴م که روسها به داغستان حمله بردند، مردم این سرزمین به کمک قوای عثمانی در مقام مقابله با آنان برآمده و قوای روس را تارومار نمودند که ناچار به عقب نشینی شدند. این پیروزی مسلمین که با حرکتی استراتژیکی توأم بود باعث قویت حضور اسلام در میان اقوام کوه نشین شمال قفقاز شد و در قرن نوزدهم این منطقه در مقام رکن عمده مقاومت اسلامی در برابر هجوم روسها به سوی نواحی مسلمان نشین حضور یافت. طی قرون هفدهم و هیجدهم میلادی تا زمان کاترین دوم، اسلام مورد حمله و تعرض روسها بود و مراکز مذهبی مورد تهاجم قرار گرفتند به طوری که بین سالهای ۱۷۳۸م تا ۱۷۵۵م از ۵۳۶ مسجد غازان ۴۱۸ باب از بین رفت. موقوفات مصادره گردیده و فعالیتهای تبشیری آغاز شد مسلمانان مقاوم یا کشته می شدند و یا به مناطق دوردست می رفتند. در زمان کاترین دوم و به سال ۱۷۷۱م جزیره قزم به تصرف نیروهای روسی درآمد و در ۱۷۷۴م تحت الحمایگی دولت عثمانی بر آن پایان یافت. در عصر کاترین با تصرف خیره و خوقند قلمرو آن تحت عنوان فرمانداری کل ترکستان تحت کنترل مستقیم ارتش روسیه قرار گرفت. در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی مناطق مسلمان نشین ماورای قفقاز و آذربایجان کنونی به تصرف روسها درآمد.

از سال ۱۹۱۷م که نظام مارکسیستی در روسیه استقرار یافت تحت عنوان: برابری ملت ها، اعلام شد که در شوروی پدیده ای به نام ملت اسلام نمی تواند وجود داشته باشد و در تعارض میان ملیت با کمونیسم پیروزی با کمونیسم است؛ با این تصور نظام جدید به سرکوبی، انهدام، جابجایی اجباری مسلمانان پرداخت در سال ۱۹۴۴م، ۳۰۰۰۰۰ نفر از تاتارهای قزم بازداشت و با وضع فجیعی به سیبری و قزاقستان فرستاده شده و روسها و اوکراینی ها قلمرو سابق آنان را غصب نمودند. در همین سال بدون هیچ گونه دلیلی قوم منطقه مسختی جنوب گرجستان بازداشت شده و به قزاقستان و ازبکستان کوچ داده شدند که از ۲۰۰۰۰۰ نفر، حدود ۵۰۰۰۰ نفر از فرط سرما و گرسنگی در طول راه تلف شدند. بعد جمهوری خودمختار چچن اینقوش منحل گردید و قلمرو آن ضمیمه جمهوری فدراتیو روسیه شد واقوام آن بازداشت و تبعید گشتند. بدین گونه مقامات شوروی در صدد محو اقوام شمال قفقاز برآمدند اما تلاش آنان با شکست مواجه شد و با مرگ استالین از این ملت ها اعاده حیثیت شد و کوه نشینان شمال قفقاز موفق شدند تا سال ۱۹۵۹م برخی از ضربات را جبران کنند و علیرغم ۱۵ سال تبعید، جذب ملیتهای دیگر نشده و زبان خویش را از یاد نبردند.

در آسیای میانه مشی مسکو با مقاومت شدید روبرو گردید. تبلیغات ضد مذهبی یکپاز حربه های نظام کمونیستی بود که در این منطقه شروع شد. از سال ۱۹۲۵م موقوفات، مصادره و تا سال ۱۹۲۷م کلیه محاکم سنتی اسلامی برچیده شد. در سال ۱۹۲۸م طی تهاجم وحشیانه ای از انجام شعائر دینی چون مراسم سینه زنی

شیعیان در ایام عاشورا جلوگیری به عمل آمد و روحانیون با اتهام جهل و فساد و ارتشاء و حتی جاسوس ژاپن و آلمان! مورد تعقیب قرار گرفتند، بسیاری از مساجد و مراکز اسلامی تعطیل شد.

هجوم علیه یکی از مظاهر اسلامی یعنی حجاب از سال ۱۹۲۷م آغاز شد. مساجد به موزه و مرکز تئاتر و رقصانه تبدیل شد. شخصیت‌های اسلامی تبعید و شکنجه شدند. پس از جنگ دوم در سرزمین شاشان واقع در قفقاز حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر به طرز موحشی به نواحی شمالی و سیبری فرستاده شدند که حدود ۲۰٪ تا ۳۰٪ آنان در طول مسیر به علت سرما و گرسنگی تلف شدند. با ۴۰۰۰۰۰ نفر از مسلمین قرشای و قالمون هم این گونه رفتار کردند. در سال ۱۹۴۲م انقلاب بزرگ ترکستان شوروی بوقوع پیوست بطوری که طی آن مسلمانان سرزمین های اشغالی را باز پس گرفته و با بیرون راندن سربازان شوروی، جمهوری ترکستان را اعلام کردند که پس از جنگ دوم شوروی بدان حمله و این جمهوری را تصرف نمود.

در زمان حکومت استالین، آزادی نسبی برای مسلمین بوجود آمد و تسهیلاتی برای سفر حج فراهم شد و دارالعلم اسلامی در بخارا و تاشکند بوجود آمد و تسهیلاتی برای سفر حج فراهم شد که علت این برنامه را می توان در موارد زیر جستجو نمود:

- ۱- نفوذ و قدرت دین اسلام در میان مردمان آسیای مرکزی؛
- ۲- سنت اسلامی به عنوان چهار چوب قانونی طی قرون و اعصار در زندگی مردم جاری بود؛
- ۳- جوامع اسلامی با مرام و مسلک حزب حاکم بر شوروی بیگانه بودند و نظام حاکم سعی می کرد با ایجاد روابط مسالمت آمیز از شدت این انزجار بکاهد؛
- ۴- حمله به اسلام و مبارزه بر علیه مسلمانان از نفوذ نظام حاکم بر سرزمینها و کشورهای اسلامی بخصوص خاورمیانه می کاست.



در سالهای اخیر تا قبل از فروپاشی نظام پوشالی مارکسیستی حملات ستیزه جویانه ای علیه اسلام در شوروی شدت یافت و مشی خشونت و تعارض از سر گرفته شد و تبلیغات الحادی به طور گسترده ای، ادامه یافت و تلاش همه جانبه ای برای از میان برداشتن گرایشهای دینی برداشته شد.

پس از جنگ ۱۹۵۳م خروشچف حملات را با شعار بازگشت به تعالیم لنین از سرگرفت و تعداد مساجد و رؤسای مذهبی را تقلیل داد. انتشار کتابهای الحادی رشد فزاینده ای بخود گرفت. مؤلفان در این کتابها به خدشه نمودن مسائل اسلامی و مسخ ارزشهای مذهبی پرداختند. با همه اینها موفقیت قابل ذکری بدست نیاوردند و بر خلاف اختناق شدید و فشارهای فراوان، دین اسلام در زندگی مردمان آسیای مرکزی جاری است و حتی قدرت معنوی آن پرده آهنین نظام کمونیستی را از صلابت انداخت و با وقوع انقلاب اسلامی ایران

تجدید حیات اسلامی در بین ساکنین آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز به اوج خود رسید، و سرزمینی که دارای سابقه تاریخی و فرهنگی درخشان بوده و مردمان آن در قرون متمادی موجب قوت اسلام و پرچمدار آن بوده اند و دانشمندان بزرگی را در دامن خود پرورانده و صاحب موارث ارزشمند فرهنگی و هنری هستند بار دیگر با تحرک و هیجانی فراوان می رود تا از موازین اسلامی حراست و پاسداری نماید. امروز برای اکثریت جمعیت مسلمانان در جمهوری های مسلمان نشین، استقلال واقعی به معنای بازگشت به هویت اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران و دوام و استمرار آن در این نواحی، حس اسلام خواهی و دفاع از باورهای دینی را در میان مسلمانان آسیای مرکزی به مراتب افزون نموده است. مردم احساس می کنند پس از سالها فشار و جدایی تحمیلی از فرهنگ اسلامی، بار دیگر شخصیت معنوی خود را بدست آورده اند. این روحیه موجب آن شد که مردم برای برقراری حکومت اسلامی در جمهوریهای خود تلاش کنند. امروزه قریب به هفتاد میلیون نفر مسلمان در جمهوریهای تازه استقلال یافته آسیای میانه به این حقیقت رسیده اند که تنها در پرتو برقراری حکومت اسلامی و موازین شرعی می توانند دوام و بقای مذهب خویش را در قلمرو زندگی، برای خود تضمین نمایند.

تاریخ آسیای مرکزی با فرهنگ اسلامی و سنن ایرانی گره خورده است و در قرون متمادی مناطقی که اکنون به صورت جمهوریهای مستقل درآمده اند، جزئی از قلمرو ایران بوده اند و در عصر غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، این نواحی از نقاط اصلی ایران به شمار می رفته اند. در عصر صفوی مذهب تشیع در آذربایجان نفوذ نموده و دوره قاجاریه پیرو قطعنامه های گلستان، و ترکمن چای ابتدا گرجستان و بدنبال آن ایروان، نخجوان و بخش شمالی آذربایجان به روسیه واگذار گردید، سمرقند، خیوه، و بخارا موارث قابل توجهی از فرهنگ ایرانی دارند و زادگاه تعدادی از دانشمندان ایرانی همچون ابن سینا، فارابی، خوارزمی، جوهری، بخاری ترمذی، زمخشری و ... آسیای میانه می باشد، همان سرزمینی که در قرون اولیه اسلامی جزو خراسان بزرگ بود.



یادآور می شود که سرزمین ترکستان شرقی از نظر ذخائر و منابع کشاورزی و معدنی غنی است و می تواند به صورت قطب صنعتی عمده در آسیا درآید، نفت، ذغال سنگ، اورانیوم، سنگ آهن، طلا، فسفر، نقره، سرب، قلع، میکا، الماس، زمرد و گاز از منابع آن است اما کشور چین ضمن آنکه برای نوسازی کشورش از این منابع بهره می گیرد، ترکستان شرقی را در فقر و محرومیت و تحت فشارهای سیاسی اقتصادی قرار داده است و در مقایسه با ایالات دیگر و نواحی مجاور، این سرزمین بسیار عقب افتاده می باشد. در سالهای اخیر تا حدودی بخاطر نگرانی از اوضاع خاورمیانه و آسیای مرکزی، سیاست دولت نسبت به ترکستان شرقی دگرگون شده و تا حدودی از فشار بر آنان کاسته شده است و چین می کوشد روابط مسالمت آمیز بین چینیهای ساکن در این ایالت و مسلمانان فراهم کند ولی با تمام این تلاشها در سال ۱۹۸۱م بین اویغورها و چینیهای درگیری و نزاع پیش آمد. (۴)

ذیلا به بررسی جمهوری آسیای میانه می پردازیم:

قرقیزستان

جمهوری قرقیزستان با ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شمال تاجیکستان و شرق ازبکستان و قزاقستان قرار دارد. این سرزمین از شرق و جنوب شرقی با ایالت ترکستان شرقی چین (سین کیانگ) همسایه است. سرزمینی کوهستانی می باشد و ۷۰٪ آن را ناهمواریها و نقاط مرتفع تشکیل می دهد. وجود ارتفاعات پوشیده از برف گرچه موجب وزش بادهای سرد و حاکم شدن آب و هوای سرد زمستانی در این نقاط می شود اما در فصل بهار و تابستان با ذوب برفهای آن و افزایش آب رودخانه ها و چشمه ها سرسبزی منطقه را افزون می نماید. دریاچه آیسیک کول تقریباً در شمال شرقی این جمهوری واقع است که به طراوت منطقه می افزاید.

قرقیزستان در سال ۱۳۵۸ش، ۳۵۲۹۰۰۰ نفر سکنه داشت اما در حال حاضر جمعیت آن به ۴/۵ میلیون نفر بالغ می گردد. از قریب به ۳ میلیون نفر قرقیزی شوروی سابق نزدیک به ۲/۵ میلیون نفر آن در این جمهوری ساکنند بقیه نژادهای آن را تاجیک ها (فارسی زبان) ازبک ها، روس ها اوکراینی ها و آلمانی ها تشکیل می دهند و می توان اذعان نمود که ۲۵٪ سکنه آن اروپائی اند.

ترکیب قومی متنوع، گاهی درگیریها و تشنجهایی را در این کشور بدنبال داشته است و تازه ترین آن نبرد بین قرقیزها و ازبک ها در بهار سال ۱۳۶۹ش می باشد. (۵)

قرقیزها (خرخیزها) از اواسط هفدهم میلادی بتدریج به اسلام روی آوردند و هم اکنون اکثریت آنان مسلمانند. زبان رایج آنان قرقیزی است که به زبان ترکی مرکزی تعلق دارد و دارای گویش های گوناگون می باشند. (۶)

Translation Movement

این قوم همچون سایر اقوام آسیای میانه در آغاز قرن سیزدهم میلادی زیر سلطه قوم خونخوار مغول قرار گرفتند و پس از آن به تناوب تحت سیطره چینی ها و خانهای مغولستان قرار داشتند. این کشور در سال ۱۸۸۶ میلادی به اشغال روسها درآمد و با عنوان بومی فرغانه به امپراطوری روسیه منضم گردید. در سال ۱۹۳۶ میلادی تحت عنوان «جمهوری سوسیالیستی خود مختار قرقیزستان»، این سرزمین شکل گرفت که تا سال ۱۹۸۷ میلادی به همین شکل باقی ماند اما در این تاریخ اعلام استقلال نمود و دست به یک سری اصلاحات سیاسی زد، و در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۷۰ش به عنوان یک کشور مستقل به عضویت سازمان ملل درآمد. مرکز آن قبلاً فروزنه نام داشت که در تحولات جدید نام سابق خود را که پیشیک است، بازیافت. کاخ ریاست جمهوری قرقیزستان به تقلید از آرامگاه مولوی، عارف ایرانی بنا شده و این خود نفوذ فرهنگ ایران را در جمهوری مذکور نشان می دهد. مرکز حکومت، در حدود ۱۵٪ سکنه قرقیزستان را در خود جای داده است. این کشور دارای ۱۸ شهر و ۳۱ اقامتگاه می باشد. کشور قرقیزستان نسبت به سایر جمهوری های آسیای مرکزی

آرامتر و با ثبات تر است اما با تورمی مهار نشدنی و فقر و محرومیت شدید روبرو می باشد در حالی که در نواحی کوهستانی جاری هستند گرچه برای کشتیرانی مناسب نمی باشند (بدلیل آبشارهای مسیر) اما از منابع مهم تولید برق آبی (انرژی هیدروالکتریک) (۷) می باشند. این کشور از مهمترین تولید کنندگان اورانیوم و زغال سنگ در آسیای میانه به شمار می آید و دارای معادن دیگری چون نفت، گاز طبیعی، طلا، سرب، روی، سنگهای ساختمانی و ... می باشد.

چراگاههای دامنه های کوهستانی آن سرسبز و خرم بوده و موجب رونق دامداری در این منطقه شده است. ۱۰٪ اراضی آن قابل کشت هستند. قرقیزستان کشوری است محصور در خشکی و به دریای آزاد راه ندارد. توسعه صنعتی در این کشور با عنایت به جمعیت بومی و عدم رغبت آنان به مشاغل صنعتی، موفقیت آمیز نبوده است. به عنوان مثال در سال ۱۹۵۹م درصد کارگر بومی در بخش صنایع ۳۴٪ بوده در حالی که اکثریت شاغل ها در افراد بومی در این سال تشکیل می داده اند ولی در همین سال ۳۲٪ افراد غیر بومی در بخش صنعت مشغول بکار بوده اند. (۸)

تاجیکستان

جمهوری تاجیکستان با ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع در شمال افغانستان و شرق ازبکستان قرار دارد. از شمال با قرقیزستان و از شرق با ایالت ترکستان شرقی (سین کیانگ) چین، مرز مشترک دارد، در سال ۱۹۷۹م ۳۸۰۶۰۰۰ نفر سکنه داشت اما هم اکنون ۵۳۰۰۰۰۰ نفر سکنه دارد یکی از قدیمی ترین تمدن های آسیای مرکزی در این منطقه وجود دارد که تاجیک ها وارث آن هستند. در حدود ۸۶٪ مردم تاجیکستان پیرو دین مبین اسلام می باشند. علاوه بر تاجیک ها، اقوام روسی و اروپائی در آن سکونت دارند. این کشور از قرون گذشته و حتی قبل از میلاد بخشی از خاک ایران بوده و پیوندهای فرهنگی و ملی بین این دو کشور وجود دارد. در قرن سیزدهم مورد تاخت و تاز مغولها قرار گرفت و در سال ۹۸۷۳م روسها آن را به تصرف خود درآوردند و ۴ سال پس از انقلاب ۱۹۱۷م یعنی در سال ۱۹۲۱م ارتش کمونیستی شهر دوشنبه را تصاحب نمود و این سرزمین در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹م (۲۴ مهر ۱۳۰۸ش) تحت عنوان: «جمهوری سوسیالیستی استالین آباد» به مجموعه جمهوریهایی تحت نظر کرملین پیوست که تا سال ۱۹۶۱م این نظام سیاسی را حفظ نمود و از آن پس نام خود را به تاجیکستان تغییر داد. این کشور تا سال ۱۹۹۱م، بیش از ۶۰ سال با نظام کمونیستی و تحت تعلیمات الحادی اداره می شد. برخلاف سرکوبی مذهب، توسط کمونیسم در تظاهرات و تحصن ها و تحولات اخیر، مذهب به صورت قوه محرکه تجدید حیات فرهنگ تاجیکستان و تغییرات سیاسی این کشور درآمده است. تظاهرات هفت هفته ای در این کشور برای سرنگونی رحمان نبی اف از اعضای حزب کمونیست شوروی سابق از نمونه های بارز تلاش مسلمانان برای بازگشت به اعتقادات دینی است. تجلی اعتراض مذکور به صورت برگزاری نمازهای جماعت در مساجد و اماکن عمومی است. معترضین در چادرهایی که در برابر کاخ ریاست جمهوری در ناحیه ای بنام «میدان شهدا» برپا کرده بودند با مراسم دعا، قرائت قرآن و سخنرانی مردم

را تحت تاثیر احساسات مذهبی و هیجانی اسلامی قرار می دادند. به نحوی که تحت تاثیر این برنامه ها، زنان به پوشیدن اندام و رعایت حجاب اسلامی ترغیب شدند. مراسم نماز جماعت که همه روزه یک بار در این میدان بر پا می شد به ۵ بار در روز افزایش یافت. (۹) این در حالی است که در گذشته حتی در منازل نمی توانستند عبادت انجام دهند و مراسم سوگواری حضرت ابا عبدالله (ع) و دستجات عزاداری در زیر زمین ها برگزار می شد و در ورودی این زیر زمین ها، کشیک می گذاشتند تا در صورت آمدن ماموران امنیتی، متفرق شوند. آگاهی از انقلاب اسلامی هم در دوران کمونیستی از طریق رسانه های استکباری و خبرگزاریهای وابسته به ابرقدرتها بود که تصویر منفی و مشوشی از ایران در ذهن مردم می ساختند و حتی امریکا در منطقه آشوب زده کولاب، از طریق اشرار علیه انقلاب اسلامی تبلیغ می نمود. با این حال مردم تاجیک می گویند: بدون گندم آری ولی بدون ایران هرگز، تاجیکستان در واقع پاره جدا افتاده از ایران و به عبارتی ایران کوچک است. (۱۰)

با فروپاشی شوروی، استقلال تاجیکستان در ۹ سپتامبر ۱۹۹۱م تحقق یافت و نهضت مردم که بر بنیانی عقیدتی استوار بود منجر به روی کار آمدن اپوزیسیون متشکل از حزب های نهضت اسلامی، دموکرات، سازمان رستاخیز و بدخشان گردید و ۳۰٪ کابینه در بدو استقلال از این احزاب بودند. نظام حکومتی آن مصالحه ملی و رئیس جمهوری کفیل وحدت ملی نام دارد. حزب نهضت اسلامی که همزمان با انقلاب اسلامی ایران در این کشور بوجود آمده یکی از قوی ترین گروه های سیاسی به شمار می رود. سازمان آریانای بزرگ بین تحصیل کرده ها و حتی افراد عادی، طرفداران فراوانی دارد که آرمان آن ایجاد دولت واحدی در سرزمین های فارسی زبان است. خطباء مساجد تحت سرپرستی اداره تأمینات (رهبر مذهبی مسلمانان) فعالیت می کنند در سالهای اخیر ۱۵۰۰ مسجد در نقاط مختلف تاجیکستان تاسیس شده که ۱۵۰ واحد آن مسجد جامع است. (۱۱)

یکی از مشکلات مهم سیاسی این جمهوری تازه استقلال یافته این است که گرایش دینی گرچه بین عده ای از مردم نیرومند است اما چندان فراگیر نمی باشد زیرا در مدت چند دهه سلطه کمونیستی، آموزش علوم دینی به طور رسمی در آن متوقف بوده و طالبان قادر نبوده اند برای تحصیل علوم اسلامی به کشورهای مسلمان مسافرت کنند و به تکمیل معلومات مذهبی بپردازند.

گرایش ملی گرایان هم قدرت آن را ندارد که به تنهایی حکومت کند و متأسفانه گرایش کمونیستی هنوز قوی ترین گرایش سیاسی این سرزمین می باشد. از سوی دیگر عده کثیری از روسها، مشاغل کلیدی صنعتی و فنی را در دست دارند. حضور ارتش سرخ با نامی جدید نیز موقعیت طرفداران کمونیسم را تقویت می کند اما آرمان کمونیسم در جهان بی اعتبار شده و رسوایی فروپاشیدن آن در شوروی و اروپای شرقی اجازه نمی دهد که این افراد جان بگیرند و در راس نظام سیاسی قرار گیرند.

تشنج های سیاسی و چالشهای اقتصادی، این گرایش را شدت بخشیده و به این کشور اجازه نمی دهد نظام سیاسی پایداری را جانشین رژیم فرو ریخته قبلی کند. امریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل تا کنون تلاشهای فرهنگی - سیاسی فراوانی برای اعمال نفوذ در این جمهوری بعمل آورده اند اما مقاومت اسلامی مردم اجازه نداده است که این تلاشهای مذبوحانه به ثمر برسد.

یکی از مسائل مهم در هویت فرهنگی تاجیکستان، زبان فارسی است که در رژیم گذشته کوشش بر این بوده تا تاجیک ها این زبان را که موجب قرابت تاریخی، فرهنگی و ادبی با ایران می شد فراموش کنند. لذا روسها آموزش خط فارسی را متوقف نمودند و با این کار آنان را از خواندن نشریات و آثاری که به زبان فارسی انتشار می یافت محروم کردند و با ایجاد دیوار آهنین ارتباط آنان را با فرهنگ ایرانیان قطع نمودند و خط سیریلیک را رواج دارند و با نفوذ مهاجرین روسی در مراکز علمی، فرهنگی، فنی و اداری زبان روسی در این کشور حضور بیشتری یافت زیرا مشاغل مهم و تخصصی و علمی در دست افرادی بود که فارسی نمی دانستند. با این وجود، مردم با حالتی از شور و هیجان به زبان مادری خود (فارسی) سخن می گویند و اولین جشنهای سالگرد استقلال خود را با پرده برداری از پیکره فردوسی آغاز کردند و جالب اینکه مجسمه لنین را برداشته و این پیکره را بجایش نهادند و با شور و التهاب خاصی با هم زمزمه می کردند:

«بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی» (۱۲)

دولت نیز اعلام کرد که خط فارسی را به عنوان خط رسمی مکاتبات خود انتخاب می نماید. اکثریت مردم تاجیکستان باسوادند و اغلباehl کتاب و روزنامه و مجله هستند. کتاب طرز آموزش خط و زبان فارسی در طول یک سال ۳ بار چاپ شد. سالانه بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ جلد کتاب در این کشور انتشار می یابد که غالب آنها در موضوعات علوم انسانی است و هم اکنون روزنامه های پیوند و سامان به زبان فارسی چاپ می شود. در این کشور ۱۲۶ مجله و روزنامه وجود دارد که ۳ تای آن مربوط به بخش خصوصی و بقیه در انحصار دولت است. ۱۳ عنوان آن ها سراسری، ۱۰ عنوان هم به صورت هفته نامه می باشد. بالاترین تیراژ آن به نشریات «جمهوریت»، «راز و نیاز با مردم» و روزنامه خصوصی «چراغ روز» اختصاص دارد که تیراژ آنها به ۷۰۰۰۰ نسخه بالغ می گردد. (۱۳)

مرکز حکومت تاجیکستان شهر دوشنبه است و این کشور در حال حاضر دارای ۱۸ شهر و ۴۹ اقامتگاه می باشد.

رودخانه های فراوان آن در تولید انرژی برق آبی اهمیت ویژه ای دارند. ذخائر غنی آهن، سرب، روی، مس، قلع، جیوه و اورانیوم در سرزمین مذکور بدست می آید. همچنین نفت و گاز طبیعی از جمله ثروت های خدادادی

مردم این سامان است. تاجیکستان از تولیدکنندگان عمده کتان در آسیای مرکزی است و صنایع شیمیائی، قالی بافی، جوراب بافی، پوشاک، نساجی و مواد غذایی در آن استقرار داشته و از شهرت خوبی برخوردارند.

در رژیم گذشته، از این امکانات بالقوه (ذخائر معدنی) به آن صورت بهره برداری نشد و اکنون تاجیکستان می خواهد بخود متکی شود دچار کمبودهای شدید و تورم طاقت فرسا شده است و حتی بسیاری از وسایل حمل و نقل به علت کمبود سوخت متوقف شده اند و مشکل گرانی و بحرانهای سیاسی، اجتماعی، ممکن است ثبات این کشور را به مخاطره بیفکند. (۱۴)

ایران ضمن فعالیت های فرهنگی می تواند تاجیکستان را در استخراج منابع معدنی و توسعه صنعتی و بهبود اوضاع اقتصادی مساعدت کند.

پی نوشتها

- ۱- حکومت مسکو و مساله مسلمانان آسیا مرکزی - مایکل ریو کین ترجمه محمود رمضان زاده ص ۲۰۵.
- ۲- مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده - الکساندر بنیگسن و ... ترجمه کاوه بیات.
- ۳- اقلیتهای مسلمان ترجمه ایرج کرمانی صفحات ۲۷۱ تا ۲۷۳.
- ۴- اقلیتهای مسلمان در جهان، ترجمه ایرج کرمانی صفحات ۲۸۲ تا ۲۹۵، در ضمن در بخش مسلمانان چین این سرزمین تا حدودی معرفی شده بود.
- ۵- رسالت ش ۱۹۹۱.
- ۶- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۷۲۶.
- 7-Hydro Electric power -Michael 8) حکومت مسکو و مساله مسلمانان آسیای مرکزی نوشته مایکل ریو کین ترجمه محمود رمضان زاده ص ۷۶. (Rywkin)
- ۹- بیداری اسلامی در آسیای میانه، نیویورک تایمز.
- ۱۰ و ۱۱- برگرفته از مصاحبه علی اشرف مجتهد شبستری سفیر ایران در تاجیکستان با روزنامه اطلاعات ش ۱۹۶۶۵ - ۲۵ تیر ماه ۱۳۷۱.
- ۱۲- ایران و تاجیکستان مستقل - ناصر ایرانی، مجله نشر دانش سال دوازدهم ش پنجم مرداد و شهریور ۱۳۷۱.
- ۱۳- ماخوذ از مصاحبه روزنامه اطلاعات با محمداف باخان وزیر مطبوعا جمهوری تاجیکستان (روزنامه اطلاعات ش ۱۹۶۱۱).
- ۱۴- در تازه ترین تحولات، قوای کمونیستی به کشتار شدید مسلمانان پرداخته و یک میلیون نفر مسلمان را آواره کرده اند.

مشخصات عمومی قاره افریقا

قاره افریقا با سی میلیون کیلومتر مربع وسعت، ۲۰٪ خشکی های زمین را در بر می گیرد. فاصله شمالی ترین تا جنوبی ترین نقطه این سرزمین ۸۰۰۰ کیلومتر و پهنای آن از شرق تا غرب به ۷۴۰۰ کیلومتر می رسد.

این قاره از ۴۰ درجه عرض شمالی تا ۴۰ درجه عرض جنوبی کشیده شده و نیز بین ۲۰ درجه طول غربی و ۵۰ درجه طول شرقی واقع است. خط استوا آن را به دو قسمت تقسیم می کند. صحرای وسیع، بخش عظیمی از این خشکی را می پوشاند و صحرای کبیر افریقا با ۹ میلیون کیلومتر مربع وسعت ۴۴٪ صحرای جهان را به خود اختصاص داده است. (۱) فلاتهای و ارتفاعات نیز قسمتی از چهره طبیعی تاسیسات بندری در این قاره می باشد. متوسط ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۶۷۵ متر و مهمترین کوههای آن عبارتند از کوههای اطلس در شمال غربی، کوههای کنیا و کلیمانجارو در آفریقای شرقی (تانزانیا). دومین رود جهان به لحاظ طول (با ۶۴۰۰ کیلومتر) در این قاره جریان دارد. رودهای افریقا اغلب بدلیل آبشارها و تندآبها گرچه برای کشتیرانی مناسب نیستند ولی از مهمترین منابع برق آبی در سطح جهان به شمار می آیند. جنگلهای کاملاً سبزی به آن داده است. دره شکستگی ها و گسل های زیاد و سایر حرکات زمین ساختی، موجبات پیدایش دریاچه ها و چشمه سارها و آبشارها را در این خشکی فراهم نموده است. انواع آب و هوا به جز آب و هوای قطبی را می توان در آفریقا مشاهده نمود. (۲)

گرچه این قاره تا چند قرن قبل، سرزمین ناشناخته ای بوده اما از چندین قرن قبل از میلاد، تمدنهای متفاوتی در بستر آن رشد کرده اند که صاحب موارث فرهنگی و آثار ارزشمندی هستند که نبوغ و ابتکار و جلوه های هنری مردمان آن را به اثبات می رساند.

Translation Movement
IMS

تمدن مصری که به تعبیر هرودوت هدیه رودخانه نیل می باشد چندین قرن قبل از میلاد یک زندگی شهری را بنیان نهاد. تمدنی که هنر پرور و صاحب ابداعات زیادی بود و از روی جزر و مد، تقویم را اختراع کرد و بر زوی پاپیروس نقشه ترسیم می نمود. مردمان این نواحی هنر خط نویسی داشتند و ساختمانهایی با بناهای سنگی بنا می کردند. بدنبال آن دو دولت، یکی در سواحل رودخانه نیل و دیگری در دلتای آن بوجود آمد. بعدها در چندین سده قبل از میلاد، تمدن بربرها در آفریقای شمال غربی با تکیه بر فرهنگ های بومی پایه ریزی شد. اینان همان اقوامی بودند که یونانیان برای نخستین بار، مهار یراق کردن چهار اسب به یک رابه را از آنان آموختند. (۳)

پس از میلاد مسیح غنا، مالی، سونگایی، کانم در نواحی مختلف افریقا بوجود آمد. اولین بار چینی ها در آغاز قرن دوازدهم میلادی باسواحل شرقی افریقا رابطه برقرار کردند و پس از آن فنیقیها و یونانیها به ساحل افریقا راه یافتند. دوره جدید اکتشاف افریقا به مسافرت پرتغالی ها بر می گردد. در سال ۱۴۸۸م باتولومئودیاس، دماغه امید نیک را دور زد و ده سال پس از آن بر سر راه خود به هند، به ساحل کنیا در افریقای شرقی رسید. دریانوردان هلندی، اسپانیولی، دانمارکی و انگلیسی نیز به افریقا هجوم بردند. انگیزه این تهاجم دست یافتن به طلا بود. در قرن پانزدهم پرتغالی ها در سرزمینی که اکنون تحت قلمرو کشور غناست، طلا کشف نمودند و بدین لحاظ آن را ساحل طلا (مینا) نامیدند. یکی از اسف انگیزترین حوادث افریقا مسئله خرید و فروش برده است که دول اروپائی به تحقیر انسانهای این قاره پرداخته و در شرایط بسیار ناگوار و دهشتناکی آنان را همچون کالایی به امریکا منتقل کرده و بفروش می رسانیدند. این حرکت در ترکیب و ساختمان اجتماعی - اقتصادی افریقا، اثرات سویی باقی گذاشت، بزیل دیویدس (۴) انگلیسی در کتاب تاریخ افریقا می نویسد:

«...کاپیتانها که بردگان را برای اندازه های بدنی یا نیرومندی و یا زیبایی می خریدند برای اطمینان یافتن از اینکه کالاها [برده ها] طبق سیاهه هستند آزمایش های بیرحمانه یی می کردند، آنان را به زنجیر کشیده، در زیر عرشه نکبتبار و خفقان آور می چپاندند.» (۵)

باربوت می نویسد:

«... بر روی سینه هر یک از بزرگان که برگزیده شده اند چون کالا با آهن کداخته سرخ داغ می گذارند و این داغ، نشان شرکتهای فرانسوی، انگلیسی و یا هلندی است تا هر ملتی بتواند دارائی خود را باز شناسد.»

دیوید سن انگلیسی اضافه می کند که: *Translation Movement*
.JMS

«این اهانت [برخورد با بزرگان] در جامعه اروپا و امریکا شاخه گسترده، پهنه مساعدی برای اهانت متکبران یی نسبت به انسانیت افریقائیان پدید آورد در این پهنه بود که افکار و نگرشهای تازه نژادی به آسانی ریشه گرفتند و بعدها در گذر دهه های هجوم سده نوزدهم و تملک قاره [افریقا] در سده بیستم به اوج خود رسیدند.» (۶)

پس از این دوره تاریک، اروپائیان برای تصرف قمستهای مختلف افریقا دست به کار شدند. حرکت مزبور از سال ۱۸۷۴م با تصرف ساحل طلا از سوی انگلیس شروع شد. در ۱۸۸۱م فرانسه، تونس و بخشهایی از شمال افریقا را مستعمره خود نمود. افریقای جنوب غربی توسط آلمان اشغال شد. سرزمین های بین کامرون و مستعمره پرتغالی آنگولا را فرانسویان تصاحب نمودند بعدا به غرب سودان و ماداگاسکار دست یازیدند. بدنبال این تقسیمات در سال ۱۸۸۴ملئو پولد دوم منطقه کنگو را ملک شخصی خود قلمداد نمود و بدین گونه بلژیک

هم سهمی بدست آورد. (۷) ایتالیا نیز لیبی فعلی و سومالی را از آن خود نمود. بدین ترتیب در آغاز قرن بیستم، تمامی نقاط افریقا بین اروپائیان تقسیم شد و غارت افریقا از سوی غرب آغاز گردید. پس از جنگ دوم پاره ای از سرزمین های افریقا، اربابان خود را عوض نمودند و در این جریان آنچه که مطرح نبود، حقوق سکنه اصلی این مناطق بود و مرزهای نقاط تحت اشغال، خود سرانه و برحسب مشی تجاوز طلبی و خودکامگی آنان مشخص گشت. مسائل قومی و فرهنگی در نظر گرفته نشد و گاهی قبیله یا قریه ای را به دو قسمت تقسیم می نمود که متأسفانه این تقسیم بندی مرزی هنوز باقی است و بسیاری از درگیری های مرزی و نزاعهای قبیله ای و جنگهای داخلی را پدید آورده که منجر به خسارات مالی و جانی فراوانی شده است. انگیزه این استعمار چیزی جز دست یافتن به مواد خام و بدست آوردن بازار فروش مصنوعات ساخته شده کارخانجات اروپا نبود، «آلبارسارو» وزیر مستعمرات فرانسه در مورد علت استعمار افریقا می گوید:

«منشا استعمار جز یک کیفیت کارفرمائی خصوصی - که ضمن آن طرف نیرومندی بنحوی یک جانبه و خودخواهانه طرف ناتوان را تابع خویش می گرداند - چیز دیگری نیست.» (۸)

در مناطق استعمار شده، هیچ گونه فعالیتهای رفاهی صورت نمی گرفت. و توسعه و احداث خطوط آهن و راههای شوسه هم برای انتقال مواد اولیه و منابع معدنی استخراج شده بود، نه برای رفاه مردم.

وسعت مستعمرات نیز خیلی بیشتر از قلمروهای سیاسی کنونی بود به گونه ای که دو واحد مستعمراتی فرانسه یعنی افریقای غربی و استوایی تا سال ۱۹۵۱م به بیش از ۷ میلیون کیلومتر مربع بالغ می گردید که مجموع این دو ناحیه تنها ۲۳ میلیون نفر سکنه داشت. بعد از استقلال در نقاط یاد شده دوازده واحد سیاسی بوجود آمد. منطقه عملیات برای غارت ذخائر زیر زمینی نیز قابل توجه بود به عنوان نمونه یکی از شرکتهای انگلیسی که امتیاز استخراج طلا و بهره برداری از محصولات جنگلی در ایالت آسانتی عنا را بدست داشت، منطقه ای به وسعت ۲۶۰ کیلومتر مربع را غارت می نمود. شرکتی بلژیکی معادن مس کاتانکا به مساحت ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع و معادن قلع به وسعت ۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع را در اختیار داشت.

در دوران استعمار افریقا مردم تحت فشار اروپائیان در ناگوارترین شرایط بسر می بردند و بقول قوام نکرومه با آنان نظیر حیوانات رفتار می شد و در واقع می خواستند فرهنگ و هویت افریقائی را به استحاله وادارند و تح این حرکت و بدنبال تحقیر انسانها، افراد افریقائی با اندیشه نقص ارزش و فراموشی خویشتن به پیش می رفتند. در عصر استعمار در سرزمین های تحت قلمرو و ملل افریقائی نوشته هایی به چشم می خورد از قبیل: «ورود افریقائی ها ممنوع» و یا «فقط برای اروپائی ها» نیروهای انسانی تحقیر می شدند تا ب راحتی بتوانند در نقش کارگران ارزان در خدمت آنها باشند و ضمناً حالت خشونت و اعتراض و قیام بخود نگیرند. آنها به موازات

آنکه از توسعه اقتصادی، جلوگیری می نمودند از گسترش افق فکری و اجتماعی نیز در هراس بودند و مدام می گفتند:

«افریقائی قدر شرایط بهتر را نمی داند و استعداد تحصیلات بالاتر را ندارد.»

و به افریقائیان اجازه نمی دادند تخصص ها و تکنیک ها را فرا بگیرند حتی در معادن که افریقائی ها و اروپائی ها کار واحدی انجام می دادند، مزد افریقائی به یک دهم مزد اروپائی با همان درجه تخصص نمی رسید و میلیونها انسان بصورت مزدوران ارزان درآمدہ بودند و به قول جک وادیس در کتاب علل انفجار افریقا:

«بنحو فاجعه آسانی سطح زندگی ملل افریقائی تحت تاثیر استعمار تنزل یافته است.»

هلندی ها آنقدر تنگناهای غذایی برای افراد مستقر در جنوب افریقا بوجود آورده بودند که مجله نیوساین تیست در ش ۲۰ اوت ۱۹۵۹ م نوشت:

«اگر برای موشهای آزمایشگاهی جیره ای برابر خوراک معمولی افریقائی ها تعیین کنند از زور گرسنگی بچه های خود را خواهند بلعید.»

این فشارها موجب آن شد که طی ده سال، یک میلیون نفر افریقایی از مستعمرات پرتقال به نقاط دیگر مهاجرت کنند. کاپیتان گالواو می نویسد:

دولت ترجمه

«در پاره ای از شئون وضعی که در اینجا حکمفرماست از بردگی معمولی نیز بدتر است زیرا در رژیم بردگی، بومیان را مانند چهارپایان بفروش می رسانند و نفع ارباب در این است که برده وی مانند اسب و گاو تندرست باشد ولی در اینجا بومیان را کرایه می کنند و در هنگام کار به بیماری و مرگ آنان اعتنایی نداشته و اگر یکی از آنها مریض شود و یا بمیرد اجیر کننده وی از دولت می خواهد که دیگری را بجای وی بفرستد.»

وضع آموزش در دوران استعمار بسیار اسفناک بود، در سال ۱۹۵۴م در رود زیا ۱۶٪ افراد لازم التعلیم به مدرسه می رفتند این رقم برای افریقای استوایی فرانسه ۱۸٪ بود، در سال ۱۹۵۰ م ۹۹٪ مردم موزامبیک بیسواد بودند در سال ۱۹۵۴ م از ۶ میلیون کودک افریقائی ۵۰۰۰ نفر در مدارس ابتدایی تحصیل می نمودند.

با وجود آنکه در نقاط مختلف افریقا مواد خام صنایع، فراوان بود، خبری از تاسیسات صنعتی نبود و جلو توسعه صنایع عمدا گرفته می شد تا مردم وابسته به کالاهای غربی باشند. ف - ج پدler در کتاب خود موسوم به افریقای غربی در مورد منع توسعه صنایع افریقا از سوی اروپائیان توجیه مسخره ای دارد و می گوید:

«آنها (استعمارگران) می خواستند سیستم اجتماعی قبایل افریقائی را از تاثیر مخرب شرایط زندگی شهری مصون دارند.» (۹)

آنها به هیچ عنوان راضی نمی شدند ثروتهای ملی افریقا در راه توسعه مردمانش بکار گرفته شود زیرا اشتباهی سیری ناپذیر به بهره کشی استعماری، آنان را به این کار بی میل نموده بود بزیل دیویدسن می خواهد حمله به افریقا را از سوی غربی ها به گونه ای دیگر توجیه کندو آن این است که افریقا دچار ظلم و زور و نا امنی شده که این پدیده بیماری افریقای وحشی است و تنها پا در میانی خارجی می تواند افریقا را از شر خویش در امان دارد. (۱۰) که تناقص اظهارات وی با توجیه ف ج پدler آشکار است.

پس از استقلال نیز کشورهای افریقائی وضع آشفته ای داشتند و گرچه سپیده آزادی در حال دمیدن بود. وضع وخیم و معضلات فراوان سرزمینهای زخم خورده را به صورت غیر عادی در آورده بود، تجدید بنای اقتصادی کشور با کمبود نیروهای کاردان و فنی با آموزشهای لازم، روبرو بود که گاهی برخی از آنها ناگزیر شدند از نیروهای خارجی کمک بگیرند که این خود نوعی از سلطه به شکلی جدید را به ارمغان آورد. نظام سیاسی نیز دچار تزلزل بود و اقتصاد بیمار متکی بر تک محصولی توان آن را نداشت که کشور را روی پای خود نگه دارد. از آن سوی استعمارگران که به ظاهر، استقلالی به کشورهای افریقائی داده بودند، با حرکتهای موزیانه برنامه هایی را تدارک دیده بودند که این سرزمینها روی خوش و آرامش را بخود نبینند و کنترل سیاسی غرب بر آنها ادامه یابد که این حرکت منجر به استعمار نو یا «نئوکولونیالیسم» (۱۶) شد اکنون که ما با ۵۴ واحد سیاسی مستقل در قاره افریقا روبرو نظاره گر فقر و محرومیت اکثر کشورهای آن می باشیم و می توان گفت: روزگار قاره سیاه هنوز هم تیره است، زیرا:

۱- بالاترین رقم بیسوادی را با ۵۴٪ بخود اختصاص داده است (در مقیاس جهانی).

۲- در حالی که بیش از ۸۰٪ الماس، ۶۰٪ کبالت، ۶۰٪ طلا، ۴۵٪ آنتیموان، ۸۵٪ کلمبیت، ۳۵٪ منگنز، ۳۰٪ کرم و ۳۲٪ مس جهان در این قاره بدست می آید و منابع غنی اورانیوم، برق آبی و ۲۷٪ اراضی جنگلی در آن واقع است، در آمدی ناچیز داشته و برابر تولید ملی کشور بلژیک است! و پس از بیش از ۳۰ سال استقلال (از ۱۹۶۰ م تا کنون) در آمد آن افزایش آن چنانی نداشته است.

۳- صنعت در آن توسعه نداشته و کشاورزی آن شیوه ای کهن و سنتی دارد.

۴- سهم تجارت خارجی این قاره در جهان ۱/۵٪ است.

۵- میزان بدهی آن ۱۶۰ میلیارد و بهره آن ۸۰ میلیارد دلار است.

۶- کشت محصولات تجارتي و بازرگانی و رواج اقتصاد تک محصولی که نبض اقتصاد کشورهای این قاره را در دست دول اروپائی قرار داده است.

۷- خشک سالی های پی در پی که تلفات انسانی و ضایعات مالی زیادی به بار می آورد.

۸- کاهش میزان حداقل دستمزدها که در برخی کشورهای آن تا ۸۵٪ کاهش یافته است.

۹- فقر مواد غذایی اصلی و سوء تغذیه و گرسنگی کیفی، به عنوان نمونه در کشورهایی چون کنیا، ساحل عاج، زئیر و مراکش صدها هزار کودک یتیم از خانه گریخته و برای سیر کردن شکم خود، خویش را در اختیار افراد خارجی قرار می دهند.

۱۰- وجود استعمار به شیوه جدید برای بلعیدن منابع غنی این قاره.

۱۱- ۷۵٪ محصولات غذایی خود را وارد می کند.

ترجمت ترجمه
Translation Movement

۱۲- هر ساله باید به فکر ۲۲ میلیون جمعیت اضافه شده باشد. (۱۲)

۱۳- حمله هولناک ملخها به مزارع که با موجهای ۵۰ میلیاردی با حمله به ساقه گندم، جو و ذرت، ۴۰ میلیون افریقائی را از مواد غذایی محروم می کند. در الجزایر هجوم ملخها، نیم میلیون نفر را هلاک نمود. (۱۳)

۱۴- بیماریهای عفونی، مرگ و میر اطفال و عدم توسعه امکانات بهداشتی و دارویی.

۱۵- کشمکشهای داخلی، مرزی و قبیله ای که با تحریکات خارجی صورت می گیرد و باعث کشتارهای زیاد و تلفات مالی فراوان می شود، نظام سیاسی کشورها را تهدید نموده و اقتصاد آنان را آشفته می سازد.

۱۶- گسترش بیابان و کویرزائی و تبدیل اراضی زراعی به بیابان و صحرا.

۱۷- بهره برداری بی رویه از منابع جنگلی که با نابودی این ثروت عظیم و فرسایش خاک توأم می باشد.

۱۸- قاره افریقا گورستان زباله های اتمی و سموم شیمیائی کشورهای امریکائی و اروپائی است. بعضی کشورهای افریقائی جهت دریافت مبالغی و نیز رفع بحرانهای اقتصادی مجبور به پذیرش این زباله ها می شوند.

۱۹- بیش از ۸۵٪ سکنه ۶۰۰ میلیونی این قاره یا در روستاها سکونت دارند. (۱۴) و یا بصورت قبیله ایی زندگی می کنند.

۲۰- کمتر کشوری را در این قاره می توان یافت که رژیم مردمی، آن را اداره کند و دولتمردان با توطئه های استکباری به سرکوب و ایجاد اختناق برای سکنه خود پرداخته و نهضت ها و جنبشهای مردم را به نحو شدیدی درهم می کوبند، نمونه آن در افریقای شمالی و بویژه در الجزایر مشهود است.

افریقا مهد نژاد سیاه می باشد. بربرهای شمالی و اروپائیان مهاجر، سفید پوست هستند. حامی ها و سامی ها که منشاء آنان خاورمیانه و شبه جزیره عربستان است و در افریقای شرقی و بخش هایی از صحرا سکونت دارند، گرچه سفید پوستند ولی رنگ پوستشان تیره تر از بربرهاست. در کشورهای کنیا، تانزانیا بر اثر اختلاط نژادی، تیره های دورگه مشاهده می شود. سیاهان نیز در رنگ پوست، قد، موها و خصوصیات ظاهری دیگر با هم تفاوتی دارند، کوتاه قدترین آنان در افریقای استوایی زندگی می کنند که پیگمه ها نام دارند، در سودان، سیاهان قامت بلندی دارند. زبان مردم افریقا بسیار متنوع است عده ای به زبانهای بومی تکلم می کنند اما زبانهای عربی و اروپائی در تعداد زیادی از کشورها، زبان رسمی می باشد، نفوذ اسعمار در افریقا، زبان انگلیسی، فرانسوی اسپانیائی، پرتغالی و آلمانی را بر مردمان آن تحمیل نموده است.

قاره افریقا بر حسب آمار رسمی سال ۱۹۹۰م ۶۴۶۳۶۰۰۰۰ نفر سکنه داشته که تنها ۳۳٪ آن در کانونهای شهری می زیسته اند، درصد رشد سالانه ۳٪ و تراکم نسبی ۲۱/۴ نفر در کیلومتر مربع بوده است. از این تعداد، ۲۸۵ میلیون نفر آئین حیات بخش اسلام را پذیرفته اند که ۴۳٪ کل سکنه را در بر می گیرد. (۱۵) در ۲۴ کشور مسلمان بق صورت اقلیت می باشند، ۳۶٪ جمعیت آنان را در بر می گیرند. در برخی کشورها با وجود آنکه درصد مهمی از افراد آن مسلمانند ولی در مسائل سیاسی، اداری و نظامی نفوذ ناچیزی دارند مثل: اتیوپی و موزامبیک.

بلال حبشی اولیت مسلمان قاره افریقا است، اسلام از قرن اول هجری در قلب روشن و پاک مردمان محروم و مظلوم این قاره نفوذ نمود و حتی بخش هایی از این قاره، مرکز تشکیلات اسلامی گردید و در برخی نقاط آن دولت اسلامی بوجود آمد. مخالفت اسلام با تبعیض نژادی و سهولت در پذیرش آن و حمایت این آئین از حقوق محرومان و ستم دیدگان، از عوامل پذیرش آن توسط افریقائیان بود. با نفوذ استعمار در این کشورها، مسلمانان افریقا با بهره گیری از تعلیمات اسلامی، نهضت های ضد استعماری را در این قاره بوجود آوردند. متجاوزین اروپائی که دیدند عامل ایستادگی مردم، عقیده اسلامی است دست به حرکت هایی زدند تا نفوذ آن را کم کنند از جمله فرانسه، زبان فرانسوی را جایگزین زبان عربی نمود و بلژیک و انگلستان از مبلغین و مبشرین مسیحی استفاده کردند، پرتقال هم جنگ تمام عیاری را بر علیه مسلمانان ترتیب داد.

مسلمانان افریقا بخاطر فقر مالی و فرهنگی ناشی از قحطی و خشکسالی و فشارهای استکباری برای پذیرش گروه های امدادی آمادگی زیادی دارند که متأسفانه این گروه های غربی در پوشش کمک های باصطلاح انسان دوستانه به انسان های محروم، دست به حرکت های سیاسی زده و بین مسلمین بذر تفرقه پاشیده و جنگ های داخلی را پدید آوردند. جنگ های مسلحانه که در کشورهای اسلامی و نواحی تحت قلمرو مسلمانان رخ می دهد موجب آواره شدن میلیون ها انسان گردیده و این افراد به کشورهایی روی آوردند که خود دچار بحران های اقتصادی - اجتماعی می باشند.

کشورهای افریقائی در جهت وحت سیاسی و ریشه کن نمودن استعمار دست به حرکت هایی زده اند که تشکیل «سازمان وحدت افریقا» (۱۶) میوه این تلاش هاست. اولیت کنگره ایی که بطور رسمی مسئله وحدت افریقا را مورد توجه قرار داد به دعوت پاتریس لومامبا در سال ۱۹۵۸م در انگلستان تشکیل شد.

در سال ۱۹۵۸م لومالبا و رؤسای جمهوری گینه و لیبیا قطعنامه ای را با مضمون ایجاد یک جامعه دول مستقل افریقائی صادر کردند. نخستین کنفرانس آن به پیشنهاد قوام نکرومه - رهبر غنا - در آوریل ۱۹۵۸م در اکرا پایتخت این کشور منعقد شد که در آن مصر، غنا، سودان، لیبی، تونس، لیبیا، مراکش و اتیوپی حضور داشتند. نخستین گام در سال ۱۹۵۸م (۲۳ نوامبر) برداشته شد، در این روز غنا و گینه با هم متحد شده تا هسته اولیه اتحاد دول افریقائی را پدید آورند و سرانجام در ۲۵ مه سال ۱۹۶۳م سازمان وحدت افریقا در آدیس آبابا مرکز اتیوپی تاسیس شد (با حضور ۳۲ کشور) منشور این سازمان بر ۳۳ اصل استوار بود و پی گیری سیاست های زیر بود: همکاری های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی، بهداشتی علمی و فرهنگی. اهداف آن عبارت بود از: تقویت اتحاد، هماهنگی، حمایت از استقلال، ریشه کن کردن استعمار.

با عضویت پولیساریو (جمهوری عربی صحرا) تعداد اعضای آن به ۵۱ کشور رسید. گرچه این سازمان در دهه اول به موقعیتهای در راستای اهداف خود دست یافت. اما رفته رفته به دلیل زیر از اهداف خود فاصله گرفت:

«منازعات قبیله ای، اختلاف در زبان و فرهنگ، فقر و فساد، نابودی سران اصیل سازمان و آمدن سران وابسته، کودتاهای گوناگون، جنگهای و شورش ها و بحرانهای سیاسی، عدم ضابطه قوی، گرایشهای متضاد در سازمان و دخالتهای استکبار.» (۱۷)

برای بررسی مسائل کشورهای اسلامی و نیز نقاط تحت قلمرو مسلمانان در کشورهای غیر مسلمانان این قاره آن را به چندین بخش تقسیم می کنیم: الف- افریقای شمالی ب- افریقای شرقی ج- افریقای غربی د- افریقای جنوبی ه- افریقای مرکزی.

پی نوشتها

- ۱- کل مساحت مساحت صحاری جهان ۲۱ میلیون کیلومتر مربع است که ۱۵٪ خشکیها را شامل می شود.
- ۲- کلیات جغرافیایی قاره ها - علی حاج آقا محمدی - جزوه پلی کپی - دانشگاه اصفهان ۱۳۶۲.
- ۳- تاریخ افریقا، نوشته بزیل دیویدسن ترجمه هرمز ریاحی، فرشته مولوی تهران امیرکبیر ۱۳۶۹.

4-Basil Davidson

5-Africa History a continent

- ۶- تاریخ افریقا، برزیل دیوس، ترجمه هرمز ریاحی و فرشته مولوی ص ۹۶.
- ۷- مآخذ قبل ۳۷۴ تا ۳۷۸.

۸- افریقا باید متحد شود، قوام نکرومه - مترجم دکتر محمد توکل.

۹- افریقا باید متحد شود - قوام نکرومه.

۱۰- تاریخ افریقا، دیوید سن ص ۴۵۴.

11-Neocolonialism - Translation Movement

۱۲ و ۱۳- جنگ جغرافیا - تالیف نگارنده دست نویس، صفحات ۱۱۳ و ۱۳۸.

۱۴- جنگ جغرافیا - تالیف نگارنده دست نویس، صفحات ۱۳۳ و ۱۳۸.

۱۵- مسترلسلی رمزی (Lisleramsy) رئیس بخش میراث مذهبی امریکا در سال ۱۹۶۰م گفت: مسیحیت در افریقا جایش را به اسلام می دهد (ابزرور چاپ لندن ۲۰ مارس ۱۹۶۰م) دکتر بلی گراهام کشیش محقق امریکائی در همین سال اعتراف نمود بین مسیحیت و (Sir.Aleckirkbrid) کمونیزم و اسلام در افریقا، پیشرفت زیاده تر نصیب اسلام می شود،
سفیر سابق انگلیس در لیبی در مارس ۱۹۶۰م اظهار داشت طی چهار سال پانزده میلیون افریقائی به کیش اسلام گرویده اند.

16-organization of Afrigan unity (O-A-U)

۱۷- مجله پیام انقلاب ش ۶۹ - ۲۴ مهرماه، ۱۳۶۱.

الف - افریقای شمالی (مغرب بزرگ)

شمال افریقا همچون شبه جزیره ای در جنوب مدیترانه و شمال صحرای کبیر افریقا قرار داشته و اقیانوس اطلس مرز غربی آن می باشد. بخش عظیمی از آن را صحرای افریقا دربر گرفته و غیر از کوههای اطلس - واقع در شمال غربی آن - ارتفاعات مهمی ندارد. از غرب به شرق آن دو رشته کوه کشیده شده که ارتفاع آنها از توبکال در مراکز با ۴۱۶۵ متر با جبال شعامبی که از ۱۵۵۴ متر تجاوز نمی کند سیر نزودی دارد.

تحت تاثیر دریای مدیترانه در منطقه ای به طول ۵۰۰۰ کیلومتر از مرز مصر تا جبل الطارق کشاورزی رونق خوبی دارد. آب و هوای شمال افریقا در سواحل مشرف به مدیترانه در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و توام با باران نسبتا زیاد است. تابستان این مناطق طولانی بوده و به سوی نواحی جنوبی آب و هوای گرم و خشک صحرایی به آن حاکم می گردد. مهمترین شریان حیاتی این ناحیه رودخانه نیل است که ۱۲۰۰ کیلومتر آن در کشور مصر جریان داشته و با دلتای بزرگی به دریای مدیترانه می ریزد.

افریقای شمالی، مهد تمدنهای قدیمی است و تاریخی ده هزار ساله دارد. تمدن مصری کهن ترین تمدن این ناحیه است که در تاریخ افریقا سهمی ویژه دارد. (۱) بربرها سکنه اصلی شمال افریقا بوده اند که در ادوار باستانی و در قرون قبل از میلاد در منطقه ای وسیع که از یک سو به غرب مصر و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس منتهی می شد می زیسته اند و مراکز بازرگانی و جوامع شکوفائی داشته اند. این مردمان در هزاره دوم ق.م بخش مهمی از همه صحنه افریقای شمالی را فرا گرفته و با بنیاد صحرایی و فرهنگ بومی تمدنی را تاسیس نمودند و بر سرزمین ساحلی مدیترانه یی شاداب و تپه های داخلی اش تسلط یافتند. (۲) با فتح شمال افریقا بدست مسلمین بربرها بتدریج اسلام را پذیرفتند و اکثرا با رها نمودن زبان بومی به زبان عربی تکلم می نمودند. طواری یکی از مهمترین طوایف بربرند که در صحرای مرکز و سواحل نیجر وسطی زندگی می کنند. نژاد مشترک بربرها بین خودشان ایماز یقن (۳) (مردمان آزاد) نام دارد که در طول ۴ قرن و در دو موج پیاپی، مسلمانان بدانها رسیدند و در فرهنگ و زبان آنان تحولاتی عمده بوجود آوردند. (۴)

عقبه ابن نافع در قرن اول هجری شمال افریقا را فتح نمود و شهر قیروان را به عنوان مرکز حکمرانی مسلمین بنا نهاد. این شهر در شمال شرقی تونس قرار دارد و با مساجد زیاد از شهرهای مذهبی مسلمین به شمال می رود بعدا در زمان موسی ابن نصیر شمال افریقا مرکز فتوحات مسلمین در اروپای جنوبی و اسپانیا قلمداد گردید و از طریق شمال غربی این منطقه به سال ۹۲ ه ق (۷۱۱ م) طارق ابن زیاد، سردار مسلمان در جبل از الطارق پیاده شده و اندلس را به تصرف خود درآورد در سال ۷۱۳ م عبد العزیز ابن موسی با سپاهیان جنگاور به پرتقال شتافت و در سال ۷۱۴ م تا فرانسه پیش رفته و سپاهیان اش اسبهای خود را از آب رودخانه رن سیراب نمودند.

دولت قدرتمند فاطمی جایگزین حکمران عباسی در مصر گشته و خلفای فاطمی دو قرن بر مصر و شمال آفریقا فرمان راندند. این سلسله از آغاز تا نیمه حکومت المستنصر بالله (۲۹۷ تا ۴۵۰ هجری قمری) دوران عظمت و اقتدار سلطه اسلامی در مصر و آفریقای نفوذ یافته، حتی کشور تونس تا سال ۴۳۸ ه ق کاملاً شیعی بود. بربرها نیز تحت انقیاد این دولت قرار گرفتند.

در قرن یازدهم میلادی (نیمه های آن) نهضتی بنام المرابطون یا آل مروارید از جانب قبایل صنهاجی در صحرا و شمال آفریقا پدید آمد. قوم مزبور قبیله ای از بربر بودند و در شمال آفریقا می زیستند این سلسله در اواخر قرن یازدهم میلادی تمامی بلاد غرب و جنوب و جنوب شرقی اسپانیا را فتح نمود. بزرگترین پادشاه آن «یوسف ابن تاشفین» نام داشت که شهر مراکش را بنا نهاد و بر بلوک اسپانی غلبه یافت این نهضت با قیام مغز بن بادیس صنهاجی و بیرون آمدن تونس از سلطه فاطمیان آغاز شد و این دوره وضع تونس و شمال آفریقا اسف بار بود و درگیریهای خونینی بین شیعیان و اهل تسنن بوقوع پیوست. (۵) بعد از المرابطون، الموحدون روی کار آمدند (از سال ۱۱۴۸م) این سلسله توانستند مراکش، الجزایر، و تونس را برای اولین بار متحد کنند و مغرب (آفریقای شمالی) دگر بار شکوفا شد. ممالیک که در اصل برده بودند و فاطمیون در قرن دهم آنان را به سوی مصر جلب نمودند. از سال ۱۲۵۰ م با کشتن توران شاه، آخرین پادشاه ایوبی سلسله ممالیک را در مصر پایه گذاشتند. اینان بر علیه صلیبیان و نیز مغولان جنگهایی را ترتیب دادند و ۲۵۰ سال بر مصر حکومت کردند.

سلطان سلیم اولین پادشاه عثمانی در سال ۱۵۱۷م به حکومت این سلسله پایان داد.

مسیحیان که در اروپای جنوبی دوباره نیرو گرفته بودند آغاز به دست اندازی به آفریقای شمالی کردند و از سال ۱۴۱۵ که بندر شمالی مراکش یعنی «سئوتا» را تسخیر کردند برای نخستین بار فتوحات در سراسر مدیترانه وارونه شد. در این زمان ترکهای عثمانی بر ممالک آفریقای شمالی هجوم برده و تا سال ۱۵۸۷ م تمامی نقاط آن را تحت قلمرو خود در آوردند. (۶) دولت عثمانی که از دور و به گونه ای غیر مستقیم بر مغرب (آفریقای شمالی) حکومت می کرد. خاندان موافق میل خود را به پادشاهی رسانیده و در نتیجه دولتهای خراجگذار امپراتوری عثمانی شمال آفریقا را اداره می نمودند. دولتهای مزبور از سال ۱۹۳۲م مورد تجاوز فرانسویان قرار گرفت و بدین گونه استعمار بر آفریقای شمالی پای گشود و تا زمان استقلال، کشورهای این منطقه زیر سلطه فرانسه ایتالیا و انگلستان قرار گرفتند و فرهنگ استعماری در سرزمینهای اسلامی آن نفوذ نمود. پس از رهایی از استعمار بدلیل آنکه مرزهای این کشورها با اغراض استعماری تعیین گشته بود، درگیریهایی را بوجود آورد. جنگ شنها میان الجزایر و مراکش در اکتبر ۱۹۶۳م، مناقشات مراکش و موریتانی بر سر تیندوف (۷) و یشار - که بر حسب قراردادی مراکش از این دو ناحیه چشم پوشید - از این نمونه ها بود. در یاست خارجی نیز مشی متضادی بر کشورهای شمال آفریقا حکمفرماست. لیبی مرام خاصی دارد، مصر و مراکش و تونس به غرب

گرایش دارند و الجزایر ضمن رابطه با اروپا و بویژه با فرانسه از سوسیالیسم پیروی می کند. کشورهای مغرب، با بحرانهایی عدیده ای روبرو هستند که تجدید حیات اسلامی و رشد اسلام گرایی در راس آن است و این حرکت مسلمانان مبارز، سردمداران افریقای شمالی را در نگرانی عمیق فرو برده و آنها از روی درماندگی و استیصال به سرکوبی شدید نهضتها و جنبشهای اسلامی پرداخته و دست اندرکاران این تشکیلات را به نحو فجیعی شکنجه نموده یا بدون مدرک لازم به زندانهای طویل المدت محکوم می نمایند و برخی را هم به شهادت می رسانند. (۸) وقوع چنین حرکتهای اسلامی، بحرانهایی اقتصادی اروپا و وجود محیط عربی - افریقائی، سردمداران واحدهای سیاسی افریقای شمالی را وادار نمود که علیرغم تضادهای سیاسی و موضع گیریهای ضد و نقیض با یکدیگر، اتحادی را پی ریزی نموده و «اتحادیه مغرب عربی» را در فوریه ۱۹۸۹ م در شهر مراکش بنیان نهند.

در مغرب گروهی که طرفدار خوارچ بودند و از انشعابهایی نخستین تاریخ اسلام به شمار می رفتند توسط شیعیان از بین رفتند و در دوران سلطه عثمانی، مذهب حنفی رواج گسترده ای یافت. از قرن یازدهم مذهب مالکی نیز پیروانی یافت، زبان مردم در حال حاضر عربی است که در کنار آن زبانهای بومی و اروپائی هم رواج دارد. از ۸۵ میلیون سکنه افریقای شمالی (مغرب) بیش از ۹۵٪ پیرو آئین اسلامی می باشند.

کشورهای شمال افریقا به لحاظ جغرافیای اقتصادی نیز با هم تفاوتهای عمده ای دارند. الجزایر نوزده بار وسیعتر از تونس بوده و ۵ بار از مراکش بزرگتر است و پر وسعت ترین کشور افریقای شمالی و دومین کشور وسیع کل قاره افریقا می باشد. با وجود وسعت زیاد از مشکلات این کشور این است که تمرکز جمعیت در نقاط حاصلخیز افزونتر می باشد. در لیبی و الجزایر ۹۰٪ سکنه بر ۱۰٪ وسعت تمرکز یافته اند و ۹۹٪ مردم نیل در ۴٪ وسعت آن سکونت دارند. لیبی، تونس و الجزایر اقتصادی متکی بر نفت و گاز دارند در حالی که مصر و مراکش بر کشاورزی نیز متکی هستند. مراکش ذخائر غنی فسفات دارد و سومین تولید کننده آن در جهان است. تونس نیز پنجمین تولید کننده فسفات در سطح جهان بوده و از راه جهانگردی و جذب سیاحان نیز درآمدهایی را به خود اختصاص می دهد.

مصر

کشور مصر در شمال شرقی افریقا و در جنوب غربی آسیا واقع است. دریای مدیترانه در شمال و دریای سرخ در شرق آن قرار دارد. کانال استراتژیک سوئز از شبه جزیره سینا (مربوط به مصر) عبور می کند این کانال بندر سوئز را در کنار دریای احمر به بندر پرت سعید در کناره مدیترانه متصل می نماید و کوتاهترین راه بین کشورهای قاره اروپا و کشورهای اقیانوس هند و سرزمینهای غربی اقیانوس آرام می باشد و یکی از مهمترین راههای آبی بین المللی از لحاظ تعدا و ظرفیت کشتی هایی که از آنجا عبور می کند به شمار می رود. این کانال در سال ۱۸۶۹ م در زمان اسماعیل پاشا، خدیو مصر رسماً افتتاح شد و در سال ۱۹۵۶ م توسط جمال عبد

الناصر ملی اعلام گردید. عمق آن ۷ متر، عرض آن ۲۲ متر (۹) و طول آن ۱۶۸ کیلومتر است. طولانی ترین رود دنیای اسلامی یعنی نیل، کشور مصر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می کند و در نزدیکی قاهره به چند شاخه تقسیم شده و با دلتای بزرگی به دریای مدیترانه می ریزد. (۱۰) دلتای نیل به دلیل رسوبات حاصلخیز، از مهمترین اراضی کشاورزی جهان به شمار می رود. مادر حضرت (موسی(ع) به دستور خداوند فرزندش موسی(ع) را در صندوقی گذاشت و در همین رودخانه افکند که بعد از خانه فرعون سر در آورد و با وجود آنکه فرعون در صدد کشتن او بود بدلیل شوق آسیه (همسر او) از کشتن موسی صرف نظر نمود. و بدین گونه رحمت بی پایان حق بر موسی(ع) سایه افکند و در حمایت لطف الهی از هر گونه گزند مصون ماند. و چون به سن رشد و کمال رسید خداوند متعال علم و حکمت به وی آموخت و او را به پیامبر برگزید.

همچنین کوه طور واقع در سرزمین سینا، جایگاهی است که در آن بر حضرت موسی(ع) وحی نازل شد و او در همین نقطه به پیامبر برگزیده شد. آب و هوای مصر در نواحی شمالی، مدیترانه ای و در نواحی دیگر بجز دره نیل، و گرم و خشک است.

۹۹٪ از سکنه ۲۵ میلیونی در دره رودخانه نیل که ۴٪ وسعت کل کشور است سکونت دارند ۴۴٪ در کانونهای شهری و بقیه در روستاها اقامت دارند، رشد سالانه جمعیت ۲/۶٪ تراکم نسبی آن با توجه به ۱۰۰۱۴۴۹ کیلومتر مربع وسعت، حدود ۵۲ نفر می باشد. مردم آن اکثرا از نژاد سامی و قبطی بوده و زبان و خط رسمی و مداول عربی است. ۹۳٪ مردم مصر مسلمان و سنی مذهبند.

مصر تمدنی ۶۰۰۰ ساله دارد و در ۸۰۰۰ سال ق.م قبله ای در مصر سفلی اقامت گزید. اولیت فرعون آن یعنی منس حکومت واحدی را بوجود آورد و آخرین آن دستور ساخت اهرام ثلاثه را داد در قرن سیزدهم قبل از میلاد و در زمان خلافت عمر جزو قلمرو اسلامی گردید. آئین قدیمی مصریان بت پرستی بود و پس از تسلط امپراطور روم بر مصر، مسیحیت آئین تحمیلی مصریان گردید. اختناق فکری، مالیاتهای سنگین، تبعیض و شکنجه، عواملی بود که خشم و تنفر قبطیان و مردم مصر را بر علیه حکومت جائر روم برمی انگیزت که بر اثر این عصیان به مذهب ارتدکس که نقطه مقابل مذهب رسمی حکومت روم بود، روی آوردند. استقبال قبطیان از آئین اسلام نیز خود مظهر این روح استنکار و حریت طلبی بود و با ورود مجاهدین اسلام به سرزمین مصر، با وجود سد محکمی که از سوی حکام رومی مصر شوند و در مدت کوتاهی این آئین رشد فزاینده ای در مصر یافت و در اندک زمانی سرزمین بصورت یک کشور مسلمان نشین درآمد. مسلمانان بر حسب توصیه پیامبر اسلام(ص) با مصریان از در مسالمت و خوش سلوکی وارد شدند زیرا پیامبر اکرم(ص) به آنان فرموده بود:

«شما مصر را می گشائید نسبت به اهالی آن سامان نیکی کنید چه آنان را حق خویشاوندی و دامادی است.»

(۱۱)

رونق اسلام در مصر به حدی بود که در زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی تعداد مسیحیان آن بسیار کم و میزان جزیه آن به مبلغ ناچیزی تنزل یافت.

کلیساها و اموال موقوفات مسیحیان در مدت حکومت مسلمین بر مصر، از آزادی و امنیت و حمایت مسلمین برخوردار بود. مسلمانان در رفتار خود عملاً ثابت نمودند که برای رهایی ملل از اسارت فکری و تامین آزادی مذهبی آمده اند نه برای منافع مالی و توسعه قلمرو جغرافیائی.

دکتر گوستاو لوبون در کتاب «تمدن اسلامی و عرب» رفتار مسلمانان را با مصریان این گونه توضیح می دهد:

«... مسلمانان با وجود آنکه ابتدا تلفات زیادی دادند و در فتح مصر (۱۲) بالغ بر ۲۳۰۰۰ نفر مسلمان به قتل رسید پس از پیروزی کامل از عفو و اغماض و ملایمت دریغ ننمودند و نسبت به آشوبگران، عفو عمومی صادر کردند و عذرهای هر کی را بحسب قبول پذیرفتند و سدها و راه ها و نهرها را آباد و مبالغ هنگفتی هم به مصرف ابنیه و عمارات رسانیدند.»

از همان روزی که اسلام وارد مصر شد تشیع نیز به مصر راه یافت و قبل از آنکه حضرت علی(ع) به خلافت برسد عده ای از یارانش را مصریان تشکیل می دادند. حضرت علی(ع) قیس بن سعد و پس از او محمد ابن ابی بکر را به اداره مصر گماشت که این دو صحابی حضرت علی(ع) از پایه ها و عوامل استقرار تشیع در مصر بودند و پرچم تشیع در مصر به اهتزاز در آمد. چندی نگذشت که عمرو عاص، مصر را پس از نبردی خونین فتح نمود و محمد بن ابی بکر را دستگیر و پس از کشتن او جسدش را در میان الاغ مرده ای قرار داده و آتش زد. با روی کار آمدن مروان بن حکم، زبا نشیعیان مصری بسته شد و طرفداران او در مصر به دشمنی با طرفداران علی و اهل بیتش پرداختند. در عهد متوکل عباسی، والی او در مصر به سال ۲۳۶ قمری تمام شیعیان را به دستور متوکل اخراج نمود و آنان را به سوی عراق فرستاد.

در قرن سوم هجری با وقوع قیامهایی، حرارتهایی در شیعیان بوجود آمد. روی کار آمد فاطیمان مصر، نور امیدی برای پیروان اهل بیت بود. (۲) در زمان فاطمیان مصر از اقیانوس اطلس تا دریای سرخ و شبه جزیره عربستان و شمال عراق گسترش یافته بود. این سلسله در نظر داشتند عباسیان را منقرض کنند اما وجود تفرقه و تشتت در دستگاه آنان اجازه چنین حرکتی را ندارد. پیشرفت صلیبیون موجب محدودیت متصرفات دولت فاطمی بود. فاطمیان تشیع را علنی نمودند و دستور دادند بر در و دیوار شهر بنویسند، «خیرالناس بعد رسول الله(ص) علی بن ابی طالب(ع)» در روز عاشورا مراسم حزن انگیز و در روز عید غدیر آئینهای ویژه ای را بر پا نمودند. در اواسط قرن ششم هجری این سلسله توسط ایوبیان انقراض یافت. ایوبیان به ترویج مذاهب چهارگانه تسنن پرداخته و با تشیع به شدت مخالفت نمودند و روز عاشورا را عید مقرر کردند. با وجود رفتار فجیع و توام

با قساوت، گرچه طرفداران شیعه در مصر کم شدند لکن هنوز پیروان این آئین در مصر که اغلب مهاجرند به برپائی مراسم ویژه بزرگداشت اهل بیت و تعمیر و بازسازی مشاهدی که به شیعه منسوب است (مثل تعمیر و بازسازی مشهد راس الحسین در قاهره) مشغولند ضمناً سیده زینب دختر یحیی بن زید بن علی بن حسین (ع) در مصر دفن می باشد. در قرون معاصر، شیعیان تحت تهاجم فرهنگی و تبلیغات ضد شیعی قرار گرفته اند، و نوشته هائی بر علیه آئین آنها در مصر انتشار یافته است. چنانچه احمد امین کتاب فجر الاسلام و ضحی الاسلام را بر ضد شیعه نگاشت. (۱۴)

در قرن سیزدهم (۱۲۵۰م) همسر نواده صلاح الدین ایوبی به نام شجره الدر به سلطنت رسید و او تنها زنی است که در دروه اسلامی بر مصر فرمانروائی داشته است. بعد از ایوبیان سلسله ای از ممالیک روی کار آمدند که سلطان سلیم اول نهمین خلیفه دولت مقتدر عثمانی آنان را بر انداخت و بر شام و مصر استیلا یافت. حکومت عثمانیان بر مصر ۲۵۰ سال ادامه یافت.

در سال ۱۷۹۸م ناپلئون پس از تصرف جزیره مالت بدون کمترین زحمتی وارد اسکندریه مصر شد، ناپلئون که با مقاومت شدید مردم مواجه گشت طی اعلامیه ای، واژه هائی را بکار برد تا مردم را جذب خود کند از آن جمله اعلامیه خود را با جمله بسم الله الرحمن الرحیم، لا الا الله محمد الرسول الله آغاز کرد [۱] و در آن آمده بود که سلسله های ممالیک که بر کشور مصر حکومت داشته اند ملت فرانسه را تحقیر نموده اند و به زیباترین کشور جهان (مصر) ستم کرده اند و ادامه داده بود که:

«اینک اراده الله رب العالمین بر این قرار گرفته که به سلطنت آنان پایان داده شود» [۱] همچنین ناپلئون خود را دوست دولت عثمانی و حامی مذهب اسلام معرفی کرده بود. همراه با حرکات مزورانه ناپلئون، بدستور وی سربازانش مردم را قتل عام می کردند، و عده ای را تحت شکنجه های شدید، می گشتند. سرانجام با وجود مقاومت شدید و مبارزات مسلمانان مصر، فرانسویان قاهره را به تصرف خود در آوردند و مجدداً چندین هزار نفر را کشتند و دهها روحانی مسلمان را یا گردن زدند و یا سوزانیدند، اما دولت انگلیس طی نبردی با فرانسویان، مصر را از چنگال فرانسه بیرون آورد. (۱۵)

در سال ۱۸۷۸م خدیو مصر تحت فشار استعمارگران، کابینه ای را روی کار آورد که اکثر اعضای آن اتباع اروپائی بودند و به کابینه اروپائی معروف بود. از سال ۱۸۸۲ انگلستان، مصر را مستعمره خود نمود و در سال ۱۹۲۲م بر اثر فشار مردم مسلمان مسلمانان مصر، قرارداد شناسایی استقلال مصر امضا شد و در سال ۱۹۳۶م (۱۳۱۵ شمسی) که ملک فواد اول به قدرت رسید، استقلال رسمی مصر حاصل شد با این وجود انگلستان همچنان در مصر نفوذ داشت. در سال ۱۹۵۲م گروهی از افسران جوان به کودتایی علیه علیه ملک فاروق دست زده و عملاً رژیم سلطنتی را به نظام جمهور تبدیل کردند که پس از آن ابتدا سرلشکر محمد نجیب و

سپس جمال عبدالناصر رهبری مصر را به عهده داشتند. ناصر گرچه از اسلام یاد می کرد و قوانین این آئین را رعایت می نمود اما تکیه گاه اساسی اش ناسیونالیزم عرب و سوسیالیزم بود. در زمان ناصر، مصر به رهبری جهان عرب را به دست گرفت. با ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر، قوای انگلیسی، فرانسو و اسرائیلی به مصر حمله نمودند. از وقایع ناگوار زمان ناصر، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل است که در سال ۱۹۶۷م صورت گرفت و به شکست اعراب منجر شد. پس از مرگ ناصر، انور سادات به ریاست جمهوری رسید که در آغاز اعلام کرد سیاست ناصر را دنبال خواهد نمود ولی به غرب روی آورد. نزدیکی سادات به غرب و امریکا به حدی رسید که امریکا در سال ۱۹۷۳م کوشید صلحی یک جانبه بین مصر و اسرائیل برقرار کند و در سال ۱۹۷۷م سادات به فلسطین اشغالی رفته و با رهبران غاصب و صهیونیستی به مذاکره پردازد و در سال بعد با وساطت امریکا بین مصر و اسرائیل در کمپ دیوید امریکا صلحی منعقد شد.

اقتصاد مصر بر کشاورزی و صدور نفت و منافع ناشی از حق عبور کشتی ها از کانال سوئز، کمک دول غربی و درآمدهای ناشی از صنعت توریسم استوار است. محصول مهم کشاورزی آن پنبه است که ۲۵٪ اراضی زراعی خود را به آن اختصاص داده است و مرغوبترین پنبه جهان در این کشور تولید می شود. مصر بزرگترین تولید کننده برنج در قاره افریقا می باشد. گندم و نیشکر نیز در آن به عمل می آید. نفت و فسفات و آهن از ذخائر معدنی آن است. صنایع ذوب آهن، فولاد، کشتی سازی و تولید آلومینیوم در مصر پیشرفت زیادی نموده و از رونق خوبی برخوردار است.

با وجود موقع جغرافیائی مناسب، منابع آبی فراوان، ذخائر و منابع معدنی و کشاورزی و امکانات مناسب برای توسعه اقتصادی به جهت سیاست غیر اصولی در ده سال اخیر، این کشور دچار رکود اقتصادی شده و بسیاری از مردم در سطح بسیرا نازلی زندگی می کنند. ۲۵٪ افرادی که توانایی فعالیت دارند، بیکارند.

Translation Movement

مرکز حکومت مصر قاهره است که ۱۵٪ سکنه مصر را در خود جای داده و از شهرهای بسیار قدیمی جهان محسوب می شود، ۳ بندر مهم و استراتژیک اسکندریه، اسماعیلیه و سوئز از دیگر کانونهای شهری مصر می باشد.

جمهوری لیبی

جمهوری لیبی با ۱۷۵۹۵۴۰ کیلومتر مربع در ساحل جنوبی مدیترانه و بین دو کشور مصر و الجزایر واقع شده است. و چهارمین کشور پروسعت افریقائی به شمار می آید. در شمال غربی آن جلگه هایی بنام جفارا وجود دارد و بقایای مواد مذاب آتشفشانی در آن مشاهده می شود. در شمال شرقی آن کوههای سبز وجود دارد که از سوی غرب به سوی خلیج سرت کشیده شده است. قسمت اعظم لیبی بخصوص نواحی جنوبی آن از بیابانها و کویرها پوشانیده شده که با روش بیولوژیک فعالیتهایی در جهت بیابان زدائی و تثبیت شن های روان آن

صورت گرفته است. (۱۶) نواحی ساحلی شمال آن آب و هوای مدیترانه ای دارد ولی نقاط داخلی و جنوبی گرم و خشک بوده و میزان ریزشهای جوی آن ناچیز می باشد. بالاترین درجه حرارت ثبت شده در سایه با ۵۸ درجه سانتی گراد برای لیبی گزارش شده که از این لحاظ بین کشورهای جهان بیشترین دما را بخود اختصاص داده است. همچنین با ۴۵۴۰۰۰۰ نفر سکنه (در سال ۱۹۹۰م) پائین ترین تراکم جمعیت را دارد. (۱۷) (۲/۶ نفر) نقاط شهری و مناطق سرسبز در کمربند ساحلی است. ۶۷٪ زندگی شهری دارند و رشد سالانه جمعیت ۴/۵٪ است. ۹۸٪ مردم لیبی مسلمان بوده و از نژاد سامی و بربرند. زبان رسمی عربی است ولی در روستاها و نقاط دورافتاده، زبان بربر هم رواج دارد. مرکز حکومت لیبی، بندر پریپولی است که در شمال غربی آن و بر ساحل مدیترانه واقع شده است.

لیبی در طول قرون و اعصار همیشه مورد تهاجم بیگانگان قرار داشته است. در ازمنه گذشته رومیان و یونانیان آن را تحت سلطه خود درآورده بودند. در قرن ششم میلادی ناحیه ساحلی لیبی جزو امپراطوری بیزانس (روم شرقی) گردید. سپس اعراب مسلمان و اسپانیائی ها و تا آغاز جنگ جهانی اول دولت مقتدر عثمانی آن را در اختیار داشت. با افول دولت اسلامی عثمانی، لیبی مستعمره ایتالیا شد و در جنگ جهانی دوم با شکست ایتالیا، ارتش آن ناگزیر شد که از این سرزمین خارج شود؛ سپس لیبی تحت نظارت فرانسه و انگلیس درآمد و سرانجام در سال ۱۹۵۱م با نظارت سازمان ملل متحد به استقلال رسید. با رهایی از چنگال استعمار، لیبی به صورت پادشاهی اداره می شد تا اینکه در سال ۱۹۶۹م با کودتایی بدون خونریزی شاه ادریس (پادشاه وقت) توسط افسران جوان از سلطنت خلع شد و سرهنگ معمر القذافی به رهبری لیبی رسید.

اسلام در قرن هفتم میلادی (قرن اول هجری) بعد از مصر به لیبی راه یافت که بربرهای ساکن لیبی به سرعت جذب این آئین شدند و در فتح بزرگ مسلمانان که منجر به تصرف اندلس شد جزو ارتش مسلمانان بودند. در عهد عباسیان از سوی هارون الرشید خلیفه عباسی فردی بنام ابراهیم بن اغلب به عنوان حاکم لیبی انتخاب شد که وی نوعی حکومت بودن وابستگی به بغداد را در لیبی بنیان نهاد.

مسلمانان این کشور در هنگام نفوذ استعمار لیبی به مبارزه ای تمام عیار دست زده و عمرمختار از سرداران لیبی در استان شرقی رهبری قیام مردم را به عهده داشت که سرانجام دستگیر و به دار آویخته شد.

در سال ۱۹۷۳م قذافی که فود را تابع جمال عبدالناصر معرفی می نمود با شعار نه شرقی و نه غربی به انقلاب فرهنگی دست زد تا از این طریق نظام حکومتی بر اساس تعلیمات قرآن را بنا نهاده و ایدئولوژی اسلامی را جایگزین سرمایه داری غرب و سوسیالیسم شرق کند اما قذافی در عمل گرچه رابطه با غرب را کنار گذاشت ولی با بلوک شرق و در راس آن با شوروی روابط حسنه ای را برقرار نمود. لیبی برای وحدت جهان عرب تلاشهایی بکار برد ولی بجایی نرسید و پس از آن تلاش سیاسی خود را در جهت حمایت از جنبشهای آزادی

بخش جهان بویژه جنبش آزادی بخش فلسطین معطوف داشت و پس از امضای قرار داد کمپ دیوید توسط سادات، لیبی باتفاق الجزایر، یمن جنوبی، سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین «جبهه پایداری اعراب» را تشکیل داد. لیبی حمایت خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام نمود و با ایران بر روابط حسنه ای برقرار کرده و عراق را به خاطر جنگ تحمیلی محکوم نمود و روابط خود را با عراق محدود ساخت. یکی از مقامات سیاسی لیبی گفت:

«ما به زودی ارتش اسلامی را جهت آزادسازی سرزمینهای اشغالی در فلسطین تشکیل خواهیم داد و انشاءالله ایران پیشگام برای تشکیل این سپاه خواهد بود.»

کشور لیبی تا قبل از کشف نفت، جزو فقیرترین ملل جهان محسوب می گردید.

نفت در سال ۱۹۵۹م در آن کشف شد که درآمد سرانه را از سال ۱۹۵۹م که ۳۵ دلار بود به ۲۵۰ دلار در سال ۱۹۶۱م رسانید. (۱۸) تولید نفت این کشور از ۱۸۰ هزار بشکه در سال ۱۹۶۲م به ۳/۳ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۰م بالغ گردید. لیبی و سایر کشورهای عضو اوپک در اوایل دهه ۱۹۷۰م بدون واهمه از تهدید غرب و بدون توجه به مقاومت شدید کشورهای صنعتی بزرگ، موفق به افزایش قیمت نفت صادراتی شدند و تنها اقدام مهم غرب در مقابل این حرکت، آژانس بین المللی انرژی بود که در سال ۱۹۷۴م به پیشنهاد هنری کسینجر به منظور تنظیم قیمت نفت تاسیس شد. (۱۹)

در طول دهه ۱۹۵۰م تعدادی صنایع کوچک با کمک سازمان ملل در لیبی احداث شد پس از افزایش درآمد لیبی توسط نفت، این کشور در جهت توسعه صنایع بزرگ و امور رفاهی و اجتماعی کوشید و صنایع ذوب آهن، پتروشیمی و آلومینیوم را بنیان نهاد. لیبی با کمبود کارشناس و متخصص بومی روبروست و از این لحاظ قریب به یک میلیون نفر کارگر و کارشناس خارجی در آن مشغول کارند. با وجود محدودیت اراضی حاصلخیز و اینکه صرفاً ۱/۵٪ زمین آن قابل کشت است در توسعه آبیاری و تقویت خاک کوشیده و توانسته در این مورد به موفقیت‌هایی دست یابد و هم اکنون بالاترین میزان نیروی کار کشور در بخش کشاورزی هستند. (۲۰) واحد پول آن دینار لیبی (LD) و برابر هزار درهم است.

لیبی به دلیل تحریم شورای امنیت، هم اکنون در انزوای سیاسی و در حالتی از تحریم اقتصادی به سر می برد و حتی کشورهای عربی هم بدو پشت کرده و احساس می شود که این کشور اسلامی در محاق شدید سیاسی تبلیغاتی و حتی نظامی غرب قرار گرفته و مشکلات عدیده ای را برایش فراهم نموده اند.

پی نوشتها

۱- به قول قوام نكرومه ریشه های تمدن اروپائی را باید در مدنیت باستانی دره نیل جستجو نمود.

۲- تاریخ افریقا، بزیل دیوید سن ص ۹۵.

3-imazighen

۴- مغرب بزرگ - پل بالتا ترجمه دکتر عباس آگاهی.

۵- تاریخ جنگ های صلیبی، مترجم عبدالله ناصری طاهری ص ۱۹.

۶- بجز مراکش.

Tindof 7-

۸- کشورهای عربی شمال افریقا و آسیای جنوب غربی در دهمین اجلاس خود رد تونس که در ۴ ژانویه ۱۹۹۳م تشکیل شد راههای مبارزه با گروههای اسلامی را بررسی کردند و طرح امنیتی ۵ ساله ای را برای سرکوبی نهضت‌های اصیل اسلامی تدارک دیدند (اطلاعات ۱۹۸۱).

۹- پس از تعریض کانال در سال ۱۹۶۳م عرض آن به ۵۵ متر و عمقش به حداکثر ۱۲ متر رسید.

۱۰- رود نیل که ۶۴۰۰ کیلومتر طول دارد شامل دو شاخه نیل سفید و نیل آبی می باشد که نیل سفید از دریاچه ویکتوریا و نیل آبی از ارتفاعات اتیوپی منشا می گیرد و این دو شاخه در خارطوم مرکز سودان بهم می پیوندد.

۱۱- مادر حضرت اسماعیل (جد بزرگوار رسول اکرم(ص)) و مادر تنها فرزند پسرش یعنی ابراهیم، از قبطیان بود.

۱۲- فاتح مصر عمرو عاص بود.

۱۳- مصر در سال ۲۵۴ قمری اولین سلسله مستقل حکام مسلمان را بخود دید که منسوب به غلامی بنام طولون بود. پسر وی حکومت طولونیان را در مصر بنیان نهاد. بعد از آن، سلسله ای ایرانی بنام آل افشید در مصر حاکم شدند پس از آن حکومت مصر بدست فاطمیان افتاد.

۱۴- تاریخ شیعه علامه مظفر ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی ص ۲۵۵ تا ۲۸۲.

۱۵- پیام انقلاب سال ششم ش ۱۴۹ - آشنائی با کشور مصر بخش دوم.

۱۶- گزارش شرکت در نخستین اجلاس کمیسیون مشترک جمهوری اسلامی ایران و لیبی (آذرماه ۱۳۶۷) تهیه کننده:احمد علی گنجی زاده زواره - تهران دفتر تثبیت شن و کویزائی - دیماه، ۱۳۶۷ - پلی کپی.

۱۷- مغرب بزرگ - پل بالتا (Balta paul) با همکاری کلودین رولو، ترجمه عباس آگاهی تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی - ۱۳۷۰ ص ۳۵ و ۳۶.

۱۸- مغز بزرگ پل بالتا ص ۳۷.

۱۹- اوپک - دکترامیر باقر مدنی ص ۵۴.

Mohamadd El mehdawi the industrial ization of Lyba 20-
injohnclark Changeand Developmentin Middleeast (New.york)
1981.p.253

تونس

تونس یا سرزمین کارتاژ قدیم کوچکترین کشور شمال آفریقا است که بین لیبی و الجزایر و در ساحل جنوبی مدیترانه قرار دارد و با ۱۶۳۳۱۰ کیلومتر مربع و ۸۲۰۲۰۰۰ نفر سکنه، تراکم نسبی آن ۵۰/۱ نفر در کیلومتر مربع می باشد. ارتفاعات کرومیری در نواحی شمالی آن را غرب به شرق کشیده شده اند که آب و هوای این نقاط کوهستانی است. ناحیه ساحلی و جلگه ای شرقی که تا شهر قابس ادامه دارد، از آب و هوای مدیترانه ای برخوردار می باشد. جلگه مرکزی تونس کوههای شمبی از نواحی شمالی جدا می شود. خلیج معروف این کشور در شمال شرقی آن قرار دارد.

شهر قیروان نخستین شهر مقدس مغرب (آفریقای شمالی) پس از گرایش به اسلام به شمار می رود که در این کشور واقع شده است.

تونس نخستین سرزمین شمالی آفریقا است که توسط فنیقی ها و رومی ها فتح شد و در قرن اول هجری مسلمانان آن را ضمیمه قلمرو خود نمودند. در سال ۴۳۸ ه.ق این کشور توسط مغز بن بادیس صنهاجی از حوزه حکومت فاطمیان جدا شد و پس از سه دهه جدایی، سلجوقیان آن را فتح نمودند.

در سال ۱۸۸۱م فرانسه به تونس مسلط شد تا اینکه به دنبال مبارزات مردم در سال ۱۹۵۶م فرانسه ناگزیر شد به استقلال تونس تن در دهد. با این حال تونس بعد از استقلال، حافظ منافع غرب شد و با دول اروپائی و بویژه فرانسه روابط سیاسی - فرهنگی و تجاری برقرار نمود. و تونس که در طول قرون و اعصار، مرکز تشکیلات اسلامی بود و به عنوان پایگاهی برای تهاجم به اروپا توسط مسلمین درآمده بود اکنون حالت وارونه ای یافته و ابر تیره ستم و باتلاق فساد در آن دیده می شود. هفته نامه ژون آفریک چاپ پاریس می نویسد: «دولت تونس، فضای آزادی غربی را در کشورش ایجاد کرده که در دیگر کشورهای غربی به ندرت دیده می شود. سینماها هر چیزی را به نمایش می گذارند، کانال دو تلویزیون فرانسه از طریق شبکه سراسری تونس پخش می شود، کتابفروشی ها مملو از روزنامه ها و کتب غربی است. در تونس می توان مثل غربی ها تا دیروقت در بیرون از خانه بود و رقص و پایکوبی نمود و الکل خورد، با خارجی ملاقات کرده و یا اینکه بدون ترس و وا همه فیلمهای ضد اخلاقی تماشا نمود!»

حبیب بورقیه که از زمان استقلال تونس و استقلال تونس و از سال ۱۹۵۷م در تونس حکومت می کرد در اکتبر ۱۹۸۷م بدون خونریزی کنار رفت و زین العابدین بن علی اوضاع را بدست گرفت.

۷۵٪ مردم تونس به امور کشاورزی و ماهیگیری اشتغال دارند. گندم، جو، زیتون، مرکبات، انگور و سبزیجات مهمترین محصولات زراعی آن است. فسفات ذخیره مهم معدنی این کشور می باشد. ۵۰٪ نفت استخراجی آن به خارج از کشور صادر می شود. از منابع مهم درآمد تونس جهانگردی است.

اکثریت نژادی آن عرب و بقیه بربر و اروپائی اند. زبان و خط رسمی عربی است ولی زبان فرانسه هم در تونس رواج دارد. ۹۸٪ مردم، مسلمان و اغلب پیرو مذهب تسنن هستند. ۶۱٪ شهرنشین بوده و میزان بیسوادی بالای ۱۵ سال، طبق آمار سال ۱۹۸۵م، ۴۵/۸٪ است. در پایان سال ۱۹۸۸م این کشور ۶۶۷۲ میلیون دلار بدهی داشته است. از ۹/۶ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی ۱۴/۴٪ به کشاورزی، ۳۳/۱٪ به صنعت و ۵۳/۴٪ به خدمات اختصاص داشته است.

۶/۳٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۶ صرف امور آموزشی و تعلیم و تربیت می شده است. (۱)

جمهوری الجزایر

الجزایر به عنوان وسیعترین کشور شمال آفریقا و دومین کشور آفریقا با ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع وسعت در جنوب مدیترانه و در غرب لیبی و تونس قرار دارد. نواحی ساحلی آن دارای آب و هوای مدیترانه ای است. ارتفاع مهم آن کوههای اطلس می باشد. فلات مرکزی آن که از دریاچه ها و مرداب های نمک پوشیده شده، آب و هوای گرم و خشک دارد. بیش از دو میلیون کیلومتر مربع آن را، صحرا تشکیل می دهد. الشلیف طولانی ترین رودخانه آن است.

۲۴۷۳۵۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۵۲٪ آن زندگی شهری دارند. درصد رشد سالانه ۲/۷ نفر در کیلومتر مربع می باشد. بیشترین تراکم جمعیت در ناحیه القبائل و برابر ۲۵۰ نفر ولی در نقاط بیابانی جنوبی کمتر از یک نفر در کیلومتر مربع است. اعراب و بربرهایی که با آنها آمیخته شده اند ۷۵٪ سکنه الجزایر را تشکیل می دهند. دومین گروه نژادی الجزایر، بربرها هستند. زبان رسمی عربی است که متجاوز از ۸۰٪ بدان تکلم می کنند. زبان فرانسوی و بربری هم رواج دارد، ۹۹٪ مسلمانند و مذهب اغلب آنان تسنن و پیرو فقه مالکی می باشند. اقلیت مهم مسلمانان، اباظیه (بازماندگان خوارج) هستند.

کشور الجزایر در اواسط قرن اول هجری به تصرف قوای اسلام درآمد و در قرن ۱۶ میلادی جزو قلمرو دولت عثمانی بود، الجزایر از سال ۱۸۳۰م تا ۱۹۶۲م به مدت ۱۳۲ سال زیر سلطه فرانسه قرار گرفت که با مقاومت و مبارزات مسلمانان و تکیه بر اسلام و تقدیم یک میلیون شهید، استقلال خود را بدست آورد.

کشور الجزایر که به انحاء گوناگون حقارت ناشی از سلطه استعماری را تجربه نمود ولی از فرهنگ استعماری مصون نماند و این فرهنگ در کشور مزبور ریشه دواند و با وجود تلخی دوران استعمار، به لحاظ مسائل سیاسی و اقتصادی با فرانسه روابط گسترده ای را در ابعاد گوناگون برقرار نمود.

البته احمد بن بلا وقتی پس از استقلال روی کار آمد با شوروی رابطه برقرار کرد و در ساحل مدیترانه یک پایگاه دریائی به شوروی داده شد. نیروهای مسلح الجزایر نیز توسط شوروی تجهیز شده و تعلیم می یافتند و در ازای آن محصول انگور الجزایر تقدیم شوروی می گردید. هواری بومدین که در مصدر قدرت قرار گرفت ارتباط با شوروی را حفظ نمود و در دهه سالهای ۱۹۸۰م شوروی تامین کننده جنگ افزارهای نظامی الجزایر بود ولی فضای روابط به گرمی سابق نبود و بومدین از اعطای پایگاه اوران - که شوروی بسیار طالب آن بود - به این کشور اجتناب نمود. نداشتن پایگاه صنعتی، تکیه بر کشاورزی، اقتصاد تک محصولی و رشد جمعیت بالا این کشور را درمخاطبه و بحران شدید قرار داد که ارمغان آن فقر و بیکاری و تورم بالا بود از اینجهت به غرب روی آورد تا شاید زخمش را التیام دهد اما نه تنها این زخم التیام نیافت بلکه دچار عفونتی شد که درمان آن ا دشواری توأم گردید. کاهش قیمت انرژی به دلیل وابستگی این کشور به نفت و گاز نقش خود را در پرداخت ها نشان داد و در سال ۱۹۸۸م که دولت می خواست طرح لغو سوبسید نان را به اجرا گذارد به شورشیهای خیابانی منجر شد و دولت شاذلی بن جدید در آغاز به سرکوبی آنان پرداخت اما در سال ۱۹۸۹م با اصلاح در قانون اساسی، دموکراسی چند حزبی را بوجود آورد.

زمینهای حاصلخیز الجزایر در نواحی ساحلی واقع است و ۴۰٪ نیروی کار آن در بخش کشاورزی مشغول کارند. محصولات زراعی آن غلات، خرما، انگور، انجیر و زیتون است. استخراج نفت در الجزایر از سال ۱۹۵۸م یعنی در عصر استعمار آغاز شد. این کشور علاوه بر نفت دارای ذخائر عظیم گاز هم می باشد. در صنایع بیشتر بر تولید آهن و فولاد و پتروشیمی تاکید دارد. تولید ناخالص داخلی آن در سال ۱۹۸۸م به ۵۸/۲۵ میلیارد رسید که ۱۲/۴٪ به بخش کشاورزی، ۴۶/۴٪ به بخش صنعت و ۱۴/۱٪ به بخش خدمات اختصاص داشت. نرخ تورم در این کشور بین ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸م حدود ۸٪ بوده است. الجزایر که روزی نوید ژاپن افریقا را سر می داد با مشکلات عدیده اقتصادی روبرو گردید و بدهی خارجی آن در پایان سال ۱۹۸۸م به ۲۴۸۵۰ میلیارد دلار رسید.

یکی از تاسف بارترین مسائل الجزایر این است که محصولات انگور آن که با تلاش کشاورزان مؤمن و معتقد، به عمل می آید به شراب تبدیل شده و این محصول بعد از نفت بزرگترین ارقام صادراتی آن را تشکیل می دهد.[۱] ۴۶٪ افراد بالای ۱۵ سال بیسوادند (۱۹۹۰م) و دولت ۹/۸٪ تولید ناخالص ملی را به آموزش و پرورش اختصاص داده اس. با وجود آنکه بر تدریس و کاربرد زبان عربی، قانون اساسی، تاکید نموده اما در مدارس از زبان فرانسه استفاده می شود. این کشور جزو کشورهای عدم تعهد، جبهه پایداری اعراب و سازمان اوپک می

باشد. الجزایر در جنگ ایران و عراق برای صلح تلاش زیادی کرد و حتی وزیر امور خارجه این کشور در اینر راه جان خود را از دست داد. (۲)

پایتخت الجزایر، بندر الجزیره است که در ساحل دریای مدیترانه قرار دارد و از شهرهای مهم آن عین الصالح و بندر قسنطینه و اوران را می توان نام برد.

مراکش (مغرب) (۳)

کشور مراکش که حکومت مشروطه سلطنتی دارد با ۴۵۸۷۳۰ کیلومتر مربع وسعت در ساحل شرقی اقیانوس اطلس و ساحل جنوبی دریای مدیترانه، غرب الجزیره و در شمال غربی آفریقا قرار دارد. نزدیکترین کشور آفریقائی به اروپای جنوبی، مراکش است و ارتباط آن با اروپا از طرزق جبل الطارق انجام می گیرد.

اراضی بیابانی آن در نواحی شرقی بوده و کوههای اطلس در شمال غربی آن قرار دارند. در سواحل شمالی آب و هوای مدیترانه ای و در ساحل غربی آب و هوای اقیانوسی حاکم است. ارتفاعات مرکزی موجب اعتدال آب و هوای این نقاط می شود.

مراکش ۲۴۸۲۴۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۴۶٪ آن در نقاط شهری و بقیه در روستاها سکونت دارند. رشد جمعیت ۲/۸٪ و تراکم نسبی ۵۴/۱ نفر در کیلو متر مربع است. ۶۵٪ مردم از نژاد سامی (عرب)، ۳۴٪ برابر و ۱٪ بقیه از نژاد سفید اروپائی هستند. زبان اداری و بازرگانی مراکش فرانسوی است ولی قبایل، به زبان بربری سخن می گویند. ۹۹٪ مردم مسلمان و سنی مذهبند.

مجموعه ترجمه

مغرب (مراکش) در ادوار باستانی بخشی از امپراطوری کارتاژ بود که شمال آفریقا خلیج سرت در لیبی تا اقیانوس اطلس) حکومت می کرد. در سال ۱۴۶ قبل از میلاد بدست رومیان افتاد که در آن زمان جزو موریتانی بود و حکومت اروپائیان تا رن هفتم میلادی (قرن اول هجری) بر آن ادامه یافت.

در اواخر قرن اول هجری، مسلمانان پس از درگیری با اروپائیان و بربرها این ناحیه را جزو قلمرو خود نمودند و دین اسلام و زبان عربی در آن رواج یافت.

در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی قوای اسپانیائی و پرتغالی بنادر مراکش را تصرف کردند. در قرن شانزدهم حکومت محلی شریفهای علوی مراکش، تابع دولت عثمانی شد ولی در قرن هفدهم اروپائیان بر آن دست یافتند.

از سال ۱۹۱۲م مغرب میان فرانسه و اسپانیای تقسیم شد و استعمار این سرزمین آغاز گردید. مردم مسلمان بخصوص قبائل در نقاط کوهستانی، قیامهایی را بر علیه متجاوزین ترتیب دادند که عبد الکریم ریفی رهبری آنها را به عهده داشت.

اسپانیایی ها در سال ۱۹۱۵م وی را زندانی نمودند ولی پس از ۱۱ ماه آزاد شد. در پایان جنگ اول اسپانیا به سرکوبی شدید و کشتار مردم قبایل ریف پرداخت اما با ادامه قیام مردمان ریفی در سال ۱۹۲۱م در ناحیه ریف، نظام جمهوری به رهبری عبد الکریم ریفی برقرار شد و رفته رفته قلمرو جمهوری مذکور به ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ گردید. قوای فرانسه از اوائل سال ۱۹۲۴ م برای جلوگیری از گسترش انقلاب، به خاک ریف حمله کردند و سر انجام در سال ۱۹۲۶م جمهوری ریف را ساقط کردند. و عبد الکریم ریفی را به جزیره رئونیون در اقیانوس هند تبعید کردند، وی در بین راه گریخت و به مصر پناهنده شد. در سال ۱۹۳۸م از سوی شاه مراکش، عبد الکریم ریفی لقب قهرمان ملی گرفت، سرانجام مراکش در سال ۱۰۵۶م استقلال خود را بدست آورد و پس از استقلال حسن دوم، پادشاه مراکش شد. (۴)

ثروت اصلی آن فسفات است که از این لحاظ نخستین صادر کننده جهانی است. تنزل شدید قیمت فسفات کسری موازنه آن را به ۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ م رسانید. بهای آن که ۶۸ دلار در سال ۱۹۷۵ میلادی بود به ۳۰ دلار در سال ۱۹۸۹ میلادی رسید و بدهی آن را به ۱۷ میلیارد دلار افزایش داد. خشکسالی ها این چالش اقتصادی را افزون کرد. جنگ با صحرا، نفرت ارتش را دو برابر نمود و ۴۵٪ بودجه سرمایه گذاریها به هزینه نظامی اختصاص یافت. بحران مزبور منجر به آن شد که رژیم، سوبسیدها را قطع کرده و به کاهش دستمزدها بپردازد که در سال ۱۹۹۰ م با شورش شهر فارس مواجه شد. قریب به ۳۰٪ سکنه مراکش زیر خط فقر قرار دارند (۵) و نرخ رشد جمعیت که هر روز در حال افزایش است هزینه های بیشتری را برای ارائه خدمات بهداشتی - رفاهی و اجتماعی می طلبد. ۶۷٪ مردم بیسوادند که بالاترین رقم در آفریقای شمالی است. تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۸ م ۱۷/۸۳ میلیارد دلار بوده که ۱۸/۶٪ به کشاورزی، ۳۱٪ به صنعت و ۵۰/۴٪ به خدمات اختصاصی داشته است. نرخ تورم در این کشور به ۸٪ بالغ می گردد.

مراکش از ۳۰ استان و دو ناحیه شهری تشکیل شده و مرکز حکومت آن بندر رباط است که در کنار اقیانوس اطلس می باشد. فاس و کازابلانکا از شهرهای مهم آن می باشد. در کازابلانکا مسجدی است که ظرفیت ۸۰۰۰۰ نفر نمازگزار را دارد و یکی از وسیع ترین مساجد جهان اسلام است.

ب - آفریقای شرقی

آفریقای شرقی به لحاظ چهره طبیعی ناهموارتر از سایر نقاط این قاره است.

حرکات زمین ساختی و تکنونیک، (۶) شکاف ها، گسل ها و دره شکستگیهایی را موجب شده که برخی از آنها به پیدایش دره های عمیق و دریاچه ها و نیز بوجود آمدن آبشار در مسیر رودها منجر شده اند. از این لحاظ است که اغلب دریاچه های افریقا در این بخش واقعند. دریاچه ویکتوریا در مرز بین کنیا، اوگاندا و تانزانیا و همچنین دریاچه های مالای و تانگانیکا (۷) در افریقای شرقی قرار دارند.

رودخانه نیل یکی از بزرگترین شریانهای حیاتی جهان در افریقای شرقی و شمال شرق یواقع است که منشا آن ارتفاعات اتیوپی (نیل آبی) و دریاچه ویکتوریا (نیل سفید) (۸) می باشد و طول آن به ۶۴۰۰ کیلومتر بالغ می گردد.

رود زامبزی (۹) به طول ۲۵۷۶ کیلومتر به اقیانوس هند می ریزد. قله کلیمانجارو (۱۰) با ۵۸۹۵ متر بلندی، مرتفعترین ناحیه افریقااست که آتش فشان خاموش می باشد. قله کنیا (۲۱) با ۵۲۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا در این بخش از افریقا واقع است. با وجود عبور خط استوا، آب و هوای آن منطقه خشکتر از آب و هوای افریقای غربی می باشد و قلل آن به سبب ارتفاع زیاد در برخی اوقات سال - با وجود عبور خط استوا - پوشیده از برفند. این منطقه بدلیل ارتباط فرهنگی - اقتصادی با آسیا و بخصوص مردمان هند و آسیای جنوب غربی، ترکیب جمعیتی نامتجانسی دارد و علاوه بر افریقایی ها، مهاجرین هندی، عربی و ایرانی در آن زندگی می کنند و فرهنگ آن از سنن آسیائی تاثیر پذیرفته است.

از بررسیهای تاریخی و کاوشهای باستان شناسی بر می آید که افریقای شرقی بازرگانی داشته است. با نشر اسلام، دریانوردان مسلمان، این آیین را به افریقای شرقی بردند و شالوده های نوعی تمدن اسلامی را در این ناحیه پی افکندند. بعدها در قرن پانزدهم، پرتغالی ها بر این نقاط راه یافتند.

Translation Movement

یکی از نژادهای افریقای شرقی مردمان سواحیلی (۱۲) است که از قرون گذشته با عربها و آسیائی ها در تماس بوده اند. فرهنگ آنان از اسلام تاثیر پذیرفته و زبان سواحیلی دارند که مهمترین زبان افریقای شرقی است. شهرهای تاریخی و بندری کیلوا، مومباسا و باگامویورا این مردم بنا نهاده اند.

گروه دیگر نژاد این ناحیه، زنگیان هستند که در سواحل شرقی و زنگبار سکونت دارند. در قرون اولیه اسلامی تعداد زیادی از آنان به بین النهرین سفلی رفته تا در آجا به احیا نمودن اراضی شوره زار بپردازند. اینان چندین بار بر علیه عباسیان قیام کردند که مشهورترین آنها به سرکردگی صاحب الزنج روی داد. وی در سال ۲۷۰ق به قتل رسید و شورشیان به شدت سرکوب شدند. (۱۳)

(۱۵۲۴-۱۴۶۹م) نخستین اروپائی بود که به ساحل شرقی افریقا و مناطقی (۱۴) که اکنون کنیا و موزامبیک نام دارد، رسید.

واحدهای سیاسی افریقای شرقی عبارتند از اتیوپی، جیبوتی، سومالی، کنیا و تانزانیا که مجموعاً بیش از ۳۴۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و متجاوز از ۹۷ میلیون نفر سکنه دارند.

پر وسعتترین و پرجمعیتترین آنها اتیوپی می باشد و جیبوتی کمترین وسعت و کمترین سکنه را دارد. قریب به ۴۰ میلیون سکنه این کشورها مسلمان هستند و غیر از کنیا در بقیه نواحی، اکثریت با مسلمانان است.

اتیوپی

اتیوپی کشوری است کوهستانی که در منطقه استوایی افریقا قرار دارد و وسعت آن به ۱۲۲۳۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می گردد. مجمع الجزایر داهلاش (۱۵) که در دریای سرخ واقع است به این کشور اختصاص دارد. اتیوپی در منطقه استراتژیک شاخ افریقا (۱۶) و در غرب دریای احمر و گلوگاه سوق الجیشی باب المندب بین سومالی و سودان قرار گرفته است. نواحی کوهستانی آن آب و هوای معتدل و نواحی پست و جلگه ای، آب و هوای گرم و مرطوب استوایی دارد. دریاچه های مارگریتا (در جنوب) و رودلف در جنوب غربی آن هستند.

اتیوپی ۴۹۶۲۰۰۰۰ نفر سکنه دراد که صرفاً ۱۱٪ در نقاط شهری سکونت دارند. رشد سالانه جمعیت ۲/۹٪ و تراکم نسبی آن بیش از ۴۰ نفر در کیلومتر مربع می باشد. ۹۰ فرقه و گروه نژادی با گرایشهای فرهنگی و مذاهب گوناگون در ای کشور زندگی می کنند که مهمترین آنها گالا، امهر و تیگره هستند، این اقوام ۱۵ زبان دارند. زبا رسمی امهری است ولی زبان عربی و انگلیسی هم رواج دارد بیش از نیمی از سکنه اتیوپی مسلمان هستند ولی رژیم حاکم بر آن سعی دارد تعداد آنها را کمتر از میزان واقعی قلمداد نماید. بزرگترین اقلیت، مسیحی ها هستند که در امور اداری سیاسی و نظامی نفوذ قوی داشته و نظام حکومتی را اداره می کنند.

اتیوپی زمانی از ممالک قدرتمند دنیا بود؛ یونانیان آن را اتیوپی نامیده و مسلمانان، حبشه را برایش برگزیدند. تاریخ استقلال آن از زمان تاسیس امپراطور توسط منلیک فرزند سلیمان می شود.

در سال ۱۸۹۶م، اتیوپی موفق شد ایتالیائی ها را شکست دهد. در سال ۱۹۳۰م پس از درگیریهایی، هایلآسلاسی روی کار آمد و اولیت قانون اساسی را تدوین نمود. در سال ۱۹۳۵م ایتالیا مجدداً این کشور را اشغال کرد اما با شکست در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱م اتیوپی و سایر کشورهای افریقای شرقی را تخلیه نمود. در سال ۱۹۵۲م طبق یک تقسیم مغرضانه، قرار شد اریتره به عنوان سرزمین خودمختار به اتیوپی

ضمیمه شود و در همین زمان بود که هایلاسلاسی آن را به تصرف خود درآورد. مسلمانان در زمان هایلاسلاسی در شرایط سخت مرارت باری می زیستند که یادآور دوران قرون وسطایی بود.

در سال ۱۹۷۵م با مرگ این دیکتاتور، هرج و مرجی در کشور ایجاد شد و سرانجام دو سال بعد پس از کودتای نظامی توسط افسران مارکسیست ژنرال منگستیوهایله ماریام قدرت را در دست گرفت و با کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی رابطه ایجاد کرد. در این دوران نیز مسلمانان تحت فشار چپ گرایان بودند. این رژیم از یک سو درگیر جنگ داخلی با جبهه آزادی بخش اریتره و جبهه آزادی بخش خلق تیگره قرار گرفت. از طرف دیگر در سال ۱۹۷۸م طی جنگی ۸ ماهه سومالی حاکمیت خود را بر ناحیه غربی سومالی که اوگادن نام دارد تثبیت نمود. البته این جنگ به دستور هایلاسلاسی شروع شده بود و جانشین کمونیست وی، آن را ادامه داد. این جنگ موجب آواره شدن ۲ میلیون نفر گردید. که به عنوان پناهنده به سومالی سرازیر شدند. بعد از جنگ نیز اتیوپی سیاست قوم کشی سومالی زبانان اوگادن را ادامه داد. چون قوای اتیوپی و طرفداران کوبایی از شکست جبهه آزادی بخش سومالی غربی (اوگادن) عاجز شدند، تصمیم گرفتند از طریق بمباران، کشتار افراد غیر نظامی، تخریب روستاها، تجاوز به زنان، مسموم نمودن منابع آب و نابودی دامها آن را از سکنه ۵ میلیونی خالی کنند. (۱۷) این حرکت فاجعه دردناکی را برای کشور کوچک جیوتی بوجود آورد زیرا حدود ۳۰۰۰۰ پناهنده مسلمان که از نژاد عفار (۱۸) و اروموس (۱۹) هستند برای فرار از اعمال سرکوبگرانه دولت اتیوپی به این کشور پناهنده شدند. این کشور نیز از تعرض همسایه بزرگ خود یعنی اتیوپی مصون نیست و عده ای از هواخواهان اتیوپی در حکومت آن نفوذ نموده اند. (۲۰)

ژنرال منگستیوهایله ماریام در ۲۱ مه ۱۹۹۱م سقوط نمود و مجلس زناوی به عنوان رئیس جمهور به جای وی، روی کار آمد وی که گرایش به اسرائیل دارد مسلمانان را در شرایط وخیمی قرار داده و به سرکوبی و کشتار و شکنجه آنان می پردازد. (۲۱)

Translation Movement

.JMS

اتیوپی از جمله کشورهای فقیر دنیاست. از ۶۵٪ اراضی آن، ۱۰٪ به زیر کشت می رود. محصولات زراعی آن گندم، جو، قهوه، پنبه، و سیب زمینی است و به لحاظ دامپروری نیز اهمیت دارد اما صنعت در آن توسعه نیافته و منحصر به صنایع نساجی و سیمان می باشد. منابع معدنی آن طلا، طلای سفید، منگنز و نیکل است.

اتیوپی بدلیل خشک سالی و قحطی، اقتصاد عقب افتاده ای داشته و بدهی زیادی دارد. مشکل نیم میلیون سرباز آزاد شده از خدمت، مهاجرت شدید روستائیان بدلیل خشکسالی، جنگهای ق.می و قبیله ا، مشکل مربوط به سرمایه گذاری و سیستم پولی، توقیف برخی صنایع بدلیل کمبود وسایل یدکی و مواد اولیه، از دست دادن بندر عصب و اختیار گرفتن آن توسط دولت موقت اریتره از جمله نابسامانی های اتیوپی است. در سال ۱۹۸۵م

بر اثر خشکسالی، ۲۰۰۰۰۰ نفر در اتیوپی هلاک شدند و هم اکنون ۸ میلیون نفر در این کشور با خطر گرسنگی مواجه اند. (۲۲)

می باشد و از ۱۴ استان تشکیل شده که زیر نظر (۲۳) حکومت مرکزی اداره می شود.

سرزمین مسلمان نشین اریتره

اریتره با ۱۱۷۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شمال اتیوپی و در غرب دریای سرخ قرار دارد با سودان در شمال و غرب، مرز مشترک دارد. سواحل اریتره در منابع اسلامی ایالت باضع یا سرزمین طراز اسلامی خوانده می شد. اروپاییانی که برای اولین بار در آغاز قرن شانزدهم به سرزمین اریتره پا نهاده اند می گویند اریتره کشور مستقلی بود که شخصی بنام بهاری ینجاسی (امیر دریا) آن را اداره می کرد و مدام در حال جنگ با همسایه اش اتیوپی بود. یک نقشه پرتغالی که تاریخ آن به ۱۶۰۰ میلادی باز می گردد، اریتره را با مرز فعلی اش نشان می دهد. جی بروس کاشف اسکاتلندی در سال ۱۷۷۰م گفته است که خط مرزی میان مدار بحری و اتیوپی با رودخانه پلیسا مشخص می شود؛ این رودخانه هم اکنون در امتداد مرز فعلی اریتره واقع است.

اریتره تا سال ۱۵۲۷م مستقل بود و بر اساس یک امپراطوری اداره می شد. اولین کشور استعماری که به آن آمد پرتغال بود که در سال ۱۵۲۰م بندر مساوه را به تصرف خود درآورد که تا سال ۱۵۵۷م آن را تصرف داشت پس از آن دولت عثمانی ۳ قرن بر آن حکومت نمود که در این مدت آئین اسلام در میان اقوام اریتره گسترش یافت. در سال ۱۸۷۰م اریتره توسط مصر فتح شد. در سال ۱۸۸۵م ایتالیا ساحل اریتره را به تصرف خود درآورد و تا پایان جنگ دوم که شکست خورد به استعمار و غارت آن پرداخت. مصر نیز طبق یک موافقتنامه فرمایشی اریتره را به ایتالیا واگذار نمود. اریتره ای ها با کمال شجاعت به دفاع از استقلال خود برخاستند و طی نبردهایی، تلفات شدید متوجه مهاجمین ایتالیائی نمودند و سرانجام قیام آنان با امضای قرارداد مودت و همکاری میان ایتالیا و امپراطور منلیگ امپراطور وقت اتیوپی فروکش نمود اما استعمار این سرزمین توسط ایتالیا ادامه یافت در سال ۱۹۴۱م قوای متفقین وارد خاک اریتره شده و چون نتوانستند درمورد تصاحب آن به توافق برسند لاجرم موضوع آن را به سازمان ملل ارجاع دادند. این سازمان هم طی قطعنامه ۳۹۰ بدون در نظر گرفتن تمایلات مردم اریتره و برخلاف خواست مشروع ملت، مجوز الحاق این سرزمین را به اتیوپی صادر کرد (۲۴) و هایلاسلاسی هم آن را به تصرف درآورد. اریتره به منظور ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با دریای سرخ و داشتن دو بندر حیاتی مساوه (۲۵) و عصب (۲۶) و ذخائر و منابع معدنی فراوان برای اتیوپی اهمیت زیادی دارد و لذا هایلاسلاسی گفته بود:

«ما خواهان سرزمین اریتره هستیم نه مردم آن»

و در ۱۵ نوامبر ۱۹۶۲م رادیو آدیس آبیا اعلام کرد که:

«اریتره از این پس به عنوان استان چهاردهم امپراطوری اتیوپی به شمار خواهد آمد»

پس از مبارزه مسلحانه مردم مسلمان اریتره برای آزادی سرزمین خود از یوغ اتیوپی آغاز شد البته جبهه آزادی بخش اریتره (E.L.f) (27) در دسامبر ۱۹۶۰م تشکیل شده بود.

در سال ۱۹۷۴م گرچه هایلاسلاسی سقوط کرد و هایله ماریام طرفدار شوروی روی کار آمد اما سلطه اتیوپی بر اریتره نه تنها ادامه یافت بلکه رژیم جدید بر حملات خود علیه مبارزین مسلمان شدت بخشید و هایله ماریا اعلام کرد:

«همان طور که برای نابودی ماهی های دریا باید تمام آب دریا را تخلیه کرد برای از بین بردن انقلاب اریتره باید قسمت اعظم این ملت را از بین ببریم»

و پس از آن ۱۵۰۰ روستا را به آتش کشیده و بیش از ۸۰۰۰۰ غیر نظامی را به قتل رسانیدند و ۳۰۰ هزار گاو و شتر را از بین بردند. این تهاجم وحشیانه موجب متواری شدن عده ای از ساکنان اریتره شد که حدود یک میلیون نفر آواره اتیوپی و بقیه راهی سودان شدند. (۲۸) با این وجود، مبارزین در سالهای ۱۹۷۵م تا ۱۹۷۷م موفق شدند تمام شهرهای اریتره بجز بنادر عصب، مساوه و شهر اسمره را آزاد کنند اما در سال ۱۹۷۸م نیروهای نظامی اتیوپی با حمله از سه محور نقاط مزبور را به تصرف درآوردند و مبارزین ناگزیر به روستاها عقب نشینی کردند. (۲۹) در سالهای اخیر ارتش آزادی بخش اریتره به همت مسلمانان موفق شد بندر استراتژیک مساوه (واقع در کنار دریای سرخ) را تصرف نموده و با قطع جاده های تدارکاتی - نظامی، نیروهای دولتی اتیوپی ناچار به عقب نشینی شدند. اریتره بخاطر بمبارانهای شدید بیمارستانها، اردوگاههای آوارگان و تدارکات پشت جبهه را در خاک را در خاک سودان قرار داد و حتی امکانات خود را از راه خشکی از طریق سودان دریافت می نمود که با توافق جعفر نمیری رئیس وقت سودان با ماریام این کمک ها قطع گردید. (۳۰)

اریتره ۵ میلیون نفر سکنه دارد که ۸۰٪ آن مسلمان، ۱۵٪ مسیحی و ۵٪ بت پرست هستند. مسلمین به زبان عربی تکلم می کنند. بت پرستان زبان محلی دارند و بین مسیحیان زبان تیگره رواج دارد مسلمانان غالبا در دشتهای شرقی و غربی سکونت دارند ولی مسیحیان در نقاط مرتفع و فلاتها زندگی می کنند. ۷۸٪ مردم اریتره در روستاها هستند که به کشاورزی مشغولند. بقیه در شهرها می باشند. اساس فعالیتهای اقتصادی اریتره بر کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی غنی داشته موز و سایر میوه های فصلی و انواع سبزی از

محصولات زراعی آن می باشد. ثروت دامی اریتره که شامل گاو و گوسفند و شتر است، به ده میلیون راس بالغ می گردد.

مهمترین منابع معدنی آن عبارتند است از: طلا، نیکل، آهن، مس، منگنز، کبالت، نقره، آلومینیوم، پتاسیم، و نفت. در سال ۱۹۷۳م هایلای سلاسی امتیاز بهره برداری از معادن اریتره را به ۱۸ کمپانی بزرگ خارجی داده بود که مسلمانان با مبارزه ای مستمر اجازه غارت منابع سرزمین خود را به آنان ندادند. تنها پالایشگاه آن در بندر عصب استقرار یافته. و کارخانه های کمپوت سازی و تولید سیمان در سایر شهرها بویژه اسمره (مرکز آن) می باشد. (۳۱)

پی نوشتها

- ۱- مغرب بزرگ پل بالتا ص ۵۷ و ۵۸.
- ۲- اوپک و اثرات تخریبی و تطبیق قیمت نفت - دکتر امیر باقر مدنی ص ۱۰۵ و ۱۱۳.
- ۳- ناحیه مغرب شامل جزیره بزگی است که مسلمانان آن را در قدیم مغرب الاقصی می نامیدند و به سه کشور مراکش، الجزایر و تونس تقسیم می شد بعضی هم شمال افریقا را مغرب می گویند، هم اکنون مراکش به مغرب هم موسوم است.
- ۴- گیتاشناسی کشورها - محمود محجوب - فرامرز یآوری - تهران گیتاشناسی ۱۳۶۲، صفحات ۳۲۰ و ۳۲۱.
- ۵- فاصله بین دستمزدها در این کشور بسیار بالاست و کمترین دستمزد آن ۳۹۱ درهم است که پائین ترین سطح درآمد در جهان است و بالاترین درآمد برای یک مدیر کل در این کشور ۳۰۰۰۰ درهم می باشد.

ترجمت ترجمت
Translation Movement
JMS

-tectonic 6

-tanganyka 7

-white Nile 8

-zambezi 9

-kilimanjaro 10

-kenya 11

-swahili 12

۱۳- دائرة المعارف فارسی دکتر غلامحسین مصاحب ذیل زنگی.

-Vascodagama 14

-Dahlach 15

۱۶- شاخ افریقا قسمتی از افریقای شرقی است که شامل کشورهای اتیوپی، سومالی و جیبوتی می شود. این ناحیه به صورت یک برآمدگی است که بخشی از شرق افریقا را همچون شبه جزیره داخل خلیج عدن و

اقیانوس هند گردانیده است و اهمیت استراتژیک آن بقدری است که سه دولت ایتالیا، فرانسه و بریتانیا برای تسلط به باب المندب، خلیج عدن، اقیانوس هند و شرق آفریقا با هم در رقابت بودند هم اکنون نیز این ناحیه از موقع مهمی برخوردار است.

۱۷- اقلیت های مسلمان در جهان، مجموعه مقالات ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۳۴.

-Afar 18

-oromos 19

۲۰- نگاهی به اوضاع مسلمانان بنگلادش، اتیوپی و شوروی ترجمه حمید شیخی - مجله مشکوه ش ۲۱ زمستان ۱۳۶۷.

۲۱- کیهان ش ۱۴۲۳۲.

۲۲- اتیوپی یک سال پس از سقوط هایل مازیام - کیهان ۱۴۵۲۰.

-Adis Abeba 23

۲۴- سازمان ملل اتحاد فدرالی اریتره با اتیوپی را تصویب کرده بود که هایل سلاسی بطور یکجانبه آن را ندیده گرفت و سرزمین اریتره را یک ایالت اتیوپی خواند.

Massaouah 25 - (مساوه یا مصوع)

-Assob 26

-Eritrea 27

۲۸- اقلیتهای مسلمان در جهان، ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۳۶.

۲۹- جنبشهای آزادیبخش ص ۱۵۹.

۳۰- پسیام انقلاب ش ۵۴، ۲۹ اسفند ۱۳۶۰.

۳۱- مردم اریتره در آوریل ۱۹۹۳ م با ۹۹/۸٪ آراء تحت نظارت سازمان ملل متحد به استقلال سرزمین خود رای مثبت دادند و اتیوپی و چند کشور دیگر از جمله جمهوری اسلامی ایران استقلال آن را به رسمیت شناختند.

جمهوری سومالی

کشور سومالی بیشترین قسمت شاخ افریقا را بخود اختصاص داده و با ۶۳۷۶۵۷ کیلومتر مربع در کناره غربی اقیانوس هند، جنوب خلیج عدن ر شرق اتیوپی قرار دارد. اهمیت سوق الجیشی سومالی موجب آن شد تا دول استعماری آن را به سه قسمت تقسیم کنند. وضعیت سیاسی آن به حدی است که می توان آن را پلی بین افریقا و جنوب غربی آسیا دانست. هر قدرتی که بر سومالی مستولی گردد می تواند بر اتیوپی، کنیا، دریای سرخ و خلیج عدن دسترسی داشته باشد.

مسلمانان از طریق بندر زیلغ در کنار خلیج عدن وارد سومالی شده و اسلام را در قرن اول هجری در آن گسترش دادند. در قرن ۱۴ میلادی یک دولت قدرتمند اسلامی در سومالی تشکیل شد که توانست بر قسمتی از اتیوپی حمله کند. در سال ۱۸۸۳م در بخش شمالی سومالی که اکنون کشور مستقل جیبوتی قرار دارد فرانسویان نیروی نظامی پیاده کردند این قلمرو به ۲۲۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می گردید. بقیه خاک سومالی که در حدود ۶۳۸۰۰۰ کیلو متر مربع بود در سال ۱۸۸۱م به چنگ انگلستان افتاد. ایتالیا هم در سال ۱۸۸۹م به سومالی لشکر کشید و در نتیجه سومالی بین متجاوزین مذکور تقسیم شد و در سال ۱۹۳۶م سومالی ایتالیا، اریتره و اتیوپی که مستعمره ایتالیا بودند مستعمره جدیدی بنام آفریقای شرقی را تشکیل دادند. در سال ۱۹۰۱م در سومالی انگلستان یک انقلاب اسلامی بوقوع پیوست که توسط شیخ محمد عبدالله حسن با هدف استقلال خواهی و بر ضد بریتانیا رهبری می شد و تا سال ۱۹۲۰م ۴ حمله انگلیسی ها را دفع نمود. در سال ۱۹۴۸م دکتر عبدالرشید علی شرمارک باتفاق عبدالله عثمان جزی اتحادیه جوانان سومالی را تشکیل دادند که هدف آن استقلال سومالی بود. در سال ۱۹۶۰م سومالی متشکل از سومالی انگلیس و سومالی ایتالیا، استقلال خود را بدست آورد و اولین رئیس جمهوری آن عبدالله عثمان بود. در سال ۱۹۶۴م خشکسالی شدید توام با قحطی قدرت مرکز را متزلزل نمود و نخست وزیر وقت استعفا داد.

Translation Movement

در اکتبر ۱۹۶۹م محمد زیادباره با یک کودتای نظامی زمام امور را بدست گرفت و پس از چندی اعلام کرد تنها حزب قانونی کشور «حزب انقلاب سوسیالیستی سومالی» است وی در سال ۱۹۷۷م با اتیوپی بر سر مالکیت صحرای اوگادن (سومالی غربی) وارد جنگ شد و بدلیل عدم همکاری نظامیان شوروی و تقویت قوای اتیوپی توسط کارشناسان کوبائی، کست خورد و صحرای اوگادن را از دست داد. بعد از آن جهت سیاسی خود را تغییر داد و بندر استراتژیک بربرا را در اختیار امریکائیان گذاشت. (۱)

زیادباره شخصیت دوگانه ای بود و در ضمن آنکه خود را مسلمان متعصبی معرفی می کرد به سوسیالیزم روی آورد. زبان لاتین را برای محو فرهنگ اسلامی اشاعه داد. نهضت آزادی زنان را براه انداخت که مورد مخالفت شدید مسلمین قرار گرفت. در اگوست ۱۹۷۲م زیادباره گروهی بیکار و اوباش را بنام پیشتازان تشکیل داد که اینان وارد مساجد و اجتماعات شده و به سرکوبی مسلمین می پرداختند.

جوانان مسلمان را محاکمه می نمود و به اتهام ایجاد شایعه بر علیه رژیم برای آنان مجازاتهای شدید تعیین می کرد.

در دانشگاه نیز دانشجویان مسلمان به جرم فراخواندن همکلاسان خود برای نماز دستگیر می شدند. حتی علمای دینی و رهبران مذهبی به اتهام استفاده از دین برای اختلال در امنیت کشور اعدام می گردیدند. (۲)

سرانجام ژنرال محمد زیادباره پس از ۶ ماه آشوب در کشور و دوماه درگیری مسلحانه با کنگره متحد سومالی در دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۹ (۲۸ ژانویه ۱۹۹۱) موگادیشو را ترک و به نقطه نامعلومی فرار کرد. (۳) و موگادیشو توسط کنگره متحد سومالی اشغال گردید.

علی مهدی محمد (رئیس جمهور موقت سومال) و ژنرال محمد فرح عیدید که برای سقوط دیکتاتور سومالی با هم متحد شدند هر دو عضو قبیله هاویه هستند که جبهه متحد کنگره سومالی نیروی اصلی خود را از این قبیله بدست آورد ولی هر کدام به شاخه فرعی این قبیله تعلق دارند که با شاخه دیگر در تضادند. درگیری بین این دو و طرفداران آن دو، سومالی را به صحنه جنگ خونین تبدیل کرده است که از عوارض آن گرسنگی بسیار شدیدی است که ۳۰٪ سکنه سومالی را با خطر مرگ روبرو ساخته است.

حوزه قدرت رئیس جمهور موقت، شمال موگادیشو و اطراف آن است و جنوب آن را ژنرال محمد فرح در اختیار دارد بین این دو، منطقه بیطرف سبز قرار گرفته است. درگیری بین این دو طرفداران به حدی است که حرکت در سومالی بدون اسکورت ماموران مسلح خطرناک است هر دو گروه از یمن، مصر، کنیا و افریقای جنوبی سلاح دریافت می کنند. گروههای مسلح به محموله های غذایی که از کشتیها وارد کامیونها می شود حمله و آن ها را غارت می کنند. لذا سازمان ملل هیئت غیر مسلحانه ای را برای پاسداری از مواد وارد موگادیشو نموده است. (۴) اما اخیرا امریکا با تغییر رویه و بدست آوردن منافع و همچنین تحکیم قدرت خود، شورای امنیت سازمان ملل را وادار به تصویب قطعنامه ای نمود تا بر اساس آن قوای متحدین به سرپرستی امریکا در سومالی دخالت نظامی نموده و در ظاهر از این طریق، کمک به مردم سومالی را تضمین کرده و قربانیان گرسنگی را نجات دهند. (۵)

مردم افریقای شرقی و بویژه سومالی از نسل حامیت بوده و ۹۵٪ آنان از نژاد سومالیائی و بقیه بانتو و عرب هستند. حامیت ها ازاعقاب حام فرزند حضرت نوح(ع) می باشند. زبان آنان سواحیلی است که ریشه عربی دارد اما زبان بانتو هم به آن وارد شده است. از ۶۶۰۳۰۰۰ سکنه آن ۳۸٪ زندگی شهری دارند. تراکم نسبی جمعیت ۱۰/۴ نفر در کیلومتر مربع و رشد سالانه ۲/۸٪ و میانگین سنی ۲۳/۸ سال می باشد. ۹۹٪ مردم، مسلمان هستند.

مرکز حکومت سومالی موگادیشو (۶) و بربراهاوگيسا از شهرهای مهم آن است.

مگادیشو از قرن دهم تا پانزدهم میلادی مهمترین شهر بود و مرکزیت مذهبی اسلامی داشت و اهالی بیش از شهرهای دیگر پیرو اسلام بودند.

اقتصاد سومالی بردامپروری استوار بوده و گوسفندان سرسياه آن شهرت جهانی دارد که از پوست آن دستکشیهای مرغوب تهیه می کنند. موز و غلات از محصولات کشاورزی آن است.

از ذخائر استراتژیک آن معادن اورانیوم بوده که توجه قدرتهای استکباری را بخود جلب کرده است. (۷) آهن، زغال سنگ، نمک و نفت هم دارد. در صنعت پیشرفتی ندارد.

سومالی علاوه بر درگیری های داخلی که اخیرا با آن مواجه است با بحرانهای دیگر روبروست. خشکسالی و قحطی سال ۱۹۷۷م مصیبت فراوانی برای مردمان آن فراهم نمود، امراض مسری همه جا گسترش یافته است. پناهندگان اوگادن، خود معضل بزرگی هستند. درگیری با اتیوپی و نزاع با کنیا نیز سومالی را آسیب پذیر نموده است. از این لحاظ حتی قبل از حالت فوق العاده اخیر برای تامین مواد غذایی و دارویی به کمک کشورهای غربی و عربی نیاز داشت.

جیبوتی

کشور کوچک جیبوتی با حدود ۲۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شرق افریقا و شمال شاخ افریقا در کنار خلیج عدن و جنوب دریای سرخ قرار دارد و در ساحل غربی باب المندب واقع شده است. فرو رفتگی آب خلیج عدن در جیبوتی به آن موقع استراتژیکی ویژه ای بخشیده است. این کشور قبلا بخشی از قلمرو سومالی بود که در سال ۱۸۸۳م فرانسه آن را مستعمره خود نمود که به سومال فرنسه معروف بود و امروزه به آن جیبوتی یا سرزمین غفار و عیسی می گویند.

جیبوتی از دو بخش کوهستانی و فلاتی تشکیل شده و ارتفاعات شمالی آن مقداری باران دریافت می کند. در نقاط دیگر آن هنگام وزش بادهای موسمی، بارندگی صورت می گیرد. آب و هوای گرم و سوزان دارد، ۵۰۶۰۰۰ نفر سکنه آن است که ۷۸٪ آن زندگی شهری دارند. رشد سالانه جمعیت ۳٪ و تراکم نسبی آن ۲۱/۸ نفر در کیلومتر مربع است. ۴۵٪ مردم از نژاد عیسی سومالیائی و ۳۷٪ عفاری هستند. به اقوام عفار اناکیل می گویند که اغلب زندگی عشایری دارند. اقلیتی عرب و اروپائی هم در جیبوتی سکونت دارند. ۹۰٪ مردم مسلمان و اغلب مذهب سنی دارند، فرانسه در هنگام استعمار این کشور پایتخت آن را از اوباک (ابوک) به جیبوتی منتقل نمود. در سال ۱۹۶۷م به عفار و عیسی موسوم بود و در سال ۱۹۷۷م پس از ۱۱۵ یال، از

سلطه فرانسه رهایی یافت و از این پس به جمهوری جیبوتی مشهور گشت. در جریان استقلال، سومالی حامی آن بود که اتیوپی تمایل داشت جیبوتی زیر سلطه استعمار باقی بماند. مرکز حکومت آن بندر جیبوتی است و شهر مهم آن تاجورا نام دارد. از ۵ بخش ایجاد شده که زیر نظر دولت مرکزی اداره می شوند. با دول عربی و فرانسه روابط سیاسی و تجاری دارد و از تونس و عربستان کمک‌هایی را دریافت می کند.

موقعی که نظامیان کوبایی در حمایت از دولت اتیوپی بر ضد جبهه آزادی بخش سومالی غربی در منطقه اوگادن وارد جنگ شدند عده ای از مسلمانان عفار به جیبوتی گریختند (در سال ۱۹۷۷م) با مستقر شدن قوای کوبایی در نواحی مورد بحث و ایجاد فشار برای مسلمانان، بمباران روستاها و انهدام مراکز کشاورزی و دامداری، پناهندگان بیشتری به سوی جیبوتی سرازیر شدند. حکام جیبوتی برای عاده پناهندگان مسلمان به سرزمین اصلی، به اجبار و فشار متوسل شده و با تهدید سوزانیدن اردوگاه‌ها، آنها را در تنگنا قرار می دهند اما پناهندگان، حاضر نیستند تا زمانی که شرایط و عواملی که موجب کوچ آنان شده، ادامه داشته باشد، به کشور خود بازگردند؛ با این وجود عده ای از آنان را از طریق سرکوب و نهدید باز می گردانند. رژیم اتیوپی هم برای دست یابی به کمک‌های مالی اضافه از کمیته پناهندگان سازمان ملل جهت اسکان دوباره پناهندگان، از این بازگردانی استقبال می کند. (۸) قهوه، موز و غلات از فراورده های کشاورزی جیبوتی است. پرورش شتر، بز و گوسفند هم در این کشور رواج دارد. اما اساس اقتصاد آن به بندر جیبوتی و به راه آهنی که این کشور را به اتیوپی مرتبط می سازد، متکی است. ۴۰٪ صادرات و ۶۰٪ واردات اتیوپی از طریق بندر مذکور حمل می گردد.

تیرگی روابط جیبوتی و اتیوپی و مسدود شدن راه مزبور و سرازیر شدن آوارگان سومالیائی و عفاری به این سرزمین، اقتصاد آن را به سوی نابسامانی سوق می دهد. واحد پول جیبوتی فرانک است که برابر صد سانتیم می باشد. با وجود استقلال، یک پایگاه نظامی فرانسوی با ۸۰۰۰ نیروی نظامی در این کشور وجود دارد.



کنیا

کشور کنیا در افریقای شرقی و ناحیه استوایی افریقا قرار داشته و با سومالی، اتیوپی، اوگاندا و تانزانیا مرز مشترک دارد، و اقیانوس هند در شرق آن واقع است.

کنیا از سال ۱۸۹۵م زیر سلطه انگلستان درآمد ولی با مبارزه میهن پرستان به رهبری جوموکنیاتا (شیر افریقا) در سال ۱۹۶۳م به کسب استقلال نائل گردید. وسعت کنیا ۵۸۲۶۴۶ کیلومتر مربع بوده و ۲۴۳۳۵۰۰۰ نفر سکنه دارد. در قرون هفتم و هشتم میلادی تجار ایرانی و عرب جهت تجارت عاج در سواحل کنیا مستقر شدند. با امتزاج مسلمانان و افریقائی های بومی، تمدن سواحیلی تشکیل داده شد و اسلام در این نقطه گسترش یافت و تا سال ۱۸۰۶م اینقسمت از افریقا بخشی از دولت اسلامی عمان به شمار می رفت. مومباسا بندر کنونی کنیا از مهمترین شهرهای مسلمین بود. در ساحل کنیا در تاریخ ۱۱۰۰ میلادی شهری بنام درگوی

احیا شد. در حال حاضر ۳۰٪ از سکنه کنیا مسلمان هستند و در استانهای ساحلی و شمال شرقی در اکثریتند. این ۳ استان ۷۵٪ مساحت کنیا را تشکیل می دهد. در استانهای دیگر نیز مسلمانان سکونت دارند. نژاد مسلمین عرب، سواحیلی، سومالیائی و تعدادی از قبایل بومی کنیا می باشد. اغلب مسلمانان سنی و پیرو مکتب شافعی اند ولی مسلمانان سودانی الاصل - واقع در نایروبی مرکز کنیا - تابع فقه مالکی هستند و مهاجرین آسیائی حنفی مذهبند.

در دهه ۱۹۶۰م جمعیت سومالیایی ساکن در شمال شرقی کنیا طی شورش خواستار الحاق به سومالی شدند که به سختی درهم کوبیده شدند. (۹) در نوامبر ۱۹۸۰م نیروهای امنیتی کنیا، جنایاتی را علیه این مردم مرتکب گردیدند. تجاوز به زنان، بکارگیری نیزه در مورد دختران باکره، کشتن مردم، آتش زدن منازل، بازداشت هزاران نفر، حمله به قبایل و مصادره دامهای آنها و منع وسایل نقلیه از سوار نمودن مسلمانان سومالیائی، از جمله این حرکات منفی بود. در فوریه ۱۹۸۴م ساکنان یک شهرک که مسلمان بودند مورد حمله قرار گرفته و صدها تن کشته شدند. عده ای را به آتش کشیدند و گروهی به اجبار لخت و عریان در آفتاب گرم می نشستند. فرماندار منطقه نیسون کاریا مردم مسلمان را تهدید نمود که آنان را که از نژاد سومالی هستند از بین خواهند برد. از سال ۱۹۸۳م دولت کنیا در نواحی شمال شرقی کمربند امنیتی برقرار کرده و سکنه یک میلیون نفری مسلمان آن به علت سرکوب شدید در حالی از ترس و وحشت به سر می بردند. یکی از مقامات مهم امنیتی گفته بود:

«یک سومالیائی خوب یک سومالیائی مرده است.» (۱۰)

چون مسلمانان در تنگناهای اقتصادی قرار دارند مبلغان مسیحی به میان آنان رفته و از طریق کمک به افراد فقیر و سعی در پرورش کودکان یتیم به تبلیغ آئین مسیحیت می پردازند. در سال ۱۹۸۲م یک وزیر، دو معاون وزیر، مسلمانان و ۲۳ نماینده مجلس کنیا فعالیت دارند و بنیاد اسلامی به انتشار کتب اسلامی و تفسیر قرآن کریم به زبان سواحیلی پرداخته است. (۱۱)

تانزانیا

جمهوری متحده تانزانیا با ۹۴۵۰۳۷ کیلومتر مربع وسعت در افریقای شرقی و در مجاورت اقیانوس هند و مابین کشورهای: کنیا، اوگاندا، روندای، زئیر، مالاوی و موزامبیک قرار دارد.

بخش اعظم آن سرزمین وسیع تانگانیکا و بقیه آن را سه جزیره زنگبار مافیا و پمبا (۱۲) تشکیل می دهد که غالبا از کوهستانها و نواحی ارتفاعی که منشاء آتشفشانی دارند بوجود آمده اند. بلندترین قله افریقا یعنی کلیمانجارو در تانزانیا واقع شده است همچنین قله نگرورنگرو (۱۳) با بیش از ۲۰ کیلومتر عرض که بزرگترین

دهانه آتشفشانی دنیاست در این سرزمین قرار دارد. دریاچه های آن عبارتند از ویکتوریا در شمال، تانگانیکا در غرب، مالاوی در جنوب. آب و هوای مرطوب و پرباران دارد.

منطقه رنگبار از قرون قبل مورد توجه بازرگانان و دریانوردان بوده و تجارت برده و عاج در آن رواج داشته است. دین اسلام به وسیله بازرگانان ایرانی و عرب بدین ناحیه آورده شد. از اوایل دوره های اسلامی، سلسله های عرب و فارس بر این جزایر حکومت می کردند. از قرن دهم (سوم هجری) تا پانزدهم میلادی امپراطوری رنگ روی کار آمد، خرابه قصرها، منازل، مساجد و ضرب سکه آثاری از این تمدن را نشان می دهد. امرا و حکام محل باجگزار حکومت کیلوا بودند، این تمدن تحت تاثیر تمدن ایرانی قرار داشت. خانواده حکومتی کیلوا افریقائی نبودند و در قرن سیزدهم مهاجرین شیرازی این حکومت را اداره می کردند و مسجد باشکوهی در جنوب شرقی تانزانیا از آنان به یادگار مانده است. (۱۴) اولیت فردی که در کیلوا قدرت یافت علی بن الحسن نام داشت که مرکز بازرگانی کوچکی را تبدیل به جزیره مقتدر و مستحکمی کرد و تا منطقه پمبا را زیر نفوذ داشت. وی تجارت طلا را کنترل می نمود و بنام خویش سکه زد، کیلوا مرکز اسلامی محسوب می شد و تمام اهالی آن مسلمان بودند، در زنگبار پس از سقوط کیلوا، سکه ضرب گردید و این ناحیه و برخی نقاط دیگر به تصرف سلطان مسقط درآمد و تا سال ۱۹۶۵ م حیات مستقلی داشت.

در سال ۱۵۰۳ م پرتغالی ها زنگبار را مستعمره خود نمودند ولی در سال ۱۶۹۸ م بدنبال شکست فاحشی که از مسلمانان خوردند، زنگبار به دست فاتحین مسلمان افتاد. این جزیره تا سال ۱۹۶۳ م تحت الحمایه انگلیس بود و در این سال مستقل گردید. ناحیه تانگانیکا تا قبل از قرن شانزدهم میلادی تحت حکومت رنگبار بود که در اوایل قرن نوزدهم تحت عنوان افریقای شرقی، آلمان آن را مستعمره خود نمود. با شکست آلمان در جنگ اول و تجزیه مستعمرات آن، تانگانیکا مستعمره انگلستان شد ولی در سال ۱۹۶۱ م استقلال خود را بدست آورد. در سال ۱۹۶۴ م برحسب قراردادی که بین عیید کرومه نخستین رئیس جمهور زنگبار و ژولیوس نیه ره اولین رئیس جمهور تانگانیکا بسته شد زنگبار و تانگانیکا تشکیل جمهوری متحده تانزانیا را دادند. تانزانیا با چین و شوروی روابط سیاسی - تجاری دارد و مرکز حکومت آن دارالسلام می باشد. شهر دارالسلام شلوغ و پرجمعیت بوده و سطح زندگی در آن پایین است. تعداد بسیار کمی وسیله نقلیه دارند. به علت فقر زیاد عده ای در خیابانها و پیاده روها می خوابند. در یکیز نقاط محروم دارالسلام و در بخش ایکویویری - در ۱۷۵ کیلومتری جنوب دارالسلام - جهاد سازدنگی ایران با دایر نمودن شعبه ای از سال ۱۳۶۲ ش مشغول طرحهای تحقیقاتی از قبیل به زراعی و توسعه آبیاری و دامپروری صنعتی می باشد. (۱۵) در دارالسلام ۱۵۰ مسجد وجود دارد که اکثرا متعلق به مسلمانان شافعی مذهب می باشد. شیعیان هندی، پاکستانی، سری لانکایی و تانزانیائی نیز مسجد باشکوهی در مرکز تانزانیا دارند.

در سال ۱۹۹۰م تانزانیا ۲۵۰۸۵۰۰۰ نفر سکنه داشته که درصد شهرنشینی ۲۰٪ و رشد سالانه ۳/۲٪ و تراکم نسبی آن ۲۶/۵ نفر در کیلومتر مربع بوده است. امید به زندگی برای مردان ۴۹ سال و برای زنان ۵۴ سال می باشد. اکثریت نژادیا سیاهان است ولی مهاجرین ایرانی، هندی و اروپائی هم در این کشور زندگی می کنند. زبا رسمی سواحیلی است که یادآور تمدن سواحیلی می باشد. این تمدن را مردم مستقر در سواحل شرقی افریقا بوجود آورده و حکومتهایی از قرن دهم تا پانزدهم میلادی پدید آوردند. این جامعه از لامور در کنیا تا موزامبیک با زبان بانتو (۱۶) و فرهنگ اسلامی آمیخته بود و بخش عمده آن فرهنگ اسلام بود. افرادی از نسل شیرازی ها در این تمدن نقش مهمی را بر عهده داشتند. در قرن شانزدهم پرتغالی ها این تمدن را از بین بردند. طبق تحقیقات ادوارد براون (۱۷) آثار تمدن درخشان اسلامی در منطقه ایهارانا (۱۸) نزدیک شهر وهمار در ساحل شرقی افریقا دیده می شود. (۱۹) غیر از زبان سواحیلی، زبا انگلیسی رایج بوده و خط رایج لاتین است. بیش از ۵۰٪ مردم تانزانیا مسلمان بوده و اقلیت های پیرو آئین مسیحیت و مذاهب ابتدائی می باشند.

تانزانیا مهمترین تولید کننده سیسال (Sysal) در دنیا است. محصولات مهم دیگر آن عبارتند از: کنف، قهوه، برنج. معدن مهم آن الماس است. صنایع غذایی، پوشاک، سیمان، مصنوعات دستی و چوب بری از مهمترین مراکز صنعتی این کشور به شمار می رود. واحد پول آن شلینگ تانزانیاست که برابر صد سنت می باشد.

به موجب اعلامیه آروشا که توسط نیه ره اعلام شد تمامی شرکتهای خصوصی و مراکز زراعی و مراتع بزرگ مالکان داخلی و خارجی تانزانیا ملی اعلام شد و بر این اساس به فعالیت های زراعی و دامی اولیت داده می شود و بیشترین تلاش اقتصادی کشور بر این بخش تمرکز یافته است.

نهضت ترجمه

ج - افریقای غربی

افریقای غربی از نقطه نظر پستی و بلندی و چهره طبیعی متنوع است. ارتفاعات مهمی جز کوههای فوتاجالون گینه، ارتفاعات نیجریه و کامرون در این ناحیه دیده نمی شود. بخش شمالی افریقا غربی تحت تاثیر صحرای کبیر افریقا از آب و هوای گرم و خشک برخوردار بوده ولی در سواحل توام با وطوبت است.

دشتهای ساحلی اکثر مناطق افریقای غربی از جنگلهای استوایی پوشانیده شده است و بدلیل عبور خط استوا و قرار گرفتن اقیانوس اطلس در غرب آن، آن و هوای این نقاط گرم و مرطوب استوایی می باشد. درخت موز و کائوچو در نقاط استوایی بوفور دیده می شود. با دور شدن از منطقه ساحلی از انبوه درختها کاسته شده تا جائی که دشتی علفزار در پیش روی ما قرار داده، این منطقه را ساوان (۲۱) می گویند که چشمه ها و برکه هایی در آن یافت می شود. درختان چتری ساوان که اقاچیا نام دارند محل استراحت شیرها و سایر جانوران وحشی این منطقه است. آب و هوای آن گرم و خشک می باشد. کمبود آب، غنی نبودن خاک و عدم اطمینان از وقوع بارندگی آن اجازه نمی دهد. کشاورزان در ساوان از رونق برخوردار باشد و صرفا ارزن، ذرت و بادام زمینی در

آن بدست می آید. گاهی خشکسالی های وسیع، این منطقه را در معرض قحطی و گرسنگی قرار می دهد و موجب تلفات انسانی و دامی می شود.

غرب افریقا از مناطق مهم این قاره به شمار می رود و بستر دولتها و تمدنهای کهن می باشد. به موجب اسنادی که به زبان عربی نوشته شده و دولت غانا (۲۲) در قرون سوم و چهارم میلادی دولتی متمرکز به شمار می رفته و یکی از قدیمی ترین دول غرب افریقا بوده است. این دولت در بخش علیای رودهای نیجر و سنگال تشکیل گردید و مرکز آن کومبی ساله بود. اقتصاد آن بر کشاورزی و دامداری تکیه داشت و علاوه بر آن به استخراج طلا، نمک و تهیه فرزات می پرداختند. در کتب عربی و آثار سیاحان مسلمان وضع این دولت توصیف شده است. در نیمه دوم قرن یازدهم قبایل بربر صنهاجی وابسته به المرابطون پایتخت غنا را به تصرف خود درآوردند. در اواخر قرن دهم دولت مالی بوجود آمد که با انحطاط دولت غانا استقلال پیدا کرد. در زمان پادشاهی «سوندیااتا» دوره نیرومندی دولت مالی آغاز شد. مرکز این حکومت در حدود گینه فعلی بود ولی مرکز تجارتی آن شهر سانکارائی در مالی کنونی بود. در زمان جانشینان وی قلمرو مالی از سواحل اقیانوس اطلس تا شهر گائو در نیجر کشیده شد. جنگ های داخلی و منازعه با همسایگان، دولت مالی را ضعیف نمود. در اواخر قرن پانزده و اوایل قرن شانزده، سونگائی ها قسمت شرق مالی را تصرف نمودند و با حمله سپاهیان مراکش در سال ۱۵۹۱م دولت مالی منقرض شد. دولت سونگائی در قرون وسطی در سودان غربی تشکیل شد. قدرت این دولت اسلامی در عهد پادشاهی محمد توره (۱۵۲۸ - ۱۴۹۳) باوج رسید و در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی دولت مزبور مهمترین دولت سودان غربی به شمار می رفت و اقلام عمده درآمدهای آن را تجار طلا، نمک، عاج و پارچه تشکیل می داد. در شهر تیمبوکتو و تانگوره و جنه مراکز علمی و دانشگاهی با محتوای اسلامی ایجاد شده بود که در تدریس علوم، پیشرفته بود. مسجد جامع تیمبوکتو از کهن ترین بناهای مذهبی افریقا غربی به شمار می رود. مسجد جامع سونگو که در قرن چهاردهم میلادی تاسیس شده از جمله آثار معماری اسلامی این بخش از افریقا است. در سال ۱۹۵۱م قوای مراکش، این دولت را شکست داده و شهرهای تیمبوکتو و دره رود نیجر را به آتش کشیدند. (۲۳)

و کولی (۲۵) تحقیقاتی انجام داده اند که بر اساس آن مردم مناطق ساحلی غرب (۲۴) افریقا دارای فرهنگ و تمدنی پیشرفته بوده و جوامع آنها دارای تجربیات کشاورزی و قوانین اجتماعی قابل تحسین بوده اند. (۲۶) بزیل دیویسن (۲۷) مورخ و محقق انگلیسی به گسترش اسلام در تار و پود حیات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی افریقای غربی اعتراف نموده و می گوید:

«اسلام به عنوان مذهب بزرگ حکومت مترقی پدیدار می گردد.»

و اضافه می کند:

«از بطن این گرایش (روی آوردن به اسلام) شالوده متکب های استوار تعالیم اسلامی در تمبوکتو، نیانی، جن و مکانهای دیگر به پیدایی می آید. مکتب هایی که از آن پس به مدت ۳۰۰ سال رونق دارند و پژوهشگران مسلمان را از کشورهای بسیار و با گرایش های فکری بسیار به سوی خویش می خوانند.»

و اعتراف می کند که:

«... از دیدگاه تاریخی، تاثیر اسلام در افریقای باختری، جدا از جنبه معنویت باید به سبب اهمیت بسیار در دو زمینه مورد ملاحظه قرار گیرد: در فن های بازرگانی و در فن های کومت شهر، دولت ها و امپراطوری هایی که نیرومند و مهم می گردند... اسلام می تواند مدعی به ارمغان آوردن بسیاری چیزها برای افریقای غربی باشد. یک نقشه بازرگانی مربوط به دوره (۱۶۰۰ - ۱۳۰۰) ناحیه های بسیاری از قاره غربی، شمال یا جنوب بیابان را می نمایاند که مستقیم یا غیر مستقیم با نظام بازرگانی جهانی پیوند داشتند، این نظام بدست کسانی پی ریزی شد که وحدت اساسی اسلام را ... به رسمیت می شناختند. (۲۸)»

مردم آفریقای غربی، اغلب سیاه پوستند که در گروه های قومی گوناگونی جای دارند، گروهی هم با دیگر قومها در آمیخته و نژاد مختلطی را بوجود آورده اند. نابترین نژاد سیاه در جنگلهای گینه به سر می برند.

از نظر زبان، متاسفانه دلیل نفوذ استعمار زبان رسمی اغلب این کشورها، زبان بیگانه است به عنوان نمونه در بنین، توگو، ساحل عاج، سنگال، کامرون، کنگو، گینه، لیبیا، مالی و ولتای علیا زبان رسمی فرانسه است. در غنا، سیرالئون و گامبیا، انگلیسی زبان رسمی به شمار می رود و در گینه بیسائو زبان پرتغالی ولی در گینه اسپانیولی رواج دارد. وسعت مجموع ۲۱ واحد سیاسی افریقای غربی به حدود ۶۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می گردد که ۲۰٪ مساحت قاره افریقا را شامل می شود. با وجود آنکه افریقای غربی منطقه سرسبزی است و منابع و ذخائر فراوانی دارد ولی اغلب کشورهای آن کم جمعیت هستند و در این واحدها حدود ۱۹۰ میلیون نفر سکونت دارند که در میان آنها کشور نیجریه یک استثناست زیرا بیش از نیمی از سکنه افریقای غربی را به خود اختصاص داده و بیش از صد میلیون نفر سکنه دارد که از این لحاظ پرجمعیت ترین کشور آفریقائی و دهمین کشور پر سکنه جهان به حساب می آید.

پروستع ترین کشور افریقای غربی، مالی است که ۱۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد، کم جمعیت ترین و کم وسعتترین کشور افریقای غربی سائوتومه و پرنسیب می باشد.

اسلام دین اکثریت کشورهای مالی، سنگال، کامرون، ساحل عاج، گینه، بورکینافاسو، سیرالئون، بنین، موریتانی، توگو، جمهوری عربی صحرا، گامبیا و گینه بیسائو می باشد و در بقیه کشورها پیروان مسیحیت و آنی میسم (۲۹) در اکثریتند. در کنگو و لیبیا، مردم مذهب ابتدائی آنی میسم دارند.

علاوه بر محصولات کشاورزی، جنگل ها و فرآورده های چوبی سهم مهمی از درآمد این کشورها را تشکیل می دهد. ذخائر معدنی افریقای غربی بسیار غنی است، منگنز در غنا و کبالت در کنگو بدست می آید. کشورهای این بخش از افریقا بزرگترین تولید کنندگان اورانیوم و رادیوم هستند. ۶۰٪ طلا و الماس از این قسمت افریقا بدست می آید. تنها در کشور نیجر نفت (هشتمین صادر کننده دنیا) بدست می آید.

در غرب افریقا اتحادیه های اقتصادی و بازرگانی هم قابل مشاهده است از آن جمله می توان «اتحادیه گمرکی کشورهای غرب افریقا» (۳۰) (اودئائو) را نام برد که در سال ۱۹۶۶م تاسیس شده و اعضای آن عبارتند از بنین، ساحل عاج، مالی، موریتانی، نیجر بورکینافاسو و سنگال.

همچنین جامعه اقتصادی کشورهای غرب افریقا (اکوواس) که در سال ۱۹۷۵م در لاگوس - مرکز نیجریه - تشکیل شد و هدف آن همکاری اقتصادی و ایجاد اتحادیه گمرکی بین کشورهای عضو است. اتحادیه پولی افریقای باختری (۳۱) برای یگانه سازی ارز میان این کشورها گشایش یافت. (۳۲)

پی نوشتها

نهضت ترجمه

Translation Movement

- ۱- مجله پیام انقلاب ش ۵۴.
- ۲- مجله پیام انقلاب ش ۱۲۸ - ۲۹ دیماه ۱۳۶۳.
- ۳- سومالی و آینده نامعلوم، کیهان ش ۱۴۱۳۵ - ۱۴ اسفند ۱۳۶۹.
- ۴- سومالی قربانی کورطالبان قدرت، اطلاعات ۱۹۶۹۵ و ش ۱۹۶۸۶.
- ۵- جمهوری اسلامی، شنبه ۱۴ آذر ۱۳۷۱ ش ۳۹۱۵.
- 6-Mogadishu-
- ۷- بنا به نوشته روزنامه حریت چاپ ترکیه امریکا به بهانه استقرار صلح در سومالی، مشغول غارت ذخائر زمینی سومالی بویژه منابع نفت می باشد.
- ۸- مجله مشکوه، ش ۲۱ رمستان ۱۳۶۷ صفحات ۱۲۲ و ۱۲۳.
- ۹- اکثریت قریب به اتفاق طی یک همه پرسی بین المللی در ساحل ۱۹۶۲ به نفع الحاق سرزمین به سومالی رای دادند اما نه تنها به خواسته آنان وقعی نهاده نشد بلکه روز به روز اوضاع آنان بدتر شد.
- ۱۰- اقلیت های مسلمان در جهان، ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۳۶ و ۲۳۷.

۱۱- اقلیتهای مسلمان در جهان امروز علی کتانی، ترجمه محمد حسین آریا ص ۲۱۵ و ۲۱۶.

-pemba 12

-Ngorongro 13

۱۴- شخصی بنام الحسن بن سلیمان اول در ۱۲۷۰ میلادی این مسجد را بنا نهاد.

۱۵- ره آورد سفر به کنیا و تانزانیا - عبدالرحیم رحیمی - روزنامه رسالت ش ۱۹۹۲.

-Bantu 16

-Advard Brown 17

-iharana 18

۱۹- تاریخ اسلام در افریقای جنوبی، مهندس حسن بشیر.

۲۰- سیسال برای الیاف کتانی مصرف می شود.

-Savan 21

۲۲- کشور غنا نام خود را از این دولت گرفته است.

۲۳- افریقا باید متحد شود - قوام نکرومه، ترجمه دکتر محمد توکل صفحات ۳۱، ۳۲ و ۳۳.

-Manix 24

-Cowley 25

۲۶- تاریخ اسلام در افریقای جنوبی - مهندس حسن بشیر.

-Basil davidson 27

۲۸- تاریخ افریقا، دیودسن ترجمه ریاحی و مولوی صفحات ۲۴۸ تا ۲۵۱.

-Animisme 29

-Udeao 30

-Umoa 31

نهضت ترجمه
Translation Movement

۳۲- گیتاشناسی کشورها، صفحات ۴۳۳ و ۴۳۴. JNS

جمهوری عربی صحرا

جمهوری عربی صحرا با ۲۸۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در غرب آفریقا و در ناحیه صحرایی و ساحل شرقی اقیانوس اطلس، بین کشورهای الجزایر، مراکش و موریتانی قرار دارد. این کشور از دو ناحیه معروف ساقیه الحمراء و وادی الذهب تشکیل شده است و آب و هوای آن گرم و خشک می باشد. طول سواحل آن به ۱۵۰۰ کیلومتر بالغ می گردد.

در آغاز قرن چهاردهم به آن بلاد شنگتی می گفتند، در سال ۱۸۸۴م استعمار اسپانیا در صحرا شکل علنی بخود گرفت و در سال ۱۹۵۸م اسن سرزمین از ایالت های ماوراء بحار اسپانیا محسوب شد. (۱) در آغاز قرن بیستم به صحرای اسپانیا مشهور بود. بین سالهای ۱۹۷۵م و ۱۹۷۶م اسپانیا بنا به مصالحی، صحرا را تخلیه نمود ولی با واگذاری بخش هایی از آن به مراکش و موریتانی زهر خود را در این سرزمین فرو ریخت و آرامش را از مردمان صحرا سلب نمود و قسمت شمالی صحرا را مراکش تصاحب نمود که ۷۵٪ وسعت آن را دربر می گیرد. این منطقه که ریودوارو نام دارد از لحاظ منابع معدنی بویژه فسفات بسیار غنی است. اما ۲۵٪ بقیه که در اختیار موریتانی قرار گرفت به لحاظ ذخائر فقیر است. در سال ۱۹۷۹م موریتانی از بخش اشغالی خود منصرف و آن را مصالحه نمود، در سال ۱۹۷۵م اصطلاح نواکشوت در مقابل دیوان بین المللی عدالت برای صحرا برگزیده شد و در سال ۱۹۸۲م که صحرا به ضویت سازمان وحدت آفریقا درآمد آن را صحرای غربی نامیدند. مردم صحرا مبارزات دامنه داری را از زمان اشغال این کشور توسط مراکش آغاز نمودند که در بهار سال ۱۹۷۳م جهت تشکل این مبارزات «جبهه پولیساریو» (۲) پدید آمد که نام صحرا را به جمهوری عربی صحرا تغییر داد. در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۶م کمیته آزادی بخش سازمان وحدت آفریقا این جبهه را به رسمیت شناخت. تا کنون بیش از ۸۳ کشور این کشور را به رسمیت شناخته اند. ایران در سال ۱۹۸۰م آنرا به رسمیت شناخت هم اکنون جنگ بین مراکش و صحرا به خاطر حضور متجاوزین مراکشی در صحرا و تصاحب بخش مهم آن، ادامه دارد. در مورد جمعیت صحرا آمارها گوناگون است. جنگ و درگیری خونین، زندگی کوچ نشینی و سیاست مغرضانه مراکش اجازه نداده است که آمار دقیق مردم آن مشخص شود و سکنه آن را بین ۱۹۰ هزار تا ۷۵۰ هزار نفر ذکر نموده اند. گروه زیادی از مردم به خاطر شرایط خشن و فشارهای سیاسی، نامساعد بودن اوضاع اقتصادی و خشکسالی به سرزمین های دیگر مهاجرت نموده اند. (۳)

از نظر نژادی، ریشه قومی مردم صحرا به قبائل یمنی باز می گردد که اوائل قرن شانزدهم به مراکش مهاجرت نمودند ولی با رانده شدن از آن سرزمین، در صحرا سکنا یافتند. بعدها این قبائل برای اداره امور خود تشکیلات منظمی را ابداع نمودند. مردم صحرا به لهجه حسینییه زبان عربی تکلم می کنند که به عربی فصیح نزدیک است اما برای مکاتبات از عربی رسمی بهره می گیرند. به جهت سلطه فرانسه و اسپانیا زبانهای فرانسوی و اسپانیایی هم در آن متداول است. صحرا از چند نظر اهمیت استراتژیکی دارد یکی به لحاظ اینکه نزدیکترین کشور آفریقائی به سواحل شرقی امریکاست. ذخائر عظیم فسفات، و نیز ارزش این کشور برای همسایگان قابل

توجه است. موریتانی که کشور فقیری است صحرا برایش اهمیت اقتصادی دارد و الجزایر برای صدور سنگ آهن ایالتیندوف می تواند از سواحل صحرا کمک بگیرد. (۴)

ذخائر معدنی صحرا عبارتند از: فسفات که غالب منابع آن در بوکرا واقع در شمال صحرا قرار گرفته است. (۵) نفت و گاز که در بخش های شمالی وجود دارد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در اگرشای صحرا منابع پربار آهن کشف شد. استعمارگران اسپانیایی در هنگام سلطه بر صحرا به ذخائر عظیم مس و اورانیوم دست یافتند.

سواحل صحرا به لحاظ انواع و مقدار ماهی در جهان رتبه اول را داراست و این کشور در منطقه ریودوارو، در شمال صحرا از غنی ترین سفره های آب زیرزمینی بهره مندی از ذخائر عظیم یاد شده، اقتصادی توسعه نیافته دارند که جنگ با مرزهای این کشور بدلیل آنکه توسط استعمارگران مشخص شده، غیر واقعی بوده و برای کوچ نشینان و افرادی که زندگی عشایری دارند، مشکل آفرین می باشد.

دین رسمی مردم صحرا اسلام و زبان رسمی آن عربی است و مرکز حکومت آن شهر العیون (۶) می باشد.

موریتانی

جمهوری اسلامی موریتانی با ۱۰۳۰۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت یکی از پروسعت ترین کشورهای افریقایی غربی به شمار می رود. این سرزمین همچون پلی رابط بین شمال و غرب افریقا می باشد. متجاوز از ۵۰٪ خاک آن را شن زارهایی تشکیل می دهد که به صورت رشته های موازی از شمال به جنوب ادامه دارند. با وجود هموار و بیابانی بودن موریتانی، دو فلات معروف آن یعنی آرادار و تاگان تا ۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند. خلیج کوچک «موریر» در منتهی الیه شمال غربی این کشور قرار دارد. مرز بین سنگال و موریتانی را رودخانه ای به نام سنگال تشکیل می دهد. بخش عظیمی از موریتانی را صحرا فرا گرفته و آب و هوای گرم و خشک و کم باران است. بدلیل برهنه بودن زمین و گرمای زیاد و صعود هوا، وزش بادهای خشن توام با شن و گرد و غبار از پدیده های منفی موریتانی می باشد. (۷)

موریتانی محل استقرار قبایل مور است که چهره سوخته رنگی داشته و از قدیم تمدن کوچ نشینی داشته اند. نژادهای آن شامل مورها، عرب ها و بربرها (بیدان ها) می باشند. سیاهپوسهای موریتانی از گذشته به قدرت یافتن اعراب معترض بوده اند. استعمار فرانسه ساختار قبیله ای آن را متزلزل و قبایل جنگجو را ضعیف نمود. در زمان رومیان، موریتانی، سرزمین پهناوری بود که مراکش و الجزایر را هم دربر می گرفت. یورش بربرها موجب آن شد که سیاهان به نواحی جنوبی رانده شوند. در قرن شانزدهم میلادی طایفه مسلمان بنی حسن آن را فتح نمود. از قرن پانزدهم میلادی، پای استعمار پرتغال و پس از آن هلندیان و نیز انگلستان و فرانسه به این

ناحیه مسلمان نشین، گشوده شد. در سال ۱۹۶۰م فرانسه به دنبال موج استقلال طلبی و آزادیخواهی مسلمانان، باین سرزمین استقلال داد.

مختار اولد داداده - که در سال ۱۹۲۴م در بوتیلمیت بدنیا آمد - در بازسازی این کشور و ساختن نوین آن پس از رهایی از استعمار، دخالت عمده ای دارد. وی موریتانی را به چهار راه اعراب و افریقا تبدیل کرد و در طول ۲۵ سال حکومت، نه ثروتی اندوخت و نه به کشوری وابسته گردید. (۸)

برای مقابله با شدائد طبیعی، مالی، موریتانی و سنگال در سال ۱۹۶۸م کشورهای ساحلی رودخانه سنگال را پایه ریزی نمودند که از اهداف مهم آن سدسازی بود. در سال ۱۹۷۴م موریتانی برای تقسیم صحرای غربی با مراکش متحد شده و در سال ۱۹۷۶م بخش جنوبی صحرا را اشغال نمود. اما در سال ۱۹۷۹م پس از قرارداد صلحی آن را به صحرا مصالحه کرد. در ژوئیه ۱۹۷۸م که نظامیان روی کار آمدند این کشور را از جنگ با صحرا نجات دادند. اما کشور از آن زمان در بی ثباتی و ناآرامی زیانبار همچنان فرورفته است.

مرکز حکومت آن نواکشوت می باشد و ۸ ناحیه دارد که زیر نظر دولت مرکزی اداره می شود. زبان رسمی آن عربی با لهجه حسانی می باشد و ۹۶٪ مردم پیرو آئین اسلام هستند و قانون اساسی این آئین را به عنوان دین اساسی پذیرفته و در ۲۸ نوامبر ۱۹۵۸م نوع حکومت آن جمهوری اسلامی موریتانی اعلام شد. مسلمانان اغلب از نژاد سیاه و اقلیتی هم عرب و بربرند.

سومین کشور به لحاظ صید ماهی در جهان موریتانی است که از نوادهیو در مصب سنگال و ۸۰۰ کیلومتر ساحل به لطف جریانهای مساعد اقیانوسی ماهی فراوان است. و این سواحل از پرماهی ترین نقاط جهان هستند ولی متاسفانه کشتی های اروپائی و ژاپنی به صید آنان مبادرت می ورزند. ۷۵٪ مردم زندگی عشایری دارند. کشاورزی تابع نزولات جوی است. ارزن، ذرت، تنباکو، برنج و سبزی از محصولات مهم آن بوده و ذخائر معدنی آن آهن و مس است که اولین درآمد کشور از این ذخائر می باشد. از ۲ میلیون نفر سکنه آن، ۴۲٪ در نقاط شهری سکونت داشته و در سال ۱۹۵۸م ۸۲٪ بیسواد بوده اند. از ۹۱۰ میلیارد دلار تولید ناخالص آن در سال ۱۹۸۸م ۳۷/۶٪ به بخش کشاورزی ۲۱٪ به صنعت و ۴۱/۳٪ به خدمات تعلق داشته است. طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸م نرخ تورم ۸/۶٪ بوده و در پایان سال ۱۹۸۸م این کشور ۲۰۷۶ میلیون دلار بدهی داشته است. (۹)

جمهوری مالی

کشور مالی با ۱۲۴۰۱۹۲ کیلومتر مربع مساحت وسیعترین کشور غربی افریقا می باشد. نصف النهار گرینیوچ از نواحی شرقی و مدار راس سرطان از کناره شمالی آن می گذرد، کشوری است دور از دریا و با موریتانی، الجزایر، نیجر، بوركینافاسو، ساحل عاج، گینه و سنگال مرز مشترک دارد.

مالی را می توان به دو بخش فلاتی و بیابانی تقسیم نمود در فلات جنوب و جنوبی غربی این کشور رودخانه های نیجر و سنگال و شعبات آن، بریدگی های ژرفی را پدید آورده اند. فلاتش شرقی شامل سرزمین های مرتفع کوچک و پراکنده است. بخش مرکزی مالی، جلگه ای اما نقاط شمالی آن حالت صحرایی و بیابانی دارد. آب و هوای آن گرم و خشک است.

در حدود ۲۰۰۰ سال قبل در کشور مالی تمدن درخشانی وجود داشته است. در قرو یازدهم میلادی اسلام به این کشور راه یافت و رشد سریع آن تا قرن هیجدهم بسیار چشمگیر بود. مبلغ و مروج اسلام در مالی شیخ عثمان نام داشت که در اوایل قرن مذکور به تبلیغ اسلام در میان اقوام فلاجی پرداخت و در کمتر مدتی شهر تومباتو به صورت مرز اسلامی افریقای غربی درآمد و از این ناحیه، اسلام به بورکینافاسو (ولتای علیا) بنین و نیجریه انتشار داده شد. وی که مدرسی مسلمان با درجه ارشد بود و به عثمان دان فودیو مشهور بود رهبری جنبش بزرگ انقلابی فولانی را علیه حکمرانان هاسالند بر عهده گرفت. وی توانست بسیاری از قبایل هاسا را به سوی اسلام جذب کند و آنان را نسبت به ستم حکام وقت موعظه می نمود. وی آرزو داشت تا بنا به اصول و تعالیم اسلامی بر مردم حکومت شود که در نگرشهای او نه منافع مادی بود و نه قدرت طلبی فردی و تنها به تهذیب اخلاقی و بعد معنوی توجه داشت اما فرزندانش به سوی قومیت گرایی و سلطه گری قبایل فولانی بر مردمان هاسا، روی آوردند. (۱۰)

از اصلاح گران دیگر مالی فردی است بنام حاج عمر که قصد داشت در پهنه رود سنگال قیام کند اما در سال ۱۸۵۷م توسط فرانسویان بیرون رانده شد و پس از آن به سوی خاور روانه گشت و سگو و امپراتوری ماسینا را در ۱۸۶۲م فتح کرد و در سال ۱۸۶۳ موفق شد تمبوکتو را تسخیر نماید. در سال ۱۹۵۹م که مالی جزو نواحی مستعمره فرانسه بود با سنگال متحد و فدارسیون مالی را بوجود آورد و پس از مدتی از سنگال کناره گیری کرده و در سال ۱۹۶۰م استقلال خود را کسب نمود. مالی با غرب و بویژه با فرانسه رابطه سیاسی - تجاری دارد. در سال ۱۹۶۸م موسی ترائوره رژیم مودیوکیوتا را سرنگون و کمیته نظامی آزادی بخش ملی را برقرار کرد و در سال ۱۹۶۹ ریاست مملکت و دولت را عهده دار شد. وی در مدت ۲۳ سال استبداد و دیکتاتوری، کشور مالی را در بحران سیاسی و اقتصادی و فرهنگی قرار داد و سرانجام در ۲۶ مارس ۱۹۹۱م پس از شورشهای خیابانی، سرنگون و تحت محاکمه قرار گرفت. (۱۱) در سال ۱۹۹۱م بعد از یک رفراندوم، قانون اساسی که توسط یک کنفرانس ملی تدوین شده بود به تصویب رسید که در این قانون به نظام چندحزبی پس از ۳۰ سال قدرت تک حزبی اشاره شده بود. در جریان انتخابات پارلمانی ۱۹۹۱م حزب آدما ۷۶ کرسی از ۱۱۶ کرسی را بدست آورد و در ۲۶ آوریل ۱۹۹۱ بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آلفا عمر کوناره، کاندیدای حزب آداما به پیروزی دست یافت.

ترکیبی از نژادهای سیاه افریقائی سفید، سکنه مالی را تشکیل می دهد از ۷۹۸۰۰۰۰ نفر جمعیت آن ۹۰٪ مسلمان هستند. زندگی قبیله ای در این کشور رواج داشته و ۵۰٪ از قبائل مانده ولی بقیه از طوایف فولانی، ولتایی و طوارق هستند. زبان رسمی این کشور فرانسه و خط آن لاتین بوده اما ۶۰٪ مردم به زبان محلی بامبارا تکلم می نمایند.

کشاورزی در مالی به سه صورت دیده می شود الف: استفاده از آب رودخانه ها از طریق آب بندها یا وسایل موتوری ب: کشاورزی در اطراف دریاچه ها و مخازن آبی داخلی با استفاده از رطوبت خاک ج: کشاورزی آبی در کرتها و زمین های کوچک. دامداری و ماهیگیری نیز از اشتغالات عمده و منابع اصلی درآمد مالی است. (۱۲) معادن استخراج نشده ای چون طلا، نیکل، منگنز و بوکسیت در این کشور دیده می شود. بزرگترین کارخانه سفال سازی افریقایی غربی در مالی وجود دارد.

واحد پول آن فرانک مالی (fM) است که برابر صد سانتیم می باشد.

جمهوری سنگال

کشور سنگال که در منتهی الیه افریقایی غربی قرار گرفته است ۱۹۶۷۲۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. این سرزمین بین موریتانی، مالی، گینه و گینه بیسائو قرار گرفته است. کشور گامبیا چون زبانه ای در داخل آن قرار دارد. مرز غربی آن اقیانوس اطلس می باشد. سواحل عمیق، موقع جغرافیائی و دروازه غرب افریقا به این کشور اهمیت ویژه ای بخشیده است. سنگال سرزمین کم ارتفاعی است که بخش اعظم آن را علفزارهای ساوان و استپ می پوشاند. ۴ رود سنگال، سالوم گامبیا و کازامانس در سنگال جریان دارند که طویل ترین آنها سنگال می باشد که ۱۶۰۰ کیلومتر طول دارد. آب و هوا در سواحل و نواحی مرتفع معتدل ولی در استپ ها گرم و خشک است.



اسلام از طریق بازرگانان مالی به سنگال راه یافت و در سال ۱۰۴۰م نهضت دینی المرابطون در این ناحیه پایه گذاری شد از میان کشورهای انگلستان، هلند و فرانسه، فرانسه موفق شد سنگال را به تصاحب خود درآورد و پس از ۳۰۰ سال سلطه استعماری در سال ۱۹۶۰م مردم این کشور به استقلال دست یافت اما با وجود استقلال ظاهری چندین فرانسوی با تابعیت مضاعف (هم تابع فرانسه بوده وهم تابع سنگال هستند در پستهای عالی چون وزیر و مشاور عالی مشغول کارند. شهرهای آن تحت تاثیر تمدن غرب بنا شده و بین شهر و روستا اختلاف زیادی مشاهده می شود و این خود دلیل مهاجرت روستائیان به شهرهاست. مرکز حکومت آن داکار است و به هفت استان تقسیم می شود و سیاست خارجی آن بر همزیستی و احترام متقابل با کشورهای جهان استوار بوده و از جنبش های مردمی حمایت می کند.

سنگال ۷۵۱۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۲۰٪ آن در مرکز حکومت یعنی داکار سکونت دارند، رشد جمعیت ۲/۹٪ و تراکم نسبی آن ۳۸/۲ نفر در کیلومتر مربع است. بیش از ۵۰٪ مردم زیر ۲۰ سال سن دارند، اکثریت از قوم ولوف هستند، ولی گروه‌های نژادی فولانی، سرر، توکولور و دیولا هم در سنگال زندگی می‌کنند زبان رسمی این کشور فرانسه و خط آن لاتین است اما لهجه‌های بومی ولوف و توکولور متداول می‌باشد. ۹۵٪ مردم مسلمان، ۲٪ مسیحی و ۳٪ پیرو ادیان بومی و فرقه‌های مریدیه که یک قرن قبل توسط شیخ احمد و بامبا پایه‌گذاری شده در غرب افریقا و افریقای مرکزی پیروان زیادی دارد و تنها در سنگال ۱/۵ میلیون نفر از آن پیروی می‌کنند. رهبران این فرقه که عقاید صوفیه و اهل طریقت دارند از قدرت عظیم اقتصادی سیاسی برخوردار بوده و می‌توانند برای حکومت مرکزی مشکل آفرین باشند. طبی شهر مقدس مریدی هاست، روحانیون و رهبران این فرقه در طوبی سکونت دارند عده‌ای از طرفداران این فرقه در مزارع وسیع بادام زمینی و با اعتقادات به ثواب اخروی به کشت و کار مشغولند که محصول آنان را فرانسویان از طریق رهبران فرقه می‌خرند. (۱۳)

فرقه تیجانیه که در اواخر قرن هیجدهم توسط ابوالعباس شیخ احمد تیجانی (اهل الجزایر) بوجود آمد، در دولت سنگال نفوذ دارد. قادییه نیز فرقه قدیمی دیگر هستند. گروه مذهبی دیگر در سنگال هستند که به آنان به زبان ولفی لای لای (ترجمه لا اله الا الله) می‌گویند، حدود ۵۰۰۰۰ شیعه در سنگال زندگی می‌کنند که شیخ عبدالنعیم آل زین رهبری آنان را عهده دار است.

۷۰٪ مردم به کشاورزی مشغولند. اقتصاد آن تک محصولی است و بر پایه صادرات بادام زمینی استوار می‌باشد. در سالهای اخیر کوشش شده تا با گسترش ماهیگیری و افزایش تولیدات صنعتی و جهانگردی این کشور از حالت تک تولیدی خارج شود. سنگال هفتمین کشور تولیدکننده فسفات در جهان به شمار می‌رود.

Translation Movement

تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۰م ۵/۱ میلیارد دلار و سرانه آن ۷۰۰ دلار بوده است اساساً این کشور در مقایسه با همسایگان خود از وضع اقتصادی خوبی برخوردار است.

رابطه سنگال با ایران از سال ۱۳۶۲ش بدلیل عناد غرب با ایران و تحریک رهبران سنگال توسط فرانسه قطع شد ولی در سال ۱۳۶۷ش مجدداً سنگال با ایران رابطه برقرار نمود.

گامبیا

گامبیا با ۱۰۶۸۹ کیلومتر مربع وسعت، از کوچکترین کشورهای افریقائی به شمار می‌رود. گسترش آن در جهت طول جغرافیائی است و ۳۲۰ کیلومتر طول دارد. گامبیا همچون باریکه‌ای در طول شرقی - غربی در داخل سنگال قرار دارد و از طریق باریکه‌ای در غرب با اقیانوس اطلس هم مرز است.

رود گامبیا که ۱۱۲۷ کیلومتر طول دارد با آبرفت هایی نواحی حاصلخیزی برای گامبیا بوجود آورده است. موقع استوایی و قرار گرفتن در مجاورت اقیانوس اطلس موجب گرم و مرطوب شدن آب و هوای گامبیا گردیده است. این سرزمین ۸۴۸۰۰۰ نفر سکنه دارد و گروههای نژادی آن عبارتند از ماندینگو (۴۰٪) فولا (۱۳٪) ولوف (۱۲٪) جولا (۷٪) بیراهوئی (۷٪) زبان مورد استفاده انگلیسی است که با خط لاتین نوشته می شود. ۹۸٪ مردم پیرو آئین اسلام می باشند.

اولین بار گامبیا را فنیقی ها شناختند و در قرون پنجم و ششم میلادی بخش بزرگی از گامبیا و سنگال جزو امپراطور غانا (غنا) به حساب می آمد. بعدها امپراطوری مزبور منقرض و بجای آن مملکت سونگای بوجود آمد که زمامداران آن به اسلام گرویدند و با تمام قوا به نشر اسلام پرداختند.

در سال ۱۴۵۵م پرتغالی ها به رهبری کاپیتان هنری به اشغال آن پرداخته و پس از آن در سال ۱۷۶۵م استعمار بریتانیا بر گامبیا مسلط شد. در سال ۱۹۶۳م گامبیا استقلال خود را بدست آورد. در سال ۱۹۸۱م کنفدراسیونی از سنگال و گامبیا بنام سنگامبی تشکیل شد و قرار شد رئیس جمهور سنگال به عنوان رئیس و رئیس جمهور گامبیا به عنوان نایب رییس آن انتخاب شوند ولی دو کشور حاکمیت خود را حفظ کنند.

مرکز حکومت آن بانجول است و از ۶ بخش و یک پایتخت تشکیل شده است.

۸۵٪ مردم از طریق کشاورزی و دامداری امرار معاش می نمایند و بادام زمینی ۹۰٪ صادرات آن را تشکیل می دهد. متاسفانه ۷۰٪ منابع مالی این کشور از طریق کمکهای خارجی بخصوص انگلستان و کشورهای عربی تامین می شود. واحد پول آن دالازی است که به صد بوتوت (۱۴) تقسیم می شود. (۱۵)

Translation Movement

.IMS

گینه بیسائو

جمهوری گینه بیسائو که در غرب ترین نقطه افریقا قرار دارد. با وسعتی برابر ۳۶۱۲۵ کیلومتر مربع وسعت در شمال باینگال و در جنوب و مشرق با گینه مرز مشترک دارد. کناره های ساحل غربی آن که مشرف به اقیانوس اطلس است بریده و بعضا حالت باتلاقی دارد و از چندین جزیره برخوردار می باشد. خلیج بیسائو هم در غرب آن واقع است. آب و هوا در سواحل و جزایر غربی، اقیانوسی ولی در سایر نقاط گرم و مرطوب می باشد. کاشو، مانسوا، گبارکوروبال از رودهای این کشور می باشند.

گینه بیسائو در گذشته یکی از مراکز حمل برده بوده است. در سال ۱۴۴۶م گینه بیسائو بنام گینه پرتقال مستعمره پرتقال گردید. در بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰م گروههای کوچک وطن پرست سازمان یافت و نهال مبارزات ضد استعماری با تاسیس حزب استقلال گینه بیسائو و جزایر دماغه سبز روئید. در سال ۱۹۷۴م با

وساطت الجزایر، دولت پرتقال آن را به سمیت شناخت و با کسب استقلال، بسیاری از آوارگان باین سرزمین بازگشتند گرچه پایتخت این کشور مدینه دبوئه نام دارد ولی مرکز حکومت آن بندر مهم بیسائو می باشد، گینه بیسائو به ۸ منطقه تقسیم شده و از شهرهای مهم آن بوآلام و کاشو را می توان نام برد. جمعیت آن بر اساس آمار سال ۱۹۹۰م به ۹۶۲۰۰۰ نفر بالغ می گردد. تیره های اقوام فولا و ماندینگو گروه های مهم قومی آن هستند. زبان رسمی پرتغالی است ولی مردم به زبان بومی «کری ئولو» (۱۶) و چند لهجه بومی تکلم می کنند. ۷۰٪ مردم مسلمان هستند.

فقدان منابع معدنی و کمبود مواد خام و منازعات قبیله ای این کشور را با اقتصادی توسعه نیافته مواجه نموده است. ۸۵٪ مردم به کشاورزی و دامداری مشغولند، برنج، خرما و بادام زمینی از محصولات آن می باشد، ماهیگیری در سواحل و جزایر غربی این کشور رواج دارد. صنایع آن غالباً غذایی و ساختمانی است. واجد پول گینه بیسائو، پزوست که به صد سنتاوس تقسیم می شود.

گینه کوناکری

جمهوری گینه با ۲۴۵۸۵۷ کیلومتر مربع وسعت در ساحل شرقی اقیانوس اطلس واقع است، نواحی مرکزی و شرقی آن از فلات فوتاجالون تشکیل شده و در شمال شرقی، جلگه گینه به سوی رودخانه نیجر سرازیر می گردد. در جنوب شرقی پوشش گیاهی انبوه استوایی مشاهده می شود. رودهای نیجر، گامبیا و سنگال از فلات فوتا جالون منشا می گیرند.

در سال ۱۶۹۴م دولت اسلامی فولانی در ناحیه فوتاجالون بوجود آمد. در سال ۱۸۴۹م گینه تحت الحمایه فرانسه گردید و با شروع دوران استعمار مبارزات اسلامی اوج گرفت که منجر به ایجاد حکومت های: حاج عمر درمالی، سامور در گینه و عثمان دان فودیو در نیجر گشت در سال ۱۹۵۸ میلادی پس از مبارزات طولانی مردم مسلمان گینه، این کشور استقلال خود را به رهبری احمد سکوتوره بدست آورد.

در سال ۱۹۸۴م با مرگ احمد سکوتوره - رئیس جمهور وقت گینه - کودتایی در گینه رخ داد که پس از آن کشور گینه به غرب روی آورد و اکنون با فرانسه، آمریکا و عربستان رابطه دارد. گینه به ۲۷ منطقه تقسیم می شود و مرکز حکومت آن شهر کوناکری است.

کشور گینه ۶۷۹۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۴۰٪ آن از قوم فولانی هستند که از قرون چهاردهم و پانزدهم باین سرزمین راه یافته اند. قوم مالینکه (ماندینگو) از مالی به این ناحیه آمده اند غیر از اینها ۱۶ گروه نژادی دیگر در گینه سکونت دارند. ۸۵٪ مردم مسلمان و بقیه پیرو مسیحیت و مذاهب ابتدائی هستند. مردم گینه به مسلمانان جهان علاقه وافری دارند و با پیروزی انقلاب اسلامی اعتقادات مذهبی آنان، شور و هیجان خاصی بخود

گرفته و احکام اسلامی چون رعایت اجباری روزه منع کلی مشروبات الکلی و گوشت خوک، مجازات زانی در این کشور اجرا شد و در ۳۴ منطقه شکور شوراهای اسلامی بوجود آمد. غیر از زبان فرانسه مردم به هفت زبان بومی (از شاخه سودانی) تکلم می کنند. ۷۵٪ مردم گینه در بخش کشاورزی مشغول به کارند و محصولات مهم آن نخل روغنی، خرما، برنج، قهوه، آناناس، پنبه و بادام زمینی است. ۳۵٪ بوکسیت جهان در گینه وجود دارد.

پی نوشتها

1- front-populaire pour-al-leberation Desayuiael Hamara Et (Riodeoro(polisario

۳- جبهه پولیساریو - نوشته اریک فیشتلیوس ترجمه مجید نوحی، تهران، قلم.

۴- جنبش آزادی بخش - حسین هدی - علیرضا بهشتی تهران ۱۳۶۱، صفحات ۷۶ و ۷۷.

۵- معادن فسفات در زمینی به مساحت ۲۵۰ کیلومتر مربع با ۱۰ میلیارد تن بالغ می گردد.

6-Alaiun

۷- سه گزارش از افریقا. مالی، موریتانی و غنا - دفتر ثبت شن و کویزدایی بهمن ۶۵ پلی کپی.

۸- مغرب بزرگ پل بالتا، صفحات ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰.

۹- مغرب بزرگ پل بالتا، صفحات ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰.

۱۰- تاریخ افریقا، بزیل دیویدسن، ص ۴۲۷.

۱۱- خبرگزاری فرانس پرنس، به نقل از کیهان ش ۱۴۴۷۶.

۱۲- سه گزارش از افریقا: مالی، موریتانی، و غنا - تهران - دفتر تثبیت شن و کویزدائی، پلی کپی.

۱۳- آنسوی دروازه افریقا - قسمت شانزهم - یونس شکرخواه - کیهان ش ۱۴۳۶۸.

14-butut

۱۵- آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی، مهتاب تبریزی و شروین طهماسبی، ص ۴۴.

16-crioulo

بورکینافاسو (ولتای علیا)

بورکینافاسو یک لفظ بومی است و به سرزمین جوانان مبارز می باشد اما نام دیگر این سرزمین یعنی ولتای علیا بخاطر رودی است که آن را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می کند. بورکینافاسو به صورت جمهوری اداره می شود و با ۲۷۴۱۲۲ کیلومتر مربع همچون مثلثی در غرب افریقا بین مالی و نیجر قرار دارد.

بورکینافاسو در سال ۱۸۹۶م تحت الحمایه فرانسه گردید و در سال ۱۹۵۸م به خودمختاری و در سال ۱۹۶۰م به استقلال دست یافت. تا سال ۱۹۸۳م با کشورهای غربی بخصوص فرانسه ارتباط سیاسی داشت ولی با انجام کودتایی توسط افسران جوان، و متهم نمودن رژیم قبلی به وابستگی به غرب، شورایی بنام شورای ملی انقلاب برای اداره آن بوجود آمد.

مرکز حکومت آن شهر اوآگادوگو (۱) و از شهرهای مهم آن بوبودیولاسو (۲) می باشد این کشور از دولت تشکیل شده که زیر نظر دولت مرکزی اداره می شود.

مردمان آن اغلب سیاهپوستند. و مهمترین گروه نژادی آن که سازمان یافته اند به موسی و گورما (۴) از دیگر طوایف نژادی آن می باشند. زبان رسمی فرانسوی است و خط متداول لاتین می باشد. ریشه زبانهای بومی و محلی سودانی است، ۶۰٪ مردم مسلمان هستند، اقلیت بزرگ آن آنیمیست ها هستند و دومین گروه مذهبی مسیحیان می باشند.

این سرزمین به لحاظ شرایط خاص جغرافیائی و خشکسالی های بین سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴ش و سلطه استعمار در دوران ۶۴ سال مستعمره این کشور، از فقیرترین کشورهای جهان به شمار می رود. صادرات مهم آن بادام زمینی و محصولات دامی است. خط آهنی که آبیجان (مرکز ساحل عاج) را به نیجر وصل می کند و از این کشور می گذرد در اقتصاد و تجارت خارجی بورکینافاسو نقش به سزایی دارد. (۵) واحد پولی آن فرانک جامعه پولی افریقا است که خود به صد سانتیم تقسیم می شود.

جمهوری سیرالئون

سیرالئون در غرب افریقا و در ساحل شرقی اطلس بین کشورهای گینه و لیبریا قرار دارد. مساحت آن به ۷۱۷۴۰ کیلومتر مربع بالغ می گردد. منطقه باریک ساحلی غربی سیرالئون از جلگه های پست شنی تشکیل یافته که کوههای کم ارتفاع پراکنده ای این ناحیه را از فلات داخلی جدا می کند. در فلات نسبتا مرتفع داخلی دره های متعدد نسبتا ژرفی مشاهده می شود. کوههای شرقی آن حداکثر ۱۹۴۸ متر ارتفاع دارند. آب و هوای آن استوایی و گرم و مرطوب است و متوسط دما به ۲۱ درجه سانتی گراد می رسد.

در قرون گذشته بخش هایی از سیرالئون مرکز برده های افریقائی آزاد شده بود. در سال ۱۴۶۰م کاشفان پرتغالی، سیرالئون را کشف نمودند و در سال ۱۸۹۶م سیرالئون تحت الحمایه بریتانیا قرار گرفت و در سال ۱۹۶۱م به استقلال دست یافت. فری تاوون مرکز حکومت آن در شبه جزیره ای در کنار اقیانوس اطلس واقع است این بندر از نقاط دیدنی و زیبای افریقا می باشد. ۴ استان دارد که هر کدام به ۱۴۷ منطقه قبیله نشین تقسیم می شود. سیرالئون جزو کشورهای مشترک المنافع بریتانیاست و با شرق و غرب رابطه دارد.

مردم سیرالئون از نژاد سیاه بوده و ۶۰٪ آن از تیره های تمه و منده می باشند.

لمب کورون کو، دیالونکه و کی سی از دیگر قبایل آن هستند، افراد لبنانی، سوریه ای و اروپائی هم در این کشور سکونت دارند. زبان رسمی انگلیسی و خط رایج آن لاتین است ولی مردم، به زبانهای کریو، کرئول و سودانی تکلم می نمایند. دین رسمی اسلام است و ۷۰٪ سکنه ۴ میلیونی آن مسلمان هستند.

روستانشینان که ۶۸٪ سکنه را تشکیل می دهند به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. مهمترین محصول زراعی آن برنج است که تولید سالانه آن به نیم میلیون تن در سال بالغ می گردد ولی پایه اقتصاد آن بر استخراج منابع معدنی استوار است. این کشور دومین تولید کننده الماس صنعتی و هشتمین تولید کننده الماس زینتی در دنیا می باشد. طلا و سنگ آهن هم در آن تولید می شود. (۶)

لیبریا

برای قرنهای متمادی تجارت برده، بسیاری از مردمان افریقا را از سرزمین خود دور ساخت و در تنهایی جانکاه و نومید کننده خویش از فشار کار و زیر ضربات شلاق در حالی که زنجیر در پای و گردن داشتند، جان باختند. بیشترین تعداد بردگان در طی قرون جدید یعنی از سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی از افریقا گرفته شدند. بره فروشان بیرگ این دوران، اروپائیان بودند و در همان دوره ای که اروپا به سوی ترقی علمی گام می نهاد با بیرحمی و قساوت، انسانهای بیگناه و محروم افریقایی را برده خود نموده و از آنان چون حیوان بهره کشی می نمودند. بیشترین سیاه پوستان که به عنوان برده از افریقا به امریکا انتقال می یافتند مربوط به افریقای غربی بودند و مسکن اصلی آنان لیبریای کنونی بود و هنگام بازگشت عده ای از این بردگان به این سرزمین آمده و بدنبال آن گروهی از سیاهان مسیحی هم به سوی آن روی آوردند و در اوایل قرن نوزدهم با کمک امریکا، دولتی را بوجود آوردند که لیبریا (سرزمین آزادی) نام گرفت. (۷) لیبریا با ۱۱۳۷۰ کیلومتر مربع وسعت در غرب افریقا قرار گرفته است و قبل از تاسیس، به ساحل غله موسوم بود و بر اثر تجارت برده از سکنه خالی شد، تاریخ تاسیس آن ۱۸۲۲م می باشد.

در این کشور قبل از آنکه سیاهپوستان مسیحی مقیم امریکا بدان روی آورند ۹۰٪ مردم مسلمان بودند. رهبران مسیحی در اندک مدتی زمام امور را بدست گرفته و صاحب قدرت سیاسی - فرهنگی شدند و مسلمانان را در انزوا قرار داده و رفتار قساوت آمیزی با آنان داشتند. حتی تعدادی از قبایل مسلمان را با به کار گیری وسایل تبشیری وادار به قبول دیانت مسیحی نمودند و چون قدرت مادی در دسد مسیحی ها بود. پیشرفت اسلام در آن سیر نزولی یافت و کلیساها که قبلا اثری از آنها نبود نثل قارچ در این کشور روئیدند. هم اکنون از ۲۵۶۲۰۰۰ سکنه آن، ۴۵٪ مسلمان هستند.

مسلمانان در سالهای اخیر تحرک خوبی پیدا کرده اند و در زمینه احکام و اصول اسلامی کوشش هایی نموده اند تا از طریق آموزش این مفاهیم، آداب اسلامی را به جوانان انتقال دهند صدها مسجد و مدارس قرآنی در سراسر کشور بویژه در مرکز حکومت یعنی مونرویا ساخته اند و با جهان اسلام برخی کشورهای مسلمان آسیای غربی رابطه فرهنگی - مذهبی دارند.

ساحل عاج

جمهوری ساحل عاج با ۳۲۲۴۶۳ کیلومتر مربع مساحت در افریقای غربی بین کشورهای غنا، لیبیا، گینه، مالی و ولتای علیا (بورکینافاسو) قرار دارد. بخش مهمی از آن جنگل فرا گرفته است. ۴ رودخانه در آن جریان دارد. آب و آن گرم و مرطوب می باشد.

در سال ۱۸۹۱م به عنوان مستعمره فرانسه قلمداد گردید و در سال ۱۹۶۰م به استقلال ست یافت. مرکز حکومت آن شهر آبی جان (۸) است که در کنار خلیج گینه قرار دارد. ساحل عاج ۲۴ حوزه و دو ناحیه خودمختار دارد که زیر نظر شوراهای انتخابی اداره می شود. مردم آن از گروههای قومی متفاوتی تشکیل شده اند و گرچه زبان رسمی فرانسه است ولی هرکدام از اقوام آن زبان مخصوص خود را دارد.

در سال ۱۹۹۰ میلادی ۱۲۳۹۵۰۰۰ نفر سکنه داشته که نیمی از آنان مسلمان بوده اند. و گرچه مسلمانان در میان اغلب اقوام دیده می شوند اما قوم دیولا تماما مسلمانند. شهر بواکه دومین شهر پرجمعیت ساحل عاج، نیز مسلمان نشین است.

اولین کسی که کوشید تا نظام اسلامی را در نواحی شمالی ساحل عاج مستقر کند شخصی بنام ساموری توره رهبر مسلمانان بود. فرانسویان وی را تحت فشار سختی قرار داده و در سال ۱۸۹۸م او را به زندان افکندند. بازرگانان مسلمان دیولا از قرن هیجدهم جوامع اسلامی را در شمال ساحل عاج بوجود آوردند و این مناطق مرکز رشد و گسترش اسلام تلقی گردید. مسلمانان در امور سیاسی و اداری دخالت دارند و در تشکیلات اسلامی و فعالیتهای مذهبی فرهنگی با مشکل عمده ای روبرو نمی باشند. بعد از مسلمانان دومین گروه را

پیروان آنیمست (بت پرست) تشکیل می دهند.

جمهوری غنا (ساحل طلا) غنا در غرب قاره افریقا در کنار اقیانوس اطلس قرار دارد و وسعت آن به ۲۳۸۵۳۳ کیلومتر مربع بالغ می گردد. این کشور با ۵۳۵ کیلومتر ساحل و قرار گرفتن خلیج گینه در جنوب آن، از موقع جغرافیائی مناسبی برخوردار است. (۹) دماغه معروف «تری پوینتیس» هم در جنوب آن قرار دارد.

اسلام در قرن پنجم هجری توسط عبدالله بن یاسین و ابوبکر لمتونی باین سرزمین نفوذ نمود و امپراطوری بت پرستی آن را مضمحل کرد و با این برنامه غنا از تمدن پویای اسلامی بهره مند شد. در قرن هشتم هجری نیز بازرگانان دیولا در نشر اسلام در این سرزمین نقش عمده ای را عهده دار بودند و در نتیجه تلاشها بی وقفه این افراد، دولتهای اسلامی همچون داگومبا، مامپورسی گنجاووالا در این کشور بوجود آمد، هنگامی که در شام تیره ای، استعمارگر پیرو یعنی انگلستان برای غارت غنا، باین سرزمین پا نهاد. شهرهایی چون باوکی، تامالی، سالوگاوتی از مراکز مهم اسلامی به شمار می رفتند و در حال حاضر هم کثرت سکنه نواحی شمالی مسلمان هستند. با وجود آنکه ۳۰٪ سکنه ۱۴ میلیونی غنا موحدند، متأسفانه در امور سیاسی، نظامی و اداری نفوذ ناچیزی دارند. اقلیت پروتستان مذهب و نیز گروههای کاتولیک در راس امورند، ۴۰٪ مردم غنا، بت پرستند و از مذهب آنیمست پیروی می کنند. مسلمانان ۲۵۰ مسجد دارند و فقه اکثریت آنان مالکی است و فرقه قادریه در این کشور بین مسلمین نفوذ قابل توجهی دارند.

وقتی انگلستان استعمار را در این منطقه آغاز کرد اسم غنا را که از دولت مقتدر غانا گرفته شده بود به ساحل طلا تبدیل نمود و لذا این مستعمره را در اولین قدم از هویت تاریخی خود جدا کرد. تا بی ریشه اش سازد و ثانیاً لقبی به آن داد که غرتگرای خود را به اثبات برساند و ساحل طلا بودن یعنی محل چپاول طلا. قبل از انگلستان مدتی پرتقال در این کشور به غارت پرداخت و بین سکنه بومی آن که اغلب افریقائی بودند بذر تفرقه پاشید و مدتی به تجارت برده و طلا در آن مشغول بود. (۱۰)

غنا در سال ۱۹۵۷م در حالی که عضو کشورهای متشکرک المنافع بود، استقلال خود را بدست آورد و در سال ۱۹۶۰م قوام نکرومه نظام آن را جمهوری اعلام نمود. قوام نکرومه در آثار خود و بویژه کتاب «افریقا باید متحد شود» به حیل های استعمارگران در غنا اشارات فراوانی دارد. (۱۱)

کشور غنا با آنکه بزرگترین تولید کننده نارگیل در مقیاس جهانی است و مهمترین معادنش طلاست و دومین تولید کننده الماس در جهان به شمار می رود. از کشورهای فقیر جهان محسوب می شود و مردمان آن در محرومیتی شدید و خانمانسوز قرار دارند. متأسفانه ۵۰٪ ذخائر طلای آن را هنوز پیمانکاران غربی به خود اختصاص می دهند. (۱۲)

توگو

کشور توگو به صورت باریکه ای در عرض جغرافیائی کشیده شده است و در افریقای غربی و در ساحل خلیج گینه قرار دارد. عرض آن ۶۰ کیلومتر و طولش به ۶۰۰ کیلومتر بالغ می گردد. آب و هوای گرم و مرطوب و پرباران دارد.

توگو تا سال ۱۹۶۰م تحت سلطه فرانسه بود و از این لحاظ است که زبان رسمی آن فرانسه بوده و حتی سرود ملی به زبان فرانسه اجرا می شود و نفوذ فرهنگ استعماری تاثیر خود را در این کشور محروم افریقائی بخشیده و خودباختگی فرهنگی در آن قابل مشاهده است.

اکثریت سکنه ۳۶۹۷۰۰۰ نفری توگو، بت پرست و پیرو آئین های ابتدائی هستند با این وصف ۲۵٪ مردم آن آئین جاودانی و پرصلابت اسلام را پذیرفته اند.

شهر سوکوده توگو مرکز تاریخی اسلام و یادآور تمدن باشکوه اسلام است که روزگاری در غرب افریقا اقتدار و شوکتی داشته است. اولیت مسجد توگو در سال ۱۸۲۰م تاسیس شد. ملمانان نواحی شمالی توگو از تیره های حوصه، جرما، کوتولی و چوکوسی هستند ولی در جنوب از برازیلی ها می باشند، مسلمین در امور سیاسی و حکومتی نقش مهمی ندارند و حتی در مواردی تحت فشار می باشند، با وجود اسلام زدایی و تبلیغات منفی غربی ها، مسلمانان با انقلاب اسلامی آشنا هستند و ایران را بنام امام خمینی (قدس سره) می شناسند. برخلاف آن همه هجوم فرهنگی و تخریب معنوی؛ قرآن در قلب مسلمین توگو نفوذ دارد و آنان در عین فقر و محرومیت اقتصادی رابطه خود را با اسلام قطع نکرده اند و جوانان مسلمان در قلب آن خودباختگی و فلاکت، قرآن به دست دارند و بی توجه به مظاهر فرهنگ بیگانه به ذکر و نیایش و عبادت مشغولند.

Translation Movement
JMS

بنین

جمهوری خلق بنین با ۱۱۲۶۲۲ کیلومتر کربع وسعت به صورت سرزمین باریک در افریقای غربی بین نیجریه و توگو قرار گرفته است. ساحلی به طول ۱۲۵ کیلومتر در کنار اقیانوس اطلس و خلیج گینه دارد. نصف النهار گرینویچ از نزدیکی آن عبور می کند. مرکز حکومت آن بندر «پورتونوو» (۱۳) می باشد که در کنار خلیج گینه قرار گرفته است. بنین تا سال ۱۹۶۰م زیر سلطه فرانسه بود و تا سال ۱۹۷۵م به داهومی معروف بود.

طبق آمار سال ۱۹۹۰م بنین ۴۶۶۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که اغلب آنان از قبایل فون، آجباریبا، یوروبای و فولانی هستند و زبان رسمی آنان فرانسه است.

۴۰٪ مردم بنین مسلمان هستند. اما دولت حاکم بر آن می کوشد آمار آن را کمتر از این میزان نشان داده و در برخی گزارشهای رسمی اعلام کرده که ۱۳٪ مردم بنین مسلمان می باشند.

جمهوری فدرال نیجریه

نیجریه پرجمعیت ترین کشور آفریقایی و سومین کشور مسلمان در جهان اسلام می باشد.

جمهوری فدرال نیجریه با ۹۲۳۷۶۸ کیلومتر مربع وسعت در شمال با نیجر، در غرب با بنین و در جنوب با کامرون مرز مشترک دارد. این کشور فلات پهناوری است در آفریقای غربی که توسط دو رودخانه نیجر و بنوئن به ۳ بخش شمالی، شرقی و غربی تقسیم می شود. در بخش شمالی قله «گربون» (۱۴) و فلاتهای «جادو» (۱۵) و «مانگی نی» (۱۶) قرار دارند. در نواحی جنوبی آن برجستگی های کم ارتفاعی دیده می شود. آب و هوای آن در اکثر نقاط استوایی و نیمه استوایی می باشد اما در غرب، تحت تاثیر جریانات اقیانوس اطلس، معتدل اقیانوسی است. نواحی غربی و جنوب و شرق این سرزمین اسلامی از جنگلهای استوایی پوشیده شده است.

قدیمی ترین تمدن شناخته شده در نیجریه، فرهنگ نوک است که در بین سالهای ۷۰۰ تا ۲۰۰ قبل از میلاد در آن وجود داشته است. تمدن ایفه در قرن دوازدهم نیز نیجریه را به شکوفائی رسانیده است. (۱۷)

همچنین دولت مقتدر کانم و پس از آن سونگای بخشهایی از این کشور را در بر می گرفته است. درکانو، زاریا، گابروودورا، دولتهای مسلمان پدید آمدند. در قرن پانزدهم (اواخر آن) مصلحی بنام محمد آسکیای کبیر کوشید تا این نقاط اسلامی را با هم متحد نموده و از این راه مسلمانان را به شکوفائی و اقتدار برساند. اما این تلاش گرچه موفقیت آمیز بود ولی دوامی نیافت و در قرن هیجدهم اصلاح طلب مسلمانی بنام عثمان دان فودیو به تجدید حیات اسلامی در نقاط تحت قلمرو نیجریه کنونی و آفریقای غربی و مرکزی پرداخت. وی کشوری اسلامی بنیان نهاد که از «گاندو» تا «آداما» را در بر می گرفت که در اتحادی بزرگ، قوانین اسلامی در این سرزمین پهناور اجرا می گشت.

در قرن پانزدهم میلادی، پرتغالی ها و در قرون بعد انگلیسی ها برای غارت این سرزمین، بدان پا گشودند و در قرن هفدهم، سواحل آن را تبدیل به یکی از مهمترین مراکز تجارت برده در آفریقای غربی نمودند.

در ساحل اقیانوس اطلس و در نزدیکی لاگوس مرکز حکومت نیجریه، شهرکی دیده می شود بنام «بده گوری» (باداگوری) که یادآور خاطره تلخ و اسفبار شکنجه بردگان سیاه می باشد. در این شهرک شکنجه گاه بردگان هنوز دیده می شود که در آن استعمارگران انگلیسی و غیر آن، سیاهان را دستگیر و پس از ظربات طولانی و

شکجه های زیاد توان حرکت را از آنان گرفته و تسلیم خود می نمودند و به تجارت این کالا زنده می پرداختند. (۱۸)

در اواخر قرن نوزدهم، بریتانیا، نیجریه را تصرف نمود و آن را به عنوان افریقای غربی انگلستان جزو نواحی تحت الحمایه خود منظور کرد. در سال ۱۹۵۴م نیجریه دارای خودمختاری شد و عضو جامعه کشورهای مشترک المنافع گردید و در سال ۱۹۶۰م مردم آن با شرکت در یک همه پرسی، فرمانداری کل نیجریه را تأیید نمودند و در سال ۱۹۶۳م نیجریه با اعلام حکومت جمهوری، استقلال کامل خود را بدست آورد.

در سال ۱۹۶۶م با کودتای نظامی دولت وقت سرنگون شد و در همین سال قبایل مسلمان شمال و شرق آن قیام نمودند و خواستار احقاق حق خود شدند که به شدت توسط قوای نظامی سرکوب شدند.

در سال ۱۹۶۷م ایالت بیافرا واقع در شرق نیجریه اعلام جدایی از فدراسیون نیجریه و استقلال نمود که با این حرکت، قوای دولت فدرال در آن مدخله نموده و پس از محاصره و سرکوبی و قریب سی ماه جنگ، محاصره مذکور و جنگ داخلی پایان یافت که ثمری جز کشتار خونین مردم و فقر و فلاکت آنان نداشت. طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲م قبایل مسلمان نواحی شمالی قیام نمودند که توسط نظامیان به شدت سرکوب شدند.

نیجریه ۱۱۷ میلیون نفر سکنه دارد که اکثراً در نواحی شمالی و غربی سکونت دارند. نژاد اصلی مردم سیاهپوست است و بیشترین سکنه به قوم «هوزا» تعلق دارد اما ۲۵۰ تیره مختلف در این کشور می باشند. زبان رسمی انگلیسی است ولی زبانهای بومی و عربی هم در آن رواج دارد. بیش از نیمی از مردم نیجریه مسلمان هستند. و بزرگترین اقلیت آن مسیحیان می باشند. بیشترین شمار مسلمانان از گروه نژادی «حوصه» هستند که در ایالتهای شمالی تمرکز دارند. یوروباهای فولانی ها نیز اکثراً به اسلام گرایش دارند. مسلمانان پیرو فقه مالکی هستند و هزاران مسجد در نقاط گوناگون نیجریه تأسیس نموده اند. سازمانهای اسلامی و حتی دانشگاههای مذهبی در نیجریه به نشر معارف اسلامی در سطح عالی مشغولند. مسلمانان گاهی تا سطح رئیس جمهوری و عده ای از وزرا در امور سیاسی دخالت دارند که موقع سیاسی آنان در زمانهای مختلف فرق می کرده است.

در سال ۱۹۹۲م سوسیال دموکراتهای نیجریه از ۹۱ کرسی سنا ۴۷ کرسی و از ۵۹۳ کرسی مجلس نمایندگان، ۳۱۰ کرسی را بخود اختصاص داده اند که با این حساب نفوذ احزاب اسلامی و تشکیلات مذهبی در دولت جدید کاهش می یابد.

گرچه جوانان مسلمان نیجریه به قرآن و اسلام عشق می ورزند ولی آنقدر بهای یک جلد قرآن را در این کشور بالا برده اند که آنان قادر نیستند نسبت به تهیه آن اقدام کنند و ناگزیرند قرآن را رونویسی نمایند. گروهی بنام «مایتاسیتا» که خود را یک جریان اسلامی معرفی می کنند همچون منافقین ایران هر از گاهی در کوچه و خیابان به مردم حمله کرده و به قتل و غارت می پردازند تا افراد را نسبت به مسلمین بدبین کنند.

مرکز حکومت نیجریه شره لاگوس (۱۹) می باشد. که از نظر جمعیت در ردیف بزرگترین شهرهای جهان است و بیش از ۱۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. لاگوس از ۱۸ جزیره کوچک و بزرگ تشکیل شده و پل های متعددی در آن به چشم می خورد. نیجریه ۱۹ استان دارد.

نیجریه از ذخائر غنی نفت برخوردار است و از این لحاظ هشتمین کشورتولید کننده در دنیا به شمار می رود. گرچه کاوش نفت در این کشور از سال ۱۹۰۸م آغاز شده اما منابع جدید نفت آن در سال ۱۹۷۰م در سواحل کشف گردید. افزایش ارزش نفت و فرآورده های گوناگون آن در سال ۱۹۷۳م اقتصاد آن را از شکوفائی ویژه ای برخوردار نمود اما این کشور بدلیل آنکه تحت تبلیغات کشورهای غربی به مصرف زدگی روی آورد و در این زمینه افراط نمود، وارداتش افزایش فوق العاده ای یافت که منجر به بالا رفتن میزان بدهی های آن شد و قروض خارجی آن به ۵ میلیارد دلار رسید که تنها ۳۰٪ آن را به انگلستان مقروض است. افزایش بدهی های خراجی و فساد اداری موجب سقوط رژیم قبلی شد. نیجریه عضو کشورهای صادر کننده نفت می باشد. (OPEC)

با وجود آنکه ۴ برنامه توسعه اقتصادی در آن باجرا گذاشته شده ولی رونق اقتصادی آن قابل توجه نبوده است و این کشور از نظر تامین مواد غذایی برای سکنه زیاد خود به خارج وابسته است.

Translation Movement

ثروت نیجریه تنها نفت نیست. ۹۵٪ کلمبیت (۲۰) جهان در این سرزمین بدست می آید و از این لحاظ در جهان رتبه اول را داراست زغال سنگ و سنگ آهن از منابع معدنی دیگر آن می باشد.

مجمع ذوب آهن و فولاد آن در ناحیه «آژائوکوتا» (۲۱) تاسیس شده است. صنایع آلومینیوم، نساجی، سیمان سازی و تولید سیگار از مهمترین مراکز صنعتی آن است. (۲۲) در بخش صنایع، هدف، جایگزینی واردات با تولیداتی داخلی بوده است ولی سهولت وارد نمودن کالاهای خارجی و رقابت با محصولات داخلی موجب رکود و تعطیلی برخی از کارگاههای نیجریه شد. (۲۳)

۷۰٪ نیروی کار در بخش کشاورزی مشغولند و زمینهای حاصلخیزی در نیجریه وجود دارد ولی بحران های اقتصادی و استفاده نابجا از درآمدهای نفتی، بخش کشاورزی را تخریب نموده و متاسفانه محصولات

کشاورزی آن توسط پولدارانی که با نفت ثروتمند شده اند وارد می گردد. انقلاب سبز هم بجائی نرسید و کشوری که اولین تولید کننده بادام زمینی در قاره افریقا بود، بدین لحاظ عقب نشینی نمود و تولید نخل روغنی و کاکائو هم در آن تنزل یافت. اکنون هیولای فقر بر نیجریه چنگ انداخته است و شاغلین بومی هیچ رغبتی به کار و تلاش ندارند و اصولاً کشاورزی برایشان سودی ندارد زیرا گندم وارداتی خیلی ارزانتر از گندم داخلی بدست مردم می رسد. این یکی از حیل‌های استکبار جهانی است که کشورهای اسلامی را در بحرانه‌های اقتصادی و حالتی از فقر نگاه دارند تا هم ماده خام مورد نیاز آنان را تامین کرده و هم بازار خوبی برای آنان باشند و بدین گونه است که نیجریه با آن آب و هوای مساعد، رودخانه‌های پرآب، سواحل اقیانوسی، اراضی پر برکت، معادن غنی، نیروی کار فراوان و ارزان در مرداب گرسنگی و فقر غوطه می خورد. آری مردمان موحد این سامان ارزاق و نیازمندیها را به قیمت گزاف تهیه می کنند اما مشروبات الکلی بوفور در اختیارشان است.

از نظر دامپروری وضع نیجریه بهتر است و صادر کننده پوست و روده می باشد ولی اوضاع ماهیگیری اسف انگیز است زیرا ژاپنی‌ها در سواحل آن بهترین ماهی‌ها را صید نموده و به بهای گزافی در اختیار مردم می گذارند!

صنعت جهانگردی نیجریه به دلیل برخورداری از مناظر با طراوت ساحلی، جنگل‌های انبوه، هنرهای دستی زیبا و برپائی جشنواره‌های هنری - فرهنگی نیجریه که همه ساله در یک استانهای آن برگزار می شود شکوفایی قابل توجهی دارد.

واحد پول نیجریه «نایرا» (۲۴) نام دارد که خود به ۱۰۰ «کوبو» (۲۵) تقسیم می شود.

جمهورية متحده کامرون Translation Movement

جمهوری متحده با ۴۶۵۴۵۸ کیلومتر مربع وسعت در شرق خلیج گینه و جنوب دریاچه چاد واقع است. دشت ساحلی آن کم ارتفاع می باشد و آب و هوای گرم و مرطوب دارد. فلاتهای مرکزی کامرون توسط ارتفاعاتی محصور می گردد. در نواحی شمالی کامرون که بین کشور چاد و کوههای آداما (۲۶) قرار گرفته فلات نسبتاً وسیع و مرتفع و دشتهای عمیق و «یانانگا» (۳۰) رودهای مهم آن هستند.

پرتغالی‌ها در قرن پانزدهم میلادی وارد کامرون شدند. از سال ۱۸۸۵م نفوذ آلمان در آن آغاز شد و سرانجام کامرون در سال ۱۹۰۲م بصورت یکی از مستعمرات آلمان درآمد. در جنگ جهانی اول فرانسه و انگلستان آن را تصرف نموده و بین خود تقسیم کردند. در سال ۱۹۶۴م کامرون فرانسه استقلال یافت و یک سال بعد کامرون بریتانیا به دو بخش تقسیم شد. بخش شمالی آن به نیجریه الحاق گردید و قسمت جنوبی به کامرون ضمیمه گشت.

کامرون در حال حاضر (۱۹۹۰م) ۱۱۷۵۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۵۵٪ در کانونهای شهری سکونت دارند. رشد سالانه جمعیت ۳/۲٪ و تراکم نسبی آن در هر کیلومتر مربع ۲۵/۲ نفر می باشد.

۲۰۰ تیره و نژاد سیاه د کامرون سکونت دارند ولی سه قوم نژادی اصلی آن «بانتوها» (۳۱) «فول» «کیردی» (۳۳) هستند. بانتوها که ۳۰٪ سکنه کامرون را شامل می شوند در جنوب و نواحی ساحلی هستند و قوم کیردی د شمال می باشند. قوم فول به غالباً مسلمانند و به امور دامداری و گله داری مشغولند. زبان رسمی رسمی فرانسه و انگلیسی است (بدلیل سلطه استعمار) ولی مردمان بومی به زبانهای محلی و سودانی تکلم می نمایند. ۶۰٪ مردم کامرون مسلمان و سنی مذهبند و بقیه مسیحی (کاتولیک) و پیرو مذهب ابتدائی هستند.

در گذشته، مسلمانان در امور سیاسی کامرون نفوذ زیادی داشتند و نحوی که پس از استقلال، اولین رئیس جمهور آن که «احمد و آهیجو» بود از بین مسلمانان برگزیده شد. وی در پنج دوره رئیس جمهور بود و پنجمین دوره ریاست جمهوری از سال ۱۹۸۰م آغاز شد. در حال حاضر مسلمانان در امور سیاسی و اداری نفوذ قوی ندارند و متأسفانه پلیس کامرون مشغول سرکوبی مسلمانان است و درگیری شدیدی بین قوای امنیتی و مردمان مسلمان پدید آمده است.

کامرون از ۷ استان تشکیل شده که زیر نظر فرماندار دولت مرکزی اداره می شود و مرکز حکومت آن «یائونده» (۳۴) است. کامرون از کشورهای ثروتمند آفریقا است و منابعی چون طلا، نقره، آهن، بوکسیت و آلومینیم دارد. در سال ۱۹۷۸م استخراج و تولید نفت در آن آغاز شد. اقتصاد آن بر کشاورزی و دامداری استوار بوده و محصولات زراعی آن عبارتند از: موز، کاکاتو، قهوه، خرما، پنبه، توتون، ذرت خوشه ای و تنباکو. واحد پول آن فرانک و برابر صد سانتیم است.



گینه استوایی

جمهوری گینه در غرب آفریقا و در کنار خلیج گینه و در همسایگی کشورهای کامرون و گابون قرار دارد. آب و هوای آن گرم و مرطوب بوده و سراسر آن را جنگلهای انبوه استوایی فرا گرفته است.

در قرن پانزدهم میلادی، پرتغالی ها به اینسرزمین وارد شدند. در سال ۱۷۷۸م طبق معاهده «پاردو» (۳۵) جزیره فرناندوپو و قسمتی از سواحل گینه به اسپانیا واگذار شد. در سال ۱۹۰۰م این ناحیه به گینه اسپانیا معروف شد و در سال ۱۹۵۹م به عنوان یکی از ایالات اسپانیا درآمد. این کشور در سال ۱۹۶۸م پس از ۲۰۰ سال مستعمره بودن، استقلال خود را بدست آورد و به گینه استوایی معروف شد. (۳۶)

این کشور ۲۸۰۵۱ کیلومتر مربع وسعت دارد. از دو استان تشکیل شده که زیر نظر دولت مرکزی اداره می شود، مرکز حکومت آن شهر مالابو بود که در زمان سلطه استعمار به سانتا ایزابل معروف گشت.

گینه استوایی ۲۵۵۰۰۰ نفر سکنه دارد که اکثریت سکنه آن مسیحی بوده و ۲۰٪ آن پیرو آئین اسلام هستند. در سال ۱۹۷۳م که بر حسب تصویب قانونی، تمام قدرتها در اختیار رئیس جمهوری قرار گرفت هیچ فردی حق وارد شدن باین کشور را نداشت مگر آنکه رئیس جمهور اجازه دهد، دیکتاتور خشنی بر مردم و بویژه مسلمانان حاکم یافت و بسیاری از مسلمانان در کشتارها و تیرباران های دسته جمعی همچون سایر مردم کشته شدند و زندانها از زندانیان سیاسی و مذهبی انباشته شد.

پی نوشتها

- 
- 1 - ouagadogoa
2 - bobodioulassa
3 - bobo
4 - gorma
۵- جغرافیای کشورهای مسلمان - عبدالرضا فرجی، تهران وزارت آموزش و پرورش ص ۲۴۴.
۶- آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی ص ۷۴.
۷- مقاله افریقا - رسول خیراندیش - مجله رشد جوان ش ۹ - خرداد ۱۳۷۱.
8 - Abijan
۹- نصف النهار گرینویچ از بخش های شرقی آن می گذرد و لذا غنا هم در نیمکره شرقی قرار دارد و هم در نیم کره غربی.
۱۰- آشنائی با کشورهای افریقای غربی، صفحات ۱۰۷ تا ۱۱۰.
۱۱- آفریقا باید متحد شود - قوام نکرومه مترجم دکتر محمد توکل - تهران مروارید.
۱۲- دو برگ سبز، یادداشت های سفر به کانادا و افریقا، سید محمد اصغری، تهران مؤسسه کیهان ص ۱۰۹.
13 - porto-novo
14 - Grebon
15 - Djado
16 - Mangueni
۱۷- گیتا شناسی کشورها ص ۳۴۴.
۱۸- دو برگ سبز یادداشت های سفر به کانادا و افریقا. ص ۱۱۹.
19 - Lagos

۲۰- کلمبیت ماده ای است که برای ساختن فولادهای مخصوص موتورهای جت به کار می رود.

-Ajaokuta 21

۲۲- آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی، ص ۱۴۱.

۲۳- اوپک و اثرات تخریبی تطبیق، قیمت نفت ص ۱۳۱.

-naira 24

-Kobo 25

-Adamaoua 26

-Benue 27

-ntem 28

-Nyong 29

-Sanaga 30

-Bantou 31

-foulbe 32

-Kirdi 33

-Yaounde 34

-pardo 35

۳۶- تاریخ آفریقا - ترجمه و تالیف دکتر حسین الهی - تهران چاپخش - ۱۳۶۸ ص ۲۵۵.

نهضت ترجمه
Translation Movement
.IMS

جمهوری گابن

گابن با مساحت ۲۶۷۶۶۷ کیلومتر مربع وسعت در غرب افریقا و کنار اقیانوس اطلس و در همسایگی کشورهای کامرون، گینه استوایی و کنگوی برازاویل واقع است. خط استوا از این کشور نیمه کوهستانی می گذرد. کناره های آن جلگه ای بخش اعظم آن را جنگل می پوشاند.

پرتقال در قرن پانزدهم میلادی آن را کشف نمود و تحت سیطره گرفت ولی نفوذ سایر اروپائیان در آن بدلیل انبوهی جنگل و ارتفاع زیاد تا اواسط قرن نوزدهم به تاخیر افتاد. در سال ۱۸۳۹م قوای فرانسه در آن پایگاهی بدست آوردند و در سال ۱۸۹۰م گابون جزئی از کنگو فرانسه شد و در سال ۱۹۱۰م گابن و سه عضو سابق افریقای استوایی فرانسه یعنی کنگو، چاد و افریقای مرکزی یک اتحادیه و یک سازمان اداری مشترک برای حمل و نقل و ارتباطات تشکیل دادند و بالاخره در سال ۱۹۶۰م این کشور به استقلال دست یافت. مرکز حکومت آن شهر لیبرویل است و تنها پایتخت جهان می باشد که بر روی خط استوا قرار گرفته است.

در سال ۱۹۶۷م پس از مرگ لئومبا (اولین رئیس جمهور گابن) آلبرت برنارد بونگو (۱) به ریاست جمهوری رسید وی پس از مدتی کیش مسیحی را تغییر داد و اسلام را اختیار نمود و نام خود را بع عمر تبدیل نمود و راهی سفر حج شد. با وجود آنکه ۳۰٪ مردم گابن مسلمان هستند این کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی می باش. مسلمانان در برپائی مراسم مذهبی و تبلیغات اسلامی از آزادی خوبی برخوردارند و در امور سیاسی، اداری و نظامی نفوذ خوبی دارند.

گابن ۱۲۶۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که تراکم نسبی آن ۴/۷ نفر در کیلومتر مربع و رشد سالانه آن ۲/۲٪ گزارش شده است. (۲) اکثریت مردم از نژاد سیاه بوده و زبان آنان فرانسوی (زبان رسمی) و خط لاتین می باشد.

Translation Movement

گابن از لحاظ درآمد سرانه اولین کشور افریقای سیاه و دومین کشور افریقائی پس از لیبی می باشد. کشوری است با ذخائر سرشار معدنی و جنگلی؛ نفت از منابع معدنی آن است که ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی و ۷۵٪ صادرات آن را دربر می گیرد. (۳) در سال ۱۹۵۴م فرانسویان در این کشور نفت کشف کردند. این کشور از لحاظ فرآورده های نفتی در افریقا مقام پنجم را دارد. (۴) سالانه ۴۵ میلیون متر مکعب گاز در این کشور استخراج و صادر می شود. گابن اولین تولید کننده منگنز در جهان است. ذخائر عظیم اورانیوم این کشور متاسفانه سوخت کوره های اتمی فرانسه را تامین می کند و میزان آن به ۱۷۱۳ تن بالغ می گردد. این معادن در سطح باز در ناحیه موآندا و اوکلو واقع است، در سال، شرقی و جنوبی آن معادن وسیع آهن کشف شده است و صادرات آن که در اختیار شرکت ترانس گابون می باشد. ثروت این کشور را افزون نموده است. بنابراین گابن صاحب بزرگترین رگه های معدنی جهان می باشد که ذخیره آن به ۲۳۰ میلیون تن بالغ می گردد. ۸۵٪ وسعت آن را جنگل های گرمسیری تشکیل می دهد. که رقم مهمی از صادرات آن را چوبهای بدست آمده از این منابع

بوجود می آورد. (۵) در این جنگل ها در وسعتی بالغ بر ۲۰ میلیون هکتار ۳۰۰۰ نوع درخت به عمل می آید که نوع معروف و غالب آن اوکومه است که در تولید تخته سه لایی کاربرد دارد. (۶)

با این وجود، نفوذ استعمار در این کشور آن را با مشکلاتی از قبیل فقر کادر علمی و تخصصی مواجه ساخته است. گابن وارد کننده مواد غذایی بوده و چون تاسیسات عظیم صنعتی آن به سرمایه های خارجی نیاز دارد بدهی خارجی آن افزایش یافته است. گرچه گابن می کوشد توازن تجارتي خود را کنترل کند. (۷)

واحد پول گابن فرانک سی اف آ (CfA.f) می باشد که برابر صد سانتیم است.

جمهوری کنگو (کنگوی برازاویل)

اسامی سابق این کشور کنگوی وسطی، کنگوی برازاویل و کنگوی وسطای فرانسه بود. کنگو با ۳۴۱۹۰۰ کیلومتر مربع وسعت در افریقای غربی و در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد. از سکنه ۱۷۰۰۰۰۰ نفری آن، ۱۰٪ مسلمان و بقیه کاتولیک، پروتستان و آنیمیست مذهب می باشند.

کنگوی فعلی در گذشته جزو دولت تاریخی کنگو در افریقا غربی بود که علاوه بر کنگو، زئیر و آنگولا را شامل می گشت. در قرن پانزدهم میلادی پرتغالی ها آن را کشف و مستعمره خود نمودند. در قرن هفدهم به کنگو وسطای فرانسه و در سال ۱۹۱۰م به مستعمره استوایی فرانسه ضمیمه گشت. در سال ۱۹۶۰ میلادی کنگو استقلال خود را بدست آورد.

مسلمانان ساکن نیجریه و کشور سنگال باین ناحیه مهاجرت نموده و به نشر اسلام پرداختند و آنان در کانونهای شهری کنگو بخصوص مرکز حکومت یعنی برازاویل، مراکز عبادی و مدارس قرانی دارند و مساجد متعددی احداث نموده اند ولی گاهی این ۱۷۰۰۰۰ مسلمانان تحت فشار و ایذا دولت باصطلاح خلقی کنگو قرار می گیرند و آنان را در محدودیت و ناگواری قرار می دهند.

سائوتو و پرنسیب

سائوتو با ۹۶۴ کیلومتر مربع در نزدیکی سواحل گابن در خلیج گینه و شرق اقیانوس اطلس قرار دارد. نژاد اکثر سکنه آن دورگه پرتغالی و افریقائی می باشد و ۸۰٪ آن مسیحی هستند. سکنه آن ۱۱۰۰۰۰ نفر است و در سال ۱۹۷۵م به استقلال ست یافت مرکز حکومت آن سائوتومه می باشد. جزایر مذکور در سال ۱۴۷۱م توسط پرتغالی ها کشف شدند.

۱۰٪ مردم آن مسلمان هستند که در محاق اکثریت مسیحی به سر می برند.

د - افریقای مرکزی (منطقه صحرای کبیر افریقا و استوایی مرکزی)

افریقای مرکزی با ۸/۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت متجاوز از ۲۵٪ جمعیت این قاره را در خود جای داده است، که تراکم نسبی آن چیز در حدود ۱۲ نفر در کیلومتر مربع می باشد. البته پراکنده بودن اقوام در جنگلها و وجود افرادی که در واحه های صحرایی سکونت دارند و نیز تحرک و جابجائی عشایر و قبایل تا حدودی آمار دقیق نواحی افریقای مرکزی را دچار اشکال می نماید. گسترش صحرای کبیر افریقا در این قلمرو وجود آب و هوای گرم و مرطوب استوایی همراه با جنگلهای متراکم و انبوه استوایی، امراض خاص این مناطق، درگیری و نزاعهای قبیله ای، فشارهای سیاسی و مسئله آوارگان، عدم توسعه بهداشت و امکانات داروئی از عوامل کمی جمعیت افریقای مرکزی حتی کمتر از نیجریه (واقع در افریقای غربی) سکنه دارند. و تنها، کشور زئیر با بیش از ۳۰ میلیون سکنه رقم بالایی را به خود اختصاص داده است. «افریقای مرکزی» کمترین سکنه را دارد سودان با ۲۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع نه تنها پروسعت ترین کشور صحرا و افریقای مرکزی است بلکه وسیع ترین کشور افریقا می باشد. رواندا با ۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع کمترین وسعت را دارد.

از لحاظ سیمای طبیعی، این ناحیه از افریقا را به سه قسمت تقسیم می کنند: ناحیه صحرا: که در عرض افریقا از اقیانوس اطلس تا دریای سرخ امتداد دارد. بدلیل برهنه بودن زمین بادهای گرم و خشک توام با توده های شن و خاک در صحرا می وزد و صخره ها، دشت ها و تپه های وسیعی از شن و ماسه را تشکیل می دهد. آب و هوای گرم و خشک دارد و بدلیل فقدان رطوبت اختلاف دما در آن زیاد است در حالی که نقاط مرکزی صحرا حتی ۱۵ میلی متر باران هم دریافت نمی کنند بقیه نقاط آن که در کوهستانها واقعند تا ۲۵۰ میلی متر باران دارند. گروههایی از قبایل عرب و بربر (تیو و طوارق) و عده ای از سیاهان در کنار واحه های صحرا به امور کشاورزی مشغولند، صحرا علیرغم جهات منفی جغرافیائی از ذخائر غنی نفت و سایر معادن بهره مند است. اساس اقتصاد مردمان آن بر کشاورزی و دامداری استوار می باشد.

Translation Movement

ناحیه افریقای مداری که دارای دو فصل مرطوب و خشک می باشد و بین مدار راس السرطان و خط استوا قرار گرفته است، در این منطقه جنگل ها انبوه نبوده و در لابلای آنها فعالیت های کشاورزی صورت می گیرد. گیاهانی چون قهوه، نخل روغنی، برنج، نارگیل، و موز در افریقای مداری به عمل می آید.

ناحیه افریقای استوایی که بدلیل عبور خط استوا آب و هوای گرم و مرطوب دارد و جنگل های انبوه از ویژگی های آن است. برخی کشورهای این منطقه از آب و هوای قرینه برخوردارند. غلبه نژادی با سیاهان است اسلام در نواحی مرکزی افریقا از قرن دهم گسترش یافت. یکی از دولت های مقتدر در ناحیه صحرای مرکزی که مسلمانان آن را بوجود آوردند، دولت کانم بود که تا قرن نوزدهم استوار ماند.

دولت اسلامی مذکور در حدود قرن نهم در سواحل شمال شرقی دریاچه چاد بوجود آمد و در قرن سیزدهم دامنه قلمرو خود را در سودان مرکزی وسعت داد. البته سودان در قدیم منحصر به قلمرو کنونی نبوده و منطقه وسیعی است. در جنوب صحرا که مسلمانان آن را «بلاد السودان یا سرزمین سیاهان» می نامند. و از غرب تا اقیانوس اطلس و از شرق تا فلات اتیوپی گسترش دارد. مساحت این ناحیه به ۵ میلیون کیلومتر مربع بالغ می گردیده و فاصله شمالی - جنوبی آن ۱۰۰۰ کیلومتر و از شرق تا غرب ۵۵۰۰ کیلومتر طول داشته است. این دولت در پایان قرن چهاردهم پایتخت خود را به منطقه «برنو» در جنوب غربی دریاچه چاد انتقال داد و از آن زمان بنام دولت «برنو» معروف گشت. دولت اسلامی سونگایی نیز در قرون وسطی در سودان غربی تشکیل شد و در زمان پادشاهی محمد توره (۱۵۲۸ - ۱۴۹۳م) به اوج قدرت خود رسید و در قرون ۱۵ و ۱۶، مهمترین دولت این قلمرو محسوب می گردید.

دولت دیگری که در صحرا تاسیس شد و مشی اسلامی داشت، تکرور بود. این دولت اسلامی در دره رود سنگال سفلا واقع بود و مردمش به توکولور (۸) معروف بودند که هنوز این عنوان به کار می رود ولی فرمانروای آنان اجداد فولانی ها بودند. مورخین مسلمان عقیده دارند که در نیمه قرن یازدهم تکرار اولین دولت آفریقای جنوب صحرا بود که اسلام را پذیرفت و در پهنه ای که تحت قلمرو هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم از این نقاط در سراسر آفریقای غربی گسترش یافت. یکی از فتوحات جالب تکرورها تصرف آخرین پایتخت غنا در سال ۱۲۳۰م بود و امپراطوری مذکور که در آفریقای غربی ۵ قرن دوام آورده بود، به آخر رسانیدند. (۹)

از صد میلیون سکنه منطقه صحرا و آفریقای مرکزی بیش از ۴۰ میلیون نفر پیرو آئین حیات بخش اسلام هستند. در کشورهای سودان، نیجر، چاد و آفریقای مرکزی اکثریت با مسلمانان است. بوروندی کمترین درصد مسلمانان را دارد (با ۵٪).

ترجمه
Translation Movement
IMS

سودان

سودان به لحاظ وسعت، بزرگترین کشور آفریقائی و حتی جهان اسلام می باشد که ۲۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. (۱۰) گرچه بخش هایی از آن در آفریقای شمال شرقی قرار دارد ولی به لحاظ گسترش زیاد در صحرای مرکزی آفریقا، جزو نقاط مرکزی آفریقا مطالعه می شود.

سودان در شمال شرقی با دریای سرخ ارتباط دارد. و ۸ کشور یعنی مصر، لیبی، چاد، آفریقای مرکزی زئیر، اوگاندا، کنیا و اتیوپی با آن مرز مشترک دارند. بخش وسیعی از آن را دشت های بزرگی تشکیل می دهد که توسط رود نیل و شعبات آن آبیاری می شود. نواحی شمالی سودان توسط دره وسیع رودخانه نیل به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می گردد، دو شاخه نیل در خارطوم، پایتخت سودان بهم می پیوندد. در اراضی نسبتاً مرتفع غربی سودان، توده های آتشفشانی جبل مارا (۱۱) قرار دارد. آب و هوای سودان گرم و خشک است.

تا چندین قرن قبل از میلاد، سودان شمالی توسط مصریان اداره شد ولی آنان در قرن ۱۵م سودان را ترک نمودند. در قرن پانزدهم میلادی با تصرف بخش هایی از سودان توسط مسلمین، اسلام در این کشور راه یافت. از اوایل قرن نوزدهم برای بار دوم، مصریان جهت دست یافتن به طلا، نواحی شمال سودان را به تصرف خود درآوردند از نیمه دوم قرن نوزدهم سودان، تحت سیطره انگلستان قرار گرفت. در این زمان مسلمانان بر علیه سلطه گران انگیزی قیام نمودند و رهبری این جنبش رارمحمد احمد بن عبدالله معروف به مهدی سودانی به عهده داشت. در این قیام خونین، انگلیسی ها تار و مار شده و گوردون فرمانده انگلیسی و تعداد بسیار زیادی انگلیسی دیگر به قتل رسیدند. مهدی سودانی پس از اخراج انگلیسی ها و بدست آوردن بخشی از سرزمین سودان، اقدام به تاسیس دولت نمود و اقتداری یافت. اما استعمار شوم که زخم خورده بود، با لشکری فراوان و پس از جنگ های خونین، قیام مهدی سودانی را سرکوب و طرفدارانش را قتل عام نمود. این لشکر که متشکل از قوای مصر و انگلستان توسطکیچنر انگلیسی رهبری می شد. پیروان مهدی سودانی در ام دورمان (۱۲) از نیروهای مهاجم شکست خوردند و انگلیسی ها پس از این پیروزی به پیشروی خود ادامه داده اما ناگهان با قوای فرانسوی مواجه شدند و در محلی بنام «فاشودا» دو نیرو مقابل هم قرار گرفته و به صف آرای پراختند ولی نبردی صورت نگرفت و پس از یک بحران و جنگ سیاسی، با مصالحه طرفین جریان فاشودا به پایان رسید. در سال ۱۸۹۹م قراردادی میان مصر و انگلستان منعقد شد که به موجب آن اداره امور سودان به هر دو کشور واگذار شد و بدین گونه سودان تحت استعمار در آمد. در سالهای ۱۹۲۴م سودان مستقل شد و به ضویت سازمان ملل درآمد و حکومت آن جمهوری اعلام شد ولی طولی نکشید که در سال ۱۹۵۸م نظامیان به رهبری ژنرال ابراهیم عبود کودتا کرده و قدرت را در دست گرفتند از آن تاریخ سودان کمتر روی آرامش و امنیت را دیده است. کودتای سال ۱۹۸۵م به اختناق ۱۶ ساله جعفر نمیری پایان داد و حکومت جدید تغییراتی در سیاست سودان ایجاد نمود و از جمله روابط ایران و سودان بهبود یافت. پس از صادق المهدی، سرهنگ عمرالبشیر روی کار آمد و هم اکنون قدرت در دست نظامیان است. سودان ۱۸ استان دارد که ۶ استان جنوبی آن بصورت خود مختار اداره می شود.



سودان ۲۷۷۹۲۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۳۰٪ آن در شهرها زندگی می کنند. رشد سالانه آن ۳/۸٪ و تراکم نسبی ۱۱/۱ و بعد خانوار ۵/۳ و میانگین سنی ۲۲/۶ سال می باشد. (۱۳) ۸۰٪ مردم از نژاد سامی (عرب) و ۲۰٪ بقیه سیاه پوستند، زبان رسمی و خط رایج عربی است. ۷۲٪ مسلمان و بقیه مسیحی و بت پرستند.

سودان پس از استقلال، شاهد درگیری های فراوانی بوده و یکی از کشورهای پرکودتای افریقا می باشد. مدتها است که شورشیان جنوب به رهبری سرهنگ گارانگ (۱۴) با دولت مرکزی درگیرند که از نتایج تاسف بار آن، آواره شدن هزاران مسلمان و قحطی و گرسنگی در سودان می باشد. (۱۵) از ۵ میلیون سکنه جنوب این کشور هم اکنون یک میلیون نفر با خطر مرگ ناشی از گرسنگی روبرو هستند. قربانیان قحطی جنوب سودان دفن نمی شوند و متاسفانه خوراک لاشخورها و کرکس ها می باشند. هجوم آوارگان بسیاری از روستاهای نیمه

جنوبی سودان را منزلگاه افراد گرسنه و قحطی زده و بیخانمان نموده است و گاهی سکنه آنان را به ۳ تا ۴ برابر افزایش داده است. شورشیان جنوب، جلو کمک های غذایی سازمان ملل را گرفته و به غارت آن می پردازند. آوارگان نیز بدلیل قرار گرفتن در بین شورشیان و نیروهای دولتی وضع خطرناکی دارند. آوارگان گرسنه که بسیار ضعیف شده اند و کمتر رمقی دارند در صفوفی به انتظار دریافت غذای یونیمکس (۱۶) به سر می برند اما این غذا برای همه وجود ندارد و تنها عده ای بدان دست می یابند. (۱۷)

سودان با وجود آنکه اراضی حاصلخیزی دارد و زمانی انبار مواد غذایی جهان سوم به شمار می آمد در حال حاضر کشوری است عقب مانده و جزو ده کشور فقیر دنیاست. وابستگی این کشور به کمک های خارجی و خریدهای نظامی، کودتاهای پی در پی و نبردهای درون مرزی، تورم را در سودان به ۲۰۰٪ رسانیده است.

۸۰٪ مردم به کشاورزی و گله داری مشغولند و تولید پنبه ۶۰٪ صادرات آن را تشکیل می دهد. بزرگترین مزارع پنبه جهان در حوالی خارطوم مرکز حکومت سودان واقع است. مس، طلا و آهن از ذخائر معدنی سودان بوده و در سال ۱۹۷۳م این کشور در سواحل دریای سرخ نفت کشف نمود. متأسفانه بهترین معادن در اختیار شورشیان گارانگ قرار دارد. (۱۸) واحد پول سودان لیره (پوند) است که به عربی جینه نام دارد که با ۱۰۰ پیاستر برابر است.

چاد (۱۹)

جمهوری چاد با وسعتی برابر با ۱۲۸۴۰۰۰ کیلومتر مربع در افریقای مرکزی و در ناحیه صحرای کبیر افریقا بین سودان (در شرق) و نیجر (در غرب) واقع است، و در شمال با لیبی و در جنوب با کامرون و افریقای مرکزی مرز مشترک دارد. چاد سرزمین جلگه ای و صحرایی می باشد و مهمترین ارتفاعات آن بنام کوههای تی بستی (۲۰) در شمال و در مرز چاد با لیبی قرار دارد. دریاچه چاد در غرب آن واقع است. رودخانه پراهمیت شاری پس از مشروب نمودن جنوب غربی چاد و عبور از نجامنا (۲۱) مرکز حکومت این کشور وارد دریاچه مزبور می شود. آب و هوای چاد در اکثر نقاط گرم و خشک ولی در جنوب توام با باران است.

از سال ۱۸۹۵م جای پای استعمار در چاد باز شد و در اواخر جنگ جهانی اول و پس از انحلال خلافت عثمانی و در سال ۱۹۱۷م از مستعمرات رسمی فرانسه بود. در سال ۱۹۶۰م چاد از فرانسه مستقل گردید. و به عضویت سازمان ملل درآمد.

اسلام در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) به این سرزمین صحرایی راه یافت و چاد مدتها تحت قلمرو دولت عثمانی اداره می گردید و تا سال ۱۹۶۰م افراد مسلمان در امور سیاسی آن دخالت داشتند. در این سال «تامپل پای» به قدرت رسید و در اولین وحله دست به تصفیه رهبران مسلمان زد و احزاب را منحل و دیکتاتوری را

در کشور حاکم ساخت. وی تنها در سال ۱۹۶۵م، ۱۲۵۰ نفر شخصیت سیاسی - مذهبی مسلمین را روانه زندان کرد. در نجامنا (فورت لامی) به تظاهرات آرام حمله نمود و به کشتار وحشیانه و خونین مردم بخصوص زنان و کودکان بیگناه دست زد و تعداد زیادی از مسلمانان را به شهادت رسانید. در سال ۱۹۷۵م تاملیل پای (تومبالای) کشته شد و یک شورای نظامی به رهبری ژنرال فلیکس مالوم حکومت را با حمایت فرانسه در دست گرفت. این در حالی بود که با کوشش مسلمانان نواحی شمالی چاد از سال ۱۹۶۸م تحت تسلط چریک های مسلمان درآمده بود. در سال ۱۹۷۸م حسن هابره به عنوان نخست وزیر چاد قدرت را در دست گرفت که نیروهای مبارز و مسلمان سقوط وی را فراهم ساختند. (۲۲) در حال حاضر ادريس دبی رئیس حاکم بر چاد می باشد که با نیروهای جنبش دموکراسی درگیری شدیدی داشت. اما در حضور عمر بونگو رئیس کشور گابن توافق صلحی بین دولتچاد و این نیروها به عمل آمد و مقرر شد نیروهای این جنبش در چهارچوب سازماندهی ارتش ملی با نیروهای دولتی ادغام شوند. (۲۳)

مردم چاد از نژاد عرب سودانی، قبایل سودانی و بانتوئی هستند. مردم شمال آن زندگی بادیه نشینی دارند و از قبایل اعرابند ولی جنوبی ها اکثرا سیاهپوست بانتوئی و با آداب و رسوم مختص خود می باشند. زبان رسمی بدلیل سلطه استعمار، فرانسه است ولی عربی هم رواج دارد. بیش از ۸۰٪ مردم مسلمان هستند که اغلب سنی مذهبند. چاد با وجود وسعت زیاد تنها ۵/۵ میلیون نفر سکنه دارد که تراکم آن ۴/۴ و رشد سالانه ۲/۵٪ است و ۲۷٪ در روستاها سکونت دارند.

چاد مرکز راههای تجاری و ارتباطی میان افریقای شمالی و افریقای استوایی و یکی از کشورهای فقیر جهان و افریقای سیاه است. بدلیل محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به دریاهای آزاد، وسعت زیاد و گسترش صحرا و بیابان در آن، عدم ثبات سیاسی تاریخی ناشی از اختلاف بخش شمالی و جنوبی، توسعه اقتصادی سیاسی و رفاهی این کشور به تاخیر افتاده است. شورش سال ۱۹۶۶م، همچنین خشکسالی سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴م و وابستگی به کمکهای خارجی این عقب ماندگی را تشدید کرده است. (۲۴)

پنبه، ارزن و بادام زمینی از محصولات زراعی چاد است. چاد به لحاظ ارتباطی نیز مشکلات زیادی دارد و کل راههای آسفالتی آن به ۳۰۰ کیلومتر می رسد.

نیجر

کشور نیجر با ۱۲۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت به دور از دریای آزاد و بین دو کشور چاد و مالی در صحرای مرکزی افریقا واقع است.

نیجر سرزمینی است بیابانی که در نواحی مرکزی و شمالی آن ارتفاعاتی مشاهده می شود. سومین رود افریقا یعنی رودخانه نیجر در جنوب غربی آن جریان دارد که به زمین های اطراف آن حالت جلگه ای داده است. دریاچه چاد که در جنوب شرقی آن قرار گرفته بخشی از آن به نیجر تعلق دارد. در اکثر نقاط و بویژه شمال و جنوب آن و هوایش بیابانی است، اما در جنوب غربی گرم و معتدل می باشد.

نیجر در قرون قبل از میلاد جزء امپراطوری مصر محسوب می شد. اسلام از طریق بازرگانان مسلمان که از شمال افریقا باین نواحی می آمدند در نیجر رواج یافت. در ادوار بعد نیجر به تصرف دولتهای خلافت اسلامی درآمد که مهمترین آنها بربر، توبوس، غانا، مالی، سونگائی، بونو، جرما و حوصه هستند. این دولت ها نه تنها در نیجر موجب گسترش و نشر اسلام شدند بلکه سرزمین های مجاور را تحت تبلیغات مذهبی خود قرار دادند. در سالها ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۲ م فرانسه با تاسیس پایگاههای نظامی، نیجر را مستعمره خود نمود و مردم نیجر پس از چندین دهه مبارزه با استعمار، موفق به کسب استقلال در سال ۱۹۶۰ م شدند. اما حضور چندین ساله استعمار فرانسه در این کشور و غارت منابع آن و استضعاف مردمش، نیجر را به صورت کشور عقب افتاده درآورده که با وجود منابع غنی، اقتصادی نابسامان و آشفته دارد. نیجر ۷ ولایت دارد که از ۲۲ بخش تشکیل می شود و مرکز حکومت آن شهر نیامی می باشد. این کشور با فرانسه و دول عربی روابط سیاسی و تجاری دارد.

با وجود وسعت زیاد، نیجر جمعیت کمی دارد و تعداد آن به ۷۲۰۰۰۰۰ نفر بالغ می گردد که اکثر آنان در جنوب، جنوب غربی و کنار رود نیجر زندگی می کنند. ۵۵٪ مردم از اقوام حوصه و ۲۵٪ از نژاد گورما و سونگائی و ۲۰٪ بقیه فولانی ها و طوارق می باشند. زبان رسمی فرانسه است و خط رسمی لاتین می باشد ولی زبانهای عربی، فولانی و حوصه هم رواج دارد. ۹۰٪ مردم مسلمان هستند که اکثرا سنی مذهبند. اقلیتی مسیحی و آنیمست دارد.

اساس اقتصاد آن را محصولات زراعی و دامی تشکیل می دهد. تنها محصول صادراتی آن بادام زمینی است. در زیر خاک ضعیف آن منابع غنی آهن، مس، مرمر، سنگ گچ و فسفات پنهان می باشد. کشف و استخراج اورانیوم در سال ۱۹۷۱ م بر اهمیت این کشور افزود و در سال ۱۹۷۷ م پنجمین تولید کننده اورانیوم بود. با این وجود دشواریهای زیادی نیجر را با بحران مواجه ساخته است که از جمله آنها می توان عدم دسترسی بدریا (۲۵) مشکلات تهیه مواد غذایی و نیاز به گندم وارداتی، کم کاری، خشکسالی بزرگ سال ۱۹۷۳ م بیسوادی مردم (۱۵٪ باسوادند) را نام برد.

جمهوری افریقای مرکزی

جمهوری افریقای مرکزی سابقا به یوبانگی شاری معروف بود که از دو رود یوبانگی و شاری که دز این کشور جریان دارند مأخوذ گشته بود. ۶۲۲۹۸۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و بین چاد، سودان، زئیر و کامرون قرار دارد. افریقا مرکزی ناحیه ای است کوهستانی و از هیچ راهی بدریا راه ندارد و از جمله ۲۵ کشور فقیر جهان است.

در قزو نوزدهم، افریقای مرکزی جزو مستعمرات فرانسه بود و در سال ۱۹۶۰م به استقلال دست یافت. در دوران دیکتاتوری ژان بدل بوکاسا که مسیحی بود هزاران نفر از مسلمانان به خاک و خون غلطیدند و هم اکنون نیز مسلمانان با وجود آنکه اکثریت سکنه افریقای مرکزی را تشکیل می دهند در امور سیاسی اداری و نظامی نفوذ ندارند و به شدت تحت فشار اقلیتی مسیحی هستند. مردم آن از نژاد سیاهپوست (بانتووبایو) بوده ولی زبان رسمی فرانسه است گرچه بومیان به زبان ملی سانگو سخن می گویند. از ۳ میلیون سکنه افریقای مرکزی ۱/۵ میلیون نفر پیرو آئین اسلام می باشند. اما دولت مسیحی آن را در آمارهای رسمی و غیر واقع خود اعلام کرده است که ۸٪ مردم مسلمانند!

کودتای سال ۱۹۸۱م هرگونه فعالیت احزاب مذهبی را ممنوع کرده و مسلمین را در محاق اختناق شدید قرار داده است.

ذخائر غنی الماس و اورانیوم، طلا، مس، قلع و روی در این کشور وجود دارد که منافع حاصل از استخراج آنان صرف رفاه و توسعه اقتصادی نقاط مسیحی نشین می شود و مسلمانان در وضع نابسامان اقتصادی به سر می برند.

اوگاندا

اوگاندا در جنوب سودان قرار دارد. وسعت آن به ۲۳۶۵۳۶ کیلومتر مربع بالغ می گردد. بخش هایی از آن توسط ارتفاعات کنیا پوشیده شده است و پوشش گیاهی جنگلهای استوایی قسمت وسیعی از آن را در بر می گیرد. اوگاندا قبلا به خاطر داشتن قهوه به «برزیل افریقا» مشهور بود.

در اواسط قرن نوزده میلادی مسلمانان ساکن زنگبار در صدد تصرف آن برآمدند و در اواسط قرن نوزدهم اعراب حکومت اسلامی بوگاندا را تشکیل دادند ولی استعمارگر انگلیس که به ثروتهای اوگاندا چشم دوخته بود اجازه نداد این دولت دوام زیادی بیاورد و اوگاندا در اواخر قرن نوزده تحت الحمایه انگلیس قرار گرفت.

اوگاندا در سال ۱۹۶۲م استقلال خود را بدست آورد.

اوگاندا ۱۶/۵ میلیون نفر سکنه دارد که بخش مهمی از آن را ۴۰ قبیله با ۴ زبان اصلی تشکیل می دهد. ۷۵٪ مردم به زبان سواحیلی تکلم می کنند که این امر نشانه نفوذ مسلمانان در این سرزمین است. ۴۰٪ مردم اوگاندا مسلمان هستند و کشور مزبور عضو سازمان کنفرانس اسلامی می باشد. (۲۶) اوگاندا هم اکنون با عدم ثبات سیاسی و ناامنی روبروست.

این کشور یکی از عظیم ترین منابع آب شیرین (۱۷٪ مساحت کشور) را دارد و دریاچه های ویکتوریات، البرت و ادوارد بین این کشور و همسایه هایش قرار دارد. رودخانه نیل از اوگاندا تولد می یابد. این سرزمین پنجمین کشور صادر کننده قهوه در دنیاست و ۹۰٪ جمعیت آن در بخش کشاورزی مشغولند.

رواندا

رواندا فلاتی است مرتفع با دریاچه ها و کوههای متعدد که بدور از دریای آزاد در همسایگی کشورهای بوروندی، اوگاندا، تانزانیا و زئیر قرار دارد و وسعت آن برابر ۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع است. به دریای آزاد راه ندارد و محصور در خشکی است. مرکز حکومت آن «کیگالی» می باشد. از ۷۰۶۰۰۰ نفر سکنه آن ۷۰٪ یعنی ۴۹۴۲۰۰ نفر مسلمانند، یک سوم مسلمانان در مرکز حکومت سکونت دارند از ۵۰ مسجد مسلمانان ۵ مسجد در کیگالی تاسیس شده است. اتحادیه مسلمانان رواندا در سال ۱۹۶۴م تاسیس شد که همه مسلمانان عضو آن بوده و دولت هم آن را به عنوان نماینده رسمی مسلمانان شناخته است. در سال ۱۹۶۲م مردم این کشور بر اثر مبارزات قوم هوتوبه استقلال از کشور بلژیک دست یافتند و به استعمار ۱۶ ساله بلژیک در این سرزمین پایان دادند.

بوروندی

کشور بوروندی با ۲۷۸۳۴ کیلومتر مربع در کناره شمال شرقی دریاچه تانگانیکا قرار دارد. ۸۵٪ سکنه ۵/۵ میلیونی آن از تیره های هوتو (۲۷) می باشند. ۵٪ مردم مسلمان هستند.

اسلام در بوروندی به سال ۱۸۷۰م توسط کارگرانی که برای افسران آلمانی در تانزانیا کار می کردند انتشار یافت و اولین مسجد آنان در دهکده نیانزا در ۱۳۵ کیلومتری مرکز حکومت تاسیس شد. گرچه بلژیکی ها که بوروندی را مستعمره خود نموده بودند با نیروهای مسلمان و فعالیت آنان به شدت مخالف بودند ولی با تلاش نوحدین به رهبری مبارزی بنام عمرانی بوسا، مسلمانان آزادی نسبی پیدا کردند و در سال ۱۹۵۲م با اصرار آنان مدرسه کودکان مسلمان بوجود آمد و رفته رفته نیروهای اسلامی به توسعه امور و انجام برنامه های تبلیغی پرداختند. مسلمانان در مرکز حکومت یعنی بوجومبورا و بخش مسلمان نشین مویانزی سکونت دارند و از سوی مقامات رسمی و دولتی مورد احترام می باشند. همجواری بوروندی با کشور اسلامی تانزانیا در گرایش مردم این سرزمین به آئین اسلام تاثیر وافر داشته است. (۲۸) بازرگانان مسلمان هندی و عرب که در گذشته به این سرزمین مهاجرت کرده اند هم اکنون درصدی از مسلمین بوروندی را تشکیل می دهند.

زئیر (جمهوری فدرال کنگو)

این کشور در زمانی که تحت سلطه بلژیک بود به کنگوی بلژیک معروف بود و بعد از استقلال به کنگو تغییر نام یافت در هنگام ریاست جمهوری «موبوتو» مرکز حکومت آن از لئو پولیدویل به کین شانزا مبدل و نام

کنگو به کنگوی کین شازا تغییر یافت و چون رودخانه کنگو در این کشور جریان دارد و به زبان محلی زئیر نام دارد، کشور مزبور به زئیر معروف است. (۲۹) زئیر با ۲۳۴۵۰۰ کیلومتر مربع دومین کشور پروسعت افریقا می باشد. زئیر توس استانی کشف شد و در سال ۱۸۸۵م بصورت یک دولت مستقل تحت مالکیت پادشاه بلژیک لئوپولد دوم درآمد و در سال ۱۹۰۸م بصورت مستعمره ای از سوی بلژیک معرفی شد. این کشور در سال ۱۹۶۰م تحت رهبری پاتریس لومامبا قهرمان ملی افریقای سیاه، استقلال خود را بدست آورد.

آری کنگو پهناور که ۷۷ برابر بزرگتر از بلژیک است طی سالهای ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۸م ملک شخصی پادشاه بلژیک بود که با استثمار بی رحمانه مردمان زئیر، به صورت یکی از ثروتمندترین افراد عالم درآمد. اگر کارگران افریقائی از فرامین او تخلف می کردند تیرباران شده و یا دستهایشان قطع می شد یکی از منابع موثق تعداد قربانیان رژیم لئوپولد دوم را بین ۵ الی ۸ میلیون ذکر نموده است. در ضمن در مدت سلطه بلژیک بسیاری از ذخائر مس - طلا و منابع دیگر کنگو غارت شد. (۳۰)

مرکز حکومت آن کین شازا می باشد که در کنار رود کنگو قرار دارد و به لحاظ سیستم اداری به ۹ استان تقسیم می شود. ۲۵۰ نژاد دارد که به ۴۰۰ لهجه تکلم می کنند اما زبان رسمی فرانسوی است.

زئیر ۳۳۷۴۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۱۰٪ آن مسلمان هستند. اسلام از طریق مناطق شرقی وارد زئیر شد و تعداد مسلمانان در استانهای کیوو و کاسای خاوری افزایش یافت. در کین شازا مرکز حکومت تعدادی مسجد و مدرسه اسلامی دایر است و روند گرایش مردم به سوی اسلام رو به افزایش است.

زئیر نخستین تولید کننده کبالت (۷۳٪ تولید جهان) و ششمین تولید کننده مس در جهان می باشد. معادن الماس، قلع، آهن، طلا، کرم، منگنز، زغال سنگ هم دارد. (۳۱)

پی نوشتها

1 -Albert-Bernard Bongo

۲- سالنامه جمعیتی جهان ۱۹۹۰م - محمد رضا عسکری.

3 p.70 (Rienna: opec-1977) opec Seminar gabon oil industry-

۴- گابن از اعضای کوچک اوپک و آخرین کشوری است که به عضویت آن پذیرفته شد.

۵- اوپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت ص ۱۳۷.

۶- آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی ص ۱۷۲.

۷- تاریخ آفریقا - حسین الهی ص ۲۴۳.

8-tukolor-

۹- تاریخ افریقا بزیل دیوید سن ص ۱۷۷.

۱۰- نهمین کشور پروسعت جهان.

11-Jabalmara-

12-omdurman-

۱۳- سالنامه جمعیتی جهان (۱۹۹۰م).

14-Garange-

۱۵- بنا به اظهارات سفیر سودان در ایران شورش مذکور پایان یافته است.

۱۶- غذایی است با ترکیبی از آرد حبوبات و برنج و روغن که از لحاظ پروتئینی قوی است و بصورت پودر ارائه می شود.

۱۷- از گزارش سازمان ملل متحد، به نقل از روزنامه کیهان ۱۷ آبان ۷۱ ش ۱۴۶۲۰.

۱۸- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۵۱۸.

19-chad-

20-tibesti-

21-Njgmna-

۲۲- حسن هابره حافظ منافع فرانسه بود و «گوگونی» که خواهان برکناری هابره بود از سوی لیبی حمایت می گردید.

۲۳- روزنامه جهان اسلام ۴ تیر ش ۳۰۷.

۲۴- تاریخ افریقا - دکتر حسین الهی ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲۵- نزدیکترین نقطه نیجر تا ساحل اقیانوس اطلس ۶۵۰ کیلومتر فاصله دارد و این کشور فاقد راه آهن می باشد.

۲۶- اسلام گرایان اوگاندایی در آوریل ۱۹۹۳ میلادی «حزب انقلاب اسلامی» را در این کشور تاسیس کردند تا از طریق آن، قانون شریعت اسلامی را برای توسعه فرهنگ اخلاق اسلامی در اوگاندا به اجرا درآورند.

27-Hoto-

۲۸- اقلیت های مسلمان در جهان امروز، ص ۲۲۴.

۲۹- جنگ جغرافیا، ص ۳۰۵۰- افریقا باید متحد شود، قوام نکرومه ترجمه دکتر توکل ص ۴۶.

۳۱- تاریخ افریقا - دکتر حسین الهی ص ۱۴۵.

ه- افریقای جنوبی (جنوب شرقی، جنوب و جنوب غربی افریقا)

افریقای جنوبی به طور کامل در نیمکره جنوبی قرار گرفته و بیشتر ارتفاعات آن در بخش شرقی قرار گرفته است. صحرای کالاهاری به عنوان یکی از خشک ترین صحرای دینا اکثریت مساحت کشور نامیبیا و سرزمین بوتسوانا را پوشانیده و تا آفریقای جنوبی امتداد دارد. بجز نوار باریک ساحلی بنام بیابان «نامیب» زمستان آن با مقداری بارندگی همراه است. (۱) در قسمت های شمالی و مرکزی افریقای جنوبی آب و هوای گرم و مرطوب استوایی حاکم می باشد. اما سواحل شرقی و غربی از آب و هوای اقیانوسی برخوردارند. در سواحل جنوبی نوعی آب و هوای مدیترانه ای را می توان دید. بزرگترین جزیره افریقا یعنی ماداگاسکار در جنوب شرقی افریقا قرار دارد، گرچه در جنوب افریقا غلبه با نژاد سیاه است اما نژاد دورگه، مهاجرین اروپائی و آسیائی و هندی نیز در این ناحیه اقامت دارند.

مجموع کشورهای این بخش افریقا که ۱۴ واحد سیاسی را در بر می گیرند وسعتی برابر بیش از ۶/۵ میلیون کیلومتر مربع دارد که در میان آنان آنگولا بیشترین مساحت را به خود اختصاص داده است. اما موریس با ۲۰۴۵ کیلومتر مربع کوچکترین این کشورها می باشد. افریقای جنوبی با ۳۳ میلیون سکنه پرجمعیت ترین کشور در این ناحیه از افریقای سیاه می باشد.

مهاجرین هندی و آسیائی و نیز محکومینی که توسط استعمارگران باین ناحیه می آمدند در نشر اسلام کوشیدند و هم اکنون از حدود ۱۱۰ میلیون سکنه افریقای جنوبی (جنوب شرقی، جنوب و جنوب غربی) بدلیل تبلیغات وسیع و نفوذ شدید استعمار در این نقاط تنها رقیمی در حدود ۱۵ میلیون نفر مسلمان می باشند. و صرفا کشوری که بیش از ۹۰٪ مسلمان دارد سرزمین کومور واقع در جنوب شرقی افریقا است. اکثریت سکنه موزامبیک نیز پیرو آئین اسلام هستند. یکی از عوامل دیگری که میزان مسلمانان این منطقه نسبت به نقاط دیگر افریقا کمتر است بدلیل آن می باشد که در راس دولت های این کشورها افراد مسیحی (غالبا) وجود دارند و در صدد آن هستند که آمار مسلمانان را کم جلوه دهند.

کشورهای آنگولا، نامیبیا، موزامبیک، سوازیلند، لسوتو، زامبیا و زیمبابوه در خط مقدم مبارزه با افریقا جنوبی می باشند.

موزامبیک (۲)

جمهوری موزامبیک با ۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرقی افریقا و در همسایگی تانزانیا، سوازیلند، افریقای جنوبی، مالاوی، زامبیا و زیمبابوه قرار دارد. ساحل شرقی آن پست بوده ولی نواحی دیگر آن حالت فلاتی دارد. ارتفاعاتی هم در شمال و غرب آن واقع است. رودهای آن بخصوص زامبزی از فلات موزامبیک سرچشمه می گیرد و به سوی افریقای مرکزی روانه می گردد. بخش مهمی از موزامبیک را جنگ فرا گرفته است، نقاط

کوهستانی، آب و هوای معتدل و بقیه نقاط آب و هوای گرم و مرطوب دارد در سال ۱۹۴۸م اولین بار «واسکودوگاما» این سرزمین را کشف نمود. و در سال ۱۹۰۹م موزامبیک رسماً جزو مستعمرات پرتقال قلمداد گردید که پس از مبارزات طولانی مردم، موزامبیک استقلال خود را بدست آورد. (در سال ۱۹۷۵م به رهبری فره لیمو).

موزامبیک در حال حاضر ۱۵/۵ میلیون نفر سکنه دارد که اکثراً از نژاد سیاه و بخصوص بانتو هستند گرچه زبان رسمی پرتغالی است ولی اکثریت، به زبان محلی نانتو تکلم می نمایند. مرکز حکومت آن شهر «ماپوتو» می باشد.

نام موزامبیک از نام یکی از حکام مسلمان آن بنام سید موسی سامبیک گرفته شده که پرتغالی ها آن را تغییر داده و آن را «افریقای شرقی پرتقال» نامیدند و خوشبختانه پس از استقلال، نام اسلامی خود را بازیافت.

نفوذ اسلام در آن قدمتی هزار ساله دارد. دولت های اسلامی سوفولا و سامبیک در نواحی شرقی آن صاحب قدرتی بودند که تا امتداد رودخانه «زامبزی» (۳) گسترش یافتند. در قرن هشتم هجری عده ای از بازرگانان مسلمان نواحی عربستان و خلیج فارس راهی این سرزمین شده و در میان قبایل بت پرست آن ندای توحید و یکتا پرستی را سردادند و به نشر آئین رهایی بخش اسلام پرداختند. «مسعودی» جغرافی دان مسلمان از رونق و شکوفایی تمدن اسلامی در موزامبیک سخن رانده و از روابط بازرگانی این سرزمین با نواحی مسلمان نشین خاورمیانه مطالبی را ذکر نموده است.

در سال ۱۵۰۵ میلادی نیروهای متجاوز پرتغالی به شهر مسلمان نشین سوفالای موزامبیک حمله نموده و به قتل عام مردم پرداختند و عده ای را به عنوان برده به کارهای شاق گماردند و پس از آن شهر مزبور را تصرف کردند. نبرد بین پرتغالی ها و اهالی مسلمان شهر «موسی سمبیک» واقع در جزیره ای در شمال موزامبیک ۴ قرن به درازا کشید. این مبارزات بی امان بود که پرتغالی ها را به شدت عصبانی نمود و موجب آن گشت تا به قتل عام وحشیانه مسلمانان پرداخته و رهبران مسلمان را از داخل هواپیما زنده زنده به طرف مراکز سکونت مسلمین پرتاب کنند. (۴) استعمار پرتقال، برای مبارزه اساسی با اسلام که سد راه غارتگری اش بود با تصویب قانونی، تعلیم زبان عربی و آموزش قرآن کریم را ممنوع ساخت و افراد مختلف را طی برنامه هایی مجازات و مبلغین اسلامی را تبعید نمود و برای مجاهدان مسلمان اردوگاههایی را در نظر گرفت تا آنها را دور از مسلمین نگاه دارد. با این وجود، مقاومت مسلمانان در برابر حکومت استعماری پرتقال به سستی و فتور گرایش نیافت و گرچه عده ای کشته و گروه زیادی به مالاوی و تانزانیا مهاجرت نمودند. با قتل عام مردم مؤثدا در نواحی ماکنده (۵) مسلمانان با آنها و سایر قوای موزامبیک متحد شده و در سال ۱۹۶۲، جبهه آزادی بخش موزامبیک را تشکیل دادند که نبرد مسلحانه ای را بر علیه متجاوزین پرتغالی آغاز کرد نهضت مزبور که به آن

فره لیمو می گفتند اساسا از مسلمانان شمالی ترکیب یافته بود اما رفته رفته بدلیل نفوذ رهبران مسیحی بر علیه مسلمین تبعیض روا داشته و آنان را از موقع رهبری و حتی از میان توده عادی کنار زده و بسیاری را کشتند و تشکیل مزبور که به همت مسلمین بوجود آمده بود متوجه مسیحیت و حتی مارکسیست شد و به ضد اسلام سوق داده شد.

از سال ۱۹۷۵م که موزامبیک به رهبری فره لیمو کسب استقلال کرد دولت الحادی و مارکسیست روی کار آمد که تمام اعضای آن مسیحی بودند، این تشکیلات از هر فرصتی برای تحقیر مسلمانان استفاده کرد و عده ای از مسلمانان ماکویایی را وادار نمود که خوک پرورش دهند. هزاران مسلمان را در اردوگاههایی محبوس نموده که بدلیل شرایط بسیار ناگوار آن، بسیاری جان خود را از دست داده اند. مسلمانان هم اکنون در شرایط بسیار ناگواری زندگی می کنند و تماس آنان با جهان اسلام در سطح نازلی قرار دارد.

موزامبیک در حال حاضر ۱۵/۵ میلیون نفر سکنه دارد که اکثریت آنان مسلمان هستند و نیمی از مسلمانان ۱۴ واحد سیاسی جنوب افریقا تنها در این کشور ساکنند اما متأسفانه در شرایط بسیار سخت و خشن زندگی می کنند. بزرگترین قبیله موزامبیک یعنی ماکوا با ۴/۵ میلیون نفر غالبا تابع دین اسلام هستند. ۴ ایالت شمای شامل زامبیا، کابودلگار، نامپولا و نیاسا، از اکثریت مسلمانان برخوردارند.

در سالهای اخیر درگیری های شدیدی بین نیروهای دولتی و نیروهای مقاومت ملی موزامبیک (رنامو) پدید آمده که ظاهرا با پیمان صلحی بین آنان و رئیس جمهور موزامبیک این شورش ها تا حدودی تنزل یافته است. (۶) ولی از عوارض آن آواره شدن و فقر و محرومیت بسیاری از مسلمانان موزامبیک می باشد. ظاهرا در حال حاضر معاون وزیر دادگستری و مسئول امور مذهبی موزامبیک مسلمان است وی درباره امام خمینی (قدس سره) گفته بود:

Translation Movement
IMS

«ما باید از این رهبر بزرگ و رهنمودهایی که برای بشریت به جای گذاشته است به عنوان ابزار قوی در راه تداوم تفکرات والا که باعث سعادت مادی و معنوی بشر می شود استفاده کنیم.» (۷)

با آنکه موزامبیک اراضی حاصلخیزی دارد اما طی ۱۶ سال نبرد بین نیروهای دولتی و شورشیان رنامو آن را به سرزمینی جنگ زده و دچار قحطی و گرسنگی شدید تبدیل کرده است. انسانهای گرسنه در صف های منظمی ایستاده اند تا سهمیه غذای خود را که از سوی نیروهای امدادی سازمان ملل توزیع می شود دریافت کنند ارائه طولانی این کمک های غذایی، مردم را در تهیه مایحتاج خود ناتوان نموده و عقل معاش و قدرت تلاش را از آنان گرفته است. این در حالی است که ۸۵٪ مردم که در روستاها زندگی می کنند، توانایی کشاورزی را دارند اما وقوع جنگ خونین داخلی و خشکسالی موجب آن شده که ۱۵/۵ میلیون سکنه

موزامبیک، حدود ۳ میلیون نفر به کمک های غذایی وابسته باشند و خشکسالی موجب خالی شدن روستاها شده است. ۷۵٪ اقتصاد موزامبیک را یک میلیارد دلاری تشکیل می دهد که هر ساله، موزامبیک به صورت کمک خارجی دریافت می دارد. مصالحه اخیر بین شورشیان راستگرا و دولت چپ گرای خواکیم چیسائو - رئیس جمهوری موزامبیک - گرچه ممکن است این کمک ها را تقلیل دهد اما ۱/۵ میلیون نفر موزامبیکی که به کشورهای همسایه گریخته اند اگر به وطن بازگردند به غذا و وسایل کار و زندگی نیاز خواهند داشت. (۸)

جمهوری فدرال اسلامی کومور

کومور مجمع الجزایری است در جنوب شرقی افریقا در آبهای اقیانوس هند که در شرق سواحل موزامبیک و شمال غربی ماداگاسکار قرار دارد. مساحت آن به ۲۲۳۶ کیلو مربع بالغ می گردد.

کومور از جزایر فعال آتشفشانی بوجود آمده و در حال حاضر کوه کارتالا با ۲۳۶۰ متر ارتفاع (بلند نقطه کشور) آتشفشانی فعال محسوب می شود. سه جزیره اصلی آن عبارتند از گراند کومور - که با ۱۱۵۰ کیلومتر مربع وسیع ترین آنهاست - آنژوان و موئلی. چندین جزیره کوچک هم دارد. به سبب محصور بودن در آبهای اقیانوس هند و نزدیکی به خط استوا، آب و هوای گرم و مرطوب دارد.

ساکنین اولیه کومور از جزایر پولینزی هستند. این سرزمین در قرون قبل به تصرف مسلمانان درآمد و اهالی آن به اسلام گرویدند. از سال ۱۸۴۳م فرانسه این کشور را مستعمره خود نمود و در سال ۱۹۱۲م رسماً مستعمره این استعمار گر شد و با ماداگاسکار (مالاگاشی) که تحت الحمایه فرانسه بود، یکی گردید اما پس از چندی جدا شد و در سال ۱۹۷۱م به لحاظ اقتصادی خود مختار شد.

در سال ۱۹۷۵م مجلس نمایندگان کومور به طو یکجانبه استقلال کومور را اعلام نمود. کشورهای اروپای غربی، عربستان، عراق و کویت از سال ۱۹۷۹م با رژیم آن روابط سیاسی و تجاری برقرار نمودند و کومور که پس از کودتایی، از سازمان وحدت افریقا خارج شده بود در این تاریخ به عضویت آن درآمد. کومور از ۷ ناحیه تشکیل شده که به شکل فدرال اداره می شود. مرکز حکومت آن مورونی است که در جزیره گراند کومور قرار دارد.

۴۸۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۳۰٪ آن در شهرها (۱۰٪ در مرکز حکومت) زندگی می کنند. رشد جمعیت ۳٪ و تراکم نسبی آن ۲۱۵ نفر در کیلومتر مربع می باشد. ترکیب کلی جمعیت از تیره های افریقائی است اما دو دسته مهاجر در آن سکونت دارند دسته اول مهاجران سواحل شرقی افریقا، ماداگاسکار، ایران، اعراب و هندی ها دسته دوم اروپائی ها شامل پرتغالی ها، هلندیها و فرانسوی ها، زبان رسمی عربی است اما زبان سواحیلی و فرانسوی هم در آن رایج است. ۹۹٪ مردم مسلمان هستند و اقلیتی مسیحی هم دارد.

کومور پس از استقلال به خاطر قطع کمک فرانسویان به قحطی تهدید گردید که بر اثر کمکهای بین المللی و دول عربی، مردم از گرسنگی نجات یافتند. اقتصاد آن بر کشاورزی متکی است و برنج و سیب زمینی از محصولات مهم آن است. با این حال کومور واردکننده مواد غذایی است. صنایع آن عبارتند از: وانیل سازی، عطر سازی، قایق سازی، زینت آلات و عتیقه جات. واحد پول آن فرانک سی اف آ (CfA.f) و برابر صد سانتیم است.

جمهوری ماداگاسکار (مالاگاشی)

ماداگاسکار با ۵۸۷۰۴۱ کیلومتر مربع وسعت در جنوب شرقی افریقا و به صورت جزیره ای نسبتاً وسیع در آبهای اقیانوس هند قرار دارد. این سرزمین از نظر وسعت چهارمین جزیره دینا می باشد.

این کشور از سال ۱۸۹۵م تحت نفوذ فرانسه درآمد ولی در سال ۱۹۴۷م انقلاب مردم اوج گرفت و در آوریل ۱۹۶۰م استقلال یافت مرکز حکومت آن شهر «تاناناریو» می باشد.

از قرن ششم تا قرن نهم که سیل عربستان، خلیج فارس، آسیای جنوب شرقی و هند باین ناحیه سرازیر شد، اسلام توسط مهاجرین مذکور که مسلمان بودند در ماداگاسکار موج فزاینده ای بخود گرفت. در دوران استعمارگری فرانسه گرچه فعالیت های تبشیر شدت یافت اما موفق نشدند شعله های پرفروغ اسلام را در این کشور خاموش کنند و مهاجرت مسلمانان افریقای شرقی به آن بر گسترش اسلام در این کشور افزود. در وضع فعلی گروه نژادی «آتابی مورو» مسلمانان هستند و در سواحل غربی نیز عده ای مسلمان سکونت دارند از ۱۱ میلیون مردم مالاگاشی ۳ میلیون نفر مسلمان هستند ولی همچنان درانزوا و تحت شرایط سختی زندگی می کنند.

Translation Movement

از هنگامی که در سال ۱۹۷۲م گروهی چپ گرا روی کار آمدند و کشور را به سوی سوسیالیزم سوق دادند مسلمانان تحت فشار افزونتری قرا گرفتند. از حوادث اسف بار ماداگاسکار باید حادثه سرکوبی مسلمانان «مجنکا» را که توسط گروههای ضد اسلام اتفاق افتاد ذکر نمود. در این حادثه بیش از ۶۰۰ مسلمان به شهادت رسیده و هزاران نفر زخمی و مجروح شدند و دهها هزار نفر را به اجبار از جزیره بیرون راندند و لطامات و صدمات فراوانی بر اموال و دارائی مسلمین وارد شد. دولت هم هیچ حمایتی از مسلمانان نکرد.

جمهوری مالاوی (نیاسالند)

مالاوی با ۱۱۸۴۸۴ کیلومتر مربع وسعت در جنوب شرقی افریقا و در کنار دریاچه مالاوی قرار دارد کوهها و جنگلها چهره طبیعی این کشور را بوجود آورده اند. مرکز حکومت آن «لیلونگره» است که در نواحی غربی آن قرار دارد. تعداد قابل توجهی از مسلمانان در این مرکز سکونت اختیار نموده اند و به ساخت مدارس قرآنی و

مساجد متعدد اقدام کرده اند. از ۸/۵ میلیون سکنه مالاوی، ۴۰٪ مسلمان هستند که غالباً در اطراف دریاچه مالاوی و جنوب کشور زندگی می کنند. با وجود اکثریت مسلمان در این کشور، بدلیل فشارهای سیاسی و اختلافی که مسیحیان حاکم بر آن، بوجود آورده اند، در محرومیت اقتصادی بسر می برند و در مسائل سیاسی، نظامی و فرهنگی دخالت ناچیزی دارند.

بازرگانان مسلمان، حدود یک قرن در مالاوی مشغول نبرد با استعمار انگلستان بودند که سرانجام با نقشه های استعماری آنان سرکوب شده و عقب نشینی نمودند و این سرزمین تحت سیطره انگلستان قرار گرفت.

در جریان فشارهای شدیدی که بر مسلمین وارد شد تعداد زیادی مسلمان به تانزانیا، زیمبابوه و زامبیا مهاجرت نموده که مشغول کارگری هستند. مسلمانان مالاوی اکثراً مشغول فعالیت های کشاورزی می باشند.

مالاوی به موزامبیک وابسته است و دو راه آهن این کشور، آن را به اقیانوس هند ارتباط می دهد. (۹)

جمهوری زامبیا

جمهوری زامبیا با ۷۵۲۶۱۴ کیلومتر مربع در جنوب افریقا واقع است. رود زامبزی مرز طبیعی این کشور و زیمبابوه می باشد. زامبیا مدتها از نقاط مهم صادر کننده برده بود و در سال ۱۸۵۱م پای انگلستان بدان گشوده شد و به نام غارتگری انگلیسی یعنی «سیسل رودز» به رود زیبای شمالی معروف گردید و در سال ۱۹۶۴م با مبارزات مردم، مستقل و نام قدیمی خود یعنی زامبیا را بازیافت. زامبیا از ۹ استان تشکیل شده و مرکز حکومت آن شهر لوزاکا می باشد که در جنوب شرقی آن واقع است.

از ۷/۵ میلیون سکنه آن ۱۰٪ یعنی ۷۵۰۰۰۰ نفر مسلمان هستند که در استان کوپربلت و بویژه در مرکز آن «آندولا» در اکثریتند. اغلب مسلمانان سنی مذهبند ولی شیعیان هندی در بین آنها دیده می شوند، این گروه در مرداد ماه سال جاری (۱۳۷۱) برای انسجام خود، سازمان اسلامی شیعیان را رسماً تشکیل دادند. منشا نژادی مسلمانان، افریقائی و مهاجرین آسیای جنوب شرقی می باشد.

موریس

جزیره موریس در فاصله ۸۰۰ کیلومتری ماداگاسکار به همراه چندین جزیره دیگر در وسعتی برابر ۲۰۴۵ کیلومتر مربع در ۱۲ مارس سال ۱۹۶۸م دولتی مستقل را بوجود آورد. موریس تا زمان استقلال، تحت سلطه فرانسه بود. این جزیره در قرن شانزدهم توسط ناوگان پرتغالی در حالی که غیر مسکونی بود کشف گردید. بعد از استقلال کمیته عمل مسلمانان در اداره این کشور، نقش عمده ای ایفا نمودند، از یک میلیون سکنه آن ۲۰٪ مسلمان هستند که غالب آنان نژاد هندی دارند و به زبان اردو و گجراتی تکلم می نمایند. مسلمانان به فعالیت

های کشاورزی، بازرگانی و حرفه های تخصصی مشغولند و چند وزیر مسلمان در هیئت دولت وجود دارد. تعداد ۱۰۰ مسجد در سراسر موریس دایر شده که مدارس مذهبی و قرآنی بدانها وابسته اند. مسلمانان تشکیلاتی بنام «جنبش اسلامی موریس» دارند زیمباوه (۱۰)

زیمباوه

زیمباوه یعنی ساختمان یک پارچه عظیم سنگی که ناحیه ای پر از خرابه هایی از این نوع ساختمان در این کشور دیده می شود که ارزش تاریخی دارد و نام این کشور از آن گرفته شده است. زیمباوه در گذشته های دور تمدنی قدیمی را بخود دیده است. «کارل مانش» سیاح آلمانی کناره های زیمباوه را در سال ۱۸۷۱م بدون سکنه کشف کرد اما پرتغالی ها نخستین افرادی بودند که به این سرزمین وارد شدند. ۱۴٪ از سکنی ۹ میلیون نفری زیمباوه مسلمان هستند. مسلمانان بازماندگان مهاجران مالایائی، هندی، سومالیائی، و موزامبیک، هستند که در نقاط مرکزی و جنوب شرقی تمرکز بیشتری دارند.

اسلام از سال ۱۸۷۰م مطابق با ۱۲۸۷هـ-ق از طریق مهاجرت مسلمانان زنگبار به سرزمین زیمباوه راه یافت. مسلمانان ضمن تبلیغات اسلامی و آموزشهای مذهبی به بومیان افریقائی طرق مبارزه با استعمار و نبرد با متجاوزین را آموختند و به همین دلیل اشغالگران انگلیسی از ورود مسلمانان به این کشور ممانعت به عمل می آوردند.

آنگولا

جمهوری آنگولا در افریقا جنوب غربی و در ساحل اقیانوس اطلس و جنوب خط استوا قرار دارد و با ۱۲۶۴۷۰۴ کیلومتر مربع یکی از واحدهای پروسعت افریقا به شمال می رود و ۱۴ برابر پرتقال (استعمارگر آنگولا) وسعت دارد. ناحیه جدا افتاده کابیندا (در شمال غربی آن) بخشی از سرزمین آنگولا به شمار می رود که از جنگلهای استوایی پوشیده شده و بارندگی بیش از حد، آن را به صورت غیر مسکونی درآورده است. آنگولا جامعه ای است مرکب از گروههای مختلف، با فرهنگ های گوناگون، اما سکنه مهم آن بانتوها هستند که به صد قبیله و عشیره تقسیم می شوند. (۱۱)

اسلام توسط مهاجرین زنگی به آنگولا راه یافت. این ها، هم اکنون در نقاط جنوبی سکونت دارند. از حدود ۹/۵ میلیون سکنه آنگولا با وجود تبلیغات استعماری پرتقال (در هنگام استعمار این کشور) و نیز حاکمیت رژیم های چپ گرا بر آن، ۲۰٪ مسلمان هستند و در حال حاضر یکی از وزرای آنگولا مسلمان می باشد. اکثریت، کاتولیک و پروتستان مذهب و بزرگترین اقلیت آن مذهب آنیست (ابتدائی) دارند.

در سال ۱۹۷۶م که گروه مارکسیستی مپلا کنترل آنگولا را در دست گرفتند برای مسلمانان شرایط خشنی بوجود آوردند به نحوی که تعداد قابل توجهی از آنان به کشورهای دیگر افریقا که از امنیت بهتری برخوردار بود مهاجرت کردند.

نامیبیا

سازمان ملل متحد بدلیل وجود بیابان نامیب در این ناحیه و وجود قبیله ناما، کشور مزبور را نامیبیا نامید که در افریقای جنوب غربی قرار دارد. وسعت آن ۸۲۳۱۴۴ کیلومتر مربع است و صحرای کالاهاری و بیابان نامیب بخش عظیمی از این کشور را فرا می گیرد. از قرن نوزدهم این سرزمین با عنوان افریقای جنوب غربی آلمان به عنوان مستعمره آلمان قلمداد گردید. در سال ۱۹۴۵م از سوی سازمان ملل، قیمومیت نامیبیا به افریقای جنوبی واگذار شد اما در سال ۱۹۶۶م این قیمومیت را پایان یافته اعلام کرد و به افریقای جنوبی دستور داد که مردم را در اداره حکومت خود آزاد بگذارد. ولی تا سال ۱۹۸۹ میلادی افریقای جنوبی از واگذاری حکومت به مردم محروم و مظلوم و رنج دیده این سرزمین خشک خودداری نمود و مصوبات سازمان ملل را قبول نکرد.

برای مبارزه با تهاجم افریقای جنوبی از سوی مردم نامیبیا قیامها و اعتراضاتی صورت گرفت که در سال ۱۹۵۸م به تاسیس سازمان خلق افریقای جنوب غربی (سواپو) (۱۲) منجر شد، رهبران این جنبش در آغاز به صورت تبعید در تانزانیا به سر می بردند که در آنجا تحت تاثیر مسلمانان ضمن فراگیری تعلیمات مذهبی، با روشهای مبارزه بهتر و بیشتر آشنا شدند. رهبری این جنبش را «سام نجوما» به عهده داشت در سال ۱۹۷۴م سواپو از طرف مجامع رسمی و بین المللی به عنوان نماینده قانونی مردم نامیبیا به رسمیت شناخته شد و در نتیجه سایر گروهها بدان پیوسته و بر علیه سیاست افریقای جنوبی دست به پیکار همه جانبه زدند. سازمان وحدت اسلامی افریقا نیز آن را در سال ۱۹۶۴م به رسمیت شناخته بود. (۱۳)

Translation Movement

با مبارزات مسحلا نه و عملیات پارتیزانی مداوم و مستمر نیروهای سواپو، سرانجام در سال ۱۹۸۹م دولت نژادپرست افریقای جنوبی تسلیم حق قانونی مردم شد و این کشور آزادی را در آغوش کشید.

۵٪ سکنه ۱۲۰۰۰۰۰ نفری نامیبیا پیرو آئین اسلام هستند.

بوتسوانا

این کشور در جنوب افریقا و در نزدیکی بیابان کالاهاری قرار دارد. مدار - راس الجدی - از جنوب این کشور عبور می کند. آب و هوای گرم و خشک دارد و وسعت آن به ۶۰۰۳۷۲ کیلومتر مربع بالغ می گردد. از ۱۲۸۰۰۰۰ نفر آن ۵٪ مسلمان هستند که درگابرون و لالاتس مساجدی ساخته و دو مدرسه اسلامی هم دارند.

لسوتو

لسوتو از هر طرف به افریقای جنوبی محصور می باشد و در واقع در کام این کشور است. سرزمینی است کوهستانی و محصور در خشکی با آب و هوای معتدل قبلاً بنام باسوتولند معروف بود. در قرن نوزدهم انگلستان به غارت منابع الماس و طلای آن پرداخت. از ۱۷۳۷۰۰۰ سکنه آن ۵٪ مسلمان هستند.

سوازیلند

سوازیلند از سه طرف با افریقای جنوبی هم مرز است. از شرق با موزامبیک مرز مشترک دارد کشوری است محصور در خشکی، کم ارتفاع و آب و هوای معتدل دارد در سال ۱۹۶۸م از کشور انگلستان استقلال پیدا کرد. دلیل نفوذ استعمار و تبلیغات مسیحیان و شرایط خشن بر آن، اسلام در این کشور گسترش زیادی ندارد. و از ۷۵۱۰۰۰ نفر جمعیت آن در حدود ۴٪ پیرو آئین جاودانی و حیات بخش هستند.

افریقای جنوبی

جمهوری فدرال افریقای جنوبی با ۱۱۲۲۳۰۶ کیلومتر مربع در منتهی الیه جنوب افریقا قرار دارد. آب و هوای آن در مجموع معتدل و مرطوب است و رودخانه مهم آن اورانژ نام دارد. مرکز اداری و اجرائی آن شهر پرتوربا و مرکز قانون گذاری کیپ تاون و مرکز اقتصادی آن بلوتوم فتین نام دارد.

۳۰٪ الماس دنیا و مقادیر عظیمی از طلای جهان در این کشور استخراج می شود. تولید طلا از سال ۱۹۷۷م ۹۶۷ تن بود که ۷۰۱ تن آن به افریقای جنوبی تعلق داشت. (۱۴)

با کشف الماس در سال ۱۸۶۷م در افریقای جنوبی، دندان انگلستان برای تجاوز به این سرزمین تیزتر شد.

حدود ۳۲ میلیون نفر سکنه دارد که از نژادهای سیاه، رنگین پوست، آسیائی و اروپائی می باشند. «بوئرها» گروهی از هلندیها بودند که به افریقای جنوبی مهاجرت کرده و در آن سرزمین به کشاورزی مشغول شدند این افراد، سیاهان جنوب را به زیر سلطه کشیدند ولی در قرن نوزدهم که انگلستان قصد تصرف افریقای جنوبی را داشت، بوئرها دست به اسلحه بردند و با آنان به نبرد پرداختند.

اما با وجود حمایت سیاسی - تبلیغاتی آلمان از بوئرها، انگلستان دلیل مجهز بودن به سلاحهای قوی و قوای بسیار، مقاومت بوئرها را درهم شکست. البته قبل از بوئرها، پرتقالی ها به جنوبی ترین نقطه افریقا یعنی دماغه کاپ رسیدند، سفید پوستان رفته رفته با وجود آنکه اقلیتی از سیاهان را تشکیل می دادند بر این نژاد محروم و مظلوم سلطه یافته و بر آنان حکومت می نمودند اما سیاست خاصی را پیش گرفتند و آن جدائی نژادی یا رژیم

آپارتاید (۱۵) است. آپارتاید در کشور مزیور جدائی نژادی را به حدی شبیه نوعی فاشیزم خطرناک سیاسی رسانیده بود.

اروپائیان حاکم بر این کشور با صدور کارت هویت نژادی برای افراد بومی ۱۶ سال به بالا کلیه اعمال و حرکات و موقعیت آنان را در کنترل دارند. صاحب چنین کارتی از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجلس محروم است. سطح زندگی بین اقلیت ۴ میلیونی و کثرت سیاهپوست تفاوت بسیار زیادی دارد و مردم بومی در نهایت فقر و محرومیت به سر می برند. گرچه در سالهای اخیر آزادی هایی به سیاهپوستان داده اند ولی هنوز آنان به حقوق واقعی خود دست نیافته و همچنان با اختناق، فشار و سرکوبی روبرویند.

که در انتهای جنوبی افریقای جنوبی قرار دارد جایگاه اولیه (۱۶) مسلمین وارد شده باین کشور است. تلاش مسلمین این ناحیه برای زنده نگاه داشتن آئین جاودانی اسلام همراه با حوادثی است که برخی توام با عزت و افتخار و در مواردی هم با درد و رنج توام بوده است. اولین گروههای مسلمان، بردگان، محکومین و زندانیان سیاسی بوند که از سواحل شرقی و غربی افریقا، آسیای جنوب، جنوب شرقی توسط استعمارگران بین سالهای ۱۶۵۲م تا ۱۸۳۴م آورده شده بودند. شماری از آنها را کشتی های انگلیسی، فرانسوی و منتقل نمودند. به عنوان مثال گروهی از آنان به مردیکرز (۱۸) معروف بودند که از مالزی به عنوان خدمتکاران هلندی به هلند مسافرت کرده و همراه با بوئرها (هلندی ها) باین ناحیه آمده بودند. ۲۶/۵٪ این بردگان از میان افریقائی ها و بویژه ماداگاسکار که محل تردد کشتی ها و حمل بردگان بود، انتخاب گردیدند. ۴۰٪ از آسیای جنوبی و ۳۳/۵٪ از آسیای شرقی و جنوب شرقی. بردگان افریقایی غالبا از مناطق زنگبار، جزیره ایو و موزامبیک و نیز از غرب آفریقا (گینه، سنگال، گامبیا و بنین) خریداری می شدند. بردگان ماداگاسکاری نژاد دورگه اندونزی - افریقائی و آمیخته ای از دو فرهنگ را داشتند.

Translation Movement

در پایان قرن هیجدهم تقریباً کلیه بردگان این منطقه به اسلام گرویده بودند. در نزدیکی کیپ تاون و در آبهای اقیانوس اطلس، جزیره روبن (۱۹) واقع است که زندان بسیاری از مسلمانان و مبارزان برای آزادی افریقای جنوبی بود. این جزیره از سال ۱۶۵۲م که سفیدپوستان باین سرزمین آمدند به عنوان زندان مورد استفاده قرار گرفت. بسیاری از علمای اسلامی که برای تبلیغ به افریقای جنوبی آمدند باین جزیره تبعید می شدند. سید علوی ۱۱ سال از عمر خود را در جزیره روبن گذراند. وی پس از آزادی شدن، اولین امام جماعت مسلمانان شهر کیپ تاون بود.

عبدالله بن عبدالسلام معروف به توان گورو (استاد محترم) به مدت ۱۳ سال در جزیره مزبور تبعید بود و در زمان تبعید موفق شد کتاب معرفت الاسلام و الایمان را بنویسد. امام نورمان که نقش مهمی در بیداری مسلمین کیپ تاون داشت در این جزیره تبعید بود. در این جزیره آرامگاهی قرار گرفته که سمبل مسلمانانی

است که برای افریقای جنوبی مبارزه کرده اند و تاریخ آن به ۱۹۶۰م می رسد. عده ای عقیده دارند «توان ماتاره» که شخصیتی اسلامی با تحصیلات عالیه بود در اینجا دفن است او آنقدر مقدس و محترم بود که حتی زندانبانهای غیر مسلمان جزیره وی را در دیدار با سایر زندانیان آزاد گذاشته بودند. نلسون ماندلا معروفترین مبارز افریقائی ۲۷ سال از دوران عمر خود را در جزیره یاد شده زندانی بود.

مسلمانان اولیه، شافعی مذهب بودند و امروزه اقلیتی با مذهب حنفی هم در میان مسلمانان هستند. از همان اواسط قرن هفدهم که هلندیها به سواحل افریقای جنوبی آمدند، مسلمانان بومی، درگیری را با آنان آغاز کردند اما با وجود مقاومت آنان، هلندی ها کیپ تاون را به تصرف خود درآوردند.

علاوه بر افراد بومی ۸۵٪ دیگر مسلمین که منشاء هندی، اندونزیائی، مالاوی، زنگباری و موزامبیک دارند در افریقای جنوبی به سر می برند که اغلب در کاپ تاتال و ترانسوال اسکان یافته اند. آنان به امور بازرگانی، فنی و صنعتی و کارگری اشتغال دارند. مسلمانان مجلس اسلامی دارند که ۱۵۰ مؤسسه اسلامی تحت پوشش آنان فعالیت می کند و تدریس اسلامی در ۲۰۰ مسجد آن انجام می گیرد. مسلمانان، ضمن برپائی شعائر دینی با مسلمین جهان در ارتباطند. (۲۰) اولین مدرسه اسلامی در سال ۱۷۹۱م در شهر کیپ تاون برای آموزشبرندگان مسلمان و سیاهان آزاد بوجود آمد و از آن سال تا ۱۸۳۲ میلادی ۱۲ مدرسه دیگر پدید آمد. با آموزشهای اسلامی این مدارس تا سال ۱۸۴۲م ۳۵٪ مردم کیپ تاون مسلمان بودند. از نیمه های قرن نوزدهم مسلمانان الفبای عربی را برای نوشتن زبان محاوره ای «افریکانس» (۲۱) (مخلوطی از هلندی، آسمانی و انگلیسی هم دارد) برگزیدند و بعدا چندین کتاب دینی باین زبان نوشتند. تنها در خلال سالهای ۱۸۶۸م تا ۱۹۱۰م، ۷۴ جلد کتاب باین زبان تالیف شد. بهره برداری از الفای عربی در نوشتن زبان افریکانس نشان دهنده نسبت بالای سواد در میان بردگان مسلمان آورده شده باین منطقه است و گویای نقش مسلمین و غنی سازی زبان مذکور است. (۲۲) هم اکنون به علت تبلیغات منفی و سرکوبی شدید رژیم نژادپرست افریقای جنوبی تنها ۲٪ سکنه افریقای جنوبی مسلمان هستند.

پی نوشتها

- ۱- اطلس شگفتی های جهان - ترجمه و تالیف غلامرضا کیامهر، تهران ۱۳۶۹ ص ۳۶.
- ۲- بنا به گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۱ موزامبیک با درآمد سرانه ۷۰ دلار در سال فقیرترین کشور جهان بوده است.

-Zambezi 3

۴- نبرد اسلام در افریقا - سید هادی خسروشاهی.

-Makonde 5

- ۶- روزنامه جهان اسلام سال دوم ش ۴۲۱.
 ۷- روزنامه جمهوری اسلام شنبه ۶۸/۴/۱۰ ص ۱۲.
 ۸- گزارش سازمان ملل متحد به نقل از روزنامه کیهان ۱۷ آبان ۱۳۷۱ ش ۱۴۶۲۰ ص ۱۶.
 ۹- تاریخ افریقا - دکتر حسین الهی ص ۲۷۴.

-Zimbabwe 10

۱۱- آنگولا، داگلاس ل. ویلر. رنه پلی سیه، ترجمه محمود فخر داعی، تهران خوارزمی، بخش اول.

-South west Africa people oranization(SWAPO) 12

۱۳- نژادپرستی و آپارتاید در افریقای جنوبی و نامیبیا - دکتر حسین الهی ص ۱۳۲.

۱۴- کیهان ش ۱۰۴۴۸.

-Apartheid 15

-Cape of Good Hope 16

-cape town 17

-Mardy Kers 18

-Robben 19

۲۰- مجله العالم ش ۴۲۲

-Afrikaans 21

۲۲- تاریخ اسلام در افریقای جنوبی مهندس حسن بشیر مندرج در روزنامه اطلاعات.



نهضت ترجمه
 Translation Movement
 .IMS